

نماز و نوسازی معنوی

مؤلف: دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز تابستان ۷۷

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۷۷

چاپ: مهر - قم

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

بسم الله الرحمن الرحيم

هفتمین اجلاس سراسری اقامه نماز با پیام مقام معظم رهبری و با حضور اندیشمندان و متفکران حوزه و دانشگاه در روزهای نهم و دهم مهرماه سال ۷۶ در ارومیه برگزار شد.

در این اجلاس مجدداً پرچم پرصلابت عبودیت به اهتزاز درآمد و بانگ حی علی الصلوٰه در اشاعه ی فرهنگ نماز و بسط و توسعه آن در میان تشنگان معارف الهی طنین انداز شد.

جستجوی راهکارهای جدید و تعمق و اندیشه در شناسایی اقدام های مؤثر، جلوه ای از ندای حیّ علی خیر العمل بود. حضور صمیمی و مشتاق صاحب نظران و متفکران و مسئولان اجرایی به همراه سخنرانی عالمانه حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که بی تکلفانه بایسته های اقدامات آتی را خاطرنشان می ساختند بر غنا و عمق مباحث می افزود.

در این سمینار علاوه بر سخنرانی شخصیت های فرهنگی و مسئولان تراز اول اجرایی، تعدادی از مقالات برگزیده نیز ارائه شد که برخی از آنها در این مجموعه گزارش شده است. میزگردهای علمی ارائه شده، نمایشگاه جانبی فعالیت ستادهای اقامه نماز استان ها و دستگاه ها و گفتگوهای مشورتی در

[صفحه ۸]

کمیسیون های مختلف از جمله برنامه های این اجلاس بود.

لازم بذکر است علاوه بر مهمان های خارج از استان، مسئولان دستگاه های فرهنگی، اداری و نهادهای انقلاب اسلامی علماء و روحانیون و عده ای از مردم شهیدپرور و متدین ارومیه نیز در این اجلاس حضور بهم رسانده بودند و در افتتاحیه این اجلاس جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حسنی امام جمعه محترم ارومیه به مهمانان و حضار خیر مقدم گفتند. شایسته است همین جا از تلاش های همه مسئولان استان آذربایجان غربی مخصوصاً امام جمعه محترم ارومیه، استاندار وقت جناب

آقای مهندس سعادت و مسئول محترم ستاد اقامه نماز استان آقای برزگر صمیمانه تشکر نمائیم.
خداوند همه خدمتگزاران اسلام و قرآن را توفیق روز افزون مرحمت فرماید.

دکتر محمدیان

معاون تحقیق و تألیف ستاد مرکزی و

مسئول دبیرخانه دائمی اجلاس نماز

[صفحه ۹]

پیام مقام معظم رهبری

خطاب به هفتمین اجلاس سراسری نماز

[صفحه ۱۱]

«بسم الله الرحمن الرحيم»

در میان مجموعه وظایف خطیری که با استقرار حاکمیت الهی در نقطه ای از زمین بر دوش مؤمنان و بندگان زبده خداوند قرار می گیرد، قرآن اقامه نماز را شأنی ویژه بخشیده و آن را در صدر فهرست جای داده است «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ».

اگر بر پا داشتن نماز در میان مردم نقشی بنیانی نمی داشت و همچون پایه استواری برای پیشبرد هدف های بزرگ نظام اسلامی به شمار نمی آمد، چنین تأکید بلیغی بر اهمیت نماز نمی شد. حقیقت آن است که نماز با نقش عظیم تربیتی، با تأثیر شگرف در ایجاد آرامش و سکینه ی قلبی مؤمنان، با دمیدن روح توکل و تقوا و اخلاص در نمازگزار، با ایجاد فضای تقدس و معنویت در پیرامون نمازگزار که موجب دوری او و دیگران از گناه است و با درس های معرفتی گوناگون که در الفاظ و اذکار آن نهفته است، بسی بیش از صرفاً یک وظیفه شخصی و در واقع دارای نقش کلیدی در اداره ی فرد و جامعه است. تأکیدهای بلیغی که بر نمازگزاردن این واجب شده و حتی پدر و مادر موظف شده اند که فرزند خود را از دوران کودکی به آن مأنوس سازند، در میان همه واجبات دینی بی نظیر است و

[صفحه ۱۲]

این به خاطر نقش استثنایی نماز در تنظیم انگیزه های روانی فرد و تأمین فضای مساعد برای تحمل بارهای سنگین وظیفه در جامعه است.

با توجه به همه ی این جهات، به حق باید نماز را برترین اعمال دانست و صلاهی «حی علی خیرالعمل» را در بانگ نماز، سخنی حکمت آمیز به حساب آورد. نماز است که مایه های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبد را که پشتوانه

ی حتمی واجبات پرخطر و دشوار، همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می آورد. و او را شجاعانه بدان میدان ها گسیل می دارد، هنگامی که به خاطر هجوم دشمن، فریضه ی جهاد اهمیت می یابد، یا بر اثر دشواری زندگی قشرهایی از مردم، فریضه ی زکات و انفاق همه را مخاطب می سازد، یا به اقتضای تلاش دشمن در عرصه ی فرهنگ و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی می شود. در همه ی این شرایط، نماز نه فقط از شأن خیرالعملی فرو نمی افتد، بلکه به مثابه ی پشتوانه ی روحی و معنوی همه ی مجاهدت ها و ایثارها و خطرپذیری ها بر اهمیت آن افزوده می شود. امروزه با سیطره نظم ماشینی بر همه ی جامعه های بشری، انسان و انسانیت ها سخت در حال فشارند. آحاد بشر در چنین نظامی ناگزیرند آهنگ زندگی فردی و اجتماعی را با نواخت سنگین و روح گداز ماشین، همسان و یک آهنگ کنند. رحم و مروت و گذشت و ایثار و بسی ارزش های اخلاقی دیگر، در این هم نواختی است که کم تأثیر و بی رنگ می شود، و خانواده و اخلاق و همزیستی مهرآمیز خانوادگی، در چنین وضعی است که پایمال و منهدم می گردد. از ده ها سال پیش دل سوزان و تیزبینان، حتی در قلب محیط تمدن صنعتی و ماشینی این خطر را احساس کرده و هشدار داده اند و با تأسف هنوز میلیون ها انسان - به ویژه جوانان که احساسات لطیف تر و

[صفحه ۱۳]

روحیه ی آسیب پذیرتر دارند - در این بلای بزرگ همچنان بی دفاع و بی علاجنند. نیاز به رابطه ی معنوی با خداوند رحیم و کریم، بدین جهت، امروز برای مردم دنیا از همیشه حادثتر و جدی تر است، و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است. بشریت امروز به نماز خالص و کامل و پرشور اسلامی از همیشه نیازمندتر است و شما مسئولان امر ترویج نماز، باید به کمک الهی بتوانید، نه فقط نسل رو به رشد و بالنده ی جوان کشورمان، بلکه همه ی جان های نیازمند و کام های تشنه ی بشر متحیر در سراسر جهان را، اشباع کنید و از سرچشمه ی فیاض نماز بهره مند سازید.

اینجانب ضمن تقدیر از زحمات شما عزیزان که سال به سال گسترده تر و بارآورتر می شود، شما و دیگر مسئولان و همه ی ملت عزیز را به نکات زیر توصیه می کنم:

۱- آشنایان با معارف اسلامی، شأن نماز و روح و محتوا و گستره ی تأثیر آن در جان فرد و مجتمع را با شیوه های رسا تبیین کنند، و به ویژه هنرمندان برای این مقصود از ابزار کارآمد هنر بهره بگیرند.

- ۲- پدر و مادرها، کودکان و نوجوانان را با صورت و معنای این فریضه آشنا سازند و اگر باید از دیگران کمک گرفت، کتاب های شیرین و آسان فهم را برای کودکان خود بخوانند.
- ۳- معلمان مدارس در هنگام نماز، نوجوانان پسر و دختر را به حضور در نمازخانه های مدارس تشویق کنند و خود پیش از همه به نماز بشتابند.
- ۴- مسئولان پرورشی مدارس، نماز را در رأس برنامه های پرورشی به شمار آورند.

[صفحه ۱۴]

- ۵- مسئولان ورزش کشور، محیط ورزش را با یادآوری و اقامه ی نماز، روح بخشند و در تعیین وقت مسابقات ورزشی ساعت نماز را فارغ و زمین و زمان را آماده برگزاری نماز کنند.
- ۶- برنامه ریزان حرکت رسانه های سفری مانند قطار و هواپیما و غیر آن، حفظ وقت و امکان نماز مسافران را در برنامه ریزی ها در نظر بگیرند.
- ۷- ائمه محترم جماعات، مساجد را از همیشه فعالتر کنند، و آموزش ترجمه و مفهوم و روح نماز را به شکل نوین و جذاب، در برنامه های خود بگنجانند.
- ۸- نویسندگان کتب معارف دبیرستان ها و دانشگاه ها، نماز را از موضوعات مورد بحث آن کتاب ها قرار دهند و در آن بحث های عالمانه و عمیق را در این باره مطرح سازند.
- ۹- جوانان عزیز، دقایق معدود نماز را فقط برای نماز بگذارند و در طول نماز، تا آنجا که می توانند با تمرکز و حضور قلب، مایه ی زندگی بخش ذکر و تضرع را برای جان و دل نیازمند خویش تأمین کنند.
- ۱۰- همگان نماز را که داروی شفابخش روح و مایه ی صفا و آرامش و نورانیت است بر همه ی کارهای دیگر مقدم دارند و در هیچ شرایطی خود را از آن محروم نسازند و هرگز به بهانه ی مشغله و گرفتاری، این حضور رهایی بخش در محضر آفریدگار رحیم و کریم و عزیز را از دست ندهند. خداوند فیض نماز را بیش از پیش بر این ملت مؤمن و نمازگزار، ارزانی فرماید.

«و السلام علیکم و رحمۃ الله»

۷۶ / ۷ / ۷

«سید علی خامنه ای»

نماز پیامی برای بشریت

آیت الله هاشمی رفسنجانی
«ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام»

بسم الله الرحمن الرحيم
«الحمد لله و السلام على رسول الله و آله»

خداوند را شکر می کنیم که توفیق پیدا کردیم در این اجلاس ارزشمند الهی، لحظاتی با شما بزرگان و شخصیت های مؤثر در فرهنگ کشور و انقلابمان در باره ی نماز صحبت کنیم. کار ارزشمندی است که ستاد اقامه ی نماز در این سال ها پیگیری کرده و پیگیرانه این هدف مقدس را ادامه می دهد. بنده هم خرسندم که توانسته ام گاهی در بین شما باشم؛ سال قبل در زنجان و امسال در ارومیه به تلاشگران عرصه نماز اظهار ارادت نمایم. و تشکر بکنم از این حرکت مقدس. حرف های اساسی با پیام پر محتوای رهبر عزیزمان مطرح شد. بنده از بُعد دیگری مسأله را مورد بحث قرار می دهم و می دانم که با سخنرانی هایی که طی برنامه ها ایراد خواهد شد، مسئولین اجلاس می توانند سرمایه ی خوبی برای طریق پر خیر نماز بدست آورند.

ارائه الگوی قابل عرضه ای از نماز به دنیا
امروز روان شناسان دلسوز دنیا و همچنین جامعه شناسان قبول دارند که خلأی در زندگی بشر و به خصوص جوان ها وجود دارد و دائم هشدار می دهند و اخطار می کنند و به دنبال راهی هستند که این خلأ را به گونه ای پر

نمایند. مسئولان کشورها هم، آنهایی که به سرنوشت مردم علاقمندند، این نگرانی را دارند. ما کمتر از کشورهای دیگر نگرانیم، ولی ما هم نگرانی داریم. ما که در محیط دین و جهاد و شهادت و شادابی انقلاب و صفای مذهبی زندگی می کنیم، نگران افکار و سرنوشت فرزندانمان و نسل نو هستیم. خوب بقیه رهبران و دلسوزان که در کشورشان امتیازات ما را هم ندارند و ما می توانیم وضعشان را درک کنیم، سریعاً می گویند که اینطور نیست، تا مشکل را مخفی کنند. به نظر می رسد که دنیا برای گرفتن پیامی آماده می شود، و باید این پیام سنجیده و همه جانبه و قابل نفوذ باشد. در شرایطی که من می بینم در مجموعه ی دنیا خلأیی که اعلام می کنند، سرگردانی فکری برای جوان ها و نسل نو است و هر چه که برایش درست می کنند، برنامه ریزی می کنند، درست این را خیلی روشن نمی دانند، ولی مسأله خیلی جدی است. الان در آنجا وضع در حال بدتر شدن است، چون دوره ی طولانی الحادی بر کشورشان حاکم بوده است. اگر چه آنها هم مسائلی از قبیل ایدئولوژی و ارزشهایشان را مطرح می کردند- که ما حالا در انقلابمان بر این مسائل بسیار تأکید می کنیم- اما از یک بعد و زاویه دیگری به سرعت در

[صفحه ۱۹]

کشورشان تبلیغ می شود. بحث عدالت، مساوات، حقوق ضعفا، حقوق کارگران، شکستن استبداد، شکستن استعمار و شکستن سرمایه داری از جمله مسائلی است که با همه امکانات خود در مدرسه ها و کودکان ها و با همه ی ابزارهای تبلیغاتی شان به خورد کودکان و جوانانشان داده اند. آنها با اینکه نسلی ایدئولوژیک بار آورده اند، ولی حالا که در آنجا قدری فضا باز شده است احساس می کنند که این نسل بسیار تو خالی، گمراه و بی هدف هستند. در کشورهای جهان سوم و فقیر هم که در آنجاها بندگان خدا جایگزینی برای چیزهایی که باید اوقات فراغت را پر کند ندارند و فاقد برنامه ی درستی برای هدایت فرزندانسان هستند، به کسانی برخورد می کنیم که برای بچه ها و نسل جوان خود دلشان می سوزد و واقعاً نگرانند که چه خواهد شد و چگونه باید این بچه ها را تربیت کرد و چه چیزی آنها را جذب می کند؟ و من طی سفرها و ملاقات های خود و در مطالعات و گزارش هایم این موضوع را به خوبی احساس می کنم. ما برای این مسأله جواب داریم و به جوابمان نیز معتقدیم. اما نه هنوز خودمان توانسته ایم آن را به اجرا درآوریم و نه توانسته ایم آن را به صورت برنامه ای درست، عملی و قابل فهم عموم به دنیا عرضه بکنیم. رسیدن به این هدف به کار عمده ای نیاز دارد. اگر در کشور خودمان موفق بشویم، تبلیغ بعد از آن آسان است، چون بهترین تبلیغ آن است که الگوی مناسبی بسازیم و بعد آن را عرضه نماییم؛ تا اینکه بیاییم استدلال کنیم،

کتاب بنویسیم و حرف بزنیم، البته عده ای می فهمند، اما توده ی مردم را با یک الگو می شود قانع کرد و آن موقع است که هنر و ذوق و علم و بیان در خدمت معرفی آن الگوها قرار می گیرند.

[صفحه ۲۰]

نیاز ذاتی و فطری انسان به پرستش

پایه ی فکری بحث من این است که ماهیت بشر را بشناسند و گمشده ی انسان را پیدا کنند. اگر این گمشده پیدا شد و ما توانستیم آن را نشان دهیم، کار تبلیغ بسیار راحت می شود. البته الان گفتن این مسأله آسان است ولی اثبات و تحکیم آن بسیار مشکل است. این موضوع در معارف ما به طور خیلی روشن بیان شده است، اما دنیا به تدریج و از طریق دیگر در حال رسیدن به این نتیجه است. ما از طریق معارفمان به این نتیجه رسیده ایم که در فطرت انسان و در حاق وجود انسان، پرستش معبود و موجود مقدس و قابل پرستش، یک نیاز است. یعنی انسان در درون وجود خودش یک چنین حسّی دارد. در جامعه ای که انسان در فطرت خود به صفات ارزشی پای بند است احساس می کند که به ستایش معبود و عبادت و کرنش و پرستش موجودی بی عیب و مصداق جمال و جلال و کمال نیاز دارد و می خواهد او را بپرستد، به سمت او برود، او را پیدا کند و خود را متخلق به اخلاق او نماید. چنین چیزی در فطرت انسان ها است. برای ما که اهل کتاب و روایت و قرآن و حدیث هستیم، فهم این مطالب بسیار آسان است، زیرا آنها را بسیار شنیده ایم و خیلی زود قبول می کنیم، ولی باید مقداری روی جامعه ی بشری کار بشود تا این مسائل را بپذیرد. قبل از این نقطه ای وجود دارد که جایگاهش در فلسفه و عرفان ما روشن است. به قول عرفا و حکما، سایه ی حقیقت موجودات ماسوی الله چیزی جز سایه و انعکاس یک حقیقت مطلق نیست، یعنی ذات وابسته ی محتاج و فاقد هستی ذاتی. نفس وجود ما، ذات وجود

[صفحه ۲۱]

ما احتیاج است و استقلال از خودمان نداریم. همه ی موجودات اعم از کوه ها، زمین، دریاها، آسمان ها و افلاک و از جمله انسان این گونه اند. البته انسان امتیازات دیگری هم دارد. این حالت جدی و عمیق وابستگی و احتیاج ما، اساس آن حالت فطری نیاز به پرستش و نقطه ی اتکا است و عبادت از همین جا نشأت می گیرد. حال اگر ما

بتوانیم این موجود محتاج و نیازمند را پیدا کنیم، همان نیاز را پیدا کرده ایم. به عنوان مثال نیروی جاذبه ای که زمین دارد و این قدرت جاذبه ای که اجسام را جذب می کند، در این میان یک چیز مستقلی نیست. این وابستگی را شما تصور کنید. مثال دیگر پرتو و اشعه اجسام است. حالت اشعه را ببینید (آفایانی که تحصیلاتشان در این رشته ها است، این مطالب را به خوبی می دانند)، موجوداتی که پرتو و اشعه پخش می کنند، به محض از بین رفتن موجود، اشعه قطع می شود. شعاع اصولاً همان کشش اوست. ما این طوری هستیم، یعنی وجود ما این گونه است، مثل شعاع. مثال دیگر اشعه ی اورانیوم است. اگر اورانیوم نباشد، اشعه ی آن چه وجودی دارد؟

ما اگر وابستگی و بی اختیاری خود را از این بعد بتوانیم بفهمیم و بدانیم که چنین چیزی وجود دارد - که البته این حالت را در فطرتمان داریم - و از اینجا است که می خواهیم نقطه ای را ستایش کنیم که شعاع، پرتو و سایه ی او هستیم و خودمان را به آنجا وصل بکنیم، عبادت و پرستش در وجود ما شکل می گیرد و می خواهیم حالت بی ثباتی خود را آرامش ببخشیم. بشر به دنبال آرامش و اطمینانی است که با آن بتواند وجود متلاطم و پر التهاب خود را آرام سازد. گاهی آدمی این آرامش را در مال می بیند، گاهی در زن، گاهی در جاه و قدرت و ریاست، گاهی در انواع تجملات و خاصیت های نفسانی و... انسان

[صفحه ۲۲]

همه ی این ها را می چشد و این ها همه باید باشد تا ما به کمک این ها سر پا بمانیم و به آن طرفی که باید، برویم. حکایت سرگردانی نسل جوان

حالا خلاصه ی حرف من این است که دنیا به جای این که آن نیاز واقعی را پیگیری کند، نیازهای فرعی را دنبال می نماید. همه اینها به خاطر آن نیاز اصلی در آفرینش انسان تعبیه شده اند، همه ی این عشق ها، علاقه ها، ارتباطات و جاذبه ها در عرفان و جهان بینی ما، در وجود انسان و موجودات دیگر گذاشته شده اند تا به آن هدف اصلی برسند. این راه در میان راه های انحرافی گم می شود. وقتی که به یک راه فرعی می رویم به بن بست می رسیم، بعد برمی گردیم و راه فرعی دیگری انتخاب می کنیم، این حکایت سرگردانی نسل جوان است.

اگر ما بتوانیم راه اصلی را که در شاه راهش قرار دارد در مقابل اینها باز بکنیم و این ارتباط را برقرار نماییم، کار بزرگی انجام داده ایم. مسأله مهم اسلام هم این است که تمام علائق جسمی و جاذبه های بشری را قبول دارد و اصولاً آنها را لازمه این حرکت می داند و این علائق و جاذبه ها چرخ های ارابه حرکت به سوی معشوق واقعی

هستند - آن نقطه ای که به آن وابسته هستیم - این حرکت با ایمان و دانش شروع می شود، با مقامات بعدی که برای وصول در نظر گرفته شده تثبیت می گردد و در نهایت به خضوع و خشوع و اخلاص و آرامش مطلق می رسد. این دستاورد یک حرکت صحیح عبادی در منازل سالکین است. البته عده ی کمی می توانند به قلّه برسند و مسیر را تا نهایت طی کنند، ولی در آن مسیر به

[صفحه ۲۳]

اندازه عدد نفوس خلاق درجه و پله وجود دارد. موجودات غیر انسان مسیر خود را به طور جبری طی می کنند. آنها همان طور که به صراحت از قرآن می فهمیم همه تسبیح دارند، همه عبادت دارند و عبادتشان هم در همین مسیری است که خداوند برایشان قرار داده است. این فقط ما انسان ها هستیم که خداوند این افتخار را به ما داده است که راه را خودمان انتخاب کنیم و این بار سنگین را بر دوش ما نهاده است. اما کوره راه بسیار است و راه های مختلف با زرق و برقی که در چشم انداز این راهها می بینیم در مقابل ما قرار دارد، اما همه اینها هم سراب است و هم حقیقت و باید باشد، ما باید بدانیم که این راه ها راه اصلی نیستند. مشکل ما اینجا است و انتخاب ما را قدری مشکل می کند. این ها وظیفه ی ناهین از منکر، آمرین به معروف و علما را مشکل تر می کند. هر قدر انسان در این بعد، یعنی در علوم خداشناسی و جهان بینی باسوادتر باشد و آن جمال مطلق را بیشتر بشناسد، خشیت و خضوعش بیشتر می شود و می فهمد که جاذبه های دنیایی هیچ نیست و آن طرف خیلی بزرگ است. البته ما این حالت را نزد عده ی کمی از عرفا می توانیم پیدا کنیم، اما مهم این است که ما توده ی مردم و جوانانمان را در این راه بسیج کنیم و در این مسیر قرار بدهیم تا هر کس به اندازه ی وسع خود به درجه ای برسد و خودش را بالاتر بکشد.

نقش نماز در هدایت انسان

از مهم ترین سرمایه های ما برای این کار- به جز دانش و عرفانی که داریم- عبادات، اذکار و نسکی است که در دین ما تعبیه شده است. این مسائل بسیار

[صفحه ۲۴]

مهم است و من در این قسمت از بحث به نقطه ای می رسم که امروز شما برای آن اجلاس تشکیل داده اید، و آن همین نماز است. این مسائل نامحسوس است و باید با ابزار دیگری دیده شود و آدم باید با حرکت های دیگری به اینجاها برسد. آن حرکت ها را برای ما تنظیم کرده اند. کار مهم این اذکار و ادعیه و مناسکی که داریم، حج و نماز و انواع عباداتی که داریم همین ها است که به گونه ای تنظیم شده اند که متناسب با ضعف ما، متناسب با جمال حق و متناسب با راهی باشند که در پیش داریم. اینها ابزار این کار است. اگر ما نتوانیم جوانان را با توضیحات عرفانی، علمی و فلسفی قانع کنیم، ولی در عوض از طریق این عبادت ها و ریاضت ها و نیز از طریق اذکار و حضور در محیط ها و فضاها و روحانی می توانیم آنها را ناخواسته وارد مسیر مورد نظر بکنیم. چرا که یک فرد خودش در مسیر حرکت می کند و دیگری را در داخل اتوموبیل قرار می دهند و بعد وارد این مسیر می شود. وارد شدن در فضای مسجد، وارد شدن در فضای نماز، و قرار گرفتن در فضای حج و شرکت در مراسم دعا، سبب هدایت انسان می شود. یکی از کارهای مهم این است که مردم معمولی مان را در همین امور ظاهری داشته باشیم. یعنی نباید در اینجا روشنفکری به شیوه ی معمول از خودمان بروز دهیم. نباید خیلی دنبال این باشیم که همه چیز را همه کس بتوانند بفهمند. در اینجا مقدار زیادی تعبّد مطرح است. البته این تعبّد در نهایت به فهم و درک و استدلال و شهود می رسد، پایان حرکت سالکان شهود است و به آنجا که می رسند، می بینند. در این مرحله هر چه را بخواهید توصیف کنید و فیلم هم نشان بدهید، او دیده است. به اینجا باید رسید.

تا آنجا که انسان با قرآن و احادیث سروکار دارد، در میان این همه عباداتی

[صفحه ۲۵]

که وجود دارد، قوی ترین و مطمئن ترین و بی اشکال و بی پیرایه ترین عبادات، نماز است. به چیزهای دیگر پیرایه ای بسته اند و کم و بیش به سلامت و صافی و شفافیت نماز نیست. نماز بسیار شفاف است و این امر عجیب نیز هست. از نکات جالب نماز این است که در تاریخ و در همه ی ادیان، از زمان حضرت آدم تا امروز، نماز بوده است، قرآن همه ی این ها را به نماز تعبیر می کند، چون ما به این تعبیر حرف می زنیم، احتمالاً شکلش هم خیلی تفاوت نداشته است. من حالا نمی توانم در باره ی شکل آن سخن بگویم، زیرا احاطه ی تاریخی لازم را ندارم و از ماقبل تاریخ هم چیزی نمی دانیم. ولی از ظواهر پیدا است که این نماز به عنوان وسیله تقلید مؤثر در این راه، از طریق ادیان انبیاء همیشه در طول تاریخ بشری بوده است. حتی در دین خودمان اسلام، قبل از اینکه نماز به صورتی که

امروز می خوانیم در دین پیامبر تشریع بشود، قطعاً وجود داشته است و این بخش از موضوع برای ما بسیار روشن است، چرا که در همان روزهای اول پیامبر با مؤمنین خالص نماز می خواندند، البته صورت های مختلف آن برای ما معلوم نیست، ولی اصل حرکت و عملیاتی به نام نماز از همان روزهای اول بوده است و انصافاً تا آنجا که ما می توانیم بفهمیم این نمازی که الان می خوانیم بسیار جامع طراحی شده و شواهد زیادی در آن وجود دارد که از قدرت بشر بیرون است. نماز اختراع بشری نیست و همان کسی که ما را خلق کرده، همان کسی که می خواسته ما را به سوی خودش جذب کند، همان کسی که این اختیار را به ما داده، این جاذبه را هم در اختیار ما گذاشته و این وسیله را هم طراحی کرده است تا با آن به طرفش برویم. آری، نماز یک چنین کاری می کند.

[صفحه ۲۶]

لزوم انجام کارهای نو و دائمی در مورد نماز

الحمد لله طی سال هایی که ستاد اقامه ی نماز با همت آقای قرائتی (که من صمیمانه از ایشان تشکر می کنم و در مورد نماز تحت تأثیر کارهای ایشان هستم) فعالیت داشته است، کارهای بزرگی انجام شده، از جمله تألیف کتاب، تهیه ی جزوات درسی برای مدارس، تهیه فیلم و سرود، تألیف کتاب هایی برای بچه ها، سرودن اشعار و هر آنچه می تواند این فرهنگ را به قشرهای مختلف جامعه تفهیم کند. البته این کارها هیچ وقت تمام نمی شود و باید نو به نو کارهای تازه ای انجام داد، چرا که بچه ها به کتاب ها، سرودها، و جزوه های جدید نیاز دارند. شیاطین و نیروهای شیطنت که همه جا وجود دارند، دائماً می خواهند پرده ی غفلت بر مسائل معنوی بکشند، و ما نیز همیشه باید مانع این کار شویم و این امر از طریق انجام کارهای جدید میسر است. درست مثل نوشته ای که بر دیوار باشد و دائماً غبار بگیرد. این نوشته ثابت است، اما غبار روی آن را می پوشاند. مسائل معنوی و عرفانی نیز در ذات و وجود ما هست، اما ممکن است غبار گرفته باشد، لذا باید با مطالعه، تفکر و عبادت این غبار را برطرف کنیم. اگر ذره ای غفلت کنیم دچار دنیاپرستی، جاه پرستی، حسد، غیبت و دعوا و اختلاف می شویم و به دنبال شهوات و مادیات می رویم. اینها همه غبار است. بنابراین همیشه باید موظف باشیم تا این غبارها سبب گمراهی مان نشود. البته این برنامه ای نیست که انسان یک بار انجام دهد و بعد بگوید که تمام شد، خیر این گونه نیست و این کارها هیچ وقت تمام نمی شود و اصولاً بنا نیست که تمام

بشود، زیرا خداوند اینگونه خواسته است. وجود انسان به گونه ای ساخته شده است که هر لحظه بین دو حالت، بین دو انتخاب قرار می گیرد: منحرف یا مستقیم. لذا این مراقبت ها دائمی است. بی جهت نیست که نماز واجب در روز به پنج نوبت تقسیم شده است و نماز مستحب هم که هر وقت توانستی «قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» است. به هر نحوی که بتوانید نماز بخوانید خوب است، منتها مراقبت زیاد لازم دارد، زیرا افراط و تفریط در این امر بد است. اگر انسان، جوان ها را وادار بکند که به افراط در این وادی بیفتند و خسته بشوند، عکس العمل نامناسب ایجاد می شود و اگر به این امر کمتر توجه کنند، دچار مشکل می گردند. لذا اعتدال نماز، مقدمات نماز، مقارنات نماز، نتایج نماز، حفاظت نماز و دستاوردهای نماز بسیار مهم است و آقایانی که فعلاً به نام ستادهای اقامه ی نماز کار می کنند همیشه باید مراقب همه ی دستاوردها باشند. بعد از ما هم دیگران باید کار را ادامه دهند، چرا که این کار تمام نشدنی است. همه ی کسانی که در این زمینه کار می کنند، آن کسی که نماز می خواند، آن کس که اقامه ی نماز می کند، آن کس که تشویق به نماز می کند، آن کس که ابزار نماز را درست می کند، و به طور کلی هر کس که به نحوی در این جریان وسیع و عظیم باشد، همه و همه در مسیر خدا حرکت می کنند و از این جهت هیچ تفاوتی وجود ندارد.

آثار فردی و اجتماعی نماز

آن نکته ای که واقعاً باید برای دیگران باز شود، همین جامعیت نماز به عنوان یک عبادت است. اگر به مجموعه ی نماز نگاه کنیم درمی یابیم که نماز از طراحی

ساده و بسیار جالب برخوردار است. نماز چند حرکت ساده بیشتر نیست، اما معنای واقعاً جالبی دارد. تمام کلمات نماز مهم است. اذان، تکبیر، قرائت، رکوع، سجده، تشهد، سلام، قنوت و تعقیبات نماز، دارای معنای بسیار سازنده و روشنی است و اگر نخواهیم پیرایه ببندیم و حالش را نداشته باشیم، در ظرف چند دقیقه تمام می شود. طهارت نماز، لباس نماز، مراقبت های تغذیه ای و... نیز همه شرایطی دارد که اینها همه در بعد فردی آن است. در بعد اجتماعی نیز نماز جماعت و نماز جمعه جریان عظیمی است که به طور خودکار دنیای بزرگی از امکانات فرهنگی، اقتصادی،

علمی و... را در میان یک امت، خلق می کند. همین مصلایی که ما الان در آن هستیم، این بنای عظیم مگر چیزی غیر از همین آثار نماز است؟! صدها نمونه از همین نوع مصلّا در سرتاسر کشور و طی همین چند سال ساخته شده و از قدیم هم بوده است و قبل از مساجد هم معابد ساخته شده اند. این جریان همیشه وجود داشته و شاید مهم ترین پایه ی دانش ساختمان سازی در طول تاریخ در معابد باشد، چون همه سعی می کردند بهترین معابد را بسازند. تأثیر این نماز جمعه ها را اکنون در انقلابمان می بینیم. کیست که امروز بتواند تأثیر نماز جمعه را در تحکیم انقلاب انکار کند؟ نماز جمعه ها در توسعه ی امور انقلاب، اصلاح امور انقلاب، ارشاد و اتحاد مردم و بر هم زدن توطئه ها تأثیر غیر قابل انکاری داشته است و آدم باید کور باشد که این ها را نبیند. وظایفی که نمازگزار به عهده دارد، لباس نمازگزار، غذای نمازگزار، روحیه ی نمازگزار و شرایطی که یک مسلمان پیدا می کند، اگر درست به مسجد برود و برگردد، دارای ابعاد تربیتی بسیار است. آثار تربیتی نماز آن قدر زیاد است که ما

[صفحه ۲۹]

در آن غرق هستیم، مانند دریایی است که نمی توان آن را توصیف کرد. به عبارت دیگر از فرط وضوح، غایب و مخفی شده است. نظمی که در زندگی و برنامه های ما به وجود می آید و آثار قلبی که در ما خلق می شود، به دلیل مراعات شرایط نماز است. من فقط این را می خواهم بگویم که طراحی این عبادت، این وسیله ی نقلیه ی از انسان به سوی خدا، واقعاً عظیم است، یک معجزه الهی است. نماز کامل از نظر امام راحل (ره)

در همه ی ادوار تاریخ، یکی از کتاب هایی که نماز را بسیار خوب ترسیم می نماید و آدم را قانع می کند، کتاب «آداب الصلوة» امام راحل است. ایشان به دلیل عرفان عمیقی که داشتند، نماز را تجزیه و تحلیل نموده، محتویات آن را در آوردند. از نکات بسیار برجسته ای که من برای اولین بار به آن برخورد کردم و بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم، نکته ای است که ایشان در مورد ظاهر و باطن نماز مطرح می کنند. اگر نمازگزاران به همین نکته توجه نکنند و آن را به عنوان درس سازندگی همیشه به همراه داشته باشند، کافی است. حضرت امام (ره) صورت واقعی نماز و در مقابل آن صورت ظاهری نماز را که همین اعمال و حرکات است، ترسیم می کنند. آن نمازی که بالا می رود و در پرونده ما باقی می ماند، صورت واقعی آن است. ایشان روایتی را نقل می کند که بر اساس آن دو نوع ملائکه

نماز را بالا می برند: یکی آن دسته از ملائکی که نماز خوب، نمازی را که به وقت و با شرایط لازم خوانده شده باشد بالا می برند که اینها حالت سفید و

[صفحه ۳۰]

نورانی و شفاف دارند و همان طور که نماز را به طرف خدا می برند، نماز برای انسان دعا می کند و می گوید: تو مرا آبرومند و رو سفید کردی، خداوند روسفیدت کند. دسته ی دیگر از ملائکه نمازهایی را بالا می برند که به وقت خوانده نشده، شرایط لازم را نداشته و فقط اعمال ظاهری آن انجام شده است. این ملائک حالت تیره دارند و این نمازها رو سیاهند و به نمازگزار می گویند: تو مرا به این صورت کدر درآوردی، خداوند تو را کدر بکند. ایشان واقعیت نماز را مطرح می کنند، و الاً صورت نماز که یکی است و همه ی ما یک جور نماز می خوانیم، اما آن کس که درست نماز می خواند می تواند واقعیت نمازی را که طراحی و تشریع شده است، تحقق بخشد. به عبارت دیگر نمازی کامل است که انسان را به خداوند می رساند و امام با آن بیان و درک و روحیه خوبشان این مطالب را باز کرده اند. من توصیه می کنم آقایانی که فرصت دارند، حتماً این کتاب را مطالعه کنند، زیرا در سازندگی روحی انسان بسیار مؤثر است.

نماز عمود دین و جامعه

واقعاً بیهوده نیست که تعبیر «عمودالدین» را برای نماز به کار برده اند. وقتی که ما این روایت را (به اضافه جمله ی بعدی آن یعنی «قبلت ماسواها» می خوانیم، فکر می کنیم که نماز ستون خیمه اعمال عبادی ما است که اگر درست شد، اعمال دیگر هم درست می شوند و مورد قبول قرار می گیرند. البته همین طور است و

[صفحه ۳۱]

اعمال دیگر هم باید از نماز شروع بشود و قبول گردد، اما عمود دین، عمود جامعه است، و این به دلیل تأثیری است که نمازها، مساجد و نماز جمعه ها دارند، تأثیری که اخلاق نمازگزار راستین دارد، تأثیری که نماز در رفع گناه ها، اصلاح و تربیت افراد جامعه و جلوگیری از حرام خواری دارد. دین همین ها است و در حقیقت عمود دین یعنی یک نماز درست برای انسان و جامعه. فرد و جامعه ای که نمازش را درست بخواند، دینش هم درست است. اگر نماز

خوب و نمازگزار درست در جامعه پیدا کنیم، مانند یک فرمول ریاضی می توانیم بفهمیم که جامعه ی ما متدین است و عکس این امر هم صدق می کند. به هر حال نماز یک هدیه ی الهی است، یک نعمت بزرگ است و در واقع تبلور ربوبیت خدا است. خداوند ربوبیتش را در بعد پرورش ما از طریق نماز و سایر عبادات انجام داده است. امیدوارم که ملت ما و به خصوص جوانان ما به تدریج قدر این نماز را بشناسند. اگر ما در جامعه مان نمازگزاران واقعی بسیاری داشته باشیم، گرفتاری های فرهنگ غرب، اشکالات روانی و این همه مصیبت هایی را که امروز روان شناسان در جوامع بشری پیدا کرده اند، نخواهیم داشت و همین می تواند نقطه ی آغازی برای اصلاحی وسیع، عمیق، ماندنی و مبارک باشد.

امیدوارم که ان شاءالله شما کسانی که برای ترویج نماز و معارف آن، آشنا کردن مردم با نماز، یعنی نماز واقعی، منظم، به وقت، سازنده، و معراجی تلاش می کنید، با مدد و توفیقات الهی به همه ی اهداف مقدستان برسید و ما نیز مثل گذشته در خدمت شما هستیم و کمک خواهیم کرد.

[صفحه ۳۲]

من دیگر بیش از این وقت را نمی گیرم، چرا که حتماً آقایان علما و کسانی که برای این برنامه ایراد سخنرانی هایی را به عهده گرفته اند، سخنان مفیدتر، تازه تر و ارزنده تری خواهند داشت.

«والسلام علیکم و رحمه الله»

[صفحه ۳۳]

انتظارات ما

حجة الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

«ریاست محترم ستاد اقامه ی نماز»

[صفحه ۳۵]

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام فاطمیه است، فاطمه و نماز: حدیث داریم «فاطمه قُرَّةُ عَیْنی» حدیث داریم «الصَّلَوةُ قُرَّةُ عَیْنی» یعنی فاطمه مساوی است با نماز، نماز مساوی است با فاطمه. نماز چیزی است که به امام زمان هم که سلام می کنیم به نمازش سلام می کنیم و می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تُصَلِّی، السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَرُكُّعُ وَ تَسْجُدُ» پیدا است که نماز به مهدی (عج) هم حالتی می دهد. امام حسین (ع) شهید شد، فرمود: «فُزْتُ». امام علی (ع) شهید شد، فرمود: «فُزْتُ». پس پیدا است که نماز به شهادت هم رنگ خاصی می دهد. فاطمه، «فطم» یعنی جدا شد. سوره ی فاطمه، کوثر است و سوره ی کوثر هم از همه سوره ها جدا است، یعنی در کل قرآن انا اعطینا نداریم، در کل قرآن کوثر نداریم، جز اینجا. در کل قرآن «فصل لربک» نداریم، در کل قرآن «وانحر» نداریم، در کل قرآن «ان شاتئک» نداریم. در کل قرآن «ابتر» نداریم. یعنی سوره فاطمه (س) - که زن استثنایی است - سوره اش هم از مصالح و آلیاژی است که همه ی کلماتش استثنایی است. ایام فاطمیه است. نماز چیزی است که وقتی خدا می خواست فاطمه (س) را به پیامبر اکرم (ص)

[صفحه ۳۶]

عطا فرماید، می فرماید: اگر می خواهی فاطمه را به تو عطا کنم، چهل روز جدا شو، عبادت کن. یعنی عبادت چیزی است که برای هدیه ی فاطمه، به پیغمبر دستور می دهد که چهل روز جدا شو. چه خبر است؟ می خواهیم فاطمه را به تو بدهم. کلمه زهرا؛ از «زَهْرَ» گرفته شده چون فاطمه در نماز، نورش بالا می رفت و فرشته ها به هم می گفتند این نور، نور فاطمه است. خدا نام فاطمه را کنار نام خودش قرار داده است. به طوری که گفته اند در هر نماز، تسبیحات فاطمه زهرا را بگوئید. یعنی ذکر الله با تسبیحات حضرت فاطمه کنار هم قرار دارند. خدا را شکر که ما با این معارف آشنا شدیم.

و اما اهمیت اقامه ی نماز: این جمله از آیت الله وحید خراسانی است که می گویم، ایشان می گفت اقامه ی دین با رهبری کل هستی یک وزن دارد، چون در قرآن دو تا «و من ذریتی» داریم، یک جا وقتی حضرت ابراهیم رهبر مردم شد «انی جاعلک للناس اماما» خداوند فرمود ای ابراهیم تو رهبر همه شدی. گفت اگر رهبر همه شدم، قال «و من ذریتی». یکی هم بحث اقامه ی نماز که می شود حضرت ابراهیم می فرماید: «رب اجعلنی مقيم الصلوة و من

ذریتی». دو تا «من ذریتی» از یک حلقوم؛ یکی وقتی رهبر شد، یکی وقتی صحبت از اقامه ی نماز است ایشان می گفت: معلوم می شود اقامه ی نماز در حد امامت هستی ارزش دارد. سه تا «اقیم» در قرآن داریم: اقامه ی دین و اقامه الصلوٰۃ و اقامه تورات. دین و کتاب آسمانی را هم باید اقامه کرد. دین و قرآن و نماز کلمه «اقیموا» دارد، پس پیدا است که محتوای هر سه، یکی است، منتها ما در چه شرایطی هستیم. همه که می روند مکه، برای حج می روند. ابراهیم که به مکه رفت، عرض کرد: خدایا من مکه آمدم اما برای حج نیامدم. «ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیر

[صفحه ۳۷]

ذی زرع» زن و بچه ام را برای حج به این بیابان آورده ام که آب و گیاه ندارد؟ بعد نمی گوید: «ربنا لیحجونه» بلکه می گوید: «ربنا لیقیموا الصلوٰۃ» اگر ابراهیم در بیابان زنش را بیابان مرگ می کند و بچه اش را در معرض مردن، عطشان قرار می دهد، او برای اقامه نماز زن و بچه را در آن بیابان می گذارد، آن وقت ما با داشتن اتوبان و بلوار و هواپیما و مصلّا و رادیو و تلویزیون و مقاله و روزنامه، نماز نخوانیم؟ ایشان در آن شرایط می گوید «ربنا لیقیموا الصلوٰۃ» و ما در این شرایط اقامه ی نماز نکنیم؟ چگونه می توانیم شرمند نباشیم؟ دو تا اسوه در قرآن معرفی شده اند: یکی فرموده حضرت ابراهیم اسوه است. یکی دیگر پیامبر اکرم (ص). قرآن می فرماید: ابراهیم اسوه است. آن الگو، زنش را بیابان مرگ کرد، در آن روزگار سخت اقامه ی نماز کرد، ما با این امکانات چرا اقامه ی نماز نکنیم؟ بنابراین خدا را شکر که ما را به فکر نماز انداخت. در قرآن «اقامه» و «یقیموا» زیاد است. اما یک آیه داریم که می فرماید «واوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوٰۃ» معنایش این است که اقامه ی نماز باید الهام باشد.

برای اینکه از ابتکارات و کارهایی که در استان ها انجام شده است، یاد بگیریم، الهام بگیریم، از نمایشگاه حتماً با خبر باشید، من خودم وقتی که می روم پانصد رقم کتاب نماز را می بینم که در این چند سال چاپ شده، حسابی لذت می برم؛ پانصد رقم کتاب نماز در شمارگان چندین میلیون و با ترجمه به چند زبان. این اجلاس برای چیست؟ برای این که هیاهو لازم است. اگر اسلام هیاهو نمی خواست می گفت: برو زیر لحاف و ذکر بگو. اینکه گفته برو روی بام اذان بگو، یعنی باید هیاهو داشته باشد و اجلاس نماز ایجاد موج می نماید. و باید اینگونه باشد. و اما کارهایی که از سال گذشته تا به حال انجام شده است:

[صفحه ۳۸]

پارسال پیام مقام معظم رهبری به اجلاس زنجان دوازده بند داشت. دوازده بند را خدمت آقای دکتر حبیبی دادیم. کمیته فرهنگی هیأت دولت کارها کردند و جلسات گرفتند. ده ها ساعت جلسه گرفتند. و دو مرتبه به هیأت دولت رفت و یک مصوبه دولتی درآمد که خدمتتان تقدیم می شود. این مصوبه خیلی کارساز است و بستر خوبی برای کارهای قانونی و عمرانی در مورد نماز است. فقط در تهران صد تا مسجد ساخته شده است. کارهای فرهنگی در کنار پانصد کتاب، فیلم آموزش نماز، نوار، کارهای هنری، با همکاری وزارت ارشاد دو جشنواره نماز و فیلم فجر برگزار شده است. کارهای تبلیغاتی زیاد بوده و کارهای رفاهی مساجد بین راهی. الحمدلله مسجدهای بین راهی دارد از مرز صد تا می گذرد، که بخشی از آن را اتکا، بخشی از آن را جهاد سازندگی، بخشی دیگر را وزارت نفت و بخشی از آن را اهل خیر ساخته اند. در حدود بالای ۶۹ هزار نماز جماعت در آموزش و پرورش اقامه شد. چند سال پیش در آموزش و پرورش نماز جماعت اقامه نمی شد و البته الان هم اجباری نیست. بانک اطلاعاتی درست شده که هر کس هر اطلاعاتی راجع به نماز می خواهد در اختیارش قرار داده می شود. باز از خداوند تشکر می کنیم. از امام و شهدا تشکر می کنیم. از والدین و اساتید خود تشکر می کنیم. همچنین از مقام معظم رهبری و جناب آقای آیت الله هاشمی متشکریم. از همه ی علما، وزرا، مسئولین، نویسندگان، شعرا، تجار، طلاب و از همه ی دست اندرکاران این اجلاس تشکر می کنیم.

من دیروز که خدمت مقام معظم رهبری بودم، عرض کردم چه کسی بیاید و پیام حضرتعالی را بخواند؟ فرمودند: خودتان بخوانید. بعد فرمودند: سلام مرا نیز به آقایان برسانید. نماز مال همه است، همه شرکت کردند، منتها ظرفیت محدود

[صفحه ۳۹]

است، از مقام معظم رهبری پیام داشتیم و جمعی از نمایندگان ایشان از مجمع تشخیص مصلحت، جناب آقای هاشمی همراه با گروه معاونین رئیس جمهور تشریف آوردند. رئیس جمهوری جناب آقای خاتمی در اولین مصاحبه تلویزیونی خود اولین آیه ای که خواندند «الذین ان مکناهم فی الارض...» بود و من وقتی که خدمت ایشان برای تبریک رفتن پرسیدم چطور شما اولین مصاحبه ای که در تلویزیون انجام دادید، این آیه را خواندید. ایشان گفت: من می خواستم سخنرانی کنم، قرآن را باز کردم. گفتم: خدایا چه بگویم؟ تا قرآن را باز کردم این آیه آمد. خداوند پیام

می دهد. رئیس جمهور محترم جناب آقای سعیدی کیا را به عنوان نماینده ی خود فرستاده اند. از شورای نگهبان جناب آقای آیت الله جنتی تشریف دارند. از دانشگاه وزیر آموزش عالی به همراه جمعی از رؤسا و اساتید دانشگاه، تشریف می آورند. جناب آقای دکتر جاسبی و جمعی از رؤسای دانشگاه آزاد نیز تشریف دارند. از آموزش و پرورش، وزیر محترم آموزش و پرورش و جمعی از معاونین ایشان و مدیران کل و مشاورین ایشان و از صدا و سیما مدیر عامل سازمان فردا تشریف می آورند و مدعوین دیگر اجلاس به این قرارند: تمام مدیران کل سراسر کشور، از حوزه ۳۰ نفر، از طلاب خارجی از ۳۰ کشور و جمعی از فضلاء حوزه، از وزارت ارشاد وزیر محترم ارشاد و بعضی از معاونین ایشان، از نیروهای مسلح، نماینده ی مقام معظم رهبری و مسئولین دفاتر عقیدتی سیاسی و جمعی از سرداران و تیمساران، از بنیاد مستضعفان، رئیس بنیاد و جمعی از همکارانشان، از بنیاد شهید، رئیس بنیاد و جمعی از دوستانشان، از سازمان تبلیغات، جناب آقای عراقی و مدیران کل سازمان تبلیغات از کل کشور، جمعی از دانشمندان، جمعی از نویسندگان،

[صفحه ۴۰]

جمعی از شعرا، ۲۸ نفر از بازار تهران، جمعی از ائمه جماعات و جمعه، جمعی از علماء و نمایندگان مقام معظم رهبری و علماء که تشریف آورده اند و در خدمتشان هستیم و مفتخریم که در جلسه ما دو نفر امام جمعه هستند که پدر دو شهیدند، یکی آیت الله موسوی زنجانی امام جمعه زنجان، مجتهد، پدر دو شهید، دیگری آیت الله عبادی عالم ربانی مجتهد، پدر دو شهید و مفتخریم که در خدمت ایشان هستیم، جمعی از استانداران و فرمانداران تشریف دارند و ما سفارش کردیم از هر استانی از رؤسای هیئت هائی که ظهر عاشورا اقامه ی نماز می کنند تشریف بیاورند. به هر حال نماز مال همه است. اینها که عرض کردم غیر از برادرانی هستند که از استان تشریف آورده اند و من شاید هم افرادی را جا گذاشتم. از مجلس خواهرانی تشریف آورده اند که هم خواهران در مجلس ما باشند و هم از مجلس شورا هم افرادی داشته باشیم. این ترکیب جلسه است، ولی بحمدالله همه بعد فرهنگی دارند.

انتظارات ما

انتظاراتی ما داریم و می خواهیم از شما کمک بگیریم.

۱- ما برای کودکان، کاری نکرده ایم؛ نماز جماعت هائی بوده، ولی چون ما نه پول داریم و نه پیشنهاد به همین دلیل طی این چند ساله فقط به نماز دانش آموزان دوره های راهنمایی و دبیرستان توجه داشته ایم. برای دبستان یک

نمازخانه ساختیم، نه پول داریم بسازیم و نه پیشنهاد، اگر بخواهند در همه مدارس نمازخانه احداث نمایند ۶۴
میلیارد تومان (به گفته برادر عزیزمان جناب آقای

[صفحه ۴۱]

بور بور) پول لازم دارد و اگر فقط دبیرستان های شهری مورد نظر باشد، ۸ میلیارد تومان لازم است. این یک بعد قضیه است. عده زیادی پیشنهاد می خواهیم که نداریم.

۲- عمق بخشیدن به حرکت: این حرکتی که در این چند ساله انجام شده، حداقلش این بوده که نمازخوان ها دیگر خجالت نمی کشند. من خوشبختم که دو آرزو را از دو عالم بزرگوار برآورده کردم؛ مرحوم شهید مظلوم دکتر بهشتی است که می گفت: ما هر چه یاد گرفتیم، در مسجد روضه شنیدیم و گریه کردیم و یاد گرفتیم. آرزوی من این است که زمانی بیاید که مردم بخندند و حدیث یاد بگیرند و من بحث های تو را که دیدم، متوجه شدم که آرزوی من برآورده شد. مردم می خندند و حدیث یاد می گیرند. مقام معظم رهبری می فرمود: آرزوی من این بود که یک وقتی می گفتم آیا می شود عزاداران امام حسین، ظهر عاشورا که می شود، عزاداری را تعطیل نکنند، به نماز بایستند، که این آرزو هم الحمدلله عملی شد. منتها این موجی را که برای نماز بوجود آمده باید عمق بخشید. قرآن می فرماید هیچ وقت متوقف نشوید: «یا ایها الذین آمنوا آمنوا» ای کسانی که ایمان آوردید عمیقتر ایمان بیاورید. ما یک گروه ویژه در صدا و سیما می خواهیم.

۳- آرزویمان این باشد که کاری برای کودکان انجام شود. این آقای طباطبائی - پسر ۵ ساله - خوب است و مهم، حافظ قرآن است، ولی مهمتر این است که هر چه سؤال می کنی با قرآن جواب می دهد، مثلاً از این بچه ۵ ساله فیلم برداری بشود و نماز او در برنامه کودک پخش شود. اصلاً در صدا و سیما یک گروه مخصوص نماز باید باشد.

[صفحه ۴۲]

۴- کشاندن آموزش نماز صحیح به تمام روستاها یکی دیگر از ابعاد کار برای نماز است. جناب آقای سعیدی کیا - وزیر عزیزمان - ایشان می فرمود: جهاد سازندگی در چهل هزار روستا کار می کند با نماینده محترم مقام معظم رهبری در جهاد و روحانیون جهاد صحبتی شد، در چهل هزار روستا که خدمات ارائه می شود برای عملی شدن

پروژه ای با روستایی ها شرط شود که شما مسجدتان را تمیز کنید و در جلسات قرآن تشریف بیاورید. به هر حال خوب نیست که بعد از هیجده سال آب و برق و گاز بفرستیم، ولی نماز نفرستیم.

۵- کشاندن آموزش و فلسفه نماز به تمام جهان: پیامی که امسال مقام معظم رهبری داشتند این است که به ستاد اقامه ی نماز فرمودند: مسأله نماز را به دنیا بکشانید و این کار شدنی است.

۶- محوریت دادن به مسجد بسیار مهم است. حدیث داریم هر کس که قصد داشت پیامبر (ص) را ملاقات کند ایشان می فرمودند در مسجد. بیاییم به مسجد محوریت بدهیم. اگر برای بچه مان چیزی می خریم در راه مسجد بخریم. اگر قرار می گذاریم نگوئیم ۷ بعد از ظهر، بگوئیم نیم ساعت بعد از نماز مغرب. اگر مسابقه برگزار می کنیم، نگوئیم از این پمپ بنزین تا آن پمپ بنزین، بگوئیم از این مسجد تا آن مسجد. یک مقدار مسجدهایمان را جلوه بدهیم باید تغییری در خادم های مسجد داده شود. یکی از مشکلات جامعه ی ما خادم های پیر و بی سواد و بد اخلاقند که بعضی از ایشان را باید به کمیته امداد معرفی کرد تا کمک هزینه ای به ایشان بدهد. و یک خادم تحصیلکرده خوش تیپ برای هر مسجد تعیین شود. خادم مسجد، حضرت ابراهیم بوده اند حضرت اسماعیل بوده اند. خادم مسجد چه کسی بوده، چه کسی شده. اگر سفیر ما کاردار شود می گوئیم شکست سیاسی

[صفحه ۴۳]

خورده ایم. حضرت ابراهیم شده مش عباس کور و هیچ احساس شکست نمی کنیم. خادم های مساجد را باید عوض کرد. بنای مساجد باید عوض شود. به قول اخوی مان حاج آقا تقی که با جمعی از طلاب اینجا هستند و میزگردی دارند، اینها دو سال برای مسجد خیلی کار کردند. ایشان می گفت: ۱۲ کتاب برای هنر سینما داریم و یک کتاب برای هنر مسجد نداریم. سمیناری دارند که در آینده و در اصفهان برگزار خواهد شد و از هزار نفر مهندس دعوت کرده اند. واقعاً راجع به مسجد هر کسی هر چه می خواهد می سازد، یک نفر پول دارد و به معمار می گوید: آقا مناره ۸۰ متر باشد و او می گوید باشد. اصلاً حساب و کتاب ندارد که جای مسجد چه جوری باشد.

۷- پیگیری مصوبه هیأت دولت از آرزوهای بنده است. در پیام اول و در پیام ششم و در پیام هفتم ۳ بار مقام معظم رهبری فرموده: اسرار نماز، متن کتب دبیرستان و دانشگاه باشد. ۳ بار فرموده اند، آیا شد یا نشد؟ و چرا نشد؟ مقصر کیست؟

۸- نماز بازار تکان خورده، روح ندارد. بازار تهران چراغ‌ها را خاموش کردند، عده‌ایی هم بستند، اما باز روشن کردند، دوباره باز شد. این مسأله بازار مسأله مهمی است.

۹- اخیراً برنامه‌های ایران، هزارو چهارصد را می‌نویسند، آرزوی من این است که تمام طراحان و برنامه‌ریزان که برای سال هزار و چهارصد دارند طراحی می‌کنند، مسجد را از یاد نبرند. خیلی جاها مسجد از قلم افتاده است. پشت جامعه‌الصادق در غرب تهران، پارسال که رفتیم هفتاد هزار آپارتمان نشین، مسجد نداشتند. مهندسش را خواستیم و موضوع را گفتیم. ایشان گفت یادمان

[صفحه ۴۴]

رفته است. ما احتیاطاً گفتیم یک سوله بسازید ببینید می‌آیند یا نه. تا سوله ساخته شد دیدیم آمدند و پر شد و چقدر دعا کردند. واقعاً مردم نماز خوانند. ما یادمان رفته مسجد بسازیم. طراحانی که برای سال ۱۴۰۰ طراحی می‌کنند مسجد یادشان نرود. ما به آقای بنیانیان که اخیراً در سازمان برنامه و بودجه همکار آقای دکتر نجفی هستند، گفتیم؟ آقا در اداره، پروژه مسجد هم داری؟ گفت نه. اینطور نباشد که مثلاً وزارت راه قرار داد ببندد برای جاده‌ها، که یک پولی در آن هست، فقط نماز در آن نیست.

۱۰- سرمایه‌گذاری مادی و معنوی روی امور تربیتی، این آرزوهای من است. آرزو بر پیرها هم عیب نیست و ما هنوز خیلی پیر نشدیم.

[صفحه ۴۵]

طلوع نماز از مشرق طهارت

دکتر عطاء الله مهاجرانی

«وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی»

[صفحه ۴۷]

بسم الله الرحمن الرحيم

صحبتی که بنده خدمت شما خواهم داشت، بخشی از کتابی است که به نام «گوهر نماز و نیایش» نوشته ام. این کتاب هنوز منتشر نشده و علتش هم این است که وقتی به بحث سجود رسیدم، در آغاز بحث نوشتم:

گفت پیغمبر که رکوع است و سجود

بر در حق کوفتن حلقه ی وجود

این را نوشتم و بقیه ی بحث نیامد. یعنی همچنان این کار ناتمام ماند تا مجال و فرصت مناسبی برای بحث سجود فراهم بشود که ان شاء الله کتاب را تمام می کنم. بحثی که خدمت شما می خوانم، بخش سوم کتاب است که عنوان این بحث طلوع نماز از مشرق طهارت است. گام نخست برای برگزاری نماز، طهارت است. به قول حافظ:

شستشوئی کن و آنگه به خرابات خرام

تا نگردد ز تو این دیر خراب، آلوده

طهارت کلید نماز است و نماز مثل هفت شهر عشق است. منزل به منزل باید از آن گذشت. این تعبیر به این شکل نیز مطرح شده است: طهارت، یکی از

کلیدهای نماز است و یا این تعبیر که افتتاح نماز با طهارت است. طهارت نیز مثل نماز مفهومی چند بعدی دارد. همان گونه که واژه پاکی و پاکیزگی نیز در فرهنگ و ادبیات ما مثل منشوری رنگارنگ است، و انسان متناسب با همان حد و درجه و بعدی از طهارت که پیدا می کند، به دنیای نماز وارد می شود. صورت طهارت، طهارت تن و لباس است. نمازگزار نمی تواند با تن و لباس آلوده به نماز بایستد. همان گونه که انسان در تن خلاصه نمی شود و نباید در کشتی تن به خواب رود و باید آب را ببیند، مرحله دوم طهارت، طهارت اعضای پیکر آدمی از عصیان است. مرحله ی سوم، مرحله ی طهارت دل آدمی است. گاه طوفان خواهش ها در دل انسان برپاست، اما او می کوشد در رفتار و در عمل به گناه و عصیان آرایش پیدا نکند. در طهارت دل این نکته نهفته است که انسان در دل نیز میل و گرایش به گناه ندارد. مرحله ی چهارم، طهارت دل انسان است و آن با فراموشی غیر خدا میسر می شود.

اگر دل زیادتیر غافل نشیند

خدنگ بلا بر دل نشیند

این مراحل چهارگانه طهارت را که من عرض کردم، غزالی در احیاء علوم الدین این مراحل چهارگانه را ذکر کرده است: تطهیر ظاهر از ناپاکی ها، تطهیر جوارح از گناهان، تطهیر قلب از اخلاق ناپسند، تطهیر سِرّ از آنچه غیر خدا است، که آن تطهیر پیامبران و صدیقین است (از احیاء، جلد اول، صفحه ی ۱۱۶). برای هر یک از این مراحل طهارت که پیراستگی تن و جان است، آراستگی هایی نیز تدارک شده است. در اندرز یگانه ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کمیل بن زیاد که یار تنهایی های علی علیه السلام بود، این نکته

آمده است که «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها» یعنی دل های ما همانند ظرفند و بهترین دل ها، دلی است که گنجایش و توسعه ی بیشتری دارد. ظرف دل آدمی نمی تواند خالی بماند، همان گونه که ذهن انسان مثل دریای

پهناور عمیقی است که مدام امواج بی پایان اندیشه و خیال چهره ی آن را می پوشاند، لحظه به لحظه انسان دگرگون می شود. گلی را در نظر بگیرید که حتی یک دم رنگهایش قرار و آرام پیدا نمی کنند، از آنجا که این بی قراری ادامه دارد، مطلقاً نمی توان گمان کرد که رنگ گل ثابت است. ما که از دنیای پر تلاطم درون گلبرگ ها بی خبریم و نگاه ظاهر بین ما در سطح گل متوقف می ماند، چنین می انگاریم. اما در مورد خودمان که می توانیم درون پدیده ی جان خویش را بنگریم، شاهد این دگرگونی بی پایان هستیم. انسان از سویی نیازمند است که آرایش ها را از تن و جان خود بزدايد و از سوی دیگر به آراستگی تن و جان پردازد. طهارت تن با وضو میسر می شود و نیز با اجتناب از عصیان ها و آراستگی تن به بوی خوش و کارهای شایسته. پاکی دل با زدودن ناپاکیها و اخلاق رذیله از دل و آراستگی دل به کارهای پسندیده است و پاکی سرّ به فراموشی غیر خدا است و این پاکی سر از این جهت اهمیت دارد که در واقع هر انسان رازی است و انسان هوشمند انسانی است که راز درون جان خودش را شناسایی می کند و می فهمد و با آرایش آن به یاد خدا است: «اقم الصلوة لذكری» در یک کلام، انسان از چاه طبیعت بیرون می آید و می داند آب تراب آلوده بی صفا است.

پاک و صافی شو و از چاه طبیعت بیرون
که صفایی ندهد آب تراب آلوده

قرآن مجید طهارت را به عنوان یک مفهوم و موضوع کلیدی در ارتقای جان انسان مطرح کرده است. سکوی پرش و پرواز انسان، طهارت است. هدف دین و

[صفحه ۵۰]

فلسفه ی احکام این است که انسان تطهیر شود. مراد این نبوده و نیست که انسان ها دچار آدابی شوند که ممکن است گمان کنند به زحمت افتاده اند: «ما یریدالله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم». اراده خداوند بر این است که انسان تطهیر شود. تردیدی نیست که تطهیر تن آغاز راه و نخستین منزل طهارت است. آب در نخستین مرحله ی نماز طهارت است، چنانکه خود خاک نماد سجده است. این رایحه های گونه گون یا

طهارت به زبان حافظ، اوجی دلپذیر پیدا کرده است و تا به امروز کمتر کسی مانند او مراحل طهارت جان انسان را تصویر کرده است. او نیز طهارت را سکوی پرواز نماز و نیاز می داند:

به آب روشن می عارفی طهارت کرد
الصباح که میخانه را زیارت کرد

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد
به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

اگر امام جماعت طلب کند امروز
خبر دهید که حافظ به می طهارت کرد

آب دیده، خون جگر و می هر یک مرحله ای از طهارت اولیاء است آب دیده هم از برون، چشم را که چراغ و آئینه تن است می شوید و هم از درون، جان آدمی را مثل صحرای باران خورده ای، طراوت می بخشد، خون جگر پاک شدن در کوره ی دردها است، مثل آهن که در کوره ای تابان می سوزد و تمام ناخالصی هایش به کناری می رود و سرانجام شکل می پذیرد، می سوزد و ضربه می خورد تا شکل گیرد و بها پیدا کند و می مرحله ای است که نمازگزار از خود نیز گذشته است. در طهارت آنچه اهمیت دارد، شستن جان است. شستن تن باعث می شود که انسان آماده ی صورت نماز شود و شستن جان او را آماده ی باطن نماز می کند. شستن جان در وهم ساده است، اما واقعیت آن بدون سایه ی لطف

[صفحه ۵۱]

خداوند میسر نمی شود. حد ما نمازگزاران معمولی است که در صورت طهارت، تن خود را می شوئیم. از مولانا جلال الدین است:

دست من اینجا رسید، این را بشست
دستم اندر شستن جان هست سست

ای ز تو کس گشته جان ناکسان
دست فضل توست در جان ها رسان

...از حدث شستم خدایا پوست را
از حوادث تو بشوی این دوست را

همان گونه که طبیعت انسان از پاکیزگی لذت می برد و از آلایش می گریزد، بدیهی است که حساسیت جان انسان چند برابر است. می تواند به نقطه ای رسد که از نفس فرشته هم ملول شود. در آیات قرآن مجید در مواردی که خداوند متعال به طهارت مؤمنین اشاره کرده است، هم صورت طهارت مطرح شده و هم باطن آن و هم از باران سخن رفته است که از آسمان فرو می ریزد و وسیله ی طهارت انسان می شود. خداوند از آسمان آب پاک طهور برای شما می فرستد و به پیامبر می گوید لباس خود را پاک گردان. در مواردی سخن از طهارت نفس و قلب انسان است. پیامبر از اموال مردم صدقه می گیرد تا مردم تطهیر و تزکیه شوند. وقتی خداوند می فرماید توابین و متطهرین را دوست دارد، پیدا است که مراد طهارت ظاهری نیست، بلکه طهارتی است که در کنار توبه و رجوع به خداوند میسر می شود. در سوره ی احزاب به روشنی از طهارت قلب انسان سخن گفته شده است «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن». تطهیر اهل بیت (ع) اوج ممکن این بحث است.

طهارت در طلوعه نماز با آب ممکن می شود و ریشه ی حیات نیز آب است. نمازگزار به سوی آب حرکت می کند. آب نشانه و نماد رحمت خداوند است و آب کلید و پل نزدیکی به او است.

[صفحه ۵۲]

در باب دهم مصباح الشریعه آمده است که امام صادق (ع) فرمود: چون قصد تطهیر و وضو کنی به آب نزدیک باش مانند آن شخصی که می خواهد خود را به رحمت خداوند متعال نزدیک کند، زیرا خداوند آب را وسیله نجات و

قرب خود قرار داده و آن را مقدمه و دلیل بر بساط بندگی و عبادت خود معین فرموده، چنانکه رحمت خداوند متعال معاصی و گناهان بندگان را محو می کند، آب نیز پلیدی های آشکار را از بین می برد و خداوند می فرماید: او است که پیشاپیش از رحمت خود بادهای را به مژده دادن فرستاد و از آسمان آبی فرو فرستاد. و باز می فرماید: زندگی هر چیزی را از آب قرار دادیم. آیا به خداوند ایمان نمی آورید، همان گونه که خداوند زندگانی و نشاط پدیده های مادی و نعمت های دنیایی را از آب قرار داده است. همچنین به رحمت خود و فضل خویش زندگی قلب ها را در طاعت قرار داده است. در آب اندیشه کن. در پاکی آب، زلالی و لطافت آن و این که با هر چیزی در می آمیزد. از آب برای پاکیزگی پیکر خود بهره گیر که خداوند فرمان داده است: اعضای خود را پاک گردانید مثل آب با انسان ها رفتار کن، مثل آب انسان ها را پاک کن، مثل آب بر انسان ها اثر بگذار، اما خود هرگز از ایشان و حال خود دگرگونی نپذیر. از سخن پیامبر (ص) عبرت بیاموز که فرمودند: در مَثَلِ مؤمن خالص مانند آب است و با خداوند در مقام عبادت و بندگی مانند آب صاف و روشن و بدون پیرایه باش که خداوند آب را پاکیزه فرستاده است. قلبت را با تقوا و یقین پاک کن به هنگامی که اراده می کنی ظاهر بدنت و جوارح خود را با آب تطهیر کنی. بحث مصباح الشریعه اینجا تمام شد.

آب مثل آئینه ای در برابر انسان است و انسان در تلاش است که او نیز مثل

[صفحه ۵۳]

آب، آئینه ای دیگر شود و پاکی و زیبایی را تا بی نهایت تکثیر کند. گویی آب و انسان سرنوشت مشابه دارند. تابش تند آفتاب، آب را از چهره و تن دریا می گیرد. ابرها در آسمان می گردند، هر پاره ای به شکلی بر یکدیگر می کوبند و می غرند و می درخشند و سرانجام در آهنگی الهی باران می بارد.

بانگ آبم به گوش تشنگان

همچو باران می رسم از آسمان

اگر نماز هیچ نبود جز پیوند انسان با آب و نگاه همواره ی او در آئینه ی آب، و اگر نماز هیچ نبود مگر پیوند انسان با زمان پیش از دمیدن آفتاب، برخاستن انسان و چشم بر رخ آسمان پر ستاره دوختن، باز از عهده وصف و درک

نماز بر نمی آمدیم، چه رسد به اینکه آب و زمان. واژه های نماز که مثل ستاره می تابند همگی پل های پیوند انسان با خدای آفریننده ی آفتاب و آب و زمان و انسانند.

دیده اید که معمولاً در آستانه ورود شهرها شاهد نشانه هایی از آب و سبزه و درختید، وضو علائم ورود به شهر نماز است. شهری که خود نسبتی روشن با مقدمه و آستانه ی خویش دارد. پر از دود و جنجال و سر در گمی نیست. شهر خداوند است. در علل الشرایع، وضو یکی از مرزهای خداوند تلقی شده است. انسان به سوی خداوند حرکت می کند. وضو دروازه ی رحمت الهی است. پیدا است چه کسانی می خواهند وارد شهر خداوند بشوند و چه کسانی نمی خواهند. مرز اطاعت و عصیان است. درست مثل انسان که فطرت الهی او آمیخته یا آغشته به امور دیگر می شود، آب نیز چنین است. از این رو نمازگزار نمی تواند در طلوعه نماز از هر گونه آبی استفاده کند. رساله های عملیه مختصات آب را و نیز حجم و مقدار آن را بیان کرده است.

[صفحه ۵۴]

حاج ملا هادی سبزواری آب را تأویل کرده و راز آن را تبیین نموده است. حکمت این آب، مطلق مطهر است و انگهی مطهریتش زیاده است بر مطهرات دیگر، زیرا آب صورت حیات ساری در کل و رقیقه ی آن است، که هر معنی را صورتی و هر حقیقتی را رقیقتی است و حیات ساری وجود مطلق است که وجود منبسط و فیض مقدس است و آن حیات ساری مطهر است. من برای تلخیص، از ادامه کلام حاج ملا هادی سبزواری صرف نظر می کنم. ابن عربی آب را نشانه ی و تأویلی از دانایی انسان دانسته است. وقتی که انسان تکیه گاه دانایی خود را اندیشه ی خود قرار می دهد یا به اندیشه ی دیگر متفکرین اعتماد می کند، پیدا است که دانایی او مثل آب مضاف تقلیل پذیرفته است و به دیگر عناصر مشغول شده است و تنها نگاه انسان در پدیده های محسوس باقی می ماند و در خیال شکل می گیرد. برهان های او نیز از همین محدوده ی حس و خیال فراتر نمی رود و از همین رو در شناخت و داوری یک پدیده ی واحد، نظرهای گوناگون مطرح می شود. حتی خود انسان نیز در زمان های مختلف و حالات مختلف نگاه متفاوت دارد. همان گونه که آب باران پاکترین آب ها است، بدون کمترین خدشه و آلائش باید در جست و جوی دانایی برآمد که مثل باران جان انسان را پاک کند، دانایی و دانشی که به خداوند متصل است. دانش پیامبران و اولیا چنین دانشی است و این دانش است که قلب انسان را پاک می کند. کار انسان جست و جوی چنین دانایی است. پس در واقع آب حیات همین دانایی است، گوهر همین دانایی است که انسان را نه تنها به ابدیت

بلکه به ازلت نیز پیوند می دهد و در هندسه ی وجود، جای خویش را پیدا می کند. طهارت پیکر، با آب است که آئینه ی نفس انسان است و طهارت جان و قلب با توجه به

[صفحه ۵۵]

خداوند فراهم می شود.

وهم که از دریا در او راهی بود
پیش او جیحون ها زانو زنند

در طهارت تن و نیز طهارت جان، نیت ریشه ی کار است. چرا وضو می گیریم؟ چگونه و در چه شرایطی وضو می گیریم؟ نکته ی جالبی در آداب وضو و چگونگی آن مطرح شده است که گرچه وضو خود مقدمه ی نماز است، اما خود نیز مقدماتی دارد. به عنوان مثال: چنانچه دست انسان یا چهره یا پای او به هر نحو آلوده به خون شده باشد، نخست باید کاملاً آثار خون زدوده شود، پس از آن وضو بگیرد. محل شستن و مسح کشیدن باید پاک باشد و هزاران نکته باریکتر ز مو که در شجره طیبه ی فقه ما مطرح است. نیت، چراغ راه است تا نمازگزار بداند چرا وضو می گیرد؟ می خواهد به خدای خود تقرب پیدا کند، امر او را امتثال می کند. این توجه از آغاز وضو تا پایان ادامه پیدا می کند.

فقیه بزرگ اهل بیت، آیت الله شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهر الکلام - چنانکه شیوه ی او است - در بحث نیت وضو نکته مهم و اندیشه برانگیزی را مطرح نموده است. سخنان این است که نیت در وضو امری دو بعدی است. از طرفی کاملاً آسان و سهل الوصول است. پیدا است انسان وضو می گیرد تا نماز بخواند تا به خداوند تقرب پیدا کند و امر مولای خود را گردن بگذارد. صاحب جواهر می گوید: بعضی معتقدند، در واقع نیت نکردن و نیت نداشتن امری دشوار و درک محالی است، مگر اینکه انسان در حالت غلبه سهو و نسیان باشد، اما این صورت و پوسته ی نیت است، باطن نیت خالص کردن عبادت برای خداوند است. توجه دل به سوی او و برای او است، امری که بسیار دشوار و دیریاب است همان آهنگ و رنگ و ریا و خودبینی است که به دشواری از انسان زدوده می شود.

دیده اید گاهی انسان به نماز ایستاده است یا در حال وضو گرفتن است که احساس می کند سنگینی نگاهی بر او است. طمأنینه وضوی او بیشتر می شود. آب را با آرامش و وقار بیشتری بر دست می ریزد. اگر به نماز ایستاده، رکوع و سجده اش طولانی تر می شود و نمازش آهنگین می گردد. او به خودش برگشته و دارد رابطه اش را با انسان حاضر نگرنده تنظیم می کند، نه با خداوندی که در آستانه ی او به نماز ایستاده است. امواج و سایه هایی که در دل و ذهن آدمی است پنهانتر از رد پای مورچه ی سیاه در دل شب تاریک است. این نیت که دست یابی بدان مشکل است، مصداق جهاد اکبر است که انسان با نفس اماره خودپیشه می کند.

چو عاشق می شدم گفتم که بردم گوهر مقصود
ندانستم که این دریا چه موج خون فشان دارد

نیت در بادی امر آسان به نظر می آید، اما در واقعیت امر بسی دشوار و دیریاب است. نیت نقش ریشه ی درخت را دارد. اگر ریشه ی درخت ها زنده و پرتکاپو بودند و توانستند آب و خاک و آفتاب را در جان خود پیورانند، گیاه سرزنده می شود و نشاط می گیرد، امواج پی در پی حیات در چهره درخت می جوشد، اما اگر ریشه خشکید، گیاه پژمرده می شود. اگر هم دیدید گیاهی پژمرده نیست و ریشه زنده ای هم ندارد، گیاه نیست، توده ای از پلاستیک های رنگین است. از این رو نیت شرط تمامی عبادات است. آیت الله سید احمد خوانساری (ره) با اشاره به اجماع فقها در مورد نیت، می گویند: دیگر نیازی برای اثبات آن نیست. وضو جزء واجبات تعبدی است و واجب تعبدی بدون نیت تحقق پیدا نمی کند و نیت جهت عبادت را که تقرب به خداوند است نشان

می دهد. غیر از عبادات، ارزش و اعتبار کارهای دیگر انسان نیز وابسته به نیت او است «انما الاعمال بالنیات» پیامبر اسلام (ص) فرمود: این است و جز این نیست که اعتبار کارها به انگیزه ها است و برای هر انسانی انگیزه ی او است که معیار است و آن که جنگ می کند و انگیزه ی او خداوند است پاداش او نیز بر خداوند است و آن که می

جنگد و انگیزه اش متاع دنیایی است، برای او جز انگیزه اش، هر چه که باشد، بهره ای نخواهد بود. چنانکه اشاره شد صورت وضو توجه به صورت الفاظ و آیات است که انسان وقتی که روی و دست خود را می شوید و به سر و پاها مسح می کشد، وضوی او کامل است، اما همان گونه که از چهره ی جان انسان خداوند بارها سخن گفته، حقیقت وضو، شستن چهره ی جان انسان است. این شستن و مسح کشیدن رازهای دیگری هم دارد. در علل شرایع درباره ی رازها و حکمت شستن اعضای چهارگانه انسان رو و دست و پاها صحبت شده است که چون وقت تمام شد، من هم صحبت را تمام می کنم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

نقش خانه و مدرسه در اقامه نماز دانش آموزان

جناب آقای حسین مظفر

«وزیر محترم آموزش و پرورش»

[صفحه ۶۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»

درود و سلام به روح تابناک حضرت امام و همه ی شهیدان راه حق و فضیلت که طلیعه دار تحقق حکومت الهی و دین در ایران اسلامی و زمینه ساز طرح و گسترش اندیشه ی ناب اسلام در جهان معاصر شدند و با آرزوی سلامت، عزت و اقتدار برای مقام معظم رهبری.

هدف از آفرینش انسان رسیدن به تکامل و وصول به مقام قرب الهی است. «فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر» و چون طریق قرب با اختیار و آگاهی حاصل شود، خداوند منان هم راه های کمال را نشان داده: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» و هم قدرت انتخاب را در اختیار انسان قرار داده که چگونه انتخاب کند: «إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» قادر کریم زمینه های پیوند و ارتباط عبد و معبود را با زیباترین الفاظ بیان می فرماید «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» خداوند از

[صفحه ۶۲]

رگ گردن به او نزدیکتر است «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ رَضُوا عَنْهُ» از رضایت و خشنودی متقابل سخن می گوید: «أَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» یاد می کند ما را، اگر یادش کنیم. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» مایه آرامش دل انسان ذاکر است. در عین حال که رابطه ی انسان با خدا رابطه ی نیازمند با غنی است، رابطه ی عبد است با معبود، اما دعوت به ارتباط و نزدیکی از سوی او صورت می گیرد. هم او است که ما را به این ارتباط صمیمانه ترغیب و تشویق می نماید. جملاتی چون «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» و «ذکر ربک» و جملات زیبای دیگر همه نشانه ی

توجه به هدایت و دستگیری انسان از سوی او است و دعوت به حفظ این ارتباط معنوی بین انسان و خدا، و نماز زیباترین ارتباط بین عاشق و معشوق است.

نماز به عنوان مهم ترین فریضه ی الهی دارای آثار تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در نهادها و نظام هایی مثل خانواده و جامعه می باشد. نماز به عنوان یک فریضه مذهبی در کنار سایر فرائض دینی می تواند نقش اساسی در سالم سازی فردی و اجتماعی ایفا کند.

آثار و عملکردهای فریضه ی نماز را می توان در دیدگاه هایی که رویکردهای روان شناختی، جامعه شناختی، حقوقی و سیاسی داشته باشد، بررسی نمود از لحاظ روان شناختی می توان گفت سرشت پاکی که جوهر وجود انسان به آن آراسته است، در صدد رسیدن به کمالات روحی و معنوی است و نقطه اوج رسیدن به این کمالات موقعی است که انسان روح و روان خود را با چیزی که ورای جهان مادی است، زینت بخشد. زیرا امیال مادی و این جهانی هر چند انسان را خشنود می سازد، ولی او را به کمال نمی رساند. اصولاً نیاز به خدا جویی

[صفحه ۶۳]

و عبادت به درگاه وی، ریشه در عمق وجود انسان دارد و امروزه روان شناسان و روانکاوان به این باور رسیده اند که با داشتن تکیه گاه معنوی، انسان کمتر دچار بیماری ها و امراض روحی و روانی می گردد. پس نماز عاملی مؤثر در آرامش روانی انسان ها است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». از لحاظ جامعه شناختی نماز با اینکه در نهایت، یک پیوند درونی میان انسان و خدا می باشد، ولی دارای برخی کارکردها است که موجبات انسجام اجتماعی و وفاق ملی را پدید می آورد و تجلی روح مشارکت فکری، فرهنگی را به ویژه در جمعه و جماعات به نمایش می گذارد. نماز دارای آثار تربیتی در جامعه و نهادهای مربوط به آن است و روابط افراد جامعه را جهت دار می سازد. در اندیشه ی قرآنی اولین و اصلی ترین مسئولیت راهیان طریق انبیاء اقامه ی نماز است: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ». در اجرای این رسالت الهی و گسترش فرهنگ اقامه ی نماز سه عامل مهم خانواده، مدرسه، اجتماع نقش اساسی ایفا می کنند.

نقش خانواده

گسترش فرهنگ اقامه ی نماز را در جامعه، همانند بسیاری از پدیده های اجتماعی دیگر باید از کودکی و از محیط گرم و عاطفی خانواده به عنوان اولین کانون تعلیم و تربیت در شکل گیری شخصیت انسان آغاز کرد زیرا کودکان و

نوجوانان در بهترین شرایط برای یادگیری و تربیت قرار دارند و آنچه در این ایام بر صفحه وجودشان نگاشته می شود همچون نقشی بر سنگ، ماندنی و

[صفحه ۶۴]

پایدار است. کودکی که در محیط خانه ارتباط معنوی پدر و مادر را با خالق خویش شاهد است، گام های نخستین ارتباط با خدا و کسب هنجارهای نمازگزاری را برداشته است. از این رو است که خداوند کریم تأکید بر صبر و پایداری پیامبر به نماز دارد، آنگاه که از او می خواهد خانواده و اهل بیت خود را برای برپایی نماز دعوت نماید «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا». خانواده باید با فضا سازی مناسب، امکان درک و یادگیری ارتباط با خدا را برای فرزندان فراهم نماید و شیرینی عبادت را با رفتارهای معنوی خود در ذائقه فرزند بچشاند و در ایجاد فضای معنوی و مذهبی که فرزندان را ترغیب و تشویق به امور عبادی و نماز می نماید، باید بکوشد. تمسک به قرآن مجید خانواده را در آشنایی با ویژگی های روان شناختی دوران کودکی و بکارگیری توانایی های کودک و پرهیز از روش های غلط در تربیت مذهبی، موفق می دارد. نماز و اجتماع کارکردی متقابل نسبت به هم دارند؛ افراد جامعه ای که با نماز تطهیر شده اند، جامعه ای بهنجار خواهند داشت. روابط انسان ها بر اساس عدل و ایمان، مودت و تعاون، حق جویی و خدا محوری شکل می گیرد و مدینه ی فاضله ای خواهد شد که انسان ها در طول تاریخ در جست و جوی آن بوده اند؛ آن گونه که در صدر اسلام با دستان پر رحمت پیامبر جامعه ای اسلامی شکل گرفت که دل های انسان های حق طلب را در اقصی نقاط عالم شیفته ی خود کرد. جامعه ای که در آن ارزش ها حاکم شدند و ظلم و تاریکی و جهل از آن زدوده شد. و اما متقابلاً جامعه نیز کارکردی مؤثر در شکل گیری انسان هایی آرمانی و خداجوی دارد. جامعه ی اسلامی ما نیز چون یک خانواده ی بزرگ می تواند نقش متفاوتی در تربیت دینی و جامعه ای نمازگزار داشته باشد. در صورتی که هر یک از

[صفحه ۶۵]

نهادهایی که موجود در جامعه اند اعم از خانه و مدرسه و جامعه نقش مناسب را اختیار کنند و بر اساس نقش خود کارکردی هماهنگ ارائه نمایند، مجموعه جامعه به سوی تعالی و رشد معنوی پیش خواهد رفت و تعارض ها،

رفتارهای ناهماهنگ و اعمال سلیقه های گوناگون در سیاست گذاری کلان فرهنگی کشور تبدیل به وحدت رویه خواهد شد.

نقش مدرسه

از آنجا که کودکان و نوجوانان بیشترین و مناسبترین اوقات خویش را در مدرسه می گذرانند، لذا مأموس نمودن آنان با این فریضه الهی و ترغیب آنان به نماز نیازمند فراهم آوردن شرایط و امکانات متناسب در مدرسه است. در فرهنگ اسلامی، مدرسه جایگاه تربیت و پایگاه تعلیم است؛ در مدرسه هم باید اخلاق و فضیلت و معنویت را گسترش بخشید و هم علوم و فنون را تعلیم داد. بر اساس این اندیشه، وقتی کودک با فطرت پاک خدادادی وارد مدرسه می شود باید امکان حرکت هماهنگ و همسو و وابسته به یکدیگر را داشته باشد. از یک سو باید روح و روان و جسم او متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی پرورش یابد، اصول اخلاقی را باز شناسد و به آنها متخلق شود، ارزش های اسلامی را محترم شمارد و از آنها پاسداری نماید و برای عبودیت خداوند و زندگی بر مبنای تعالیم الهی در جامعه اسلامی تربیت شود، و از سوی دیگر باید بتواند متناسب با نیاز حال و آینده ی جامعه، معلومات و فنون مورد نیاز را فرا گیرد، با اطلاعات و علوم روز آشنا شود و مهارت های ضروری برای حضور در صحنه ی

[صفحه ۶۶]

تولید و سازندگی را کسب کند. تحقق اهداف مذکور و فراهم آوردن زمینه های رشد و شکوفایی استعدادهای کودکان و نوجوانان وابسته به عوامل متعدد از جمله وجود معلم و مربی علاقه مند و دلسوز، برنامه های مناسب و آموزنده، آموزش های سازنده و جذاب، مدیریت آگاه و دقیق و فضای دلپذیر و شاداب می باشد. اگر این عوامل به نحو مطلوب در مدرسه فراهم آید، می توان رشد و بالندگی دانش آموزان را نظاره نمود. در غیر این صورت فرآیند تعلیم و تربیت آسیب دیده و بازده امکانات و منابع به حداقل خواهد رسید. فرزندان انقلاب بهترین دوران زندگی خود را در مدرسه می گذرانند و تربیت مذهبی آنها نیاز به شناخت عمیق و فراهم آوردن امکانات انسانی و فیزیکی مناسب دارد؛ لذا با توجه به سپری کردن دوران کودکی و نوجوانی در مدرسه و تحولات روحی و روانی این دوران، اتخاذ راه کارهای کلیشه ای و تکراری نمی تواند پاسخ به نیازهای هر دوره باشد. توجه به ویژگی ها و نیازهای دانش آموزان در حیطه های مختلف در دوران دبستان و راهنمایی و متوسطه، تدوین اهداف تربیت دینی و نوسازی

معنوی مناسب، هر دوره را از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد کرد. امام صادق علیه السلام در توصیه به یارانشان که رسالت تعلیم و تربیت را بر عهده داشتند فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالْأَحَادِثِ» بر شما باد به نسل جوان، آنهاست که هر چه بر آنها عرضه شود فرا می گیرند. از دیدگاه ائمه اطهار نقش جوانان و عنایت به آنها بسیار با اهمیت است و ائمه با توصیه های فراوان نسبت به این قشر تأکید کرده اند. بحث تربیت دینی و جامعه را بر مبنای اعتقادات ارزشی سوق دادن، یک بحث جدی در فرهنگ انقلاب ما است. تربیت دینی برای همه انسان ها و همه گروه ها از زن و مرد و پیر و جوان و کوچک و بزرگ مطرح

[صفحه ۶۷]

می باشد و دینداری و زندگی بر محور ایمان یک ضرورت است. ما باید باورهای دینی را در قشر جوان، خصوصاً دانش آموزان رشد دهیم تا فرهنگ دینی و اعتقادی در این قشر تقویت شود. زیرا مزرعه وجود آنها، کشتزار اندیشه ی آنها، در این دوران آماده ی پذیرش فرهنگ فطری است و به همین دلیل مسئولیت آموزش و پرورش بیش از دیگران می شود. آموزش و پرورش نیز باید باب معرفت را به روی دانش آموزان گشوده، میدان مباحثه و تفحص را در جوانان تقویت کند تا خلاق و خودجوش راه های معرفت را تعقیب کنند.

مدرسه به عنوان مرکز فراگیری مراسم دینی و مذهبی می تواند به عنوان بزرگترین چاره ی انحرافات درون مدرسه ای برای کنترل و درمان نابسامانی های دانش آموزان باشد. تحقیقات و بررسی های انجام شده نشان می دهد مدارس که اقامه نماز را جدی گرفته اند، اضطراب ها و ناهنجاری ها، ضد ارزش ها و مشکلات اخلاقی کمتری را شاهد بوده اند. به کارگیری شیوه های متنوع در ارائه مفاهیم دینی و کمک طلبیدن از هنر سینما و فن آوری جاذبه و شادابی نسل جوان را در تربیت افزون خواهد کرد. مربیان و اولیای مدارس الگوی رفتار و سرچشمه ی آگاهی و عاطفی دانش آموزان هستند و هر چه این چشمه زلالتر و جوشانتر باشد، نشاط و طراوت و سرسبزی حاصل از آن بیشتر خواهد شد. توجه به منزلت معلم راه را برای جذب انسان های عالم و عامل به آموزش و پرورش می گشاید و چنین معلمینی می توانند چراغی فرا راه انسان های گم گشته باشند و نور ایمان و معرفت را در دل ها روشن نمایند. فضا سازی مناسب و شرایط فیزیکی مدارس در شکل گیری شخصیت دانش آموزان نقش اساسی دارد، فضای آموزشی مناسب باید از زوایای گوناگون پاسخ گوی نیازهای آموزشی و

تربیتی دانش آموزان باشد. مدرسه همان گونه که نیاز به کلاس و آزمایشگاه دارد، به نمازخانه و کتابخانه هم نیاز دارد. حاکم شدن فرهنگ اسلامی در معماری مدارس، زمینه را برای توسعه ی معنوی دانش آموزان فراهم می نماید. تقدم اولویت های فرهنگی و مذهبی در طراحی فضاهای آموزشی چهره ی مدارس را دگرگون نموده، بستری مناسب برای نوسازی معنوی فرزندان ایران اسلامی فراهم خواهد آورد.

باور داشتن استعدادهای موجود در کودکان و نوجوانان، در کشوری که یک سوم جمعیت آن را دانش آموزان تشکیل می دهند، ذخیره ای عظیم در انجام هر برنامه تربیتی و آموزشی در اختیار مسئولین کشور، به ویژه آموزش و پرورش قرار می دهد. فراهم آوردن شرایط مناسب برای مشارکت این خیل عظیم، علاوه بر دست یابی به اهداف تربیت دینی، حرکتی درون زا را شکل می دهد و موجب رشد خودباوری در نسل آینده خواهد شد. اگر چه در ترویج و احیای فرهنگ نماز عوامل متعددی نقش آفرین هستند و در عین حال عوامل بی شماری نیز در خنثی سازی و ترویج روحیه ی بی تفاوتی نسبت به این فریضه ی الهی وجود دارد. لذا به امکانات و تسهیلات زیادی برای مقابله نیاز است. اما آموزش و پرورش نیز باید به نحو مطلوب از این فضای ملکوتی برای احیا و ترویج فرهنگ نماز بهره برداری نماید؛ هم در فرهنگ سازی مربوط به این فریضه ی الهی برنامه ریزی و اهتمام کند و هم در فضا سازی، این مهم را مد نظر قرار دهد، به نحوی که با رفع موانع و ایجاد مقتضیات مناسب، زمینه های شکوفایی و تجلی این زیباترین مراتب بندگی در عرصه ی تعلیم و تربیت بیش از پیش به نمایش گذاشته شود. به امید آن روز. ان شاء الله

عذر تقصیر به پیشگاه نماز

آیه الله احمد جنتی

«عضو محترم فقهای شورای نگهبان»

[صفحه ۷۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع صحبت من در عین فشردگی و در کمبود وقت، عذر تقصیر به پیشگاه نماز است اما همه می دانیم که در مسائل عملی غیر از امر به معروف و نهی از منکر - که مسأله زیربنایی نماز هم به وسیله آن بر پا می شود - مسأله ای بالاتر و واجبتر از نماز نداریم. و این نماز ستون دین است و معراج مؤمن. همه ی این مسائل در قرآن و احادیث وارد شده و همه کما بیش می دانند با این اهمیتی که نماز دارد - که اگر قبول شد، همه اعمال قبول می شود و اگر نشد هیچ یک از اعمال پذیرفته نمی شوند - برخوردی که ما با این نماز داشته ایم واقعاً خجالت آور است. و اول باید اعتراف به تقصیر بکنیم. همان طور که در وقت دعا و در پیشگاه خداوند متعال می گوییم «اعطیتک مقراً علی نفسی بالاساءة و الجرم بأن لا حجتی و لا عذر». می گوییم: خدایا اعتراف دارم به تقصیر خودم و عذر و بهانه هم نمی آورم. عذر و بهانه هم ندارم. تقصیر کردم، اعتراف به تقصیر می کنم. بعد می گوییم: خدایا آمده ام تا به من کرم نمایی و با عفو حضرتت من را

[صفحه ۷۲]

بیامری و ببخشی. باید این را اول اعتراف کنیم و بعد به معضلات بپردازیم که عبارتند از:

معضل اول: کمبود مسجد

در نظام جمهوری اسلامی که اساسش بر دین اسلام، بر قرآن و بر نماز و بر الله اکبر و شعارهای اسلامی بوده است می بینیم که الان ما از نظر مسجد کمبود داریم، خیلی هم کمبود داریم، و حرکتی اخیراً برای مسجد سازی بوجود آمده که با نیاز کشور فاصله زیادی دارد. نمی شود که در مکانی مردم مسلمان و نماز خوان باشند و مسجد نداشته

باشند، مخصوصاً وقتی ما می بینیم گاهی یک خانواده مسیحی در یک روستایی ساکن است و همان جا برایشان کلیسا می سازند و به آنها سرکشی می کنند تا یکشنبه ها بروند کلیسا و برنامه داشته باشند. این از جهت مسجد.

معضل دوم: مشکلات آموزشی و اجرایی

بعد جهات آموزشی: در آموزش و پرورش و دانشگاه ما، کتاب های درسی چقدر به نماز اهمیت داده اند؟ این بچه ای که می خواهد از ابتدای تحصیل شروع نماید و یا دیگری که آخرین دوره تخصصی اش را طی می کند، چقدر با مسائل نماز در مدرسه و در دانشگاه آشنا می شود؟ و همین طور توده ی مردم که رها هستند و بالاخره باید یک کسی به اینها رسیدگی نماید. مسأله اقامه ی نماز نباید به ستاد اقامه ی نماز موجود، محدود شود. ستاد اقامه ی نماز را ما باید فراگیر بدانیم؛

[صفحه ۷۳]

حوزه های علمیه، آموزش و پرورش، صدا و سیما و همه ی دستگاه های تبلیغاتی می بایستی خود را جزء ستاد اقامه نماز بدانند و اینگونه نیز باشند. بسیاری از دستگاه های اجرایی ما عضو این ستاد هستند اما ببینید آنها که می خواهند نماز بخوانند - مخاطبین ما - چه چیزهایی لازم دارند و اینها را چه کسی باید تأمین نماید؟ اگر عده ای پس از اقامه ی نماز حقیقی قصد صعود معنوی داشتند و خواستند به عرفان نماز برسند، در اینجا عرفای ما و آنهایی که مراحل سیر و سلوک را پیموده اند می بایست به طالبان عرفان نماز کمک کنند.

برای افرادی که در اقامه ی نماز سستند و سهل انگار و به اندک بهانه ای نمازشان را ترک می کنند چه چاره ای باید اندیشید؟ باید این بهانه ها را از دستشان گرفت و موانع را از پیش پایشان برداشت. مثلاً مسافر در قطار یا داخل اتومبیل نشسته و در حال حرکت است، اگر وقت نماز برسد و همه ی امکانات آماده باشد، می ایستد و نماز می خواند. اما اگر اتومبیل نگه نداشت، صبح در بین الطلوعین اصلاً اتومبیل توقف نکرد، می خوابد و نماز هم نمی خواند. در حالی که اگر روی زمین بود و در کنار قهوه خانه بود، نمازش را می خواند، اما در اینجا تنبلی می کند و نماز نمی خواند. در قطار و هواپیما هم همینطور است. گاهی هم وقت طوری است که مسافر به نماز نمی رسد. لذا باید بهانه ها را از مسافر گرفت. شرایط مسافر ضعیف باید جوری باشد که دیگر از نظر وقت مشکل و بهانه نداشته باشد. و در مورد مسافرت های هوایی شرکت های مسافربری هوایی که درگیر این قضیه هستند، اینها باید عضو ستاد اقامه ی نماز باشند.

عده ای هم به دنبال فلسفه ی نماز هستند، چرا که تحصیل کرده اند. دلشان می خواهد فلسفه همه ی مسائل را بفهمند در اینجا است که اینها پس از آگاه شدن از

[صفحه ۷۴]

فلسفه و آثار و برکات نماز دل گرم خواهند شد و وظیفه حوزه های علمیه است که برای ایشان اسرار و آداب نماز را بازگو نمایند؛ حوزه های علمیه ای که باید عضو ستاد اقامه ی نماز باشند.

دولت هم در قبال اقامه ی نماز موظف است، کارمندان دولت باید برای خواندن نماز، مکان مناسب داشته باشند و نماز را اول وقت بخوانند و نه آخر وقت. ما باید اینها را کم کم درک کرده باشیم. شما ببینید پیامبر اکرم (ص) چه وقت نماز می خواند؟ آیا علی بن ابی طالب (ع) در میدان جنگ و در هنگام فرا رسیدن زمان نماز اول وقت، نماز را به تأخیر می انداختند؟ وقتی معصومین ما در سخت ترین شرایط نماز را اقامه ی می کردند و اگر در سفر بودند با آن وضعیت سخت مسافرت های گذشته برای خواندن نماز درنگ می نمودند و در بیابان نمازشان را می خواندند، آیا ما نباید در اداراتمان - در ادارات جمهوری اسلامی - برای کارکنان شرایطی مناسب فراهم کنیم تا نمازشان را سر وقت بخوانند؟ چه اشکالی دارد اول وقت نیم ساعت را به نماز اختصاص بدهند و برای نماز خواندن کار را تعطیل نمایند. پس اینها هم خودشان باید عضو ستاد اقامه ی نماز باشند.

معضل سوم: مشکلات قانونی

و در بعد قانون گذاری من نمی دانم که آیا این مسأله حل شده است یا خیر. دانشجویان خیلی خوبان تردید کردند که عجب! ما بیا بیا به استادمان بگوییم

[صفحه ۷۵]

بیا نماز بخوان اگر نمی خواهی نماز بخوانی، دانشگاه نیا. به گونه ای با استعجاب بیان کردند و بالاخره موضوع هم از بین رفت. عده ای هم توجیه می کنند که اگر ما برای گزینش کارمندان نماز خواندن را شرط کنیم، گروهی منافقانه نماز می خوانند و این نماز فایده ای ندارد. بنابراین ما این شرط را نگذاریم. اگر اینجور باشد که پس ما بگوییم که مثلاً شرط اسلام را نگذاریم برای اینکه ممکن است فلان مسیحی یا فلان بودایی، یا فلان کس دیگر بیاید

و منافقانه اظهار اسلام بکند، برای اینکه دختری مسلمان با او ازدواج کند و بعد هم به دین خودش باقی بماند. ببینید این فرض صحیح نیست. چنین چیزی اگر بنا شود و مخصوصاً می گویم در یک سمت های چشم گیر شرط نماز نداشته باشیم، و متصدیان این سمت، نماز نخوانند، این چه اثر سوئی می گذارد؟ پس دولت هم باید جزء ستاد اقامه ی نماز باشد و مجلس هم باید فکری بکند و قانون های مناسب وضع کند.

معضل چهارم: چگونگی سوق دادن کودکان به نماز

اما در مورد بچه ها. بچه ها را باید نماز خوان کرد من هر چه تا حالا فکر کردم جواب این سؤالی را که در ذهنم بوده نتوانستم پیدا کنم، مگر جواب های مختصری که خوب با همین جواب ها می توانم قانع شوم. سؤال این است که چرا بچه ها مزه ی نماز را و شیرینی آن را احساس نمی کنند؟ بر عکس غذا، بازی، فیلم و امثال اینها که به خوبی مزه شان را حس می کنند و لذت می برند. حتی خودشان

[صفحه ۷۶]

جذب آنها می شوند ولی چرا نماز برای بچه ها جاذبه ندارد؟ چرا برایشان مفهوم نیست؟ به خصوص در سنین هفت تا ده سالگی. مسأله این است که برای سوق دادن بچه ها به نماز چه باید کرد؟ چرا که نه می شود فلسفه نماز را برای آنها گفت و نه برخی دیگر از برنامه ها را که برای بزرگسالان قابل اجرا است، می توان برایشان اجرا نمود. به نظر می رسد که باید برای بچه ها تشویقاتی داشته باشیم و در ایجاد فضای مناسب نیز بکوشیم. اگر بچه ببیند که همه در هنگام ظهر در حال رفتن به مسجد و نماز خواندن می باشند، او هم دنبال همه حرکت می کند. همان طور که در ایام عید می بینید که همه لباس نو می پوشند، او هم می گوید من هم لباس نو باید بپوشم و دیگر فلسفه اینکه لباس نو برای چه خوب است، خاصیتش چیست و به چه دردی می خورد را نمی فهمد، ولی می گوید همه لباس نو دارند، من هم می خواهم. ما باید در مدرسه و دیگر جاها، فضایی بسازیم که بچه ها را جذب کند. وقتی می خواهیم بچه ی نماز خوان را در مدرسه تشویق کنیم. یک کتاب به او جایزه بدهیم که بیشتر از همه به نماز پرداخته است، یا یکی از نمره هایش را کمی با ارفاق بدهیم و این مطلب را هم به او و هم به دیگران بگوییم. به همراه جایزه نامه ای هم به پدر و مادرش بنویسیم و بگوییم که ای پدر و مادر، خدا پدر شما را بیامرزد که این بچه را نماز خوان تربیت کرده اید، همچنین باید نمازخانه و محل اقامه ی نماز دانش آموزان در مدارس به گونه ای باشد که سرما و گرمای

نامطلوب سبب اذیت او و نهایتاً بی‌نمازی اش نشود و امثال این مسائل که زمینه سازی برای تشویق و ترغیب و فضا سازی برای بچه ها است و به این ترتیب

[صفحه ۷۷]

آموزش و پرورش نیز خود به خود جزو ستاد اقامه نماز می باشد.

راه رفع معضلات

اگر ما حسابش را بکنیم، همه باید درگیر و همکار این ستاد باشند. حالا ما یک ستاد بیشتر نداریم، ولی همه باید لااقل به این ستاد کمک بکنند و اگر خودشان را عضو ستاد نمی دانند که باید بدانند - چرا که وظیفه ی عمومی است و تنها وظیفه ی آقای قرائتی نیست و وظیفه این ستاد موجود اقامه ی نماز نیست، بلکه وظیفه همه ی ما است - پس باید همه ی ما خودمان را عضو این ستاد بدانیم و به این ستاد کمک کنیم و با آن همکاری نماییم و اگر کاری از ما ساخته است، انجام دهیم. آنهایی که کارهای خیر می خواهند بکنند - پول دارها، ثروتمندان و متمکنین - از مالشان استفاده کنند برای مسجد سازی، برای زیباسازی مسجد، برای امور بهداشتی مسجد که اگر کسی وارد مسجد شد آب پاک باشد و صابون و دستمال کاغذی نیز در دسترس باشد. بنده در مسافرت های خارجی دیده ام که وسط بیابان در جایی که اصلاً مسکونی نیست، مکانی را با امکانات مناسب بهداشتی برای تطهیر ساخته اند. چرا ما باید با کمبود مساجد، و یا احیاناً با مساجد نامرتب و نامناسب مواجه باشیم؟ این شایسته نیست.

به هر حال ما باید واقعاً از پیشگاه نماز معذرت خواهی کنیم. بر طبق روایات شریفه در عالم دیگر نماز مجسم می شود. در قبر هم در سمت راست میت قرار می گیرد و دیگر این که

اگر کسی خوب نماز خوانده باشد، نماز در حقش دعا

[صفحه ۷۸]

می کند و گرنه نماز در حق او نفرین خواهد کرد و می گوید: مرا ضایع کردی، خرابم کردی، خدا خرابت کند. اگر در روز قیامت نماز گریبان ما را گرفت و گله کرد و گفت که چرا در نظام جمهوری اسلامی چنین برخوردی با من نمودید، ما چه جوابی داریم که بدهیم؟ بنابراین ما باید از این اجلاس ها نتیجه عملی بگیریم. صرف این نباشد که

بیاییم حرف های خوب بزنیم و بعد هم به یکدیگر احسنت و آفرین بگوییم و بعد هم برویم و مسأله را تمام شده بدانیم. یا اگر اثری داشت، اثر مختصر یا کمتر داشته باشد. خوب خیلی زحمت کشیده می شود تا این اجلاس برگزار شود؛ از هزینه های آن گرفته تا صرف وقت و زحمات آن و بنده از تمام دست اندرکاران آن تشکر می کنم. در قبال این همه زحمتی که برای برگزاری اجلاس کشیده می شود باید از آن نتیجه ای کلی گرفته شود و در پایان معلوم شود که در طول سال چه کارهایی را برای نماز انجام داده ایم.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

بررسی میزان تاثیر خطبه های نماز جمعه

«جناب آقای انصاری»

[صفحه ۸۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس ایزد منان را که در این اجلاس که یکی از ثمرات آن ایجاد ارتباط بین خالق و مخلوق است، توفیق ارائه سومین مقاله از رساله دکتری اینجانب به دست آمد. ابتدا لازم است به عرض برسانم که در سال ۷۲، موضوع رساله ی دکتری اینجانب با کمک استاد راهنمای بزرگوار جناب آقای دکتر جاسبی تحت عنوان: «نقش و تأثیر خطبه های نماز جمعه در اداره ی امور کشور» مورد تصویب قرار گرفت و سپس در اجلاس پنجم نماز در تبریز مقاله ای از این رساله تحت عنوان: «نقش های مختلف نماز جمعه» ارائه گردید و در اجلاس ششم در زنجان نیز مقاله ای تحت عنوان: «نقش مساجد در اداره ی امور عمومی» ارائه شد و در اجلاس هفتم چکیده ای از کارنامه چهار ساله این رساله و در واقع یافته های این تحقیق ارائه می شود که البته ارائه خلاصه ی این کار در ۱۵ دقیقه وقت که هیأت رئیسه محترم در نظر گرفته اند مقدور نیست. لذا مجبورم که بخش هایی از آن را حذف کنم.

[صفحه ۸۲]

اما مقدمه موضوع: نظام حاکم بر جمهوری اسلامی ایران نظامی نشأت گرفته از قرآن است که می کوشد بر مبنای آرمان ها و ارزش های مکتب اسلام جامعه را اداره کند. لذا با هیچ یک از حکومت های موجود در دنیا مشابه نیست. این نظام برای برقراری ارتباط با جامعه و ابلاغ پیام های خود به شهروندان از ابزارها و پایگاه های ویژه ای برخوردار است. پایگاه هایی همچون نماز جماعت و نماز جمعه و اجتماع عظیم حج. با گذشت بیش از ۱۸ سال از انقلاب اسلامی، نماز جمعه در جهت جلب نظر مردم به تعاون و همکاری، تجهیز نیرو و کمک مالی به جبهه ها در طی دوران ۸ سال دفاع مقدس. ایجاد فضای روانی سالم توأم با آرامش در پشت جبهه ها، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی در زمینه های مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای نقش مشهود و تأثیرگذاری بوده است.

اما اهداف: این پژوهش میزان تأثیر خطبه های نماز جمعه را به سه دسته از فعالیت های نظام اجرایی یا قوه ی مجریه ی یعنی فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی تقسیم می کند و در پی ارائه الگو می باشد. هدف های فرعی این رساله ارائه الگوی نظام گرا یا نگرش سیستماتیک (که یکی از نظریه های مدیریت در عصر حاضر است) از تأثیر خطبه ها در اداره ی امور کشور، ارائه تجارب و کارکردهای نهاد فراگیر نماز جمعه در کشور، و همچنین آشنا نمودن دانشجویان، به ویژه دانشجویان رشته مدیریت با کارکردهای این نهاد مدیریت اسلامی در کشور و نهایتاً بیشتر آشنا ساختن مدیران نظام با تأثیرات این نهاد اسلامی در کشور

[صفحه ۸۳]

می باشد.

اهمیت این پژوهش به جهت راه کارهایی است که اسلام در امر مدیریت و اداره ی عمومی جامعه برای ایجاد پیوند و همبستگی میان مردم و مسئولان حکومت و ابلاغ پیام های این دو به یکدیگر ارائه کرده و مورد تأکید قرار داده است. راهکارهایی همچون: مسجد، منبر، نماز جماعت، نماز جمعه، حج و غیره که از این میان نماز جمعه و جایگاه ویژه ی آن و تأکیدات مکرر رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی «قدس سره» و مقام معظم رهبری مبنی بر برگزاری هر چه باشکوهتر آن و نیز مشاهدات ملموس و محسوس از تأثیرات چشم گیر و غیر قابل انکار این نهاد فراگیر، مورد توجه و علاقه مندی پژوهشگر برای بررسی میزان تأثیر خطبه ها بر روند اداره ی امور کشور بوده است.

آنچه مسلم و غیر قابل انکار می باشد تأثیر خطبه ها در اداره ی امور کشور است، اما این که میزان این تأثیر بر سه دسته از فعالیت های مهم اداره ی عمومی یعنی امور سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی تا چه حد است و از نظر مسئولان نظام به چه نحو بوده و چگونه می توان آن را در جهت بهینه سازی نظام و اصلاح برنامه های آن بکار برد، خود موضوعی است که می بایست مورد دقت و بررسی قرار گیرد. لذا به منظور دستیابی به این هدف، پژوهشگر نخست نقش خطبه های نماز جمعه از دیدگاه قرآن و به ویژه سوره ی مبارکه ی جمعه را بررسی نمود و بر مبنای نتایج حاصل از این تحقیق به بررسی نقش تاریخی نماز جمعه در اداره امور عمومی مسلمانان در صدر اسلام و پس از آن تا به امروز پرداخت.

اما برای بررسی نقش خطبه های نماز جمعه در اداره امور عمومی کشور جمهوری اسلامی، به دنبال نگرش یا دیدگاهی بودم که بتواند روابط پیچ در پیچ

[صفحه ۸۴]

و به هم بافته ی این نهاد فراگیر را با نظام اداره ی امور کشور و محیط پیرامون آن تبیین کند. در این ارتباط نگرش نظام گرایانه و نگرش سیستمی را از این رو که به تبیین روابط پدیده با محیط و پیرامون آن می پرداخت، شایسته یافتیم. توضیح این نکته لازم است که این نگرش از چهار عنصر تشکیل شده: داده ها، فرایند، ستاده و بازخورد که اگر فرصت شد چند تا از مصادیق این مسأله را خدمتتان عرض می کنم. البته تعیین دقیق موارد اثر و میزان کمی آن اگر نه ناممکن، بی شک بسیار سخت و از حیطة و چهار چوب این رساله و توانایی یک فرد بیرون است و با توجه به محدودیت هایی که در حین تحقیق وجود داشت، فقط به مطالعه ی تأثیر خطبه های نماز جمعه در اداره ی امور عمومی کشور با تأکید بر سنجش نظریات مسئولان نظام اکتفا شد.

بدین ترتیب اصلی ترین سؤالات و فرضیه ها به موضوع میزان و جنبه های تأثیر نماز جمعه بر نحوه ی اداره ی امور کشور محدود شد و به منظور توفیق هر چه بیشتر در کسب داده ها، تحقیق خود را به بررسی تأثیر خطبه های نماز جمعه تهران و قم به دلیل برد وسیع و پیام رسانی آن- که از شبکه سراسری صدا و سیما پخش می شوند- محدود کردیم: برای انجام مطالعه، روش زمینه یابی یا پیمایش انتخاب گردید و دو جامعه ی آماری اصلی در این تحقیق، مسئولان نظام بودند که شامل وزراء، مشاورین و معاونین رئیس جمهوری می شدند. گروه اول تحقیق حدود ۴۰ نفر و گروه دیگر یعنی معاونین وزراء حدود ۱۶۰ نفر بودند و در مجموع ۲۰۰ پرسشنامه تکمیل شد که ۴۰ نفر اول به دلیل کمی عده از طریق سرشماری انجام گرفت. از دویست پرسشنامه ی ارسال شده، در مجموع ۷۵ پرسشنامه دریافت گردید؛ از گروه اول ۱۴ پرسشنامه و از گروه دوم ۶۱

[صفحه ۸۵]

پرسشنامه. پس از جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه، با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی آزمون های «یونان بیتی» و «کالبون بروفو» و «ضریب کای» پاسخ ها طبقه بندی و تلخیص شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته های تحقیق عبارتند از:

خطبه های نماز جمعه در فرایند تصمیم گیری برای اداره ی امور عمومی تأثیر دارد و میزان این تأثیر بر سه دسته از متغیرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به شرح ذیل می باشد:

ابتدا امور اجتماعی: نتایج تحقیق نشان می دهد که $7/50$ درصد مدیران در هر گروه تحقیق، تأثیر خطبه ها را در امر اجتماعی اداره ی عمومی در سطح زیاد و بسیار زیاد و $36/3$ درصد در سطح متوسط و $3/13$ درصد در سطح کم دانستند و ضمناً در هر دو گروه نیز اختلاف نظر معناداری مشاهده نشده است.

امور سیاسی: نتایج تحقیق نشان می دهد که $3/77$ درصد از مدیران نظام در هر دو گروه تحقیق، تأثیر خطبه ها بر امور سیاسی اداره ی امور عمومی را در سطح زیاد و بسیار زیاد و $3/17$ درصد در سطح متوسط و $3/5$ درصد در سطح کم دانستند و در میان دو گروه اختلاف نظر معنادار مشاهده نگردید.

امور اقتصادی: نتایج نشان می دهد که $28/28$ درصد از مدیران نظام در هر دو گروه تحقیق، تأثیر خطبه های نماز جمعه بر امور اقتصادی اداره ی عمومی را زیاد بسیار زیاد، $3/49$ درصد آن را در سطح متوسط و $7/22$ درصد در سطح کم دانستند. در بین هر دو گروه نیز اختلاف معنادار مشاهده نشد.

ابتدا لازم می دانم که در اینجا توضیح خدمتتان عرض کنم که بررسی این

[صفحه ۸۶]

آزمون در سطح استان ها، طبعاً آثار متفاوتی دارد. در استان اصفهان که آزمون مقدماتی انجام شد، این تأثیرات فرق می کرد. اما الگویی که مورد پیشنهاد محقق بوده است: یکی از اهداف محقق در این پژوهش آن بود که ارتباط متقابل نهاد فراگیر نماز جمعه و قوه ی مجریه یا نظام اجرایی را به صورت یک الگو یا با نگرش سیستمی نظام گرا ترسیم نماید. این مجموعه، یعنی نهاد نماز جمعه در محیطی عمل می کند که متغیرهایی از قبیل مردم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، گروه های ذی نفع مثل: انجمن های اسلامی ادارات، نهادها، کارخانه ها و وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاست های کلان اقتصادی، اجتماعی در عمل رفتار واحدی را تشکیل می دهند که علل

اصولی در بررسی رفتار متقابل این دو نهاد فراگیر نماز جمعه و نظام اجرایی و ارتباط متقابل این دو ارگان- همان طور که اشاره شد- باعث گردید که محقق فقط به تأثیر نهاد نماز جمعه بر نظام اجرایی بپردازد که به صورت عمومی میزان تأثیرات از طریق طرح گزینه ای مناسب که در قالب پرسشنامه از دو گروه مورد تحقیق یعنی وزرا، معاونین و مشاورین رئیس جمهوری و معاونین وزرا مورد سنجش قرار گرفت. نهاد فراگیر نماز جمعه در یک ارتباط دو طرفه و پویا برای امور کشور در نمودار نشان داده شده که البته چون اینجا ابزار نمایش این نمودار نیست، بنابراین فقط تئوری ارائه می شود. در این نمودار نشان داده می شود که امام جمعه به عنوان هسته ی اصلی نماز جمعه می باشد و باید در چهارچوب ستاد نماز جمعه که در قالب نهاد شورای سیاست گذاری ائمه جمعه است می باشد و نیز ارائه آنچه مقام معظم رهبری به عنوان حاکم اسلامی ارائه می کنند خطبه های خود را تنظیم می نماید در چهارچوب کلی محتوای خطبه ها، در خطبه ی اول: دعوت به تقوا و پرهیزکاری

[صفحه ۸۷]

می نماید و در خطبه ی دوم به بیان مسائل روز جامعه و جهان اسلام می پردازد. البته شخصیت و نفوذ شخص، خود امری جداگانه است که در خطبه ها عامل قابل توجهی است. و بعداً محققان دیگری این مسأله را رسیدگی می کنند. اما پیشنهادها: توصیه می شود

۱- ائمه جمعه و مدیران نظام با استفاده از نگرش سیستمی و انتزاعی با مسائل برخورد کنند و سیستم جامع اطلاعاتی و پژوهشی لازم را فراهم آورند.

۲- امکان تماس بیشتر مردم و طرح شکایات و مسائل ایشان با ائمه جمعه بیشتر فراهم گردد.

۳- طرح موضوعات در خطبه ها به صورت هدفمند و مستمر صورت گیرد، به نحوی که نتایج حاصل از خطبه ها تا رسیدن به نتیجه ی کار، زیر نظر قرار گرفته و پیگیرانه دنبال شود.

۴- ایجاد ارتباط و مراودات وسیع میان ائمه جمعه و مسئولان نظام و ایجاد تفاهم و توافق، به ویژه در زمینه های ارزشی میان ایشان ضروری است.

۵- توجه بیشتر مدیران به پیام های خطبه ها و پیگیری منظم برای انجام اصلاحات پیشنهادی در خطبه ها با پاسخ گویی پیگیرانه و منظم به موارد قابل پاسخ، لازم است.

- ۶- ایجاد امکانات وسیع آموزشی برای بالا بردن سطح آگاهی ائمه جمعه در خصوص امور حکومتی و قوانین و سیاست های داخلی و خارجی، طرح ها و برنامه ها و نیز اختیارات مدیران ضرورت دارد.
- ۷- با توجه به موارد فوق لازم است استقلال نسبی ائمه جمعه از نظام اداره ی عمومی به معنی اخص، به منظور حفظ تأثیر و مردمی ماندن پایگاه نماز جمعه

[صفحه ۸۸]

حفظ گردد.

- ۸- امروز مسئولان نظام بدون حمایت و مشارکت مردم قادر به حل مسائل و معضلات نیستند و هر قدر مرجع تصمیم گیری و محل پدید آمدن معضل یا مسأله نزدیکتر باشد، حل آن آسانتر است لذا به مدیران و مسئولان توصیه می شود که ارتباط خود را با این جایگاه مقدس بیشتر نمایند.

- ۹- توافق بیشتر و وجود دیدگاه مشترک بین ائمه جمعه و مسئولان به تصمیم گیری های منطقی تر می انجامد.

- ۱۰- توسعه و گسترش این مطالعه برای آیندگان، درباره ی نقش سخترانی های قبل از خطبه و تأثیر خطبه ی بر روی نظام پیشنهاد می شود.

البته برای تحقیق جامع و همه جانبه در خصوص موضوع و رسیدن به هدف، نقش نماز جمعه در اداره ی امور جامعه ی اسلامی، وجوه دیگری در الگوی نظام گرای اسلامی در پیشنهاد محقق آمده است. ضروری است که گروهی منسجم از متخصصین رشته های گوناگون گرد هم آیند و با استفاده از امکانات لازم جنبه های بسیار نامکشوف این نهاد فراگیر را بررسی کنند، زیرا این تحقیق شاید تنها توانسته باشد به گوشه هایی از این تأثیر پرتوی افکنده باشد. برای این که به صورت عمومی تر مصادیق این داده ها روشن بشوند، مثال هایی را خدمتتان عرض می کنم: مثلاً در شهریور ماه ۱۳۷۳ از طرف ائمه جمعه ی سراسر کشور و از جمله امام جمعه موقت تهران حضرت حجة الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی موضوع تورم و گران فروشی در خطبه های نماز جمعه مطرح می شود

[صفحه ۸۹]

و سپس رؤسای قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی از سخنان این ائمه جمعه اعلام حمایت نموده و در مرحله فرایند است که دولت اقدام به تشکیل ستاد تعزیرات حکومتی می نماید و بازخور آن این است که باعث جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت ها می گردد. یا در سال ۷۳ حضرت آیت الله امینی امام جمعه موقت قم به دنبال آزاد شدن تردد وسائط نقلیه سنگین در اتوبان قم- تهران که به چندین فقره تصادف دلخراش می انجامد، به وزارت راه و ترابری اعتراض می کنند، سپس وزیر راه و ترابری با آمدن به قم و پیگیری مسأله، مجدداً دستور ممانعت از ورود کامیون ها و وسائط نقلیه سنگین به اتوبان را صادر می کنند. و اما در بعد اقتصادی و سیاسی باز یک مصداق خدمتتان عرض می کنم. در سال ۷۳ صاحبان دو کارخانه ریسندگی نختاب و آذر اصفهان که حقوق کارگرانش را برای مدت شش ماه پرداخت نکرده بودند، پس از اخذ وام از بانک به منظور خرید مواد اولیه از کشور خارج می شوند که کارگرها تا شش ماه تحمل می کنند، سپس در منزل امام جمعه تجمع می نمایند. استانداری جلسات متعددی تشکیل می دهد و سپس به این می انجامد که موضوع باید در خطبه های نماز جمعه ی اصفهان مطرح شود. پس از طرح موضوع در خطبه های نماز جمعه، وزیر صنایع سنگین و وزیر کار به همراه رئیس کل بانک مرکزی به اصفهان می آیند و موضوع را حل می کنند. تأثیر خطبه ها در جمع آوری آنتن های ماهواره نیز یکی دیگر از مصادیق است که پس از طرح موضوع از طرف حضرت آیت الله جنتی و دیگر ائمه جمعه، بررسی هایی صورت می گیرد و

[صفحه ۹۰]

وزارت کشور موظف به تهیه آئین نامه می گردد و سپس به نیروهای انتظامی هم اعلام می شود که نسبت به جمع آوری آنتن های ماهواره اقدام نمایند.

[صفحه ۹۱]

روزنه ی دل، حضوری ترین بزم گفتگوی انسان با خداوند

«جناب آقای شاه حسینی»

[صفحه ۹۳]

«بسم الله الرحمن الرحيم»

عنوان مقاله بنده «روزنه دل حضوری ترین بزم گفت و گوی انسان با خداوند» است. دو نیت از انتخاب این گزینه داشتم، یکی اینکه تلاشی توصیه گونه باشد برای تعادل میان احکام ظاهری نماز و احکام باطنی نماز به گونه ای که در جامعه ی ما فقه نماز عرصه را بر عرفان نماز تنگ نکند. از وظیفه مؤمنان، به ویژه ی کارگزاران فرهنگی است که همواره بکوشند توازن میان ظواهر و بواطن شریعت و نماز را حفظ کنند و با اندازه گیری های مستمر اجتماعی ناظر بر این حقیقت باشیم. کما این که در باب قرآن نیز چنین است. یعنی قرائت و تجوید و ترتیل نباید میدان را از تفسیر و روح قرآن گرفته باشد و عموم احکام عبادی و احکام اجتماعی مشمول یک چنین حقیقتی هستند. نیت دوم تحلیل نماز بر مبنای تحلیل نیاز انسان به گفت و گو با خداوند در این هستی و در این دنیای تنهائی ها و ترس ها، بیشتر و آسانتر و دلنشین تر برای نسلی است که تحت تأثیر علوم جدید ساینسیسم، به ویژه دترمنیسم، چه در عرصه تئوری و چه در عرصه عمل قرار دارد و به شدت ذهن او معطوف به درون مرزهای ماتریالیسم

[صفحه ۹۴]

است و نسبت نماز و نسل نو به همان اندازه پیچیده است که نسبت دین و علم در عصر جدید. بر این مبنا ما رابطه ی نسل نو را با نماز، بر اساس نیاز تحلیل کرده ایم و اعتقاد ما بر این است که دنیای امروز یک استغنا ی مذمومی به بشر بخشیده است که خواهیم دید و در این مقاله خواهیم گفت و در اندیشه دینی هم چنان که خواهیم گفت باب گفت و گوی انسان با خداوند را در جهان در انداخته اند و با مفتوح بودن باب معرفت الله و باب محبت الله، اسباب این گفت و گوی زیبا را در جهان آن چنان ایجاد کردند که به قول مولوی روح دین همین است:

دوزخ است آن خانه که بی روزن است

اصل دین ای جان روزن کردن است

در باب فضیلت گفت و گوی انسان با خداوند: این گفت و گو آنچنان اهمیت دارد که خدای کریم در قرآن می فرماید ترک گفت و گو یکی از عذاب های بدکاران در قیامت است. در سوره بقره آیه ۱۷۴: «لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» و در سوره آل عمران آیه ۷۷ «لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» ترک این گفت و گو و از بین بردن این فرصت و فراق همنشینی با خداوند، از موجبات عذاب های خداوند جبار در روز قیامت است. و به همین دلیل آن همه فضیلتی که در باب سوره ی حمد در قرآن و سنت آمده است، به این خاطر می باشد که در سوره حمد بر خلاف تمامی سوره ها، از زبان انسان با خداوند سخن گفته می شود. تا آنجایی که پیامبر گرامی اسلام (ص) به دلیل این اهمیت، این سوره شریفه را در اول قرآن می آورند و فاتحه الکتاب نام می گیرد و آن حضرت و امام صادق (ع) در فضیلت سوره ی حمد که فرصت و زمینه ی گفت و گوی انسان با خداوند می باشد می فرمایند که ابلیس در دو هنگام خشمگین گردید؛ یکی هنگام بعثت حضرت رسول اکرم (ص) و یکی هنگام نزول سوره حمد و در جواب جابر، پیامبر اسلام (ص) می فرماید: بهترین

[صفحه ۹۵]

سوره ها سوره ی حمد است، چرا که عطیه ای بزرگ است که برای انسان امکان گفت و گو با خداوند را در جهان بوجود آورده است. هر چند کرانه های این گفت و گو ناپیداست، زیباترینش نماز است. ولی باب این گفت و گو در قلمرو شریعت و در قلمرو ولایت متجلی گردیده است که دلنشین ترین، امنیت آفرین ترین و یقینی ترین خاطره ها و نعمت هایی است که انسان در این رابطه ی شهودی با خداوند - که روح نماز در این است - در واقع بدست می آورد. بنابراین سخن را ما از اینجا آغاز کردیم.

روح عصر کنونی چه در عرصه ی تئوری و چه در عمل، انسان را استغنا بخشیده است که به بیرون از مرزهای هستی نگاه کند و تلاش ما برای جا انداختن نماز در نسل جدید باید بر اساس تحلیل نیاز باشد. بگذریم از اینکه بر اساس تحلیل عشق نیز می شود به صورتی دلنشین و زیبا رابطه ی انسان و خدا را تبیین کرد. به این خاطر مقدمه چنین آغاز می گردد. مدل ریاضی جهان امروز و نظام آهنین علی و معمولی در علم جدید، آنچنان تصویری از عالم

ساخته که بود و نبود خداوند در آن یکسان می نماید. ماشین بزرگی که آن را از ابتدا چنان تنظیم کرده اند که می تواند برای همیشه کار کند، بدون آنکه به نیرویی بیرون از خود نیازمند گردد. در چنین توهمی، نسبت خداوند با جهان چون ساعت و ماشین تنها خالق اولیه بودن است، نه متصرف دائمیه. تازه اگر به قول «نیچه» خدا نمرده باشد، چون در جهان ماشین و ریاضی آنچنان نظام اتوماتیک و ماشینی حاکم است که سر و کار انسان تنها با نظام علیّی است و نیازی به ارتباط بیرون از مرزها احساس نمی کند. در یک چنین جهانی، در واقع اگر خدایی وجود داشته باشد تنها خالق اولیه است، نه متصرف دائمیه. ساعت ساز ماهر که بازنشسته شده و در استراحت بسر می برد. سیطره کمیت و تلقی الوهیت از علم، بالضروره دینی کردن شئون زندگی را بی وجه می سازد. زیرا اجازه

[صفحه ۹۶]

نمی دهد چیزی که از پیش خود ماهیتی دارد به ماهیتی دیگر تبدیل شود و رنگ دینی و الهی به خود می گیرد. دعا، توکل و توسل و بسیاری از معارف و معالی دیگر دینی را که معرف نفوذ پذیری دیواره ضخیم هستی است، بی معنا می سازد. خدا در جهان بینی علمی، حتی در خداشناسی علمی و فلسفی، خدایی نیست که با صفت معطی و مجیب و جبّار بودن خویش رابطه خوفی و عشقی یا سود و زیانی با آدمیان داشته باشد و انسان در این رابطه ها است که زنده است و می تواند با نیروی «کن فیکون»، اراده مایشاء و ید مبسوط خداوندی اش سبب سوزی و سبب سازی کند. نسل امروز دیگر تحت اندیشه ی مولوی نیست که بگوید:

از سبب سوزی اش من سودائیم

و از سبب سازیش سوفستائیم

عشق به این سبب سوزی ها و سبب سازی های خداوند و دخالت کردن خداوند در این جهان است که نیاز را به ماورای هستی برای نسل امروز ضرورت می سازد و خداوندی، سبب سوزی و سبب سازی کند و دل آدمیان را یا به طمع و یا به ترس برپاید. آری در هندسه ی جهان کنونی خداوند تنها تماشاچی است، نه بازیگر. فرهنگ غرب چاره ای جز در غلطیدن به دام سکولاریزم نداشت. سکولاریزم حتی در اندیشه های سیاسی خود به این خاطر خود را بی نیاز از دین می داند. به خاطر همین تئوری بنیادین دترمنیزم.

طبیعت برای انسان های متعالی بسیار سخنگو و پر معنا است. بنابراین دامنه ی این گفت و گو یا مقاله در قلمرو طبیعت و شریعت و حتی ولایت و بالاتر از آن در زیباترین گفت و گوها یعنی «نماز» تبیین شده است. چه، در عرصه شریعت، حضرت ربوبی با ارسال رسل و انزال کتب، آغازگر باب گفت و گوها است. قرآن نه فقط سخنان یکطرفه خدا است که روایت دو سویه ی پیامبران و خدا، یا فرشتگان و خدا است. حضرت زکریا (ع) از خداوند فرزند می خواهد و خداوند به

[صفحه ۹۷]

او بشارت فرزند می دهد. حضرت ابراهیم (ع) مجادله های متنوع و طولانی باخدای خویش دارد. حضرت عیسی (ع) با خدا و حضرت موسی در کوه طور و داستان عصا و محاوره ی حضرت مریم (س) و مادر موسی با پروردگار و سایر قصص انبیاء و اولیا دل انگیز و عبرت خیزترین خاطره ها و تجربه های همنشینی صمیمی با خداوند باری تعالی می باشد که مضمونش کارگردانی و جهان آفرین است. در همان کتاب آسمانی، خدای بزرگ نوید گشایش باب مذاکره و انس با بندگان را نیز داده است؛ ابتدا خود را نزدیکتر از رگ گردن می نمایاند و یا حائل میان انسان و قلبش، سپس می فرماید مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم و چنانچه بنده ی حاجتمندی چیزی را از من بخواهد به او نزدیک می شوم و دعوتش را اجابت می کنم. در واقع باب گفت و گو از قرآن شروع می شود.

دومین عرصه گفت و گوی انسان با خداوند، کتاب آفاق و انفس است که به زبان دیگری با بندگان سخن می گوید. سخنی دلکش و دلالت جو که لذت استماعش مستی آورتر از صد خم شراب است. این سخن مولوی است. طبیعت، سخن گوی خدا است و بنده در تجربه های عرفانی و دینی خود توفیق شنیدن آن را می یابد. تجربه ی دینی عبارت است از مواجهه با امری مطلق و متعالی. این مواجهه انسان با خداوند، در عرصه طبیعت در صورت های گوناگون ظاهر می شود. گاه به صورت رؤیا که در ادبیات عرفانی و در فرهنگ دینی ما رویاهای صادقه و صالحه جای خود را دارند؛ به نحوی که رؤیا یکی از چهل جزء نبوت- به نقل از رسول گرامی اسلام- مطرح شده است. گاه به صورت رویا، گاه شنیدن بویی و بانگی. تمامیت عرفان بیرون بردن سر است از روزنه هستی، بو بردن در هستی، آنچنان زیبا است که برخی معتقدند عرفان از عرف می آید یعنی بو بردن، سبب مستی عرفانی، استشمام عطر عوالم غیب است که در

طبیعت جلوه گر می باشد.

بوی برد جزء تا کل ای کریم
بوی برد ضد تا ضد ای حکیم

رفتن یک منزلی بر بوی ناف
بهتر از صد منزل گام و طواف

و گاه به صورت نفس و ظلمتی و گاه مستی و نورانیتی. همه ی قبض و بسط های روانی را، عارف از خداوند می داند. گاه عشق به معشوق نادیده ای، گاه احساس حضور روحانی کسی، گاه درک سّری و گاه کشف رازی. گاه درآمدن جذبه ای، آتشی، خلائی، برقی، جمالی و بهجتی. آری جهان عارفان بشارت بین، جهانی زبان دار و سخنگو است که به وسیله آنها ابراز مراد می شود. عارفان با وحی دل و دیده ی ملکوتی خود آن کلمات را می شنوند. از این رو از هیچ حادثه ای بدون تفسیر نمی گذرند. بلکه از لابلای حوادث گوناگون زندگی، به عتاب و خطاب های خداوندی پی می برند. مرحوم علامه درباره ی آیه ی «إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» همین نظر را در واقع عنوان می کند که می فرماید همه ی موجودات تسبیح گوی خداوندند، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید و مرحوم علامه در ادامه می فرماید که حق آن است که تسبیح موجودات یک حقیقت است، نه مجاز و با لفظ و صوت است نه با آفرینش. بر اساس تحلیل هائی که می شود- خصوصاً در «سرالصلوة» و «آداب الصلوة» حضرت امام (ره) همه آداب نماز، حمل بر ادب و حضور و حمل بر عرصه ی شهود و مشاهده می شود؛ چه اذان، چه اقامه و چه دیگر مناسک نماز. و این حضور برای انسان امنیت آفرین و رضایت بخش و یقین آفرین است.

نماز تجلیگاه حضور

سرکار خانم صفاتی

«از اساتید حوزه ی علمیه قم»

[صفحه ۱۰۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده بحثی را تحت عنوان «نماز تجلی گاه حضور» تقدیم حضورتان می نمایم در این بحث تلاشم بر این بوده است که دیدگاه های حضرت امام (ره) را- خصوصاً- تبیین نمایم و محورهای آن درباره عبودیت و بندگی است و اینکه چه کنیم تا حضور بیشتری در نماز داشته باشیم. ما این را از کتاب «آداب الصلوة» حضرت امام (ره) آموختیم که می فرمایند: اساساً هر عملی که توسط انسان انجام می پذیرد، دارای صورتی ظاهری و صورتی باطنی است که آن صورت باطنی روح عمل محسوب می شود؛ همانطور که همه مان می دانیم و قاعدتاً عبادت از این خصیصه مستثنی نیست، یک ظاهر دارد و یک باطن و قطعاً امور باطنی و معنوی نماز در نمایاندن ارزش های نماز فوق العاده مؤثرند. یکی از ابعاد مهم در نماز، ابعاد معنوی نماز می باشد که همان احساس بندگی و نیاز انسان است در مقابل حق تعالی. مولای متقیان علی علیه الصلوة و السلام در جمله کوتاهی می فرماید: «إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا» خدایا این

[صفحه ۱۰۲]

عزت مرا بس است که بنده تو باشم. «وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» و کافی است مرا این فخر، که تو پروردگار من باشی. ملاحظه بفرمایید حضرت علی (ع) در آن افق متعالی چگونه ذلیلانه در مقابل خدا و عالم هستی و خالق هستی کرنش دارد و تواضع می نماید. نماز یک حضور روحانی است که حقیقت آن عبودیت و بندگی می باشد. حقیقت عبودیت و بندگی در سراسر نماز جلوه گر است، اما این عبودیت و بندگی آثاری دارد. آیا هیچ به آثار آن فکر کرده ایم؟ قطعاً فکر کرده ایم. آیا تا کنون هیچ در مقام عمل سعی کرده ایم خودمان را به این آثار نزدیک

نمائیم؟ این عبودیت و بندگی در همه جا و همه برنامه ها آثاری دارد. در یک کلام، الهی شدن از آثار عبودیت است.

در نماز، ما «الله اکبر» می گوییم و «الله اکبر» از ابتدای اذان شروع می شود تا پایان نماز به نحوی که حتی آن تکبیرات ثلاث بعد از نماز که مستحب است را در بر می گیرد و در تعقیبات نیز با کیفیتی خاص دنبال می شود. سه جهت در «الله اکبر» وجود دارد. یک عنوان ذهنی دارد؛ یعنی هیچ چیز جز خدا نباید ذهن و اندیشه ما را فرا بگیرد. در لفظ می گوییم: «الله اکبر»، در عمل هم دست را محاذی گوش قرار می دهیم یعنی «ماسوی الله» را پشت سر گذاشتن. پس هم قلباً و هم لفظاً و هم عملاً بیان می کنیم که «ماسوی الله» را ما پشت سر می گذاریم. این از مسائل فقه ما است که در ابتدای نماز مستحب است هفت تکبیر گفته شود. هفت تکبیر برای چیست؟ دست ها را محاذی گوش قرار دادن و بلند کردن و برگرداندن تا هفت نوبت برای چیست؟ تکبیر هفتم حضور تمام است؛ حضور تام و تمام نمازگزار. امام صادق (ع) در جمله ای می فرماید: وقتی تکبیر گفتیم همه چیز از هر موجودی که می خواهد باشد، در محضر کبریای ذات حضرت

[صفحه ۱۰۳]

حق متعال از عرش تا فرش، همه ی این ها در مقابل خداوند تبارک و تعالی کوچک می شوند. در اینجا امام راحل جمله ای دارند، می فرمایند: اگر علتی از حقیقت تکبیر در قلب شما باشد و آنچه را که به زبان جاری می کنیم با قلبمان هماهنگ نباشد، خداوند می فرماید: دروغ گو با من خدعه می کند. به عزت و جلال قسم که از شیرینی ذکر خودم او را محروم خواهیم کرد.

در نماز «بسم الله الرحمن الرحيم» هست. این آیه شریفه ی قرآن که به وسیله آن، ما ارتباط خاصی با خدا برقرار می کنیم، اساساً در تمام کارها توصیه شده است که در آغاز بگوییم «بسم الله الرحمن الرحيم». به نظر می آید که باء بسم الله متعلق به اسمی از اسماء الله است که تناسب پیدا می کند با هر کاری که انجام می دهیم؛ اگر برای علم است باء متعلق به اعلمیت خداوند است، اگر برای کسب و کار است جلوه رزاق را دارد و هکذا برای دیگر امور. دلیل این مطلب هم روایتی است که در «توحید» صدوق از علی ابن فضال نقل شده است: از حضرت امام رضا (ع) در رابطه با بسم الله سؤال می کنند، حضرت می فرمایند «... قَوْلُ قَائِلٍ بِسْمِ اللَّهِ أَيْ أَسْمُ عَلَى نَفْسِ سِمَةٍ مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ عِزِّ وَ جَلِّ» بعد فرمودند «و هی العِبَادَةُ» بسم الله که می گوییم یک علامتی از علائم الهی را بر نفس خودمان می

گذاریم: «سِمَةٌ مِنْ سِمَاتِ اللَّهِ» در مجموعه دعای سمات علائم و نام های الهی و جلوه حضرت حق متعال بر همه انبیا به خصوص انبیای اولوالعزم بیان می شود اینها علائم الهی است. و لذا می گوییم دعای سمات. «اسم» چه از سمات گرفته شده باشد که یک نوع بلندی و رفعت است یا اسم از وِسَمَ گرفته شده باشد که به معنای نشانه و علامت باشد به هر حال ما چه چیزی دریافت می کنیم از این «أَسْمُ عَلَى نَفْسِي»، یعنی هر فردی یک صورت جدید با هر

[صفحه ۱۰۴]

«بسم الله» که بیان می کند بر نفس خود ترسیم می نماید و یک نوع علو مرتبت روحی پیدا می کند و کمال جدیدی بر نفس انسان افزوده می شود. نماز یک چنین خاصیتی باید داشته باشد. چون فرموده اند: اگر دو روزتان مثل هم باشد ملعونید. نمی شود دو روزمان مثل هم باشد. به هر حال اینها را توصیه فرمودند. هر نمازی باید مرحله ی جدیدی از سیر کمالیه در انسان بوجود بیاورد و انسان باید این سیر کمالی را بپیماید و لذا فرمودند: «الصلوةُ معراجُ المؤمن» معراج مؤمن برای همین است. و حضرت فرمود با هر «بسم الله» در حقیقت نامی از نام های پروردگار بر نفستان می افزایشید. و وقتی راوی پرسید «سمه» چیست؟ حضرت فرمود عبادت پس ملاحظه می فرمایید در طول عبودیت هم علو و تقرب به خدا پیدا می کنیم و هم درجه ای از کمالات نفسانی در ما ایجاد می شود. «سمت من سمات الله عز و جل» و به نظر می آید سیر تکرار «الله اکبر» ها در طول نماز در هر مرحله ای بی توجهی به چیزهای دیگر است. و لذا فرمودند: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُبْدَأْ بِبِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ آتَرَ» هر امری که ابتدایش با بسم الله نباشد به منزل مقصود نمی رسد.

شنیدم از بعضی از عزیزان که کتاب مصباح الشریعه کتابی است که سندیت ندارد؛ مجموعه ای است که عرفا آن را تدوین کرده اند. در حالی که محدثین بزرگی چون مرحوم مجلسی و حضرت امام (ره) نیز در ضمن مباحث عرفانی خود در «آداب الصلوة» بسیاری از روایات مصباح الشریعه را نقل نموده اند و مضامین به گونه ای است که به نظر می آید کلام، کلام معصوم باشد. حضرت امام صادق (ع) در مصباح الشریعه یک حدیثی دارند که بنده بخش اول آن را می خوانم، می فرمایند: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ» عبودیت و بندگی

[صفحه ۱۰۵]

حضرت حق، گوهری است که باطن آن ربوبیت است. رب که به معنای همان صاحب می شود. هر کسی صاحب هر چیزی که هست عرب به او می گوید «رب» اینجا مقصود و نظر حضرت این است که عبودیت در انسان، انسان را مالک نفس خودش می نماید. عبودیت و بندگی هر چه بیشتر باشد، تسلط بر رفتار، بر اندیشه، و بر کردار بیشتر می شود. البته این حدیث صدر و ذیلی دارد که من بخشی از آن را می گویم. در این کلام نورانی حضرت پیامبر اکرم (ص) در حدیثی قدسی می فرمایند: هیچ بنده ای از بندگان من نیست که با عملی به من تقرب جوید و نزد من محبوبتر باشد از بنده ای که با انجام واجبات به من تقرب می جوید یعنی در سایه ی واجبات است که آن تقربات حاصل می شود و عجیب این است که من امروز ندیده ام که کسی هم این را بفرماید.

مساله ی نافله خوانی؛ زمانی رهبر انقلاب این را فرمودند که نافله خوانی در بین ما خیلی ضعیف است. اهل سنت به نوافل خیلی اهمیت می دهند، در صورتی که ما به این مسأله کمتر اهتمام می ورزیم. حضرت امام سجاد (ع) ظاهراً در حال نماز بودند و ابو حمزه ی ثمالی پشت سرشان نماز می خواندند. عبای آقا افتاده بود. آقا امام سجاد (ع) همچنان نماز را ادامه می دادند. ابو حمزه ی ثمالی بعد از نماز عرضه داشت: یابن رسول الله، چرا عبای مبارک را جمع نکردید. آقا فرمودند: می دانی در محضر چه کسی بودم؟ وای بر تو! به هر حال ابو حمزه ی ثمالی خیلی جا خورد بعد حضرت فرمودند: شما با کمک نوافل می توانید عبادت خودتان را تکمیل کنید. خداوند در این مورد می فرماید: من اینها را دوست دارم، و هر که را دوست داشته باشم آن وقت می شوم زبان او، آن وقت می شوم دست او، گوش او، چشم او، همه اینها الهی می شوند.

[صفحه ۱۰۶]

در حال حاضر تبیین معارف نماز برای مردم در سطوح مختلف یکی از کارهای ضروری است؛ چرا که ما شاهد کمرنگ شدن نماز در بعضی جاها هستیم و این مسئله - بعد از گذشت ۱۸- ۱۷ سال از انقلاب- اصلاً شایسته نیست. در زمینه تبیین معارف نماز، از هنر توقع زیادی می رود. لیکن با تمام حضوری که هنر در این عرصه داشته، باز هم برای رسیدن به حد مطلوب کافی نیست و به نظر می رسد که در زمینه هنری ضعیف عمل شده است. آموزش به خانواده ها از طریق رسانه های گروهی به خصوص صدا و سیما، مسأله مهمی است و باید با برنامه ریزی دقیق انجام شود. چقدر ما می خواهیم سفره آرایی به زنان آموزش بدهیم؟ چقدر می خواهیم پخت و پز

غذاهای متنوع و رنگارنگ را آموزش بدهیم؟ من فکر نمی‌کنم حتی آقایان هم تا این حد تمایل داشته باشند. چقدر می‌خواهیم مروارید دوزی و گل دوزی‌های متنوع را آموزش بدهیم؟ تا کنون حجم زیادی از برنامه‌ها را سفره‌آرایی‌ها و امثال آن تشکیل داده‌اند. ما تجمل‌گرایی را به‌طور غیر مستقیم بین زن‌های جامعه مان رواج می‌دهیم. آن وقت می‌خواهیم زن‌های ما صاحب فکر و اندیشه باشند، می‌خواهیم زن‌های ما در مورد مسائل صاحب نظر باشند. ما در این زمینه مشکل داریم و نباید سطح فکر و اندیشه بانوان را پایین نگه داریم و باید فکری جدی در این باره بشود. و می‌بایستی که مسأله نماز در قالب‌های هنری ارائه شود.

حل مشکلات معیشتی مردم مسأله‌ی مهمی است؛ چرا که گرفتاری‌های

[صفحه ۱۰۷]

اقتصادی نه تنها مخل ادای نماز با حضور و نماز با روح است، بلکه موجب کم رنگ شدن نماز در خانواده‌ها نیز می‌شود.

مسأله دیگر نماز خواندن بچه‌ها است. تقید پدر و مادر به اقامه‌ی نماز و اهمیت دادن ایشان به نماز و به خصوص نماز اول وقت و عدم ترک نماز مطمئناً تأثیر قابل توجهی روی بچه‌ها خواهد داشت.

و بالاخره من باز هم بر پیام‌های بازرگانی تلویزیون تکیه می‌کنم. ما پیام‌های هشدار دهنده برای گاز و چیزهای مختلف داریم. ما گاهی برای اسراف نکردن در برق آگهی خاصی داریم که در آن فردی برای بچه‌ها شعر می‌خواند و بچه‌ها جوابش را می‌دهند. به هر حال ما پیام‌های مختلفی داریم. چرا پیام نماز را نداشته باشیم؟ یک کسی بود که خیلی علاقه مند به امام زمان بود. در زمان نواب خاصه‌ی حضرت ولی عصر آن قدر گشت تا سَمُری را پیدا کرد. (در کتاب غیبت شیخ طوسی این را ببینید، مرحوم آقا شیخ عباس قمی در سفینة البحار هم این را نقل کرده است). وقتی که سَمُری را پیدا کرد به او گفت می‌خواهم خدمت آقا برسم، به هر حال لحظاتی طول نکشید که آقا تشریف آوردند. این آقا از حضرت ولی عصر چند سؤال کرد، آخرین پیام حضرت ولی عصر این بود «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ تَأَخَّرَ الصَّلَاةَ بِالْعِشَاءِ» ملعون است کسی که نماز عشا را به تأخیر بیندازد، در توضیحی که حضرت می‌فرماید معلوم می‌شود که نماز مغرب منظور بوده است، چون می‌فرمایند قبل از این که ستارگان در آسمان شبکه ببندند، باید نماز

را به پا بدارید. پس مقصود، نماز مغرب است و باز «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ تَأَخَّرَ الصَّلَاةَ بِالْغَدَاةِ» - ملعون است آن کسی که نماز صبحش را به تأخیر بیندازد تا آسمان سپید شود این پیام حضرت ولی عصر (عج) است. خداوند همه ی ما را اهل عمل قرار بدهد.

«والسلام علیکم و رحمة الله»

وضع نماز در نیروهای مسلح

حجة الاسلام و المسلمین صفایی

«ریاست محترم سازمان عقیدتی - سیاسی نیروهای مسلح»

[صفحه ۱۱۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

و بنده خیلی خلاصه در وقت مقرر چند جمله ای به عنوان گزارش از وضع نماز در نیروهای مسلح خدمت حضار محترم عرض می کنم. از آنجا که همه ساله در نیروهای مسلح به طور مستقل اجلاس نماز داخلی تشکیل می شود و با توجه به ویژگی هایی که نیروهای مسلح دارند و برخی از مسائلشان که طبقه بندی شده است، امکانش نیست که در سطح عموم مطرح شود، در آن جلسه خاص و داخلی خودمان در حضور فرماندهان و مسئولین، بخش های مورد نیاز مطرح و تدابیری هم برای رفع مشکلات و موانعی که وجود دارد اندیشیده می شود. برادر عزیزمان جناب آقای حجت الاسلام قرائتی روی لطف و عنایتی که نسبت به نیروهای مسلح دارند باز هم برنامه ای برای ما در اینجا می گذارند تا ما

[صفحه ۱۱۲]

گزارش گونه ای را عرض کنیم. من قبل از اینکه آن گزارش مختصر را عرض بکنم، در ارتباط با الگوی رفتاری نکته ای به خاطر آمد که مفید می دانم خدمت شما عزیزان عرض کنم. حدود دو سه ماه قبل در یک جلسه خصوصی که فرد فاضل و متدین و صاحب نظر غیر روحانی در این جلسه بود، بحث به اینجا کشید که برای ایجاد تحول و متدین کردن و نمازخوان کردن یک دانش آموز، نزدیکترین راه کدام راه است؟ ایشان مطلبی را که برای خودشان پیش آمده بود تعریف کردند و گفتند: من قبل از انقلاب دانش آموز دبیرستان بودم و در رشته ریاضی درس می خواندم. هفته ای چند ساعت فیزیک داشتیم. دبیر فیزیک فردی متدین، خوش اخلاق و دلسوز بود، ولی ایشان طبیعتاً مسائل و مباحث مذهبی را مطرح

نمی کرد. ایشان همان مسائل مربوط به فیزیک را مطرح می کردند. ایشان می گفتند: هفته ای سه، چهار ساعت که فیزیک داشتیم، یک ساعت هم به آزمایشگاه و لابراتوار می رفتیم و گاهی بیشتر از ۵۰ دقیقه از وقت یک ساعت در آزمایشگاه مصرف نمی شد و ده دقیقه، یک ربع زودتر درس آزمایشگاهی تمام می شد و ما بچه ها از موقعیت حسن استفاده را می کردیم و می رفتیم در صحن مدرسه مشغول بازی فوتبال می شدیم. یک روز این آقای معلم فیزیک که در آزمایشگاه درسش زودتر هم تمام شده بود به ما گفت: بچه ها من امروز یک کار مهمی با شما دارم، تشریف بیاورید سر کلاس. همه ما رفتیم سر کلاس. آقای دبیر کنار تخته سیاه ایستاد و رو کرد به ما و گفت: بچه ها من یک کمک از شماها می خواهم. تا ایشان این جمله را گفت، سکوت محض بر کلاس حاکم شد. عجب معلم فیزیکی! چه کمکی از ما دانش آموزان می خواهد؟ بعد گیج را به

[صفحه ۱۱۳]

دست گرفت و روی تخته سیاه نوشت که من در ماه این مقدار ساعت باید تدریس کنم و بعد دریافتی خود را نوشت و تقسیم کرد که در ازای هر ساعت کار، این مبلغ را باید دریافت کنم بعد گفت: من این ۳ یا ۴ ساعت فیزیکی که با شما دارم در قبالتش این مبلغ را دریافت می کنم، اما یک ساعت را که به آزمایشگاه می رویم گاهی یک ربع زودتر که درس آزمایشگاهی تمام می شود و من از شما می خواهم که بباید سرکلاس تا من آن یک ربع را تدریس کنم، اما شما دنبال فوتبال می روید. در نتیجه در ماه در این چهار ساعت این مقدار پول حرام می شود که من دریافت می کنم آن فرد می گفت وقتی که مطلب دبیر فیزیک به اینجا رسید، ما دیدیم صورت را رو به تخته سیاه کرد و دستمالش را هم درآورد و چند قطره اشکی که از چشمانش سرازیر شده بود پاک کرد و بعد به ما گفت: بچه ها راضی نباشید که من به زن و بچه ام نان حرام بدهم، سر سفره ام نان حرام بگذارم. ایشان می گفت این سخن معلم فیزیک برای ما الگوی رفتاری شد و چنان در اعماق جان این بچه ها اثر گذاشت که از هزار تا سخنرانی و بحث که راجع به شب اول قبر و عالم برزخ و حلال و حرام و این جور چیزها برایمان مطرح می شد، اثرش بیشتر بود. آن فرد می گفت: ما رنگ از معلم دینی و درسهای دینی آن وقت نگرفتیم. می گفت همین یک جلسه و همین چند قطره اشکی که این معلم فیزیک با این مقدمات برای ما ریخت، ما را متدین و مؤمن کرد. بنابراین مسأله ی معلم به عنوان الگوی رفتاری، حالا چه در نیروی مسلح، چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاه، شاید مهم ترین مسأله باشد.

خوب در سال جاری مطبوعات اعلام کردند که ما یک و نیم میلیون دانش آموز

[صفحه ۱۱۴]

کلاس اول ابتدایی داریم که ثبت نام کرده اند. حالا شاید هم بچه هایی لازم التعلیم بودند که به دلیل نبود فضای آموزشی احیاناً ثبت نام نشده باشند، حالا به طور رسمی یک و نیم میلیون نفر است. از این عده علی القاعده ۷۵۰۰۰۰ نفر موالید دختر هستند که به خدمت سربازی احضار نمی شوند. ۷۵۰۰۰۰ نفر اینها که پسر هستند از سنین ۱۸ سالگی تا ۳۰ سالگی در مقاطع تحصیلی مختلف وارد یک دانشگاه دفاعی که چهار پنج ماه اولش شبانه روزی است و تا دو سال بعد در اختیار این ارتش یا سپاه یا نیروی انتظامی و یا غیره... هستند.

بنابراین ما همه ساله ۷۵۰۰۰۰ نفر از جوانان مملکت را که به تعبیر جناب آقای قرائتی اگر از تورهای قبلی در رفته باشند، در مراکز آموزشی ارتش به طور شبانه روزی گیرشان می آوریم. از فوق دکترا در میان این بچه ها داریم تا احیاناً جوانان ۱۸-۱۹ ساله ای که از یک روستا آمده اند و ممکن است که بی سواد باشند. این ۷۵۰۰۰۰ نفر که دو سال خدمت می کنند، در حقیقت یک میلیون و پانصد هزار نفر می شوند. سربازان وظیفه که همیشه در نیروهای مسلح مشغول خدمتند. (حالا من بحثی روی نیروهای کادر نمی خواهم بکنم چون در زمینه کادر یا اعضای ثابت نیروهای مسلح که با خانواده هاشان حدود ۵ میلیون نفرند و یک دوازدهم جمعیت کشور را تشکیل می دهند، بحث آنها در همان اجلاس داخلی خودمان خواهد بود. روی وظیفه ها می خواهم بحث کنم). این ۵ / ۱ میلیون نفر که در مراکز آموزشی یا در پادگان ها یا در پاسگاه های نیروی انتظامی یا در نقاط مرزی هنوز در سنگرها هستند، نماز این ها با چه مشکلاتی روبرو است؟ من این ها را یادداشت کرده ام که خدمتتان عرض می کنم. مشکلات گاهی در حدی است که یک جوان نماز خوان می آید و احیاناً نسبت به نماز بی تفاوت می شود. یا

[صفحه ۱۱۵]

خدای ناکرده بعد از این مدت تارک الصلوٰه می شود. خوب سؤال می فرمایید چرا؟ برای این که ما برای ۵ / ۱ میلیون نفر نیروی وظیفه مسجد نداریم. نمازخانه در محیط های نظامی، سوله ای است، آسایشگاهی است که تبدیل به نمازخانه شده است. موکت هایی که معمولاً کف این آسایشگاه، کف این نمازخانه به عنوان فرش پهن شده، چون

نوع این ها باید پوتین پایشان باشد در فصل گرما یا در داخل پوتین به شدت عرق می کند و این موکت ها را نمی شود هفته ای یک بار شست، زود مستهلک می شود، زود از بین می رود. در نتیجه گاهی وقتی که انسان وارد محیط نمازخانه می شود بوی بد عرق پا در حدی است که حالت سرفه، حالت ناراحتی تنفسی برای انسان پدید می آید. از نظر سیستم حرارتی در فصل زمستان و سیستم خنک کننده در فصل تابستان هم مشکلاتی وجود دارد، زیرا نوع این ساختمان ها مخصوصاً در ارتش که ساختمان ها عمدتاً قدیمی است و اصلاً اقامه نماز در آنها مد نظر نبوده است. انباری بوده، سوله ای بوده برای نگهداری اقلامی مثل خواربار و یا برای نگهداری سلاح و مهمات.

۱- مشکل مهم ما برای این ۵ / ۱ میلیون نفر وظیفه- که همواره در زیر پرچم و به خدمت در چهار نیروی مسلح یا پشتیبانی نیروی مسلح هستند- کمبود مسجد و فضای جاذبه دار برای نماز خواندن است.

۲- مشکل دوم، مشکل بودجه است. شما حساب کنید که اگر ما بخواهیم در هر سال برای هر کدام از این ۷۵۰۰۰۰ نفر وظیفه ای که به خدمت احضار می شوند، یک کتاب به عنوان راز نماز، فلسفه ی نماز، آداب الصلوة، اسرار الصلوة و یک مهر و یک جانمازی تهیه بکنیم، یا معلمینی باشند که ساعاتی احکام نماز تا یک محدوده ای، و فلسفه نماز و مباحث دیگر در مورد نماز را تدریس کنند، چه

[صفحه ۱۱۶]

بودجه ی هنگفتی می خواهد؟

نمی خواهم عرض کنم هیچ بودجه ای در این زمینه نیست، اما شرایط به گونه ای است که برای این مهمانان زیادی که هر ساله به عنوان وظیفه به خدمت زیر پرچم احضار می شوند، بودجه اصلاً کافی نیست. ده، بیست نفر وظیفه در این پاسگاه ها با یکی دو سه نفر از نیروهای کادر، التماس می کردند که یک قرآن، یک مفاتیح برای پاسگاه ما بفرستید که ما گاهی اگر بخواهیم در ماه رمضان دعایی و قرآنی بخوانیم، بتوانیم. خوب حالا ممکن است که بفرمایید چه تعداد پاسگاه با این مشکل مواجه است؟ ما در سطح نیروی انتظامی آنچه که در ذهنم است، بیش از شش هزار پاسگاه داریم، و حالا با توجه به اینکه یک قرآن و یک مفاتیح عمر مفیدش چقدر خواهد بود، چقدر قابل استفاده است، بودجه ای که برای این کار لازم است، ببینید چقدر است. مشکلی که باید من در این جا عرض کنم این است که بسیاری از مسئولین، بسیاری از افراد خیر با خود می اندیشند که حساب نیروهای مسلح یک حسابی است جدا

از جامعه. در جاهای دیگر می شود کار خیر کرد، می شود چنین و چنان کرد، اما نیروی مسلح که خودش خودکفا است. به تعبیر مردم بودجه های منظمی برای این کارها دارد.

مسأله ی دیگر این است که در جزایری مثل ابوموسی، مثل سیری و در سایر جزایر، از نظر اینکه امروز جنبه ی سوق الجیشی ویژه ای دارند و طبیعتاً ما نیروی نظامی زیادی در تنب کوچک، تنب بزرگ، ابوموسی، سیری و در سایر جزایر داریم تا از این قطعات خاک میهنمان دفاع کنیم، مشکلات به مراتب بیشتر از جاهای دیگر است، و این به دلیل شرایط جغرافیایی منطقه، شرایط خاص سرزمینی جزیره، وضع آب و هوا و وضع رفت و آمد این نیروهای وظیفه است.

[صفحه ۱۱۷]

گاهی ممکن است که روحانی و امام جماعت در این مناطق نداشته باشیم. اگر چه در سایر جاها هم ممکن است روحانی با آن شرایط خاص که ما برای این طیف می خواهیم کم داشته باشیم، ولی در برخی از مناطق مثل مناطقی که از نظر جغرافیایی گرم است، بنادر کشور یا این جزایری که نام بردم، با مشکل کمبود روحانی مواجهیم.

۴- مشکل دیگر اینکه: در برخی از همین سوله ها یا آسایشگاه ها که عرض کردم یا احیاناً مساجدی که تک و توک در برخی از مراکز آموزشی وجود دارد نماز چند نوبتی داریم. در یک مرکز آموزشی گاهی چهار هزار نفر، ۵ هزار نفر وظیفه داریم. مسجد یا سوله یا نمازخانه ای که جوابگوی ۴ و ۵ هزار نفر باشد در اختیار نیست. نماز را باید چند شیفته بخوانیم. حالا در ظهر و عصر و مغرب و عشا ممکن است این کار عملی باشد، اما نسبت به نماز صبح این کار عملی نیست.

حالا اگر احیاناً کمبود حمام و جوانی که نیاز به آب و غسل دارد و اگر کمبود سرویس و دستشویی را به مسأله، اضافه بکنیم مشکلات روشنتر خواهد شد.

شایسته است، افراد متمکن اقتصادی، سیاسی و افراد خیر راجع به نماز نیروهای مسلح، حداقل در مراکز آموزشی، اقدام مؤثری انجام دهند.

(والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته)

نماز در ادب فارسی

جناب آقای ایراندوست

بسم الله الرحمن الرحيم

جان کلام مقاله بنده این است که کلمه ی کلیدی در ادبیات فارسی، خصوصا متون فخیم قدیمی و وزین ادب فارسی، کلمه ی «نماز» است. متخصصان سمانتیک (معنی شناسی) که همیشه در تجسس و تفحص کلمات کلیدی هستند و براساس آن، ایدئولوژی و جهان بینی اقوام و ملل و بعضی از آرمان ها را مشخص می کنند، اگر بخواهند کلمه ی کلیدی را در متون قدیمی و ارزشمند ادب فارسی بررسی بکنند، به کلمه نماز خواهند رسید.

نماز در زبان فارسی، در معانی مختلفی به کار برده شده است که بنده سه مورد رامطرح می کنم: مرکز ثقل سخن خودم را، در دقایق پایانی سخنم قلمداد نموده ام که از قفل طینت در ادب پارسی سخن گفته شده و همچنین کلیدی که این قفل طینت را باز می کند.

معنی نخست: سر فرود آوردن و سجده کردن به نشانه ی تکریم و تعظیم در پیش پادشاهان و ملوک است.

خواجه نظام الملک در کتاب سیاستنامه همین معنی را از واژه ی نماز استفاده کرده است: «چون حاجبان او را پیش تخت بردند، ملک را نماز برد» و فردوسی در شاهنامه خود همین معنی را از واژه نماز استفاده کرده است:

«چو نزدیک رستم فراز آمدند

به پیش همه در نماز آمدند»

یعنی او را تکریم کردند.

و سعدی نیز ترکیب نماز آمدند را به همین معنی در غزلی بکار گرفته و چنین می سراید:

«ندانم ابروی شوخت چگونه محرایبست

که گر ببیند زندیق، در نماز آید»

معنی دوم نماز: طاهر و شسته و پاک است که در متون ادب پارسی مورد استفاده قرار گرفته که بیشتر با «پای» نسبت بیان شده است.

مثلاً سنایی غزنوی در کتاب حدیقه الحقیقه چنین می سراید:

دید وقتی یکی پراکنده

زنده ای زیر جامه ی ژنده

پراکنده یعنی آشفته حال، حیران و سرگردان.

گفت این جامه سخت خلقان است

گفت هست آن من چنین زان است

چو نجویم حرام نه تنبیه

جامه لابد نباشد به از این

هست پاک حلال ننگین روی

نه حرام پلید رنگین روی

چو نمازی چون حلال بود

آن مرا جوشن جلال بود

اینجا نمازی، یعنی پاک، طیب و طاهر.

همین ترکیب را در متن سلجوق نامه ظهیری این گونه می بینیم: «دانشمند

[صفحه ۱۲۳]

گفت: جامه ها نمازی کنیم و کفن ها به آب زمزم برآوریم و در گردن ها افکنیم»، یعنی شست و شو.

نظامی گنجوی در منظومه لیلی و مجنون واژه ی نمازی را به معنی حلال، این گونه بکار می برد:

شستند بسی به چاره سازی

پیراهن ما نشد نمازی

یا در جای دیگر می گوید:

گوزنی که با شیر بازی کند

زمین جای قربان نمازی کند

و همچنین ترکیب «نمازی کنان» را به همین معنی، یعنی طاهر کردن به کار برده می گوید:

به خون روی دشمن نمازی کنان

سنان بر سر موج بازی کنان

همین قافیه ی «بازی» و «نمازی» را در منظومه ی مخزن الاسرار به زیبایی به کار گرفته، به طوری که پرتو خورشید را به لباسی تشبیه نموده که با آمدن ابر و نزول باران، نمازی و پاک می شود:

ابر به باغ آمده بازی کنان
جامه ی خورشید نمازی کنان

عسجدی هم ترکیب نمازی کردن را به معنی پاک به کار برده است:

تا بر کف پای تو تواند مالید
دل را همه شب دیده ی نمازی

امیر خسرو دهلوی از ضرب المثل معروف: «هر چه که گندد، نمکش می زنند» این گونه تمثیل را بکار برده:

چون شود پلید نمازی کنند از آب
آب ار شود پلید نمازیش چون کنند

[صفحه ۱۲۴]

خاقانی هم در یکی از اشعار خود از پاک کردن و بی ریا بودن نماز، از خود واژه ی «نماز» استفاده کرده است.

نمازت را نمازی کن به هفت آب نیاز
ورنه نمازی کاینچنین نبود، جنب خوانند اخوانش

در متون تصوف و عرفان هم همین معنا به کار رفته است ابوالحسن عجیری در کتاب کشف المحجوب می گوید: «اگر نباشد تکلف کند، همان خرقة ی وی را نمازی کنند تا چون از گرمابه برآید، در پوشد» یعنی بشویند. شیخ عطار هم در تذکرةالاولیاء گفته است: «و جامه پاره های کهنه برچیدندی و نمازی کردند و از آن ستر عورت ساختندی.»

معنای سوم نماز در ادبیات فارسی همین عبادت مخصوصی است که اجلاس به همین مناسبت برگزار شده است. چند مورد مثال عرض می کنم: ناصر خسرو با اشاره به شرایط وجوب نماز می گوید:

«گفتم که نماز از چه بر اطفال و مجانین
واجب نشود تا نشود عقل مخیل»

خواجه عبدالله انصاری در بیان اهمیت صحبت یاران به نماز اشاره دارد:

«که نماز را به حقیقت قضا توان کردن
قضای صحبت یاران نمی توان کردن.»

خاقانی که ابتدا با تخلص «حقایقی» شعر می سرود و لقب خاقانی را استادش ابوالعالی گنجوی به او داد، با همین تخلص چنین سروده است:

قنوت من به نماز و نیاز چنین است
که عافنا و قنا شر ما قضیت لنا

سه ترکیب در ادب فارسی به معنای نماز بکار رفته است: دسته ی نخست از ترکیبات، ترکیبات اسمی است که معمولاً مرکب هستند. مثل نماز آدینه، نماز

بامداد، نماز پیشین، نماز پسین، نماز خفتن و از همه مهم تر و جدی تر نماز دگر که انوری در وصف نماز عصر با واژه ی نماز دگر این چنین استفاده کرده است:

«هر نماز دگری بر افق قوس قزح

در گهی بینی افراشته تا اوج زهل»

و فرخی این چنین می سراید:

«تا نباشد چو سپیده دم هنگام زوال

تا نباشد چو نماز دگری وقت سحر»

نماز دگر یعنی نماز عصر. منوچهری با اشاره به آن که نماز عصر آخرین نماز روز است، چنین از خدمت گزاران قدردانی می کند:

«خدم تو بر مسلمان چو نماز دگر است

که از پس وی نهی باشد خلق را کردن نماز»

دسته دوم از ترکیبات، ترکیبات وصفی هستند و به صورت صفات مرکب فاعلی و مفعولی ساخته می شوند، مثل واژه ی نماز باره که در مثنوی مولوی است و ما همین نکته را ان شاءالله در پایان خواهیم گفت. و دسته سوم از ترکیبات، ترکیبات فعلی می باشند. با فعل های کمکی نماز، یعنی: کردن، گذاشتن و به پای داشتن. در نامه هشتادم عین القضاء همدانی چنین آمده است: «و اما نماز، که رکن دوم است از ارکان دین. جهد کن ای عزیز تا در پنج نماز، دل حاضر داری و اگر نه کردن و نکردن یکی بود. ای برادر در آن نکوش که نماز بسیار کنی، در آن کوش که در نماز مکنونات دل چون حاضر داری». و البته ترکیب فعلی نماز به کمر زدن هم، در ادب فارسی و در مکتوبات عامیانه به کار رفته و به معنی وادار نمودن فردی به انجام نماز از روی اهانت است. و همین ترکیب در ادبیات

شفاهی مردم به معنای نفرین است.

(آخرین سخن من) مثل منظومی است برگرفته شده از شعر سنایی غزنوی و آن این است که نماز، از نیاز بر می خیزد. اصل شعر در حقیقت این گونه است:

تا به جاروب «لا» نروبی راه

نرسی در سرای «الا الله»

چون تو را از تو دل برانگیزد

پس نماز از نیاز برخیزد

در ادب فارسی همواره نماز از روی نیاز، برخواستنی مورد توجه بوده است عین القضاء می گوید: «اولاً بر تو و بر عموم فرض است که نماز بیاموزی. اول علمش حاصل کنی، پس به عمل مشغول شوی و چون خدا گوید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» ترا فرض است که بدانی شرط نماز مقبول چیست... چه اگر ندانی چه دانی که فریضه ی نماز گزارده ای یا نه؟ مصطفی (ص) فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَسَاجِدِ وَ يَصَلُّونَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُمْ مُسَلِّمٌ»

و به پای داشتن نماز از روی خضوع و خشوع، سخن آخری است که در همه ی متون قدیمی ادب فارسی مورد توجه است.

ابوحامد غزالی ظاهر نماز را کالبد می داند و وی را دارای حقیقتی می داند و آن حقیقت را خشوع تصور می کند. مولوی هم در مثنوی برای اهمیت خشوع در نماز روایتی دارد از امیر و غلامش که وقتی امیر قصد رفتن به حمام را داشت، غلام خود را که سنقر نام داشت صدا می زند که به سمت گرمابه حرکت بکنند و با کمک هم وارد حمام بشوند- سنقر از اعلام ترکان است و در حکایات تمثیلی ترک معروف است:-

در بین راه، بانگ اذان به گوش رسید و سنقر چنین گفت:

بود سنقر سخت مولع در نماز

گفت ای میر من ای بنده نواز

تو بر این دکان زمانی صبر کن

تا گزارم فرضی و خوانم لم یکن

امیر به سنقر گفت: چند لحظه ای من اینجا هستم. تو برو نماز را بخوان. هر چه منتظر ماند سنقر از مسجد بیرون نیامد. چون امام و قوم بیرون آمدند و از نماز و وردها فارغ شدند، سنقر آنجا ماند تا نزدیک چاشت و میر سنقر را زمانی چشم داشت. هر چه منتظر ماند، دید این نماز خوان برنگشت.

گفت ای سنقر چرا نایی برون

گفت می نگزاردم ای ذوفنون

... پاسخش این بود: من نگذارم

تا برون آیم هنوز ای محترم

سنقر در پاسخ «میر» که پرسید چه کسی نمی گذارد تو از مسجد بیرون بیایی و حال آن که همه از مسجد بیرون آمدند، در آنجا جز تو کسی نیست، گفت:

گفت آن که بست دستت از برون

بسته است او هم مرا در اندرون

آنکه نگذارد تو را آنی درون
می نگذارد مرا کایم برون

آنکه نگذارد از این سو پا نهی
او بدین سوبست پای این رحیل

و این سخن آخر مولوی است، از قفل هدایت سخن گفته، کسانی که بیرون مسجد قفل شده اند و کسانی که درون
مسجد شیفته هستند

ماهیان را بحر نگذارد برون
خاکیان را بحر نگذارد درون

بحر و دریا هم قفل است برای ماهی و هم قفل است برای خاکی که:

اصل ماهی، آب و حیوان از گل است
حیله و تدبیر اینجا باطل است

قفل ضعف است و گشاینده خدا
دست در تسلیم زن و اندر رضا

معتقد است که بعضی ها قفل شدند و این قفل شاکله ی آنها است. آن چیزی است که شخصیت آنها را تشکیل می
دهد و باز کردن قفل به دست خدا است و لاغیر.

گرچه فعالیت های ما هم موثر است، ولی:

«ذره ذره گر شود مفتاحها
این گشایش نیست جز از کبریا»

این قفل ضعف بر شاکله ی این انسان ها در بیرون مسجد زده شده و باز نمی شود و گشایش این قفل باید به حول و قوه الهی و برنامه ریزی های صحیح باشد.
لذا نماز یک پروژه ی عمرانی نیست که با یک هجوم تبلیغاتی افتتاح شود و یا راه آهن و فرودگاه نیست که نماز با بخشنامه های آمرانه ی مدیر افتتاح شود. بلکه نماز اگر مشکلی هم دارد، گشایش این قفل فقط با خدا است.
- حسن ختام این صحبت شعری است از شاعر معاصر که چنین می سراید:

می شود با این خدای مهربان
درد و غمها را بطور ساده گفت

پنج نوبت در حضور این عزیز
حرف دل را گوشه ی سجاده گفت

«والسلام علیکم و رحمه و برکاته»

نقش الگوها در اقامه نماز

آیت الله حائری شیرازی

«امام جمعه محترم شیراز»

[صفحه ۱۳۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثم را در ارتباط با پدید آمدن شوق برای نماز که به عنوان مقدمه ی نماز است آغاز می کنم. چون نماز یک عمل و یک حرکت است و هر عملی نیاز به نیرو دارد و هر نیرویی نیاز به انرژی دارد. این انرژی از کجا تأمین می شود؟ باید روی مبادی پدید آمدن این انرژی کار کرد. مسجد زیبا، تزئینات برای نماز است این ها رفع مانع است، مسأله در ایجاد مقتضی است. مسجد مرتب و منظم ضرورت است. مسجد آرام و با سکون، برای مناجات با خدا و ادای فریضه، ضرورت است. این فضاها باید ایجاد شوند. طبیعتاً مسجد مناسب با مسائل دیگر جامعه در ارتباط است. در گذشته مسجدی ساخته می شد که انسان های پیاده بدان جا می شتافتند یا مرکب سواری شان را در اطراف مسجد می گذاشتند. طبیعتاً امروز مسجدی می خواهیم که پارکینگ داشته باشد، تا نمازگزاران راحت باشند. مساجدی که مراکز دیگری را در کنار خودش داشته باشد که مسأله طراحی مساجد و الگوی یک مسجد، نیاز به کارشناسی حوزه و دانشگاه دارد و من

[صفحه ۱۳۲]

در این وادی وارد نمی شوم. بحثم درباره ی قبل از شروع نماز است. نیروی پدید آمدن این حرکت نمی تواند وابسته به خود نماز باشد، نماز وابسته به او است. درست است که نماز از این نیرو نشأت می گیرد. و دوباره به این نیرو می ریزد. خود نماز می تواند این نیرو را تقویت کند، چون هر چیزی که از عاملی بدست آمد دوباره به آن عامل خدمت می کند. انسان این طور است، گناه از ظلمت آغاز می شود و بر ظلمت می افزاید، تعبیری که قرآن دارد این است که نماز جزء چیزهایی است که انسان را از ظلمت به سوی نور می برد، کمک می کند به رفع ظلمت. اما تعبیر قرآن این

طورا است؛ ولایت این کار را می کند، خداوند این کار را انجام می دهد، اما از کانال ولایت «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» این آیه نشان می دهد که ولایت در جایگاهی قبل از نماز حضور دارد، کما این که بقیه ی آیه - ذیل آیه - نشان می دهد که ولایت طاغوت قبل از گناه وجود دارد؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» این آیه هشدار خیلی جدی به مسلمانان می دهد که حواستان را جمع کنید و از ولایت غافل نشوید. این ولایت چیست که این قدر روی آن تأکید می کند؟ هم در حرکت مترقیانه یعنی حرکت از ظلمت به سوی نور و، هم در حرکت ارتجاعی یعنی حرکت از نور به سوی ظلمت. شناخت این ولایت مهم است. حکومت ها سیستم ولایی تشکیل می دهند و کار می کنند، سیستم اطاعت و انسان در این سیستم یا به سوی نور و یا به سوی ظلمت می رود «الناس على دين ملوكهم» این ملوک یعنی سیستم ولایتی. آیه انکار می کند که امکان داشته باشد بدون سیستم ولایی گناهی صورت بگیرد، گناهی صورت انجام پذیرد. ریشه گناه را در سیستم ولایی می بیند. این آیه اصلاً هر حرکتی را بدون تحقق

[صفحه ۱۳۳]

سیستم ولایی محال می داند. بهتر در آیه دقت کنید، هیچ خوبی و هیچ بدی خود به خود واقع نمی شود، نیروی محرکه اش در سیستم ولایی است؛ سیستم اطاعت. در سوره ی حمد که فشرده ی قرآن مجید است، اشاره دارد به این قسمت «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» اول قرار گذاشتن بر این که مطاع خدا باشد و طرف استعانت تنها او باشد. این پیش زمینه ورود به «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» است. در ورودی تصادفی نیست. این آیات ترتیبشان بر روی یک حساب و کتاب و تقنن در عبارت است، همان طور که «بسم الله الرحمن الرحيم» فشرده کل قرآن مجید است، تفسیر جمیع حرکت را در «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بیان می کند که آنچه در اختیار انسان ها است رحمانی است و آنچه باید از این سرمایه بدست بیاورند رحمت رحیم است، حرکت از رحمت رحمانی برای رسیدن به رحمت رحیمی، این اساس پدید آمدن عالم است و کل قرآن تفسیر این راه می باشد. چگونه می توان از این سرمایه ی رحمانی به آن هدف دریافت رحمت رحیمی رسید؟ رحمت رحمانی دادنی بود، رحمت رحیمی گرفتنی است و چون گرفتنی است اختیار می خواهد، انتخاب می خواهد، امتحان می خواهد، این برنامه ها را دارد و چون اختیار می خواهد طبیعتاً در پدید آمدن انسان باید مسائلی باشد که انسان بین دو چیز قرار گرفته باشد. در ابتدای سوره ی انعام نکته ی لطیفی می فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» اگر در

انسان این ظلمات در مقابل نور نبود، اختیار نبود، یک کشش یک طرفه و یک جهته ای بود و توازنی را که امام صادق (ع) به عنوان هفتاد لشکر نور و هفتاد لشکر ظلمت عقل و جهل مطرح می کند و این که انسان باید در بین تضاد این دو قدرت حالت بی وزنی و حالت اختیار را پیدا کند و در آن

[صفحه ۱۳۴]

محفظه و در بین این موج شکن بتواند با کمک از امواج بیرون که جبری است و از علت و معلول آزاد شده و تصمیم بگیرد، نبود چه می شد؟ اینها برنامه های مقدماتی است که ولایت ها اینجا حضور پیدا می کنند. ولایت ها کشتی خودشان را روی آب می اندازند و انسان با حرکت کشتی فاصله بین نور و ظلمت را طی می کند. کارهای فردی انسان ها حرکات جانبی است، در جنب فاصله ای که کشتی طی می کند و تأثیر زیادی ندارند. این که درباره ی اهل بیت تعبیر کشتی بکار رفته، یک تشبیه خالی نیست، واقعیت عینی است. این ولایت در عصر ما چه تحقیقی دارد؟ ولایت شرک که «و الذین کفروا اولیاء هم الطاغوت» است، شناختن آن جزو ضرورت ها است، شرک در صدر اول اسلام قبل از حاکمیت اسلام، در مقر خودش - بت پرستی - است، اما شرک در ۲۰ سال بعد، بت پرستی نیست، چیز دیگری است. مطاع کیست؟ آیا مطیع خدا مطاع است؟ اطاعت غیر مطیع، از اینجا شرکت آغاز می شود و خودش را نشان می دهد، بت عوض می شود، شرکت چهره ی دیگری به خود می گیرد، حکومت به عنوان مطاع مصداق «و الذین کفروا اولیاء هم الطاغوت یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» می شود. کافر فی الحقیقه آن است. هر جا غیر مطیع خدا، مطاع شد، اینجا جریانی را زمینه ساز می شود برای حرکت به سوی گناه. انگیزه های گناه از این ولایت آغاز می شود و دوباره به این ولایت می ریزد. مهم شناخت مسأله ی شرکت است

شرک را در عصر خودمان شناختیم. مطاع کیست؟ مطاع در چه قسمتی؟ مطاع در مسأله ی تربیت کیست؟ مطاع در آیین دوست یابی کیست؟ مطاع برای رفع تشویش ها کیست؟ این مطاع ها چه در کتاب ها باشند، چه در فیلم ها باشند، چه در نمایش ها باشند، چه در برنامه های نشاطی باشند، هر جا که آمدند آثار

[صفحه ۱۳۵]

خودشان را که کسالت نسبت به نماز است ایجاد می کنند. تسخیر راه نسبت به گناه و از بین رفتن میل به سمت نماز تأثیرات عجیب خودش را دارد. چرا؟ چرا بچه ها برای دوست یابی به کتاب دیل کارنگی روی می آورند؟ برای این که ما کتابی در این زمینه ننوشته ایم و این کار درستی نیست. این طور نیست که خداوند متعال در امور تکوینی از تنبیل پروری احتراز کرده باشد و در امور تشریعی این چنین نکرده باشد. امام صادق (ع) در توحید مفضل می گوید عبرت بگیرید. می گوید ای مفضل ببین آن چه برای انسان ضروری بود و در قدرت انسان نبود خدا کرد، آنچه برای انسان مقدور بود خدا نکرد تا برای انسان جای کار بگذارد، جای شغل بگذارد. اگر انسان بی کار بماند فاسد می شود. اگر یکی چند روز میهمان جایی باشد و همه ی کارهایش را دیگران انجام بدهند، چطور خسته می شود و دنبال کاری می گردد تا خودش را مشغول کند؟ در تکوین چنین است که می بینی. بعد می فرمایند در هر چیزی خدا چنین کرده است، به عنوان یک قانون عام در تشریع. اخباریون می گفتند به نقل روایت می توانیم عمل کنیم. اصولیون برخلاف آنها ایستادند و گفتند همه ی روایات را باید دید. اجتهاد برای رسیدن به حکم، جای کار برای ما گذاشته است. زحمت بکشید و حکم را در آورید و مصرف بکنید. این که نگاه کنیم و عمل نماییم، این طور نیست. جای کار برای ما گذاشته شده است. حالا عرض می کنم از نظر جای شغل، خیلی جای شغل وسیعی هم گذاشته بود؛ استخراج علوم انسانی از قرآن جای شغلی بود که در دین الهی بود. این بنا بود در دانشگاه ها بیاید و حکومت از این ها مایه بگیرد. روشن است که اگر حکومت بگوید من روایت را می گیرم و عمل می کنم شوخی می کند، حکومت جز به مسائل علمی و کارشناسی عمل نخواهد کرد، جز به

[صفحه ۱۳۶]

مسائل کاربردی توجه نخواهد کرد. این جای کاری بود که اگر پر نشود خلائی را از خارج وارد می کند و این را مصرف می کنند، چه در اقتصاد، چه در جامعه شناسی، چه در تربیت، چه در مدیریت. خوب اینها آمد، این مطاع ها آمدند و بدون هیچ تردیدی مصرف تشکیل قانون و اجرای آن خواهند شد. آثار این ها در عمل چیزی پیش می آورد که شما خیال می کنید نماز یک حرکت سربالا است، وقتی تشویق می کنید، می خوانند، بعد ولش می کنید، نمی خوانند. چطور شد که سربالا شد؟ انجام گناه را می بینی که چقدر راحت شده است. آیا شما فکر می کنید کسانی که یک گناه موردی انجام بدهند به نمازشان لطمه ای نمی زند؟ پس «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» یعنی چه؟ تضاد دارند با هم و ناسازگارند.

اگر توانست ریشه ی فحشا و منکر را بکند، می ماند. اگر زورش نرسید می رود. پشت سر گناه بی میلی به نماز می آید. یعنی پشت سر گناه، اول حالت توبه پیدا می شود برای کسی که نمازش حفظش کرده است، اما کسی که می داند الان این نماز را می خواند بعد هم این گناه را خواهد کرد، چه خواهد شد؟ دلت می داند که نمی تواند از خطیه بیرون بیاید، خطیه محاصراش کرده است. آیا شما آمار دارید که در مساجد ما در روزی که ما بیشترین تعداد نمازگزار را داشتیم، چند درصد کل جامعه مان حاضر بوده اند؟ آیا این مسأله را در ولایت ریشه یابی نمی کنید؟ علت این مسأله را در مطاع ها ببینید. دیشب برادر عزیزمان آقای قرائتی اشاره کرد که بعد از مغرب و عشا قصد دارد صحبت کند. اجتماع دیشبتان دیدید چقدر بود؟ به ندرت کسی بود که حاضر نشده باشد. این معنایش چیست؟ آیا آقای قرائتی علمیتش صد برابر این بود که الان هست؟ این قضیه را، جدی بگیرید.

[صفحه ۱۳۷]

هنری که مطیع خدا است بیاورید، تا بچه ها بتوانند از هنری که مطیع غیر خدا است آزاد شوند در این بعد خیلی جای کار داریم. اگر سینمای شما مطیع خدا بشود، آن وقت می بینید که نه تنها مردم با شوق به سمت نماز خواهند آمد و مشکلی نخواهید داشت، بلکه نماز اول وقت، آن هم با جماعت، آن چیزی که آرزوی شماست - آن هم در نماز صبح - برگزار خواهد شد. این سینما است که می تواند این کار را بکند. این دانشگاه است که خیلی کارها می تواند انجام دهد. دانشگاه اداره کننده ی حکومت است. اداره کننده ی دانشگاه کیست؟ علوم انسانی او است. این جای کاری است که باید انجام شود. بنده این مطالب را برای این خاطر گفتم که شما وقتی تلاش می کنید نگران این هستید که بُرید، وقتی دیدید که خیلی اثر نمی کند یک وقت به ذهنتان خطور کند که ما مثلاً از یک نوع اجبار هم برای نماز استفاده نکنیم. نهایت آرزوی شیطان این است که در تربیت دینی تند و خشن برخورد شود. پدر تشری بزند، تنبیهی کند، اما اگر بعد از تشر زدن، مهربانانه برخورد کرد، تأثیر مثبتی خواهد داشت.

برنامه های تلویزیونی - به خصوص کارتون ها - خیلی برای بچه ها جذابند و اگر در این برنامه ها الگوهای اسلامی ارائه شوند، تأثیر قابل توجهی روی بچه ها خواهد داشت.

تلویزیون رسانه ی تأثیر گذاری است برای تشویق افراد به نماز و مسجد.

بدانیم که از کجا خوردیم و از کجا می خوریم و چه باید بکنیم. بنده در اینجا به شما به عنوان اتمام حجت عرض می کنم که اگر ما نتوانستیم گناه را از جوان های خودمان دور کنیم، جوان های ما حکومت لائیک را پیشنهاد خواهند کرد. اگر او را از گناه بیرون نکشی، او تو را به زیر سایه ی خودش خواهد برد. چرا؟

[صفحه ۱۳۸]

چون او وقتی که نگاه می کند، می بیند بین حکومتی که کار او را قاجاق می داند و حکومتی که کار او را آزاد می داند، طبیعتاً به حکومتی که کار او را آزاد می داند، علاقه مند خواهد شد. گناه را! گناه را! گناه را! یا گناه را برچینید یا گناه نماز را بر خواهد چید! به من نسبت می دهند که من آزادی روابط دختران و پسران را می خواهم. خدای من شاهد است از وقتی که مادرم به من گفت وقتی می روی کوچه، سرت را زیر بینداز، دختران را نبین، تمام کسانی که با من معاشرت دارند می دانند، این آقای قرائتی می داند، چندین سال در مکتب توحید تدریس کردم، اما بدون دیوار متحرک اجازه ندادم کلاس تشکیل شود، خود ایشان این کار را افراطی می دانست. بسیار به من اصرار کردند ولی بنده گفتم من این کار را برای دیگران واجب نمی دانم، اما من در خودم اطمینان ندارم. این مسأله، مسأله من است. مسأله آنها نیست. من نمی گویم این کار واجب است. من به شما عرض می کنم گناه و نماز در دو قطبند، تا گناه را شست و شو نکنید، نمی توانید اطمینان خوبی برای نماز داشته باشید. ببینید که چه گناهای رایج شده اند. گناهان اقتصادی زیاد شده اند. شما اگر فرمول برای اقتصاددانان درست نکنید خیال می کنید که به وسیله بعضی چیزها، بعضی مسائل را به راحتی می توانید حل کنید، این دقیقاً دور بودن دانشگاه از حوزه است. مسائل تجریدی حالت کاربردی داده است.

در پایان باید عرض کنم که بنده مطالبم هرگز به معنای این نیست که آنچه مثلاً شما برای نماز انجام داده اید یا برای زکات انجام می دهید در آن جای شک و تردید وجود دارد. این کار باید بشود، منتها شما به منزله ی گردان هایی هستید که می روید خطوط دشمن را بشکنید، اگر گردان شما خیلی جلو برود، اما گردان های

[صفحه ۱۳۹]

چپ و راست شما هماهنگ با شما پیش نروند، شما لخت می شوید و طرفین تان پوشیده نیست. فرمانده می گوید کمی آرامتر بروید تا آنها به شما برسند و گرنه قیچی خواهید شد. باید در جنبه ی هنر کار کنید، در جنبه ی بیرون آوردن مردم از گناه کار کنید، در جنبه ی علمی بودن دین هم کار کنید، شما که اسم اینجا را می گذارید برنامه نماز، در اینجا باید آموزش نماز داده بشود، در اینجا باید دوره تمرینی باشد برای اهمیت دادن به جماعت، حتی در نماز صبح. عرض این است که شما آنچه را که سعودی می کند، عکسش را نکنید. نماز قشنگ خواندن کار صحیحی است، کار لازمی است، همچنین است به وقت خواندن، اذان قشنگ گفتن و خوب خواندن قرآن و تمیز بودن مسجد. حاجی های ما که چند روز می روند به عربستان سعودی، بعدش اصلاً حالت عادت به جماعت خواندن پیدا می کنند. این دوره ی سمینار تان باید به گونه ای باشد که شما این را بدانید که شیطان به آن کسی که روح ولایت را از او گرفته، دقیقاً بهترین شکل عبادت را داده تا او را به آن مشغول کند، چرا شما که خدایی هستید بهترین عبادت را نداشته باشید.

شما در این روزهایی که برای نماز برنامه می گذارید، به عنوان تمرین بگویید از قرارهای ما این است که دقیقاً نمازهایتان را در مسجد بخوانید و در جایی که می خواهید این برنامه را برگزار کنید مسجد در کنارش داشته باشد و در این قسمت جدی باشید.

والسلام علیکم و رحمه الله

بررسی تاثیر نماز در کاهش اضطراب

جناب آقای جلیلود

[صفحه ۱۴۳]

بسم الله الرحمن الرحيم

«الذين امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب»

در ارتباط با لفظ اضطراب، کمتر کسی است که این لفظ را نشنیده باشد یا اطلاعی از آن نداشته باشد. زندگی بدون اضطراب، اساساً زندگی بدون برنامه خواهد بود. مثل این که بنده به عنوان ارائه دهنده ی مقاله ای تحت عنوان فلان موضوع بیایم خدمت شما و مطالبی را عرض کنم که برایم ایجاد اضطراب می کند، این حداقل اضطرابی است که برنامه ریزی برای من طراحی می کند، یا آقایانی که می گویند شما مثلاً این مدت وقت دارید و من هم باید برنامه ام را تنظیم کنم و دستاوردهای یک ساله ی طرح مربوط را ارائه بدهم. پس یک حداقل اضطراب برای زندگی ضروری است. ولی اگر اضطراب از یک درجه ای بگذرد، آقایان روان پزشکان و روانشناسان آن را نوعی مرض می دانند. امروزه بر اساس مطالعاتی که بنده داشته ام یک درصد مقالات روان پزشکی و روان شناسی، به مسائل مذهبی مربوط می شود. ما که ایران را به عنوان طلایه دار اسلام ناب، دین نهایی و آخرین دین - که تکلیف بیشتری دارد -

[صفحه ۱۴۴]

می دانیم و خود را منادی آن، باید در باب مسائل و اثر مسائلی که موجب می شوند تا عوامل روانی تخفیف پیدا کنند، با مطالعه ی موارد مذهبی راهکارهای عملی ارائه نماییم.

در مقابل این مسأله که گفته می شود روان شناسی از مسائل غربی است، بیایم این آیه ی شریفه را: «الا بذكر الله تطمئن القلوب» آزمایش کنیم، برویم در مدارس، حتی در بین بزرگسالان و آزمایش کنیم ببینیم آیا اضطراب اشخاصی که نماز می خوانند بیشتر است یا کمتر؟

در همین جا باید تشکر کنم از آموزش و پرورش استان تهران که امکانات لازم و مسائل مادی را فراهم کردند، امکانات تحقیقی را فراهم کردند تا ما این تحقیق را در سطح دبیرستان های تهران انجام دهیم. با این پیش فرض که اقامه ی نماز می تواند آرام بخش باشد، ما طرح تحقیقی را نوشتیم و در سطح دانش آموزان دوم و سوم دبیرستان های تهران تحقیق کردیم. آقایان استادان تشریف دارند. برای آزمون مربوط به نماز از آزمون اضطراب استفاده کردیم که از یک حدی به بالا، اضطراب را مرض می داند یا اصلاً حداقل و حداکثر اضطراب را تعیین می کند. ما ابزاری برای اضطراب در دستمان بود، ماند ابزار نماز، ما در دو مرحله به ابزاری سازی برای آزمون درجه نمازخوانی بچه ها اقدام کردیم؛ یک مرحله مراجعه به کتب، احادیث و موضوعاتی که در این ارتباط بود و مطلب دیگر مراجعه به میدان، یعنی همان مدرسی که می خواهیم آزمون را برای آنها انجام دهیم. با طرح سؤال های باز و جلب اعتماد بچه ها، سؤالاتی را مطرح کردیم تا مقدمات تهیه پرسشنامه ما را فراهم کند و آنچه آنها در پاسخ های باز به ما ارائه کردند زمینه ای شد که ما پرسشنامه ای ویژه ی نماز، در قالب همان

[صفحه ۱۴۵]

پرسشنامه ی اضطراب طراحی می کنیم.

تفکیکی که ما قائل شدیم برای نماز، یک رفتار شناختی، عملکردی و انگیزه ای است یا محرکی. یعنی سه موضوع اصلی در این رفتار دخالت دارد. ما در پرسشنامه خود سه وجه را مطرح کردیم. اگر فردی از لحاظ اعتقادی به پرسشنامه ی ما جواب داد و نمره ی خاصی گرفت، اما از لحاظ عملکردی نمره ای دریافت نکرد، یعنی اعتقاد دارد، اما عامل به نماز نیست. موضوع دیگر ترکیب این دو می باشد، یعنی شخص هم شناخت دارد و هم عمل می کند. مطلب سوم، موضوع برانگیزنده ها است که با توجه به آماری که از پاسخ به سؤالات در آورده ام، خدمتتان عرض می کنم.

نکته ای که باید به آن اشاره کنم این است که وقتی بنده می خواستم این بحث را شروع کنم، برخی از اساتید فرمودند این از بدیهیات است که نماز موجب آرامش می شود یا مذهب موجب فروکش کردن ناملایمات روحی می شود.

نده مسائل و منابع را بررسی کرده ام و به این نتیجه رسیده ام که گرایش به اعمال بزهکارانه و گرایش به مواد مخدر در افرادی که به مسائل مذهبی پایبندند، کمتر از آنهاست که گرایش دینی ندارند.

تحقیقی در آمریکا در ارتباط با دین انجام می شود و ۹۵٪ اشخاص می گویند که ما گرایش دینی داریم، ما اعتقادات داریم. سؤالی که برای علمای روان شناسی رخ می دهد این است که پس چطور در آنجا این قدر اختلالات زیاد است. به دنبال این مطلب، مطالعه شروع می شود. تعیین می کنند که حداقل دو گونه گرایش دینی هست، یکی گرایش درونی یا درون زا و یکی گرایش برون زا.

برون زا یعنی این که افراد به لحاظ عوامل دیگری، گرایش دینی دارند، مثلاً

[صفحه ۱۴۶]

برای به مقامی رسیدن، یا این که دیگران بگویند دین دار است. در تمام بررسی هایی که بنده نگاه کردم بین گرایش دینی و اختلالات روانی، رابطه ی منفی وجود دارد. یعنی هر چه گرایش دینی بیشتر باشد، اختلالات درصد کمتری را دارد اما آماری که درباره ی سؤالات عرض کردم؛ برانگیزنده ها یعنی چه؟ آیا رفیق نمازخوان موفق یا رفیق ناموفق نمازخوان، در گرایش دینی من، برادر من، فرزند من تأثیر دارد یا نه؟ الگویی که ارائه بشود به عنوان الگوی مطلوب تأثیرگذار است. یکی از این الگوها، همکلاسی ها هستند، اطرافیان هستند، یا گرایش دینی پدر و مادر. بنده در آن بررسی مقدماتی که انجام دادم برای طرح این پرسشنامه، هشتاد و دو دختر از آموزش و پرورش تهران به من پاسخ دادند. از این ها بدون اینکه از آنها مشخصاتی بگیریم، اطلاعات گرفتیم. چون رمز پاسخ صحیح این است که مشخصاتی نگیریم. ۷۵ نفر پاسخ دادند ما نماز می خوانیم. آن ۷ نفر بعدی هم چهار نفرشان پدر و مادر تارک الصلوة داشتند، یعنی خانواده هیچ کدامشان نمازخوان نبودند. آنچه مسلماً در شکل گیری دینی بچه های ما نقش دارد، به دنبال رفتار معلم، والدین هستند و مؤثرترین موضوع، بحث والدین است.

من به عنوان الگوی همانند سازی هستم که بچه ام با من همانندسازی می کند، اگر دستش را بگیرم با خودم ببرم مسجد، این بچه مسجدی می شود و نیازی به شکلات و گردو به عبارتی در آن مرحله نیست. فرمودند اگر ما همانندسازی کنیم تأثیر زیاد و مثبتی خواهد داشت. اگر ما به عنوان بزرگترشان از امروز شروع کنیم، دست آن بچه کوچکمان را بگیریم و با خودمان به مسجد ببریم، در آینده این بچه مسجدی خواهد شد. شما اگر زندگی بچه های بسیجی را بررسی

[صفحه ۱۴۷]

کنید می بینید که پدران آنها مسجدی بودند، مادرانشان هم.

خوب ما یک سؤالی راجع به عوامل محرک مثل صدا و سیما داشتیم. آیا برنامه های مذهبی صدا و سیما باعث گرایش بچه های دبیرستانی- یعنی همین گروه پانصد و یک نفره که ما آزمایش کردیم- به مذهب می شود؟ از پانصد و یک نفر، دویست و چهل و نه نفر پاسخ دادند که ما از برنامه های مذهبی صدا و سیما تأثیر گرفتیم. اما من راجع به والدین هم عرض کنم: به این سؤال که «توجه مادرم به نماز، مرا به نماز خواندن تشویق می کند» ۲۶۲ نفر پاسخ دادند آری اینطور است، ۱۳۸ نفر گفتند: نه و ۱۰۱ نفر هم پاسخ بینابین دادند. همین سؤال در ارتباط با پدر شده است؛ «توجه پدرم به نماز، مرا به نماز خواندن تشویق می کند» در پاسخ ۲۲۱ نفر گفتند: آری، ۱۰۴ نفر بینابین و ۱۷۶ نفر گفتند خیر. راجع به اشخاص ناموفق و این که نماز خواندن اشخاص ناموفق چه تأثیری دارد؟ در پاسخ ۲۳۰ نفر گفتند: بله، ما اثر می گیریم از نماز خواندن اشخاص ناموفق. ۳۳۰ نفر نماز خواندن اشخاص موفق را عاملی به عنوان محرک و یک عامل محیطی برای گرایششان به نماز گزارش کردند. در جواب این دو سؤال: «معاشرت با دوستان و آشنایان نماز خوان چه تأثیری دارد و معاشرت با آشنایان بی نماز عزم مرا نسبت به نماز خواندن سست کرده است»، ۲۸۹ معاشرت با افراد نمازخوان را عامل مؤثری در نماز خواندنشان ذکر کرده اند و ۳۰۱ نفر معاشرت با افراد بی نماز را در سست نمودن عزمشان برای نماز خواندن، بی تأثیر دانسته اند. این امر چه هشداری به ما می دهد؟ به عبارت روشنتر آنچه از تحلیل این عوامل محرک می شود برداشت نمود، این است که همه ی افراد پیرامون ما می توانند عوامل تأثیر گذاری بر نماز خواندن باشند. والدین باید مواظب باشند؛ در دوران دبیرستان و دانشگاه احتمال همراه شدن فرزندان با دوستان ناباب بیشتر است.

[صفحه ۱۴۸]

اصولاً دوره ی نوجوانی که این گرایش به دیگران و اشخاص همکلاسی وضعیت خاصی پیدا می کند، یعنی حرف ما پدر و مادرها را کمتر گوش می کنند، مراقبت بیشتری را از جهت دوست یابی می طلبد. حتماً شنیده اید که قضیه ی پسر حضرت نوع (ع) را نقل کرده اند که:

پسر نوح با بدان بنشست

آیا ما در ارتباط با اثر نماز بر اضطراب، به نتیجه ای رسیدیم یا خیر؟

پسر و دختر بودن، در تحقیق رابطه ای با نماز خواندن ندارد. یعنی هم پسرها و هم دخترها، گرایش دینی شان و نماز خواندنشان به یک سطح است در رابطه با سطح اجتماعی و اقتصادی. باید بگویم که طبق تعریفی که ما در طرحمان داشتیم، ۵ تا موضوع را تعیین کردیم و نمره دادیم، که سطح اجتماعی و اقتصادی در ۵ نقطه تهران- شمال، جنوب، مرکز و غرب و شرق- می باشد. آقایان استحضار دارند که احیاناً آن کسانی که به عنوان مرفه مطرح می شوند، یا در دسترس ما نیستند یا در مدارس خاص درس می خوانند لذا در این گروه آزمودنی هیچ تفاوتی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در گرایش دینی نبود. یعنی آموزش و پرورش ما، رسانه های جمعی ما توانسته اند تا سن ۱۷، ۱۶ سالگی اثر یکسانی بر بچه ها داشته باشند. اما رابطه ی نماز و اضطراب: همان طور که گفتم، بین گرایش های دینی و انحرافات- در غرب هم تحقیق شده است- رابطه، رابطه ی منفی است یعنی این که هر چه گرایش دینی، بیشتر باشد، اختلالات و انحرافات کمتر است. در این تحقیق آنهایی که نمره ی نماز از ۴۷ تا ۷۶ گرفتند دیده می شود که اضطراب شروع به کاهش می کند یعنی تا نمره ی ۴۷ اثری بر کاهش اضطراب ندارد. به عنوان توضیح باید عرض شود عوامل شناختی، عوامل عملکردی و عوامل انگیزه ای، رقم زننده ی این ۴۷ نمره بوده است.

(والسلام علیکم و رحمه الله)

نوسازی معنوی و نماز، پیش نیازها و لوازم

حجت الاسلام و المسلمین محمدی عراقی

«ریاست محترم سازمان تبلیغات اسلامی»

[صفحه ۱۵۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

به سهم خودم تشکر می کنم در درجه ی اول از عنایت مقام معظم ولایت به این اجلاس که برای هیچ اجلاسی به طور منظم پیام ارسال نفرمودند، جز این اجلاس که امسال هفتمین سال برگزاری آن است. همچنین برحسب وظیفه تشکر می کنم از همه ی عزیزانی که در برپایی این محفل الهی مشارکت کردند و زحمت کشیدند- به خصوص موضوع و محور اصلی بحث در اجلاس امسال بسیار به جا انتخاب شده است؛ مسأله نسل نو و نوجوانان و همچنین مسأله مسجد.

ای کاش روی موضوعات، در جمع های محدودتری بحث کارشناسی بشود، یکی از پیشنهادهای بنده این است که ستاد اقامه نماز در طول سال کمیسیون های دائمی داشته باشد و محصول آن کمیسیون ها به اجلاس عمومی و برای تصویب

[صفحه ۱۵۲]

یا تکمیل عرضه بشوند یا احياناً بعضی از آنها به مراجع قانونگذاری فرستاده شوند. در هر حال چند پیشنهاد اجرایی هم دارم که در پایان عرض می کنم. اما نکته اول دعوت به نگاه جامع تر و عمیق تر به موضوع است، نگاهی به ریشه ها. اگر ما تصور کنیم که مسأله نماز با تمام اهمیتی که دارد می تواند مجرد از سایر مسائل مورد بررسی قرار بگیرد و برای آن راه کار ارائه شود، باید گفت که این نگاه، سطحی است. مسائل فرهنگی حقیقتاً پیچیده ترین مسائل اجتماعی است و مسائل اجتماعی پیچیده ترین پدیده های طبیعت است، چون با انسان سر و کار دارد. رهبر عزیز ما به عنوان یک کارشناس آگاه، خبیر و بصیر، صرف نظر از مقام ولایت، در آغاز سال جاری یا پایان سال گذشته

مسأله ای را تحت عنوان نوسازی معنوی مطرح فرمودند. این یک سیاست کلان است که جزو شئون رهبری است و روی این مسئله باید بررسی صورت بگیرد، که البته حالا مجمع تشخیص مصلحت نظام برای مشورت درباره ی این موضوع مهم فعال شده است، این سیاست کلان اولاً باید خوب شناخته شود.

نوسازی معنوی یعنی چه؟ ما الان از نظر اجتماعی در چه وضعیتی هستیم؟ جامعه ی خودمان را باید خوب بشناسیم، همچنین تأثیر و تأثرات درونی و برونی را. ایشان چند سال قبل تحلیل تاریخی عمیقی از تاریخ صدر اسلام ارائه فرمودند که حتماً نظرتان هست، همان بحث خواص و عوام و دو دسته کردن خواص و اینکه چگونه انحراف در تاریخ صدر اسلام بوجود آمد، انقلابی که رهبری مانند رسول خدا (ص) داشت و امامی مانند امیرالمؤمنین (ع) و اینکه چرا این انحراف پیش آمد را مطرح فرمودند. این تحلیل عمیق به ما درسی می دهد که بر اساسش شناخت دقیقی از مسائل اجتماعی پیدا می کنیم و بر اساس این

[صفحه ۱۵۳]

خط استراتژیک و این سیاست کلان است که مسأله ی نوسازی معنوی و فرهنگ باید مسأله ی اول در این شرایط باشد و آن وقت مبنای سیاست های اجرایی و برنامه ریزی قرار بگیرد. اگر این موضوع فقط در حد یک شعار باقی بماند، فقط پلاکاردهایی زده شود: نوسازی معنوی، استقرار عدالت اجتماعی، ولی براساس آن برنامه ریزی نشود، ده سال دیگر هم به این ایده و آرمان نخواهیم رسید. البته ممکن است بفرمایید این وظیفه ی مجلس و دولت است که بر اساس این سیاست کلی برنامه ریزی بکنند. خواست ما هم همین است، اما در این گونه محافل و مجالس می شود روی آن کار کارشناسی انجام داد و موضوع مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. باید مبنای بحث های ایران ۱۴۰۰ و برنامه ی بلند مدت ۲۵ ساله، نوسازی معنوی قرار بگیرد. واقعاً نوسازی معنوی یعنی چه؟ شرایط توسعه چه آثار و پیامدهایی دارد؟ مسائل فرهنگی و همین مسأله ی نماز با ده ها مسأله اجتماعی و اقتصادی و مسائل اخلاقی به هم پیوند خورده اند، جامعه مانند یک کلافی است که در آن سرنخ های مختلف با هم گره خورده اند، اگر ما یک نقطه را بگیریم و از نقطه دیگر غافل شویم، نتیجه نمی گیریم. لذا سیاست گذاری ها باید همه جانبه باشد. رابطه ی متقابلی بین سیاست های اقتصادی و سیاست های فرهنگی وجود دارد.

واقعاً پیوند عمیقی بین مسائل اقتصادی و مسائل فرهنگی و مسائل اخلاقی وجود دارد و نمی شود اینها را از هم جدا کرد و مجرد مورد بررسی قرار داد. شما ملاحظه فرمایید، واقعیتی که در جامعه ی ما در حال اتفاق افتادن است، مهم ترین کار جلب توجه به طور عام از سوی دلسوزان جامعه به این حقیقت تلخ است و

[صفحه ۱۵۴]

آن عبارت است از یک نوع جابجایی ارزش ها و تغییر الگوها در ذهنیت جوانان. این واقعیتی است که امروز حتی افراد خوش بین و ساده و سطحی نگر نیز به آن رسیده اند و آن را انکار نمی کنند. به قدری مسأله آشکار شده که همه قبول دارند.

این که خود این موضوع، ریشه ها و علل و عواملش چه هستند، یک بحثی است و مسلماً مسائل و سیاست های اقتصادی- که اجتناب ناپذیر هم هست- در این امر مؤثرند، ما نمی توانیم مسائل را از یکدیگر جدا کنیم، همان طور که فرض فرمایید وقتی که امروز توسعه ی صنایع را در دنیا بررسی می کنند، در کنارش مسأله ای به نام محیط زیست مطرح می شود، چون توسعه ی صنایع باعث آلودگی محیط زیست می شود. توسعه ی اقتصادی یک سلسله لوازم و پیامدهایی دارد که اگر برای آنها فکر نشود و خلاصه توسعه ی فرهنگی و معنوی اصل قرار نگیرد، به فرض که ما بتوانیم آن الگوهای توسعه ی کشورهای غربی و اروپایی را هم اجرا کنیم، اگر هم موفق شویم، خدای ناکرده همان بحران اخلاقی و معنوی که در این جوامع هست، در کشور ما هم بوجود خواهد آمد. یک وقت چشم باز می کنیم و می بینم که آنچه نباید بشود، شده.

در مورد این موضوع به همین اندازه اکتفا می کنم. بحمدالله همه ی حضار اهل دقت و مطالعه هستند. با برداشتی که بنده دارم شاید فقط ما چند سال- اگر با خوش بینی نگاه کنیم، یک دوره ی چهار، پنج ساله- وقت داشته باشیم برای این که خودمان را از این بحرانی که ناخواسته تحمیل می شود- این بحران فرهنگی- نجات بدهیم. نکته ی بعدی، مسأله دشمن است؛ ما در یک شرایط عادی بسر نمی بریم، انقلاب اسلامی با کارهای بزرگی که انجام داده- که انسان باید برود و در خارج از کشور ببیند که این انقلاب و امام چه کرده اند- دشمن احساس خطر

[صفحه ۱۵۵]

کرده است! رهبر سپاهان امریکا می گوید که ما از انقلاب شما درس گرفتیم و به هویت اصلی خودمان برگشتیم. در فلسطین تمام نقشه ها و برنامه ها را انقلاب اسلامی بر هم زده است، انتفاضه فرزند انقلاب اسلامی است. دشمن همه چیز را از اینجا می بیند. این دلایل و دلایل متعدد دیگر کافی است که دشمن تمام هم خود و تمام توان و هنر و تکنولوژی پیشرفته و ماهواره ها و تمام متفکرین خود را برای کوبیدن فرهنگ این انقلاب بکار گیرد. به نظر بنده جا دارد که مسئولین محترم و مسئولین دلسوز آموزش و پرورش بیایند و اگر در جلسات بزرگ هم نمی شود در جلسات محدودتر، بگویند که بر جوانان و نوجوانان ما چه می گذرد. ما دست آنها را می بوسیم و به آنها کمک می کنیم. الحمدلله که بیش از ۷۰ هزار نماز جماعت در مدارس ما تشکیل شده است. بسیار اقدام خوب و بجایی است، ولی اگر فقط همین موضوع را شاخص بگیریم، گمراه می شویم. باید دید چند درصد از دانش آموزان یک مدرسه در این نماز جماعت شرکت می کنند و چقدر آن نمازهایی است که ما می خواهیم. آیا این نماز جماعت به عنوان یک کار داخلی و وظیفه ای و احیاناً در بعضی جاها اداری است؟ که در این صورت باید به شدت از این موضوع پرهیز کرد. می بایستی فریضه ی نماز، به طور عمیق ادا شود و باید ریشه ها را بشناسیم تا بتوانیم برنامه ریزی همه جانبه نماییم.

برنامه ی تک بعدی همیشه یک دلخوشی بوجود می آورد، چرا که پیشرفت سریعی در کنار خودش دارد، چه در مسائل فرهنگی، چه در مسائل اقتصادی و چه در مسائل اجتماعی. ما مثلاً اگر تصمیم بگیریم که عده ی دانش آموزانمان یا دانشجویانمان را بالا ببریم، در ظاهر می شود برای آن برنامه ریزی کرد، ولی اگر در کنار این، فکری برای شغلشان نکرده باشیم، یک مرتبه جامعه با بحران

[صفحه ۱۵۶]

مواجه می شود.

حساس کردن مردم و جامعه نسبت به شرایط موجود یکی از کارهای مهم می باشد که ما باید انجام بدهیم. الان پدران و مادرانی هستند که با این که خودشان از نظر مذهبی مقید نیستند، مثلاً خانم هایی که مقید به حجاب نیستند، اما بنده خودم دیده ام که دست دخترش را می گیرد و به کلاس قرآن می آورد مقنعه هم سرش می کند و دلش می خواهد که بچه اش اینجا بیاید. این فرهنگ مردم ما است که حتی آنهایی که خودشان دچار بعضی از بی بند و باری ها هستند، نمی خواهند بچه هایشان دچار این مسائل بشوند. ما باید از این خاصیت استفاده کنیم و آنها را حساس

نماییم. بگوییم دشمن دارد چکار می کند تا وقت از دست نرفته است. دوران جنگ، منتهی وقتی موشک به تهران می خورد همه متوجه می شدند، اما این موشک های فرهنگی، این موشک های اخلاقی، نه آتش دارد و نه صدا و نه تخریب ظاهری.

باید مردم ما خوب متوجه بشوند و این وظیفه بسیار مهمی است. ما چند تا تجربه در سازمان تبلیغات اسلامی داشتیم. بنده خیلی سریع عرض می کنم، هم به عنوان قدردانی از زحمات عزیزانی که همکاری می کنند، هم به عنوان استفاده از این تجربیات. یکی از این تجربه ها گسترش پایگاه های فرهنگی مردمی با کمترین هزینه است. یک نمونه اش همین بوستان های نماز است. اول ما با حدود ۵۰۰ بوستان نماز شروع کردیم و امسال تابستان چهار هزار و پانصد بوستان نماز تشکیل شد و شاید شما تعجب کنید که کمک مادی سازمان تبلیغات اسلامی به هر یک از این بوستان های نماز علاوه بر مربیان - که اعزام شدند از حوزه ی علمیه و دفتر تبلیغات - پنجاه هزار تومان بود، اما ده ها برابر مردم کمک

[صفحه ۱۵۷]

کردند، مسئولین کمک کردند و هزینه شد. الان در همین سالن هلال احمر شهرستان ارومیه، برگزیدگان کانون های جوانان و بوستان های نماز برنامه های هنری خودشان را اجرا می کنند، در همین سالن دو هزار نفره که دیروز ما رفتیم و افتتاح کردیم. خود جوانان و نوجوانان ما اگر راهنمایی بشوند، اگر سازماندهی بشوند و اگر برایشان برنامه ریزی انجام بگیرد و اگر مقداری کمک های مالی به آنها شود، بهترین اهرم هستند برای مقابله با تهاجم فرهنگی. خودشان احساس مسئولیت می کنند و روی همسال های خودشان بیشترین تأثیر را خود جوانان و نوجوانان دارند. یکی از تجربه های خوب و موفق سازمان تبلیغات اسلامی، برنامه ی توجه دادن به مساجد است. در ۳ سال گذشته برنامه ای ده روزه، به عنوان غبار روبی و عطر افشانی و رشد مساجد در دهه ی آخر ماه شعبان اجرا می شد، باور بفرمایید استقبال از این برنامه از جانب مردم، جوانان و حتی خانم ها بسیار بسیار زائدالوصف بود و برای غبار روبی مسجد نذر می کنند. این فرهنگ باید در جامعه عملاً رشد پیدا کند. اگر مسئولین ما؛ کسانی که چهره های معروف و محبوب جامعه هستند و دیگران به آنها نگاه می کنند، یک روحانی برجسته، یک استاندار، یک فرماندار یا یک معلم برجسته، حتی یک ورزشکار محبوب جوانان، ایشان بیایند خدمت افتخاری در یک مسجد را عهده دار بشوند یا در این دهه ی غبار روبی، خودشان نظافت خانه ی خدا را که فرمان خداوند به حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل

(ع) می باشد که «عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ» بر عهده بگیرند. کار پسندیده ای است. عزیزان سؤال می کنند که چرا گرایش جوانان به مسجد کم است؟ حقیقتاً بین

[صفحه ۱۵۸]

خودمان و خدا، شما خودتان را بگذارید جای آن جوانی که بعد از ظهر، ساعت مثلاً چهار بعد از ظهر از خانه بیرون می آید و می خواهد برود یک جایی اوقات فراغتش را بگذرانند. سمت راست را نگاه می کند می بیند یک فرهنگسرای زیبا، تمیز با تمام امکانات و تجهیزات خودنمایی می کند، سمت چپش را نگاه می کند، می بیند یک پارک سبز خرم، آماده است برای قدم زدن، آن طرف را نگاه می کند، یک سالن ورزشی می بیند با مسابقات جذاب، آن طرفتر یک تالار در حال اجرای فلان برنامه هنری است، البته مسجد هم هست، اما حتماً در آن کوچه و پس کوچه، یک جایی که تاریک است، تمیز نیست و برنامه جذابی هم ندارد. شما را به خدا بفرمایید اگر بنده و شما جای آن جوان و نوجوان بودیم کدامیک را انتخاب می کردیم؟ خیلی طبیعی است. نه این که ما با این ها مخالفیم، نه. اما می گوئیم اگر در برنامه های ورزشی و برنامه های هنری و غیره با هم هماهنگ باشیم، می توان مانند تمدن طلایی گذشته ی اسلام را تجدید و همه ی این فعالیت ها را حول محور مساجد سازماندهی کرد. یکی دیگر از برنامه هایی که بسیار مورد استقبال قرار گرفت - حتی از جانب دانشجویان - و مقام معظم رهبری هم آن را مورد عنایت قرار دادند، اعتکاف در مساجد بود. ماه رجب نزدیک است. سال گذشته آن قدر جوانان دانشجو از این موضوع استقبال کردند مثلاً در دانشگاه تهران دیگر جا نبود که مجبور شدیم خلاف احتیاط عمل کنیم و بگوئیم حالا درست است که مسجد کوی دانشگاه جامع نیست، اما بروید آنجا هم رجاء معتکف بشوید. یکی دیگر از اقدامات، آیین نامه ای است که به تصویب رسیده است و شایسته است عزیزان دلسوز در استان ها و در شهرستان ها، هیأت هایی را برای پیگیری این آیین نامه به وجود آورند. در این آیین نامه همه چیز مشخص

[صفحه ۱۵۹]

شده است، دیگر وزارت نیرو برای آب و برق حق ندارد از مساجد وجهی را دریافت کند، تعرفه باید در پایین ترین حد باشد، وزارت مسکن وظیفه دارد، جهاد موظف است، تبلیغات، اوقاف، ارشاد، همه وظایفشان در اینجا تعیین شده

است. و اگر این وظایف به خوبی عمل شود، ان شاءالله درصد بالایی از مشکلات ما در ارتباط با مساجد حل می شود. اما موضوع دیگری که نمی توانم از آن بگذرم، مسأله ی نرم افزار فرهنگی برای نماز و مسجد است و آن وظیفه ای است که مستقیماً متوجه روحانیت عزیز و بزرگوار است. در همین استان، اجازه بدهید اشاره کنم به کرامت سفر مقام معظم رهبری که بسیار سفر پر برکتی بود، الان شاید حدود دویست پروژه عمرانی در اینجا، در حال انجام است. بیست، سی مورد از آن را سازمان تبلیغات- با همه محدودیتش- دارد اجرا می کند که یکی از آنها ساخت خانه عالم در روستاها است. دیشب یکی از آنها را در خدمت حضرت آیت الله موسوی افتتاح کردیم و امروز هم یکی دیگر را افتتاح می کنیم. بسیار طرح موفقی بوده است. الان که بنده خدمت شما هستم بیش از ششصد نفر روحانی مستقر در مناطق فاقد روحانی داریم، که قول دادند و با خانواده در آنجا ماندند، ولی متأسفانه برای ایشان، فقط تاکنون هفتاد خانه توانسته ایم بسازیم، بقیه به صورت استیجاری است و یا این که میهمان مردم هستند. ان شاءالله این برنامه باید با جدیت دنبال شود و مساجد آباد شوند و در کنار آنها خانه ی روحانی هم ساخته بشود. اما خود روحانی چطور؟ در این استان روحانی کم داریم. مقام معظم رهبری خواستند ما آماری تهیه کنیم. برادر عزیزمان جناب حاج آقای فخری مسئول تبلیغات اسلامی استان آذربایجان غربی این آمار را تهیه کردند، آمار این بود که این استان هزار و نهصد و شصت و چهار مسجد بدون امام

[صفحه ۱۶۰]

جماعت دارد، اما تقاضاها زیادند. امیدواریم که همگی، خصوصاً دولت و مجلس شورای اسلامی همت کنند و آنجاهایی که مسأله ی نماز و مساجد نیاز به قانون و یا پشتوانه مالی دارد، کمک نمایند. باید بخشی از امکانات تبلیغات شهری، صدا و سیما و مطبوعات برای تبلیغ رایگان مسائل فرهنگی و به خصوص نماز اختصاص پیدا کند، نام گذاری تالارها، میدان های مهم و سالن های مهم به نام میدان اذان، میدان تکبیر، میدان «الله اکبر» و تالار نماز انجام گیرد. طرحی به نام «گلبانگ» داریم که فرصت نیست توضیح بدهیم این طرح، در ارتباط با اذان و همکاری بین آموزش و پرورش و دستگاه های دیگر در این زمینه است.

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

[صفحه ۱۶۱]

بزهکاری، معلول بی توجهی به نماز

دکتر محمود گلزاری

[صفحه ۱۶۳]

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث بنده درباره ی نماز و رابطه آن با مسأله ی کاهش بزهکاری است. همین جا عرض کنم که درصد قابل توجهی از زندانیان زیر سی سال ما مجرد هستند و ازدواج یک مصونیت جدی در مقابل جرم ایجاد می کند. حتماً مطلع هستید که ما مدتی است در شبکه ی «۳ سیما» پنج شنبه شب ها، شب های جمعه برنامه ای داریم به نام «جست و جو» که با مصاحبه با «غلامرضا خوشرو» که روزنامه ها به او خفاش شب می گفتند شروع شد. البته ما موافق نبودیم که بعضی از واژه ها را که خودش اربعاب و ترس ایجاد می کند، بکار ببرند. با آن شروع شد و بعد هم با یک جوان ورزشکار و آن هفته و این هفته هم که همین امشب پخش می شود باز با یک جوان که در نوجوانی قتلی را صورت داده است، مصاحبه نموده ایم. در آینده هم با دختران فراری، بچه های سارق و امثالهم مصاحبه زنده و تحلیلی خواهیم داشت. در همه مصاحبه ها کوشش می شود که با ظرافت از مسأله مذهبی بودن خانواده و نماز خواندن خود فرد هم سؤال بشود. اگر یادتان باشد از آن خفاش پرسیدم که نمازی بلدی؟ به دروغ- که کار همه ی بزهکاران است- گفت:

[صفحه ۱۶۴]

آره. گفتم که سوره ی حمد را بخوان. گفت یادم رفته است. گفتم: سوره ی قل هوالله را بخوان. گفت: خجالتم نده. چیز دیگری پرسیدم، گفت: خلاصه من در نماز خواندن حرفه ای نیستم. یعنی فکر می کرد در خواندن نماز هم باید حرفه ای باشد و با همان تحلیل های خودش برخورد می کرد. عرض کنم که ما تحقیقی را در زندان اوین و در یک ماه پیش برای همین اجلاس انجام دادیم. به پنجاه نفر دختر زیر ۲۵ سال و به پنجاه نفر پسر جوان در زندان هم که بالای ۱۸ سال داشتند پرسشنامه را دادیم. آنها قبل از آن در کانون اصلاح و تربیت بوده اند. چون ما برنامه هایمان

بیشتر در اوین ضبط می شد، من در بند جوانان ۲۵-۱۸ سال، این پرسش نامه ها را دادم. در زندان های ما بیشتر جرمها در پسران، به ترتیب سرقت، شرارت که شامل نزاع و قتل است و مواد مخدر- اعتیاد و قاچاق آن- و منکرات می باشد. در دختران، سرقت، منکرات، مواد مخدر و فرار از منزل بسیار زیاد است. پدیده های منفی زیادی هم در حال شایع شدن است. آنچه ما درباره ی نماز از این زندانی ها دیدیم؛ ازپدران این ها پرسیدم که اینها چقدر نماز می خوانند، جواب دادند، مادرانشان هم جواب دادند، مشخص شد که چند نفر از مادران این زندانیان جوان در بینشان نمازخوان بیشتر از پدرانشان بوده است. ما در زندان دیدیم که حدود ۹۵ درصد این زندانیان با نماز آشنا هستند یعنی مثلاً تا ۱۲ سالگی، یا مرتب یا گاه گاهی، نماز می خوانند. بیشترین ترک نماز- ما در دبیرستان ها و دانشگاه ها هم این آمار را گرفتیم- از آغاز نوجوانی شروع می شود، از ۱۲ سالگی به بعد. این خودش جای یک بحث جدی دارد که من امیدوارم در سمینارهای بعدی درباره ی عوامل ترک نماز ما یک بحث جدی داشته باشیم. حدود ۵۰ درصد این افراد تا ۱۶ سالگی دیگر نماز را ترک کرده بودند و ۹۳ درصد هم تا ۲۰ سالگی بی نماز شده بودند. درباره ی دلایل ترک نماز که پرسیدیم، گفتند: خود خلاف و خلافتکاری، بی علاقگی، بی حوصلگی،

[صفحه ۱۶۵]

دوستان بد- که در نوجوانی خیلی مهم است- و این که احساس می کردند نماز هیچ فایده ای ندارد، موقعیت نامناسب خانوادگی از جهت امکان برگزاری نماز، بیزاری و ناامیدی از همه چیز و طرد از خانواده. یادتان باشد که ما باید تمام تلاشمان این باشد که فرزند ما وارد کارِ خلاف نشود، یعنی پیشگیری اولیه. همین بحث هایی که این جا می شود و همین کارهایی که در تلویزیون و درباره ی زندانیان و مجرمان انجام می گیرد، به خاطر پیشگیری است، به خاطر این است که ببینیم چه عواملی باعث شده که یک پسر ۱۴ ساله وارد زندان شود؟ با یک پسر مصاحبه کردیم که اسمش وحید بود و در ۱۴ سالگی مرتکب قتل عمد با انگیزه قبلی شده بود. قبل از آن نیز سابقه شرارت داشته است. در ۱۶ سالگی حکمش صادر شده بود و عن قریب، شاید در هفته آینده اعدامش کنند، چرا که خانواده ی شاکی رضایت نداده اند.

وقتی من از او پرسیدم: تو نماز می خوانی؟ گفت: من در زندان نماز را یاد گرفتم. یعنی یک آدمی که مادرش چادری است، البته پدرش گویا مذهبی نبوده یا حتی یک مقداری مشکل داشته و سالم نبوده است، چرا باید تازه در زندان نماز را یاد بگیرد و آن هم بعد از ۱۴ سال. خیلی هم پشیمان و ناراحت بود، ولی حکم اجرا خواهد شد.

من خدمت آقای یزدی هم عرض کردم، بعضی از قضات محترم ما- شاید در بین آقایان، قاضی هم باشد- راحت افراد را با جرم ساده به زندان فرستاده اند. دختر دانشجویی را به خاطر ۱۰ هزار تومان پول که ندارد بدهد، به زندان و کنار خانم های منحرف سابقه دار فرستاده اند. زندان محل بدآموزی است. بیکاری و ناراحتی در زندان زیاد است. به قول خود این بچه ها، آنجا یاد می گیرند شاه کلید درست کنند، روش های عجیب دزدی را یاد می گیرند. با هم نشانی رد و بدل می کنند. زندان محل اصلاح افراد نیست.

[صفحه ۱۶۶]

تراکم شدید جمعیت زندانیان در زندان و مسائل مربوط به آن و مشکلات مالی کارمندان آنجا، زمینه را برای انجام کار فرهنگی در زندان مشکل کرده است.

از زندانیان جوان پرسیدم آیا شما در زندان نماز می خوانید و دلتان می خواهد که نماز بخوانید؟ عده ای این جواب را دادند؛ نه، چون بهداشت در زندان رعایت نمی شود، بعضی ها این دلایل را ذکر کردند: علاقه ندارند، جای مناسبی برای نماز وجود ندارد، بلد نیستند، دوستانشان آنها را مسخره می کنند، نمی دانند چرا باید نماز بخوانند، زندان خیلی شلوغ و پر سر و صدا است.

در زندان گاهی اوقات خودزنی می شود. یعنی فضا، یک فضای غیر قابل تحمل است. با نبودن آرامش محیطی، چگونه می شود نماز خواند؟ با توجه به این که بیزاری از زندگی و ناامیدی و افسردگی نیز در بین آنها زیاد است. پرسیدم: وقتی آزاد شدید چکار می خواهید بکنید؟ گفتند: دلمان می خواهد بچه هایمان نماز خوان شوند. دلمان می خواهد خودمان به نماز ادامه بدهیم. ولی آخرش که یک تحلیل دقیقی انجام دادیم، ناامید کننده بود؛ در بین این جوانان ۵۶٪ مخالف نماز، و ۳۴٪ نسبتاً موافقند و ۱۰٪ کاملاً موافقند.

یادتان باشد که گفتیم ۹۳ درصد از افراد تا زیر ۲۰ سالگی بی نماز بودند، ۷ درصد اهل نماز بودند در زندان و فقط ۱۰ درصد موافق بودند، یعنی یک ۳ درصدی به علاقه ی این ها اضافه شده است و گر نه تحلیل جدی نسبت به نماز صورت نگرفته است. حالا با این مقدمه عرض کنم روان شناسانی که در زمینه ی مسائل جنایی کار کرده اند- و یک بخشی به نام بخش روان شناسی جنایی داریم که ویژگی های آدم های بزهکار و مجرم را بررسی نموده اند- در بزهکاران این مشخصات را دیده اند: بی پروایی، بی حیایی، ضعف اراده، انعطاف ناپذیری، خونسردی عاطفی، خودخواهی زیاد. (این ها برای پیشگیری فرزندان خودمان به

درد می خورد). بعضی از روان شناسان خصوصیات مجرمین را به چهار طبقه تقسیم نموده اند و گفته اند بزهکاران از نظر اخلاقی این خصوصیات را دارند: عار و ننگی از کارشان ندارند- از نظر کیفری، ترسی از کیفر ندارند- از نظر مادی سعی می کنند تا آخر به دنبال جرمشان بروند و نهراسند و مشکلات را پشت سر بگذارند- و از نظر تأثیرپذیری، مجرمان احساس تألم و تأثر ندارند.

یکی از متخصصان معروف جرم شناسی، همه خصوصیات مجرمان را به دو گروه بزرگ تقسیم کرده است و یک گروه را «اخافه ناپذیری» نام نهاده است، این یعنی ترس در وجود مجرم وجود ندارد و از چیزی هراس ندارد که خودش دو مولفه بزرگ دارد؛ خودخواهی و خودبینی زیاد، به اضافه این که دوراندیش نیستند و عاقبت اندیشی نمی کنند و از طرفی یک عامل بعضاً زیان بخش، یعنی پرخاشگری و بی قیدی عاطفی وجود دارد. این ها خصوصیات این بچه ها است. با آنها که سر و کار داشته باشید، می بینید که این گونه اند. به جز این عوامل مهم، فقدان کف نفس- قدرت ضعیف در پیش بینی- در پی نتیجه ی فوری بودن- خشم- انتقام- حسادت- دروغ گویی- خودبینی زیاد و بدگمانی را در وجود این افراد مجرم می بینیم.

ببینید، از نظر قرآن مجید - که شما بزرگان بهتر واردید- خصوصیات آدم های مجرم، شاید به طور بالقوه و در حد ضعفش در همه ی ما وجود داشته باشد. ویژگی انسان این گونه است. خداوند وقتی می فرماید: «ان الانسان خلق هلوفاً اذا مسه الشر جزوعاً و اذا مسه الخير منوعاً»، یا در جائی دیگر، انسان را «جهول» می داند و «اهل خسران». این ها ویژگی هایی است که در انسان تربیت نشده، به طور بالقوه وجود دارد. خداوند وقتی که می خواهند بفرمایند این ویژگی ها را چه کار بکنیم که به بزه و جرم منتهی نشویم، می فرمایند: «الا المصلین»، مصلینی با خصوصیات انتهای

این آیه مبارکه از سوره ی شریفه ی معراج و آیات ابتدای سوره مؤمنون و آیات دیگر قرآن مجید، یعنی؛ در نمازشان «دائمون» باشند، «خاشعون» باشند، «یحافظون علی صلواتهم» باشند. ما اگر کوشش نکنیم که فرزندانمان

نمازخوان شوند، آن هم نمازخوان دائمی و با حضور قلب در نماز، آن وقت به کجا می‌رسیم؟ در وجود انسان، آمادگی بالقوه برای گرایش به کزی‌ها هست، لذا در برخورد با فشارهای روانی می‌برد، در برخورد با انحرافات، دچار فحشا و منکر می‌شود. در سوره ی مبارکه ی مائده آیه ای داریم که می‌گوید: «این که شیطان انسان را از نماز دور کند، در پی آن عداوت، کینه، انحرافات، قتل و غارت و... اتفاق می‌افتد». نماز به صراحت آیات قرآن، جلوی همه ی این‌ها را می‌گیرد و انسان را از خودبینی دور می‌کند، از این رو بزرگان عارف و ادیب ما، تربیت شدگان قرآن کریمند، این زمینه‌ها را دارند. یک جایی سعدی می‌فرماید:

بزرگان نکردند در خود نگاه

خدا بینی از خویشتن بین نخواه

انسان اگر خدابین شد، خویشتن بین نمی‌شود و خویشتن بینی و خودخواهی از صفات رذیله و شیطانی است. در هر صورت ما باید تلاش جدی کنیم تا اینکه فرزندانمان اهل نماز بار بیایند. دوران نوجوانی همانند یک پرتگاه خطرناک است که اغلب ترک نمازها نیز در آن سن صورت می‌گیرد و می‌بایست برای آن فکری اساسی بشود و در این زمینه نقش خانواده بسیار مهم است.

وضع امروز جامعه ی ما می‌طلبد که ما به مسائل مذهبی و از همه مهم تر به مسأله نماز- این واجب دوست داشتنی و دلنشین- به خصوص از دوران کودکی و در خانواده بیشتر توجه کنیم و عوامل اجتماعی را که موجب اقامه ی نماز می‌شوند، جدی بگیریم.

«والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته»

شهداء و نماز

حجة الاسلام و المسلمین رحیمیان

«ریاست محترم بنیاد شهید انقلاب اسلامی»

[صفحه ۱۷۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر شهدای صدر اسلام نبودند، اثری از اسلام نبود. اگر شهدای انقلاب نبودند، انقلاب اسلامی به پیروزی نمی رسید. و اگر شهدای دفاع مقدس نبودند امروز ما جمهوری اسلامی نداشتیم. اگر امروز جمهوری اسلامی می تواند راه خودش را قدرتمندانه ادامه بدهد و شرق و غرب و آمریکای جنایتکار علیرغم محاصره ی نظامی و انواع حصارهایش جرأت تخطی نسبت به این نظام را ندارد و اگر آمریکا امروز هیچ غلطی نمی تواند بکند، همه و همه به خاطر روحیه ی شهادت طلبی جامعه ی اسلامی و جوانان و نوجوانان ما است. اگر مقاومت اسلامی در لبنان پوزه ی اسرائیل را به خاک مذلت مالیده است، در پرتو روحیه ی شهادت طلبی و استشهادی جوانان حزب الله لبنان است و همچنین انتفاضه ی فلسطین. دشمن رمز قضیه را خوب شناخته است؛ جوانان، نوجوانان و روحیه ی شهادت طلبی آنها.

[صفحه ۱۷۲]

بعد از دفاع مقدس و بعد از ناکامی در جنگ نظامی، امروز با تهاجم فرهنگی اش جوانان و نوجوانان جامعه ی اسلامی را هدف قرار داده است، تا آنها را از درون پوچ کند و روحیه ی شهادت طلبی را از آنها بگیرد. مرگ جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی آن روزی است که جامعه و جوانان ما روحیه ی ایثار و شهادت طلبی را از دست بدهند و از این رو بالاترین حساسیت ما در شرایط حاضر، باید حفظ روحیه ی شهادت طلبی باشد. حفظ روحیه ی شهادت طلبی هم مقتضیاتی دارد که باید فراهم شود و موانعی دارد که باید بر طرف بشود. مجال بحث در مورد مجموعه ی مقتضیات و مجموعه ی موانع نیست، اما یک محور را فقط در اینجا اشاره می کنم و آن مسأله

عبودیت حق، به عنوان مهم ترین مقتضی و مبنای روحیه ی شهادت طلبی، تا اوج کمال انسان است و قله عروج انسان و پیوستن انسان به خدا است و راه رسیدن به آن نقطه اوج، عبودیت حق است. «و استعینوا بالصبر و الصلوۃ» برای دستیابی به آن معراج و آن پایگاه والا است.

نماز طیف گسترده ای را دارا است، از پنهانترین حالت و مخفیانه ترین صورت خودش که نماز فردای باشد، هست، تا آشکارترین صورت و سیاسی ترین وضعیتش که نماز جمعه است و نماز جماعت.

مسجد پایگاه طهارت و تهذیب نفس است، و مکان پیوند با امام جماعت، با امام عادل که رابط بین قطره های جامعه ی اسلامی است که در مساجد به هم می پیوندند و این حوضچه ها از طریق امام جماعت به مقام ولایت متصل می شود تشکل فراگیر حزب الله و هسته های حزب الله را در سرتاسر جهان شکل می دهد، می باشد. برای تحقق مقتضی اساسی فرهنگ شهادت در جامعه، در حقیقت ما باید برگردیم و این عنصر اساسی، یعنی عنصر عبودیت را که تجلی

[صفحه ۱۷۳]

آن در قالب نماز در مکتب اسلام ارائه شده است، در جامعه زنده کنیم. من تحلیل را کنار می گذارم و فقط نکات آماری را که از زندگی برخی از شهدا استخراج کرده ایم، خدمتتان عرض می کنم.

ببینید شهدای ما دارای چه ویژگی هایی در ارتباط با نماز بودند، خاستگاه آنها کجا بوده و معبر آنها برای رسیدن به روحیه شهادت طلبی چه چیزی بوده است؟ یک بررسی در مورد زندگینامه ی هزار و هفتصد و سه فرمانده ی شهید که این فرماندهان جزو بهترین ها و نخبه های شهدای ما بوده اند، درباره ی دوران راهنمایی و دبیرستان، یعنی دوره های نوجوانی آنها درباره این که اوقات فراغتشان را کجا می گذرانده اند، انجام شده است، چون برادر عزیزمان جناب آقای دکتر لاریجانی تشریف دارند- به عنوان همدلی با ایشان- این نکته را عرض می کنم، روز پنجشنبه ی گذشته، روز شهادت و ایثار از هفته ی دفاع مقدس، ظاهراً در برنامه ی خانواده و قبل از اخبار ساعت چهارده بود. گزارشگر میکروفون را به میان تعدادی بچه برده بود و سؤال می کرد که شما اوقات فراغتتان را در تابستان چگونه گذرانیدید؟ از همه بچه ها یک سؤال را می پرسید، جواب های آنها را پخش می کرد. تمام این بچه ها به اتفاق گفتند: آموزش زبان انگلیسی برنامه ی اولشان بود. درباره ی برنامه دومشان هم یکی گفت آموزش سنتور، یکی گفت: ژیمناستیک، یکی گفت شنا، سؤال بعدی این بود که انگیزه ی شما برای این که اوقات فراغتتان را در تابستان

با این برنامه ها پر کردید چه بود؟ آن نکته برجسته و مشترک بین بچه ها این بود که خوب زبان انگلیسی زبان کشورهای پیشرفته دنیا است، ما هم فردا می خواهیم با این ها سر و کار داشته باشیم و نیاز به این ها داریم و به هر حال باید زبان این ها را بلد باشیم تا بتوانیم ما هم پیشرفت

[صفحه ۱۷۴]

بکنیم. خوب معلوم بود که تیپ خاصی از بچه ها انتخاب شده بودند، برای اینکه اگر با ده تا بچه به صورت تصادفی با روش علمی، آماری مصاحبه می کردند، از این ده تا بچه، حداقل یکی شان می گفت من مسجد می رفتم، دیگری می گفت از برنامه های دارالقرآن سازمان تبلیغات استفاده می کردم، من از مهد قرآن استفاده می کردم. میلیون ها بچه در تابستان و در برنامه های سازنده ی نهادهای مختلف شرکت داشتند. آن وقت پخش این برنامه تلویزیونی، چه چیزی را به سایر بچه ها القا می کند؟ به هر حال من نتیجه تحقیقی را که در ارتباط با اوقات فراغت هزار و هفتصد و سه تن از فرماندهان شهید در سال های دوره راهنمایی و دبیرستان انجام شده است عرض می کنم. تحقیق از طریق خانواده ها و همشاگردی هایشان انجام شده است. چهل و هفت درصد وقت این شهدای بزرگوار در مساجد می گذشته است. (لزوم المساجد)، ۲۸ درصد در برنامه های ورزشی - آن هم ورزشی که سالم و مورد نیاز برای سلامت جسم یک فرد مسلمان است - و ۲۱ درصد در مطالعه که مجموعاً ۹۷ درصد می شود و ۳ درصد هم در بقیه امور، اعم از مهمانی، پارک، احیاناً سینما و سایر سرفصل های دیگر که در پژوهش وجود دارد. باز در یک نمونه ی آماری دیگر که درباره ی نماز و از بین وصیتنامه های ۱۴ هزار نفر شهید انجام شده است، ۳۳ درصد در مورد نماز، به جامعه، به مردم و به بستگان سفارش نموده اند. ۳۰ درصد بر نماز جمعه و جماعت به صورت مشخص تأکید داشته اند. ۳ درصد روی نماز شب، ۴ درصد روی نماز اول وقت، ۲۱ درصد روی به جا آوردن نماز قضا تأکید نموده اند، ۹ درصد دیگر نیز سایر موارد را تأکید نموده اند، از قبیل نمازهای مستحبی مختلف و نوافل یومی به صورت مشخص. من روایت دیگری را که از پیغمبر

[صفحه ۱۷۵]

اکرم (ص)، رسول اعظم حضرت محمد بن عبدالله (ص) در کتاب مستدرک الوسائل جلد ۳ صفحه ی ۳۵۶ نقل شده، عرض می کنم، که فرمود: وقتی که آفات و بلاها نازل می شود، - از بالا به پائین - در این حال اهل مساجد در عافیت و سلامت هستند. در این روایت منظور از آفات و بلیات چیست؟

آیا مثلاً میکروب وبا و سایر بیماری های واگیر جسمی است؟ این ربطی به مسأله ی مسجد ندارد. به تناسب و برحسب سیاق ذیل روایت دقیقاً مشخص می شود، آفات و بلیات مربوط به روح انسان و روان انسان است، حالا این نزول که از بالا به پایین است، آیا شما تهاجم فرهنگی امریکا و غرب به ذهنتان تبادر نمی کند در زمان حال؟ که عمدتاً هم از طریق ماهواره و برنامه ها و فیلم های مبتذل، جوانان و نوجوانان ما و جامعه ی ما را مورد هجوم قرار داده است؟ حالا توجه می فرمایید که پیغمبر فرمود «عَفَى أَهْلُ الْمَسَاجِدِ» چرا اهل مساجد در عافیت هستند؟ به بحث نیاز ندارد، شما چهره ی بچه هایی که در نماز جمعه حضور دارند، یا نوجوانان صف اول نماز جماعت مساجد و یا چهره ی نورانی بچه های بسیجی را که نگاه می کنید، آنها همان ها هستند که اگر طبل جنگ کوبیده شود در خط مقدم حاضر خواهند شد و همان مسأله ی شهید و شهادت و روحیه ی شهادت دوباره تکرار خواهد شد. حال خیابان ها و پارک ها و ولگردها؛ آنهایی را که با مسجد سر و کار ندارند، با نماز سر و کار ندارند و در لباسشان، در اندامشان، در صورتشان، در موی سرشان و در مجموعه ی حرکات آنها وضعیت آنها آشکار است، مشاهده کنید. آنها را چگونه می بینید؟ آنها قربانیان تهاجم فرهنگی دشمن هستند که اگر غفلت کنیم و پایگاه مسجد را، سنگر مسجد و جماعت و جمعه را تحکیم نبخشیم، پیوند نسل نوی جامعه ی اسلامی مان را با این سنگر و پایگاه

[صفحه ۱۷۶]

برقرار نکنیم و روحیه ی شهادت طلبی - و طبعاً سایر ارزش ها - را از دست بدهیم، یقیناً ما همه چیز را از دست خواهیم داد و چیزی برای نظام اسلامی نخواهد ماند. سرمایه ی اصلی ما روحیه شهادت طلبی است، همه پیشرفت های صنعتی و همه پل ها و راه آهن ها و اسکله ها و فولادها و پالایشگاه ها و نیروگاه ها، همه صفرند و آن وقت که پهلوی عدد صحیح روحیه شهادت طلبی و ایمان قرار بگیرند، دارای ارزش می شوند و عددی خواهند بود. توجه کنیم که تحت تأثیر توجه به مسائل مادی و معیشتی، معنویت و فرهنگ و روحیه شهادت و ایثار را خدای ناکرده از دست ندهیم. خداوندا تو را قسمت می دهیم به فاطمه الزهرا (س) و پهلوی شکسته اش، خدایا تو را قسمت می

دهیم به زهرا (س) و پدرش (ص)، زهرا (س) و مادرش (س)، زهرا (س) و شوهرش (ع) و زهرا (س) و حسن و حسین (علیهما السلام) و زهرا (س) و مهدی اش (عج) و زهرا (س) و همه دوستان و ارادتمندان ایشان، که نظام ما را، انقلاب ما را با موفقیت و پیروزی روز افزون قرین بفرما، دشمنان انقلاب اسلامی و نظام مقدس ما را نابود بفرما. سایه بلند پایه مقام معظم رهبری را بر سر ما و همه مسلمانان جهان مستدام بفرما. (والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته)

جلوه ای از اسرار نماز

جناب آقای دکتر علی لاریجانی

«ریاست محترم سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران»

[صفحه ۱۷۹]

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد
به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

نماز تطهیر قضاای بدیهی است که چنانچه خوب درک شود، به راحتی تصدیق می گردد. نماز از مقولاتی است که اگر مؤلفه های آن به درستی درک و فهم شود، به سادگی و آسانی انسان را مجذوب خود می کند. اگر می بینیم که در اقامه ی آن نزد برخی از افراد توجه لازم نمی شود، سهم مهم آن مربوط به نداشتن برداشت درست و واضح از ابعاد آن است. البته این خصوصیت منحصر به نماز هم نیست، رکن اصلی اکثر عبادات الهی معرفت بدان است و خلاء معرفت، نه تنها عبادت را از روح اصلی خالی می نماید، بلکه شوق وصل بدان را نیز از بین می برد. معرفت به عبادت و مخصوصاً نماز، در مرحله ی نخست معرفتی خصوصی است. باید در ابعاد آن اندیشید و از مآخذ اسلامی و روایات اهل بیت (علیهم السلام)، سطوح مختلف و حقایق آن را فهم نمود و به لایه های درونی این حقیقت راه یافت، مرحله بعد، یافتن است، یعنی پس از پیمودن راه، حقایق شهودی حاصل می گردد که در معرفت حصولی دست نیافتنی است و با ممارست

[صفحه ۱۸۰]

در این طریق، جذبه آن مرتباً افزوده می شود و افاضات ربانی بر قلب مؤمن جریان پیدا می کند. پس در راه یافتن به سوی ساحت نماز دو چیز اصل است:

اول حصول معرفت از مقوله نماز و ابعاد آن.

دوم جد و جهد دل در انجام و اقامه صحیح و با آداب آن.

حاصل دو قدم فوق، انسان را به جایی می رساند که به فرموده امام علی (ع) چون بنده ای وفات کند، از زمین جای نماز او و از آسمان جای عمل او بر وی بگریند. در باب معرفت نماز در مآخذ اسلامی اشارات و تنبیهات زیادی را شاهد هستیم. بنده نمی خواهم وارد آن امور شوم، زیرا به حد کافی و وافیه در کتب مختلفی که در آداب و اسرار نماز نگارش یافته، بحث شده است. فقط لازم است انسان همت کند و به این همه اشارات اولیای دین توجه نماید. نگاه من در این بحث در خصوص نکاتی است که در رسانه ای چون صدا و سیما، برای حرکت جمعی جامعه باید به آن پرداخت، به نحوی که متناسب با درک عامه مردم و موافق تعریف رسانه صدا و سیما و برحسب خصوصیات اجتماعی و بافت جمعیتی کشور، معرفتی در خور، در اذهان عمومی، بخصوص نوجوانان و جوانان، حاصل آید.

نکته نخست؛ توجه به آداب نماز است. همان گونه که هر کاری، آداب و ضوابطی برای اجرا دارد، فهم آداب نماز در اقامه ی صحیح آن بشدت تأثیر دارد. بی جهت نیست که غزالی در احیاء العلوم می فرماید: «نماز کننده را باید که چون از وضو فارغ شود و پاکی تن و جامعه و موضع نماز از پلیدی ها حاصل کند، روی در قبله راست بایستد و اما سر اگر خواهد بر استوا بگذارد و اگر خواهد در پیش اندازد و در پیش انداختن به خضوع و نگاه داشت چشم نزدیکتر و چشم

[صفحه ۱۸۱]

باید که بر مصلی باشد و از آن فراتر نرود و اگر مصلی نباشد نزدیک دیوار بایستد و یا خطی بکشد که مسافت بصر را ضبط کند و پراکنده شدن اندیشه را مانع بود و همچنین در قیام مداومت کند تا رکوع و این ادب قیام است و چون بر این جمله کرد از برای دفع وسوسه ی شیطان «قل اعوذ برب الناس» بخواند.

پس قامت بگوید و اگر امید دارد که کسی به وی اقتدا کند، اول، بانگ اذان گوید». بنابراین توجه به آداب نماز که به طور گسترده در کتب نماز علمای دین آمده است و به نیکویی در کتاب مهجۃ البیضای مرحوم شیخ فیض کاشانی بدان پرداخته شده، از اموری است که در رسانه ها می توان متناسب با سن و شرایط مخاطبان در برنامه ها به آن

پرداخت. جدای از اهمیت علم آداب نماز در اجرای صحیح آن و بالمآل دریافت حقایق از طریق آن، ویژگی دیگری در آداب نماز نهفته است که برای جوانان بیشتر اهمیت دارد و آن پیدا کردن روش زیستن در بین یک گروه است. چندی پیش مقاله ای از یکی از علمای مسیحیت خواندم که بر این نکته تأکید داشت که در آئین مقدس اسلام شعائری وجود دارد که باعث نوعی همبستگی در رفتار اجتماعی مسلمانان می گردد و هرکس با انجام آن احساس می کند عضویت در جامعه ای دارد که به یک شکل و یک قیافه و یک گونه عمل می نماید. وی نوشته بود این خصوصیت در آئین مسیحیت کمتر است و ما الگوهای رفتاری دینی کمی داریم. توجه او به مراسم ماه مبارک رمضان وایام محرم جلب شده بود. علمای روان شناسی همچنین بر این امر تأکید دارند که اصولاً آدمی نیازمند الگو است، به خصوص نوجوانان و جوانان، جالب این است که آئین مقدس اسلام در همه شؤون به این امر آنچنان توجهی دارد که باعث تعجب انسان می شود. خود نظریه ولایت و ولی در آئین اسلامی و عصمت ائمه

[صفحه ۱۸۲]

اطهار (ع) نمونه ای از پرداختن به مقوله الگو در بین مردم است و هیچ مسلک فکری و دینی این درجه از کمال را که در تفکر اسلامی نهفته است، دارا نیست. آداب نماز جدای از نتایجی که دارد، ایجاد نوعی الگوی رفتار جمعی می نماید. کار مهم این است که این امر را به نحو جذاب و به عنوان الگو مطرح کنیم. نکته دوم توجه به تمرکز و تمرین در پیدا کردن تمرکز است. از ظرایف نماز، تمرکز در حقیقت نماز است و اینکه آدمی دل یکسره بُرد و دقایقی را به چیزی به جز در خدمت خالق بودن نیندیشد. کار آسانی نیست، ولی نماز جز این هم نیست.

این نماز است که گفته شده است: «علی (ع) چون وقت نماز آمدی بلرزیدی و گونه ی او بگشتی، وی را گفتند یا امیرالمؤمنین تو را چه می شود؟ گفت وقت آن آمده است و آن ادای امانتی را که بر آسمان و زمین و کوه عرضه افتاده است و ایشان ابا نموده اند که آن را تحمل کنند و از آن بترسید». جز با توجه کامل و تمرکز، انسان به این درجه نمی رسد.

رسانه ها هم خود در فرو بردن آدمی در امور دنیوی نقش زیادی دارند. اگر در طریق عرفا گاهی به سالک توصیه می شود که گوش گیرد، بدان جهت است که مظاهر دنیوی از پیرامون او حذف شود و او تمرین در تمرکز در وحدت حقیقی عالم کند. این سنن واقعی زیستن مسلمانی، امروز از ما گرفته شده است، از صبح تا شام دویدن و چرخیدن و با سخنان مختلف روبرو شدن، بیش از گذشته ما را ملزم می کند که هر لحظه و هر روز، لحظاتی خود را فارغ از هر

چیز کنیم. عصر جدید نه تنها زمان تمرکز را از آدمی گرفته، که مفاهیم واقعی توجه و اوقات فراغت را نیز قلع کرده و آن را به بیراهه برده است. ارسطو می گوید: «اوقات فراغت آدمی بهترین اوقات وی است». یک روز تلاش و کار برای رزق

[صفحه ۱۸۳]

و روزی ایجاب می کند انسان ساعاتی یا لحظاتی فارغ از کارهای متعارف شود و به خود و رابطه ی خود با جهان و رابطه ی خود با خدا بیندیشد. این را اوقات فراغت آدمی گویند. لذا در نظر ارسطو اوقات فراغت بهترین ساعات زندگی آدمی است. امروزه اوقات فراغت را وقت هدر رفته می پندارند و برای سرگرمی انسان در این اوقات می اندیشند. و همه چیز دست به دست هم داده است که آدمی نیندیشد و تمرکز در خویشتن خویش ننماید. مثال دیگری بزنم:

در الگوی شهرسازی، بومی ها هر جا بوستان می ساختند مقابر علما و بزرگان و شهدا را در آن جا قرار می دادند تا آدمی در کنار سیر در آفاق، سیر در انفس نیز داشته باشد، چرا که هیچ چیز جز توجه به زندگی دنیا آدمی را به فهم درست هستی رهنمون نمی سازد، به همین دلیل بوستان ها در قلب شهرها و در منظر اجتماع بود و در شهرسازی غربی درست خلاف این جهت حرکت شده است. اهل قبور در خارج از شهرها و دور از منظر انسان ها جای گرفته اند و بوستان ها در همه جای شهر و حداکثر مظاهر این جهانی برای درگیر کردن ذهن انسان ها به کرات تدارک دیده شده است، چرا؟ روشن است، انسان عصر جدید باید مثل ماشین کار کند و کمتر بیندیشد. متأسفانه ما هم همین الگو را دنبال کرده ایم. در نماز همچنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام خویش بدان توجه داده اند، رکن تمرکز را باید جدی گرفت و اگر انسان در هر روز حداقل پنج بار با این خصوصیت، نماز را اقامه ی کند از تلاشی فکری نجات پیدا می کند. گوهر آدمی در گرو یافتن لحظات تمرکز است. آن هم در بهترین موضوعات که ذات حق تعالی است. توجه رسانه ها به این مقوله ی روان شناختی و تشریح آن به نحوی که عموم جامعه درگیر این موضوع مهم شود، در ایجاد مدینه فاضله اسلامی و ساختن

[صفحه ۱۸۴]

انسان های آزاد اندیش واقعی قدمی گران سنگ است. نماز یکسره تمرکز در توحید است و وحدت در شاکله ذهنی انسان ها که خصوصاً برای انسان های عصر جدید جزء ضروریات است

کسی که بر سر وحدت گشت واقف
که او واقف نشد اندر مواقف

دل عارف، شناسای وجود است
وجود مطلق او را شهود است

برو تو خانه ی دل را فرو روب
مهیا کن مقام و جای محبوب

کسی کو از نوافل گشت محبوب
بلایی دفع کرد و خانه جاروب

نکته سوم: نماز در تکوین شخصیت مستقل انسان نقش بسزایی دارد. نماز را سید همه عبادات شمرده اند و آن را ستون مسلمانی دانسته اند، بدین جهت که انسان در پناه نماز به شخصیت واقعی مستقل می رسد. در نماز انسان عهدی با خدا می بندد که در امان و تحت حمایت وی است. این نکته ی مهمی است که انسان همیشه خود را نیازمند تکیه گاهی می داند.

تمام دسته بندی ها، جناح بندی ها، تحزب ها و فرقه ها بدان دلیل است که انسان خود را نیازمند مرجعی می داند که بر آن تکیه کند و چه گره های اجتماعی که از این طریق در اجتماع انسان ها حاصل آمده است. در نماز، انسان در مقابل خداوند خود را چیزی جز صرف تعلق نمی داند و به هیچ چیز جز او تکیه نمی کند. «ایاک نعبد و ایاک نستعین». از امیرالمؤمنین علی (ع) پرسیدند که قصد از راست نگاه داشتن گردن در رکوع چیست؟ فرمودند: تأویلش آن است که به فرمان توام، گرچه به تیغ زنی گردن. وقتی در نماز فقط از خداوند، «صراط مستقیم» را طلب می

کنیم، آن هم نه «صراط های مستقیم» بلکه صراطی که خدای سبحان به آدمی عنایت فرماید، این، چیزی جز پیدا کردن

[صفحه ۱۸۵]

برای تکیه گاه سرگشتگی نیست.
ای راهنمای گمشدگان «اهدنا الصراط».

در دوزخ هوا و هوس مانده ایم
راه گم کرده ایم، راه جنان «اهدنا الصراط»

بگذشت عمر، در لعب و لهو و بی خودی
شاید تدارکی بتوان «اهدنا الصراط»

راه دور، وقت دیر و شب تار و صد خطر
مرکب ضعیف، جاده نهان «اهدنا الصراط»

غولی ز هر طرف، رهوار مانده ای
زند آه از صفیر راهزنان «اهدنا الصراط»

نی ره به سوی سود و نی زیان
ای از تو سو و از تو زیان، «اهدنا الصراط»

اگر در حکومت اسلامی و ایجاد مدینه فاضله اسلامی انسان ها رکن هستند، در بین مؤلفه های شخصیتی انسان و مدینه ی فاضله، چیزی با اهمیت تر از استقلال شخصیتی انسان ها نیست. مستبعد از هر تکیه گاه عالم ناسوت و مظاهر پوشالی که خود را به شکل محل اتکا در می آورد.

بصیرت که در ادبیات اسلامی به آن تأکید شده است، داشتن پشتوانه شخصیتی الهی و یافتن استقلال شخصیتی از غیر او است. رسانه ها در ایجاد فکر جمعی و توجه عمومی به این خصوصیت استقلال انسان با روش های جذاب، می توانند خدمتی بزرگ به عالم بشری نمایند. نکته ی چهارم نظم فردی و انضباط اجتماعی است. توفیق انسان ها همیشه در گرو نظم آنها می باشد و تکون مدینه

[صفحه ۱۸۶]

در گرو نظم اجتماعی است. نه انسان بدون نظم در عرصه خویش توفیق خواهد داشت و نه مدینه در حرکت بالنده خود بدون ایجاد انضباط اجتماعی ره به جایی می برد، اما این ملکه اخلاق فردی و اجتماعی چگونه حاصل می شود؟ فیلسوفان اخلاق همگی بر این نظرند که اخلاق چیزی جز فضائل نیست و ایجاد فضائل اخلاقی جز از طریق ملکه شدن در نفس آدمی امکان پذیر نمی باشد و ملکه شدن احتیاج به عادت دارد.

انسان وقتی خود را مقید به افعال منظم نمود، نظم در شخصیت وی ملکه خواهد شد. اینکه انسان به طور مرتب و هر روز در ساعات خاص، با آداب مشخص، گفتار و رفتار خاصی داشته باشد، بهترین الگوی شخصیت ساز در ایجاد ملکه نظم در نفس آدمی است. کمتر در نحله های فکری و ادیان دیگر با چنین نظام انسان ساز روبرو هستیم. در عرصه اجتماعیات، گاهی امروز برای رفع چنین نقیصه ای در انسان ها، رفتارهای قراردادی را ترویج می نمایند. در مکتب الهی ما، نماز به بهترین وجه به این خصوصیت اجتماعی می پردازد. سیره بزرگان علم و فکر، نشانگر این ملکه ی اخلاقی است و پیشرفت کشورهای توسعه یافته هم، در پناه داشتن نظم اجتماعی است. رسانه ها می توانند این جلوه ی نماز را در ذهن ها قوام بخشند و اگر نماز را کلید بهشت و رستگاری انسان ها دانستند، کلید سعادت فردی و اجتماعی این جهانی نیز هست.

بنگر نماز وقت اول که جماعت در آن بود افضل

زان کز اجتماع قوم و امام می شود نشئه

نقطه ی پنجم، آرامش طمأنینه آدمی است. در حیات فردی، آرامش روحی به عنوان مؤلفه ی مهم ترقی تلقی می شود. در مکاتب غیر الهی تلاش در این است که

[صفحه ۱۸۷]

این آرامش روحی را، هر چند موقتی، ایجاد نمایند. کوشش آنان استفاده از مظاهر مادی برای ابتهاج خاطر آدمیان است و به همین دلیل هم موقت خواهد بود. ابتهاج خاطر که جزو ضروریات حیات فرد است، هر چه دوام بیشتر داشته باشد، از کمال بیشتر برخوردار است. انسان امیدوار به فضل الهی و متخلق، همیشه خود را مبتهج می داند و نیازمند آرامش تصنعی نیست. انسان نمازگزار به دلیل هم سنجی با پروردگار- و آنان که ممارست در نوافل دارند- همیشه بیشتر از دیگران خود را مبتهج احساس می کنند. علت چیست؟ در آرای حکمای الهی، خداوند مبتهج به ذات است و انسان ها چون کمال جو هستند، هر چه خود را به مبدأ کمال نزدیک کنند، از آن خصوصیات بیشتر بهره می برند. همان گونه که خداوند حکیم است و انسان با نزدیکی به خداوند به حکمت واقعی نزدیک می شود، خداوند مظهر نظم است و انسان با تشبیه به خداوند، به ملکه نظم دست می یابد، خداوند مظهر قدرت است و انسان خداجو با تقرب به خداوند به صفت قدرت نزدیک می شود. به دلیل اینکه خداوند مبتهج به ذات است و منبع ابتهاج و آرامش قلبی است، انسان با تقرب به او، به ابتهاج واقعی نائل می شود. اما این آرامش و اطمینان به دلیل اصالت آن با آدمی است و دوام دارد. از آن سنخ آرامش مصنوعی نیست که با جدا شدن حظّ و سمع و بصر انسان یا خاطر آن آرامش انسان زایل گردد. فهم این حقیقت که آرامش واقعی که اطمینان مداوم را در انسان بوجود می آورد، ابتهاج واقعی را حاصل می کند، از طریق رسانه ها، نه تنها حقیقت نماز را عیان می کند بلکه رویکرد انسان ها را به سمت آرامش واقعی فراهم می سازد و سلیقه ی مردم را در انتخاب راه، به آرامش و به سمت ابتهاج واقعی سوق می دهد.

[صفحه ۱۸۸]

گر بقای جاودان خواهی دلا

رو از خودی خود بکلی شو فنا

در پایان، یک سلسله اطلاعات در مورد کارهایی که در رادیو و تلویزیون در سال های گذشته و امسال انجام شده وجود دارد که خدمتتان عرض می کنم.

در سال ۷۵، پنج هزار و هشتصد و هشتاد و نه دقیقه برنامه در شبکه اول، پانصد و نود و دو دقیقه در شبکه دوم، ششصد و شصت دقیقه در شبکه سوم، چهارصد و چهل دقیقه در شبکه چهارم و سیصد و شصت دقیقه در شبکه پنجم (تهران) در خصوص نمازتهیه شده است. طی سال ۷۵ در تهران و مراکز شهرستان ها هزار و چهارصد و شانزده ساعت برنامه تلویزیونی و نه هزار و هفتصد نود و چهار ساعت برنامه رادیویی در این زمینه تهیه و پخش شده است.

در پنج ماهه اول سال ۷۶، شش هزار و پنجاه و دو ساعت برنامه رادیویی و ششصد و سی و چهار ساعت برنامه تلویزیونی در زمینه نماز تهیه و پخش شده است که نسبت به سال گذشته ۱۵٪ در رادیو و ۲۲٪ در تلویزیون افزایش نشان می دهد. البته آمار دیگری هم هست، که ان شاءالله در فرصت دیگری بیان خواهد شد.

(والسلام علیکم و رحمه الله)

نقش اولیاء و مربیان در تربیت دینی کودک

سرکار خانم زینی

[صفحه ۱۹۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان فطرتاً موجودی است خداجو و خداپرست. خداجویی و حقیقت طلبی در نهاد انسان نهفته است. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در این باره می فرماید: یکی از پایدارترین و قدیمی ترین تجلیات روح آدمی و یکی از عظیم ترین ابعاد وجود انسان ها، حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می دهد هر زمان و هر کجا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است. این حس از چه زمانی با انسان بوده است؟ بی گمان از همان زمان که انفاس قدسیه در کالبد خاکی بشر دمیده شد، خداجویی در فطرت او به امانت نهاده شد. اما ارتکاب جرم و خطا انسان را از اصل خود دور کرد. و از آن هنگام که از بهشت برین رانده شد در پی گمشده خود بوده و هست. فخر کائنات و برترین موجود آفریده شده، به یکباره از اوج به حضيض در می غلتد و آنگاه که به اشتباه خود پی می برد در صدد جبران خطای

[صفحه ۱۹۲]

بزرگ خود بر می آید. در این مورد زیباترین تعبیر را مولانا دارد که می گوید:

هر کس کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

اما آنچه او را به معبود خویش نزدیک می سازد و تقدس را در وی زنده نگاه می دارد، تعالی رشد و عبودیت و بندگی است و از اینجا است که به پرستشی آگاهانه و از روی صدق، ایثار و اخلاص می پردازد و عشق به خالق را

در خود می پروراند، عشقی سرشار از آگاهی و شایسته ذات ملکوتی. پرستشی این گونه و عشق این چنینی سزاوار خالق است که نظام اصلح جهان را بنیان نهاد و برترین خلقت خود را انسان قرار داد. از اینجا است که به فلسفه آفرینش پی می بریم. به فرموده قرآن: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» یعنی جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم. آثار مترتب بر این عبودیت و بندگی چیست؟ آیا خداوند سبحان، پروردگار بی نیاز و مطلق، نیازمند پرستش انسان و سایر موجودات است؟ هرگز چنین نیست «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» چرا که:

گر جمله کائنات کافر گردند

بر دامن کبریا نشیند گرد

پرستش و عبادت دقیقاً و صرفاً نیاز خود بشر است، ارضای یک نیاز اخلاقی، عاطفی است. این بشر است که در مقابل چشمه ی جوشان و فیاض لطف الهی و دریای بیکران نعمت های بیشماری که در اختیار انسان قرار داده شده، سر تعظیم فرود می آورد و پیشانی بر خاک می ساید تا از این طریق خود را راضی کند که به شکرگذاری خداوند خویش پرداخته است. این دقیقاً همان حلقه ی گمشده اتصال بین خالق و مخلوق است و پل ارتباطی میان آن دو. در این جا

[صفحه ۱۹۳]

این سؤال مطرح می شود که چگونه عبادتی دارای ارزش و اعتبار است؟ آیا عبادتی که نسل در نسل به صورت عادت درآمده است و ظاهر آن تکرار یک عمل تمرینی است می تواند زنگار از دل بزدايد و صفا، خلوص، عشق و ایثار را به ارمغان آورد؟ مسلماً چنین نیست. هدف نهایی عبادت و پرستش، آگاهی، بینش عمیق، داشتن ایمان و رسیدن به مرحله ی یقین است. این ایمان و یقین چگونه ایجاد خواهد شد و عوامل موثر بر آن کدامند؟ در اینجا به تشریح این عوامل می پردازیم:

الف- نقش تربیتی والدین:

پرورش انسان از همان نقطه آغازین تولد و به عقیده بسیاری از متخصصین، حتی از دوران جنینی آغاز می شود. برای تربیت انسانی آگاه و عبدی متقی، مادران به عنوان اولین و اصلی ترین رکن پرورش انسان نقشی بسزا خواهند

داشت. امروزه اکثر روان شناسان و متخصصان علوم تربیتی بر این عقیده اند که تربیت از دوران جنینی آغاز می شود. در روایات اسلامی آمده است که انعقاد نطفه اگر با یاد و نام خدا همراه باشد، باعث به وجود آمدن انسانی راستگو و درستکار خواهد بود. بنابراین مادر اولین و بزرگترین آموزگار انسان است. به گفته امام راحل «از دامن زن است که مرد به معراج می رود» و هم از این رو است که سنگ بنای تربیت مذهبی باید در دوران جنینی گذاشته شود و این آموزش به موازات رشد مادی جنین گسترده تر گردد. آنچه حائز اهمیت است این است که مادران ما باید آموزش اخلاقی ببینند. مسلماً بانویی که خود، از اعتقاد و ایمان راسخی برخوردار نیست نمی تواند معلم اخلاقی طفل خود باشد. بنابراین توصیه می شود مراکز بهداشتی و درمانی متعددی که هم اکنون ایجاد شده است و مادران

[صفحه ۱۹۴]

را برای داشتن فرزندان سالم آموزش می دهند، بخشی از آموزش خود را صرف پرداختن به امور اخلاقی نموده، ذهن مادران را متوجه سلامت روحی کودکانشان بنمایند. این گونه آموزش اخلاقی از پایه است، که به قول معروف:

با شیر اندرون شود

با جان به در شود

آموزشی که از دوران جنینی آغاز شده، در دوران کودکی و نوجوانی تداوم می یابد و در دوران بلوغ به شکلی گسترده تر و آگاهانه تر پیگیری می شود و صفات انسانی و اخلاق اسلامی را ملکه ی ذهن انسان ساخته، از او موجودی متعهد، مخلص و مؤمن می سازد. توجه و مراقبت مادر بر انجام اعمال مذهبی در دوران کودکی نقش بسیار مهمی در ذهن کودک دارد چه این که: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» به ندرت از دامن مادری لابلای، بی تفاوت و نامنظم، فرزندی مسئول، آگاه و منظم پرورش می یابد. از اینجا است که نقش مادر به عنوان برترین و مهمترین عنصر تربیتی مشخص می شود.

چون پدر و مادر از ارکان اصلی تربیت هستند، تطابق و توافق بین گفتار، رفتار و عمل آنان، عامل مؤثری برای تربیت عمیق و ریشه دار است. نگاهی به پرونده های نوجوانان و کودکان بزهکار و مرور وضعیت خانوادگی آنان این نکته را مشخص می سازد که بزهکاران نوجوان در خانواده هایی که از انسجام خوبی برخوردار نبوده اند، رشد

یافته اند. در این گونه خانواده ها ضعف های اخلاقی پدر یا مادر و یا هر دو، فقر، اختلافات خانوادگی، اعتیاد پدر یا مادر و یا هر دو، محیط مناسبی برای بزهکاری کودک یا نوجوان فراهم آورده است. پس پایه های نخست و اصلی تربیت دینی و اخلاقی در خانواده ها و به دست پدران و مادران گذارده می شود. پدران و مادرانی آگاه، متعهد، مؤمن، مهذب و فرهیخته

[صفحه ۱۹۵]

می توانند کودکانی سالم به جامعه تحویل دهند. تاثیر هماهنگی و تفاهم پدر و مادر در زمینه ی مسائل مذهبی - از آن جا که در همه ی ازدواج ها توافق و همگونی یکسانی بین والدین وجود ندارد - بسیار مهم و قابل توجه است. پدر یا مادر برای جبران نقص طرف مقابل، از مسئولیت سنگین تری برخوردار است و با اعمال شیوه های درست و منطقی باید سعی نماید تأثیر منفی طرف مقابل را خنثی سازد و ذهن کودک را آماده پذیرش مسائل منطقی و درست نماید. فرضاً اگر پدری لایبالی، بی مسئولیت، بی عقیده، معتاد، هتاک و غیره است، مسئولیت مادر سنگین تر است و اگر مادر از علم و آگاهی و ایمان کافی برخوردار نباشد، وظیفه ی پدر در تربیت فرزندان سنگین تر می نماید. متأسفانه امروزه ناراحتی و مشکل، در اکثر خانواده های ایرانی مشاهده می شود، یعنی عدم هماهنگی فکری و روحی و عدم هماهنگی بین زن و شوهر مهم ترین عامل ایجاد تضادهای روحی و فکری در نوجوانان ما به شمار می رود و طبیعتاً باید به این مسأله به طور ریشه ای نگریسته شود و با ارائه راه های درست و اصولی از گسترده تر شدن دامنه ی آن جلوگیری به عمل آید. برای پیشگیری و درمان این معضل بهتر است جلسات آموزش گروهی ترتیب داده شود و پدران و مادران باید به شرکت در این جلسات تشویق و ترغیب شوند و با بیان مسائل و مشکلات خود و انجام مشاوره و در نهایت حل مشکلات درون خانواده، فضای سالم را برای تربیت فرزندان پدید آورند. پدر و مادر باید آگاهانه و هدفمند به تربیت همه جانبه ی کودک خویش همت گمارند و با به کارگیری روش های تعلیم و تربیت برخاسته از آیین مقدس اسلام تمامی ابعاد وجود فرزند خویش را وسعت بخشند و با برخوردی صادقانه و هدفمند رشد و تعالی کودک را ممکن

[صفحه ۱۹۶]

سازند. نماز والدین اگر نمود ظاهری در رفتار و کردار آنها داشته باشد، خود به خود عامل جذب است. اگر روحیه ایثار و گذشت، مناعت طبع، صبوری، خوش خلقی، امیدواری، حس احترام متقابل، نرم خویی، شجاعت و بزرگواری در پدر و مادر تقویت شود و ایشان به معنای واقعی نماز را بر پای دارند، نور ایمان در قلب کودک قرار گرفته، از پدر و مادر به عنوان الگوهای اصلی زندگی درس خواهد گرفت.

در گذشته اعتقادات مذهبی، باورها و سنی بود که به صورت موروثی منتقل می شد. با گسترش جوامع، پیشرفت تکنیک ها، گسترده شدن روابط اجتماعی و میزان ارتباط فرد و جامعه، نیازها مطابق زمان تغییر یافت. برخورد آرا باعث ایجاد سؤالات بیشماری در ذهن افراد و به خصوص در کودکان گردید و برخوردها، تربیت ها و بکارگیری شیوه های آموزش اخلاقی و باورهای مذهبی پیچیده تر شد. کودک امروز پرسش ها و پاسخ های بی شماری دارد و ذهنش خلاق تر است. بنابراین متناسب با زمان باید با او برخورد شود. لازم است که پدران و مادران به عنوان اولین الگوهای رفتاری، رفتار، اعمال، گفتار و عباداتشان به گونه ای باشد که بتوانند به نیازهای متعدد ذهنی کودک پاسخ گویند.

مورد دیگر پاسخ دادن صحیح به سؤال های کودک است. منظور از پاسخ صحیح، پاسخی است که تشویش های فکری کودک را دامن نزنند. بسیار دیده ایم که کودکان در مورد خدا و این که چگونه است و کجا است، چرا ما او را نمی بینیم و غیره سؤال می کنند. در این موارد باید سعی شود پاسخ ها به گونه ای باشد که با منطق کودک سازگاری داشته باشد و به رفع تردید ذهنی او بپردازد، ترساندن

[صفحه ۱۹۷]

کودک از سؤال و جواب کردن، بی جواب گذاشتن سؤال های او و یا بی اعتنائی به باورهای ذهنی وی، او را دستخوش تزلزل ساخته، در نهایت بی اعتقادی را به وی می آموزد. در این گونه موارد، حتی اگر والدین، خود، پاسخ مناسبی ندارند، می توانند از اهل فن کمک بگیرند.

ب) نقش تربیتی معلمان:

کودک پس از گذراندن سال های اولیه ی زندگی و زیستن در جمع خانواده، وارد اجتماع می شود تا رفتار اجتماعی را بیاموزد و بر دامنه ی آگاهی و بینشش افزوده گردد. مهم ترین کسی که بر اخلاق و رفتار کودک اثر می گذارد، معلم است. همگان بر تأثیر نفوذ معلم بر اخلاق و رفتار کودکان واقفند. رشد شخصیت، رفتار سازنده یا انحطاط

اخلاقی کودک، همه و همه وابسته به نوع نگرش و تلقی کودک از معلم خود است. از نظر کودک، معلم محور تمام ارزش های اخلاقی، انسانی، اجتماعی و بالاترین و برترین شخص از لحاظ شخصیت و علم و آگاهی است. از اینجا در می یابیم که رفتار معلم از کوچکترین حرکات و اشارات او تا نحوه ی گفتار و عمل وی به تمامی، مورد توجه دانش آموز است و دانش آموز سعی می کند او را به عنوان الگوی برتر رفتاری خود برگزیند.

(والسلام علیکم و رحمه الله)

بررسی میزان استقبال دانش آموزان از اقامه ی نماز در مدارس «با تأکید بر علل عدم

استقبال»

جناب آقای آزادیان

[صفحه ۲۰۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمتاً عرض می کنم که موضوع مقاله نتایج تحقیقی است که به خواست فرمانداری محترم ساوه و در اواخر سال ۷۳ در سطح مدارس راهنمایی و دبیرستان های دخترانه و پسرانه شهر ساوه تحت عنوان: «بررسی میزان استقبال دانش آموزان از نماز در مدارس» با تأکید بر علل عدم استقبال از نماز انجام گرفت، که در آن نمونه ها به طور تصادفی از جامعه آماری پنج هزار و پانصد نفری دختر و پسر انتخاب شدند و پس از توزیع پرسشنامه بین آنها و تجزیه و تحلیل پاسخ ها با استفاده از روش توصیفی و رسم نمودارها و منحنی های مربوط، این نتایج بدست آمد. (از آنجا که نگارنده برای دستیابی به نتایج با ارزش، می بایست رفتار سه مرجع خانواده و مدرسه و جامعه بیرون از این دو را در ارتباط با نماز مورد ارزیابی قرار می داد، ناگزیر با طرح سؤالات چند گزینه ای در هر سه زمینه ی فوق برای دانش آموزان، موضوع را مورد بررسی قرار داد و در انتها نیز با یک پرسش باز، نظر کلی دانش آموزان را خواستار شد).

اما ابتدا نظر کلی دانش آموزان در ارتباط با علل اصلی عدم استقبال از نماز:

[صفحه ۲۰۲]

نظر کلی دانش آموزان که در واقع بخش اصلی تحقیق را به خود اختصاص داد، منجر به بروز بیشترین عکس العمل دانش آموزان در مورد حقایق درون خانه و مدرسه گردید که نگارنده را در دستیابی به انگیزه ها و انگیزاننده های مربوط به استقبال و عدم استقبال جوانان دانش آموز از نماز کمک نمود. بدین ترتیب که وقتی پاسخ سؤالات در کنار یکدیگر قرار گرفت، ارتباط آنها پس از تنظیم جداول «فراوانی» و رسم نمودارهای مربوط بررسی شد و میزان

نزدیکی افکار جوانان به یکدیگر، خصوصاً افراد علاقه مند به نماز و نیز سایر افرادی که به دلایلی علاقه مندی چندانی به نماز نشان نداده بودند به وضوح مشاهده شد و اطمینان به طرح صحیح سؤال را حاصل نمود، به طوری که نگارنده آرزو نمود که ای کاش چنین موضوعی در سراسر کشور به بررسی گذاشته می شد و ارزیابی مقایسه ای نسبت به جوانان مملکت در مورد راه حل های گرایش هر چه بیشتر آنان به نماز صورت می گرفت. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل و ارزیابی نظریات جوانان نشان داد که در جامعه ی مورد بررسی، دانش آموزان از نماز استقبال می کنند، به طوری که جوانان دلایل آن را توجه والدین نسبت به فرزندان و تأکید ایشان بر نماز خواندن از طریق رفتارهای تشویقی و متناسب با موضوع و برخورد صمیمی و مسئولانه ی والدین از نظر بیان احکام نماز در مواقع سست شدن جوان که منتهی به تحکیم روابط بین والدین و فرزندان نیز می شود دانسته و اضافه نموده اند که استفاده از روش پند و نصیحت و ایجاد محدودیت در بعضی موارد، مثل رفت و آمد با دوستان ناباب، دیدن فیلم های بدآموز ویدئویی و استمرار این رویه و نیز استفاده ی خود آنان از کتابخانه و مطالعه ی مطالب درسی و غیر درسی و نوارهای سخنرانی و مذهبی، ورزش و سینما رفتن، بعلاوه ی

[صفحه ۲۰۳]

استقبال از مجالس وعظ و سخنرانی، زمینه ساز گرایش جوانان به نماز بود، عدول از آن، چه از ناحیه ی والدین و چه از طرف مسئولین مدرسه، بیشترین عامل سست کننده ی اعتقاد جوان به نماز می باشد. دانش آموزان جوان می گویند با آن که ویدئو، بی حجابی و بدحجابی از عوامل فرهنگ غربی بوده و در جامعه ی ما نیز در حال افزایش است، متأسفانه تبلیغات مربوط به نماز کم است. و تبلیغات جزیی فعلی نیز به علت اثر گذاردن بیشتر عوامل بازدارنده و مخرب، کارساز نمی باشد. اما در عین حال نمایش فیلم های ویدئویی کنترل شده از طریق ویدئو کلوپ، از نظر پرکردن اوقات فراغتشان کار خوبی است. قابل ذکر است که در جامعه ی مورد بررسی، استفاده از فیلم بدآموز ویدئویی به علت بالا بودن آگاهی های اسلامی و منع والدین و عدم پذیرش اکثر افراد اجتماع و در واقع وجود بیشترین گرایش مذهبی در خانواده ها، بسیار اندک بوده است. جامعه ی مورد بررسی معتقد است که اقدامات اجتماعی در مورد حل مشکلات آنان مفید بوده است. با این حال در ارتباط با ترغیب ایشان به نماز باید نسبت به توسعه ی مکان ها و مجالس نماز و نیز افزایش کلاس های دینی و احکام برای آگاهی بخشی به جوانان اقداماتی صورت گیرد، تا سلامت جامعه نیز در این بعد تضمین شود.

مضافاً اینکه والدین از طریق رفتار و کردار خود، مدارس با ایجاد امکانات اجرای نماز، و جامعه نیز با تأمین نیازهای قشر جوان و رفع مشکلات آنان، در ارتباط تنگاتنگ با هم عمل نمایند تا میل و رغبت جوان به پایبندی او به نماز بیشتر گردد، زیرا بی توجهی به این مسأله سبب روی آوری نسل جوان به فیلم های بدآموز، اخلاقی و به اصطلاح سرگرم کننده و ابتلای این نسل به مفاسد اجتماعی آن خواهد شد. نظر جوانان در مورد نماز مدارس این است که نماز باید

[صفحه ۲۰۴]

بعد از اذان و همراه با رفتارهای انگیزشی مجموعه ی مدیریت و شرکت معلمین، به ویژه معلم مربوط و با حضور پیشنماز روحانی انجام شود، تا رفته رفته مشکلات شرعی جوان نیز مطرح و فاصله ی ناآگاهی آنان با مسائل اسلامی کمتر گردد. مضافاً این که کلیه ی مدارس به نمازخانه مجهز شوند و اصول بهداشتی در آنها رعایت گردد تا از کسانی که به دلایل فوق از نماز فاصله گرفته اند، کاسته شود. دانش آموزان، بودن و نبودن امکانات فوق الذکر را در کنار نوع رفتار مدرسه، عامل مهمی در سست شدن و یا راسخ شدن اعتقاد جوان به نماز دانسته و بر این عقیده اند که جوانان دانش آموز علی رغم میل باطنی خود، به عللی، از جمله ندانستن احکام نماز و ترس از شکسته شدن غرور خود، در نماز جماعت مدرسه شرکت نمی کنند و بنابراین استمرار جلسات نماز در مدارس می تواند کوشش راسخی برای رفع این معضل آنها باشد. لذا در پیشنهادهای خود گفته اند که در صورت امکان ساعات درسی کلاس های قرآن و دینی قبل از وقت نماز پیش بینی شود تا به علت اتصال آن به نماز، وسیله ی بحث گفت و گو درباره ی مسائل نماز و آمادگی اغنای روحی و معنوی جوانان نیز فراهم آید. چرا که جوانان شرکت در نماز جماعت مدرسه را یک وظیفه ی اسلامی دانسته اند، اما به دنبال انگیزاننده های آن می گردند و خلاصه آنکه وجود بیشترین خانواده های مذهبی به عنوان ویژگی خاص جامعه ی مورد بررسی نشان داد که اکثر این خانواده ها از اوان طفولیت، فرزندان را با نماز آشنا کرده و با نصایح موزون و هماهنگ با خواست هایشان، ایمان مذهبی را در آنان زنده نگه داشته اند. به طوری که نموده های آن را در جامعه ی مورد بررسی می توان مشاهده نمود. پیدا شدن روح خوش بینی نسبت به مسائل، احساس رضایت از عمل انسان

[صفحه ۲۰۵]

دوستانه، کسب رضایت والدین و بینش خوب نسبت به افراد نمازخوان، جوشش نسبت به هموعان، خودداری از بی تفاوتی در برابر مسائل، انتقاد از مسائل و اعتقاد به نماز خواندن را می توان به عنوان نشانه های استقبال دانش آموزان جوان از نماز بر شمرده البته درصد پایین نظریات مخالف با آرای فوق را نیز تحت عنوان عدم گرایش به نماز می توان تحلیل و استدلال کرد و چون موضوع تحقیق و بررسی بر علل عدم استقبال تأکید دارد، لذا این عوامل به عنوان عوامل عدم استقبال در خانه و مدرسه و جامعه از زبان دانش آموزان به ترتیب زیر بیان شده است:

الف) عوامل خانوادگی:

بی تفاوتی و بی بندباری خانواده به این شکل که مانع تماشا کردن فیلم های غیر اخلاقی و ویدئویی توسط فرزندان نمی باشند. نماز نخواندن والدین، توجه کم پدر و مادر نسبت به نماز، به طوری که اگر فرزند نماز بخواند از او استقبال می کنند و اگر نخواند با او کاری ندارد، مخالفت والدین از طریق نا امن کردن محیط خانواده و تأثیر منفی آن بر سلامت روح و جسم فرزندان، کم علاقهی خانواده به امور مذهبی، ناآگاهی و یا کم اطلاعی خانواده نسبت به مسائل دینی، به طوری که بعضاً ضرر ناشی از عمل نادرست خویش را به حساب مسائل دینی گذاشته، بر این اساس از تلاش بیشتر در این زمینه خودداری می کنند، دیدن فیلم های غیر اخلاقی توسط خانواده، برخوردار نبودن جوان از مشوق خوب و اقوام نماز خوان، سستی والدین و عدم تأکید ایشان بر نماز فرزندان.

[صفحه ۲۰۶]

ب) علل مدرسه ای:

در این تحقیق، تأکید به روی این علل می باشد که عبارتند از: نداشتن نمازخانه در مدرسه و فراموش شدن تدریجی نماز از سوی دانش آموزان، فریب خوردن دانش آموزان ناآگاه توسط منحرفین، عدم استفاده ی مستمر از نمازخانه ی مدرسه، عدم آشنایی کامل دانش آموزان با مفاهیم و ارزش های نماز و شنیدن پاسخ های سطحی از دبیران دینی در ارتباط با سؤالات خود، عدم کفایت فعالیت های پرورشی مربیان پرورشی مدارس در ارتباط با مسائل دینی و قرآنی و محدود شدن این گونه فعالیت ها به کلاس درس و دبیر مربوطه، نوبتی بودن شرکت کلاس ها در نماز جماعت مدرسه و بعضاً منع دبیر مربوطه از رفتن به نماز به انگیزه ی جلوگیری از اتلاف وقت کلاس و عقب افتادن از دروس، نظیف نبودن محل برگزاری نماز، برخورد تند مسئولین در موقع شرکت نکردن دانش آموز در نماز

مدرسه، تمسخر فرد نماز خوان در موقع اقامه ی نماز، عدم شرکت دوستان دانش آموز در نماز جماعت مدرسه، تشویق نشدن دانش آموزان نماز خوان، استفاده از مسجد نزدیک مدرسه به علت نبود نمازخانه در مدرسه و عدم شرکت دانش آموز به بهانه های مختلف نظیر نداشتن چادر مناسب و پیش کشیدن مسائل شرعی، کم صحبت کردن از مسائل دینی و مذهبی نظیر احکام و فضایل نماز در موقع اقامه ی نماز در مدرسه، ناکافی بودن فضای نمازخانه ی مدارس از نظر پذیرش دانش آموز و عدم وقت کافی برای انجام نماز در مسجد بیرون از مدرسه، حجیم بودن دروس و نبودن انگیزه های لازم برای ایجاد رغبت به شرکت در نماز در دانش آموز، استفاده از روش اجبار در فراخوانی جوانان به نماز در مدارس و شرکت نکردن مستمر مسئولین مدرسه در نماز مدرسه.

[صفحه ۲۰۷]

ج) علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی:

فراوانی رفتارها و حرکات زننده ی غیر اسلامی در جامعه، اشاعه ی بدحجابی در جامعه و عدم رعایت پوشش مناسب اسلامی از سوی زنان و مردان، عدم استفاده صحیح از اوقات فراغت و گرایش جوانان به ابزارها و وسایل غیر اخلاقی برای پرکردن این اوقات، برخورد غیر سازنده ی برخی از مسئولین از نظر تظاهر به نماز خوانی و بروز رفتاری خلاف آنچه که می گویند، نبود تفریحات سالم و سرگرم کننده در حد لازم، عدم رعایت اصول بهداشتی در نمازخانه ها و مساجد، بی رغبتی نسبت به مقابله با فرهنگ غربی در حال نفوذ به علت فراوانی ظواهر این فرهنگ نظیر عدم رعایت کامل حجاب اسلامی و پوشش های نامناسب و گرفتار شدن جوانان به وسوسه های شیطانی، پیدا شدن فاصله بین جوانان و نماز در اثر معاشرت با دوستان ناباب و بی تفاوتی والدین، تضاد میان گفتار و عمل مسئولین، تضاد بین فرهنگ خانواده و جامعه، در هم شدن تهاجم فرهنگی با رشد نیافتگی فرهنگ نماز، استفاده از لباس به سبک غربی ها، کم بها دادن به افکار و اعتقادات جوان، تبلیغات کم جامعه نسبت به نماز، استفاده ی نادرست از ویدئو، تذکر کم مسئولین نسبت به نماز، اثر پیروی از مد در خرافاتی دانستن نماز، خالی بودن محیط های آموزشی از معنویات نماز، تورم قیمت مایحتاج و درآمد کم خانواده و گرایش آنها به تفکر در مادیات برای رفع نیازهای جوانان خود.

به طوری که ملاحظه شد دانش آموزان دبیرستانی از نماز در مدارس استقبال کردند و در مواردی هم که قبلاً ذکر شد استقبال چندانی نداشتند. با این حال

نگارنده چون از روش توضیحی «آنچه هست» در تحقیق خود استفاده نموده و درصدد پیدا کردن راه حل نیز برآمده، لذا برای این کار مجدداً به سراغ نظریات دانش آموزان رفته و موارد ذیل را از آن استخراج نموده است. دانش آموزان می گویند:

خطابشان به والدین، سپس مدرسه و بعد جامعه است.

والدین خودشان سروقت نماز بخوانند و فرزندان را هم به نماز تشویق کنند به گونه ای که آنان بیندارند که به خواست خود عمل کرده اند، آنان را از طفولیت به نماز وادارند و با اصول اسلامی آشنا سازند، آنها را با خود به مجالس و محافل مذهبی برده و با قرآن آشنا کنند، به ایشان آداب معاشرت و اخلاق اسلامی را یاد دهند و خود هم به این امر تمایل نشان دهند، اصل تشویق و ترغیب را وسیله ی تربیتی قرار داده، از ناسازگاری با جوانان پرهیز کنند و ضمن مشورت با آنان در تصمیم گیری ها، با آنها دوست باشند و برایشان تفریحات سالم فراهم نمایند، از دید فرزند به مشکلات نگاه کنند، در تأکید بر خواندن نماز اعتدال را رعایت کرده، فواید جسمی و روحی نماز را برای فرزندان بگویند و در صورت کوتاهی آنان، با ملایمت نکوهششان کنند، و لیکن افراط نکنند، خودشان حجاب اسلامی را حفظ و از ارتکاب عمل خلاف نزد فرزند و نگاه کردن به فیلم های بدآموز خودداری کنند، رفتار فرزندان را زیر نظر گرفته، بارعایت حدود آزادی فرزند از معاشرت وی با افراد ناباب جلوگیری نمایند، برای فرزندان راهنماییانی چون خودشان قرار دهند که نفوذ کلامشان بیشتر باشد، از مجالس درون مدرسه آگاه باشند و در اجتماعاتی که در ارتباط با فرزندان تشکیل می شود، با وی شرکت نمایند.

(والسلام علیکم و رحمة الله)

بررسی ارتباط اقامه نماز و کاهش اضطراب

جناب آقای برجعلی

[صفحه ۲۱۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله در جمع شما بزرگواران خلاصه ای از تحقیقی را که در سطح کارشناسی یعنی برای دریافت درجه ی لیسانس و به عنوان پایان نامه ارائه شده است، خدمتتان عرض می کنم.

بهداشت روانی در اسلام

دین اسلام دارای دستورهای منظم و دقیق، برای سعادت انسان ها در همه شؤون زندگی اعم از امور مادی و معنوی می باشد. از عمده ترین دستورها و وظایفی که بر پیروان دین مبین اسلام واجب و ضروری شناخته شده است، مداومت و اصرار بر یادآوری یاد خداوند سبحان می باشد. بالاترین و عالی ترین مقام انسانی آن است که روح او یاد خدا کرده و متوجه خدا گردد و نور الهی در دل و قلب او تجلی کند. آسایش خاطر و روان، که محور سعادت زندگی است به ذکر الله و با یاد خدا تأمین می گردد. از طریق ذکر است که روحانیت و بعد

[صفحه ۲۱۲]

معنوی فرد بر بعد خاکی و زمینی و مادی او غلبه می کند و در می یابد که شک و دو دلی خاطره ای شیطانی است. اضطراب و پریشانی درون، از وسوسه های شیطانی ریشه می گیرد. یکی از دانشمندان اسلامی در این زمینه می گوید: از طریق ذکر، همه ی وحشت ها و ترس و بیم ها از میان بر می خیزد و همه ی ناراحتی ها از آدمی زدوده می شود. خداوند متعال برای مردان و زنانی که او را فراوان یاد می کنند، مغفرت و پاداش عظیمی آماده کرده است. ما بر این باوریم که نماز در بین احکام الهی و دستورهای دینی از رفیع ترین جایگاه برخوردار است. و نیز همه براین باور هستیم که نماز پرچم عبادت و نیایش و سرود آزادگی است. و همه بر این حقیقت اذعان داریم که نماز

کاملترین پاسخ به عالی ترین نیاز بشر است. نماز و نیایش ارتباط صمیمانه ای است میان انسان و خدا، میان آفریده و آفریدگار.

نماز تسلی بخش و آرامشگر دل های مضطرب و خسته و به ستوه آمده و مایه ی صفای باطن و روشنی روان است و خصائل خویش را با علائم بسیار مشخص و منحصر به فردی نشان می دهد. صفای نگاه، متانت رفتار، انبساط، شادی بدون دغدغه، آرامش درون، چهره ی پر از یقین، استعداد هدایت و نیز استقبال از واقعه ها از جمله ی این علائم مشخص می باشند. پس فرد مؤمن و یا جامعه ی مؤمن با اقامه نماز ریشه تباهی، گناه و فساد را در خود و در محیط و اجتماع می سوزاند و روحیه ی گناه و انگیزه های درونی و بیرونی آن را خنثی و بی رنگ می سازد. محققاً نماز، فرد و جامعه را از کارهای بد و زشت و ناپسند باز می دارد. «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر».

[صفحه ۲۱۳]

مقایسه ی بهداشت روانی در اسلام و غرب:

آرامش و امنیت و تخفیف اضطراب در کشورهای مختلف براساس طرز تفکر، آداب رسوم، سنت ها، مذهب و ایدئولوژی حاکم بر آن مکان ها حاصل می شود و بر همین اساس نیز مکاتب و فنون مختلف بوجود آمده اند تا فرد را در تخفیف و کاهش اضطراب یاری دهند. انسان متمدن امروزی اگر قربانی قحطی یا بیماری های همه گیر نمی شود، طاعون جای خود را به گروهی از بلاهای روانی از قبیل تشویش، بی هویتی، احساس ناامنی، فریبکاری و تردید داده است. در غرب- که علوم انسانی به صورت امروزی از آنجا نشأت گرفته است- رشته های تخصصی یاری دهنده ای بنیان گذاری گردیده تا به انسان ها خدمت و کمک نماید. گاه در مکتبی مانند روانکاوی، تأکید بر گذشته فرد می شود (مکتب روانکاوی تردید)، گاه تأکید بر زمان حال است (مکتب راجرز)، گاه اعتقاد بر این است که تفکرات غیر عقلانی و غیر منطقی پایه و اساس اضطراب است (مکتب عقلانی و عاطفی آیس)، گاه یادگیری و عادت را در پدیده ی اضطراب مؤثر می دانند (مکتب رفتارگرایی واتسون)، و این در حالی است که دین مبین اسلام از معدود ادیانی می باشد که در تمامی زمینه ها، اعم از مسائل عبادی، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، پزشکی و غیره دارای دستور و برنامه برای پویندگان راهش می باشد.

اسلام دین فطرت است، اسلام دین فطرت و خلقت است و تمامی موجودات عالم به خدا و اسلام اقرار دارند. دین اسلام متضمن سعادت انسان ها در همه ی

شوون زندگی و دارای خط مشی در همه ی ابعاد گوناگون زندگی انفرادی و اجتماعی انسان ها است و انسان ها را به سوی کمالات نفسانی و اجتماعی رهبری نموده، آنها را به عالی ترین (قله) درجات انسانیت ارتقا می بخشد. از طرفی از آنجا که در سال های اخیر شاهد آشنایی دوباره ی کشورهای غربی و آمریکایی با دستورهای الهی و اعتقادات مذهبی در جهت کاهش آلام و درمان دردهای روحی و روانی و اخلاقی و اجتماعی و حتی جسمانی می باشیم، وظیفه ی دانشمندان و محققین اسلامی دو چندان شده است تا در خصوص مباحث مطرح شده و موضوعات فرهنگی فوق کارهای دقیقتر و تحقیقات مستندی تر بنمایند. با بررسی متون و آثار اسلامی، خصوصاً قرآن کریم، به اصول چندگانه ی اسلامی در مورد بهداشت روانی برمی خوریم، قرآن کریم به منظور دستیابی به خودشناسی و رشد شخصیتی و ارتقای نفس انسان به مدارج کمال انسانی، مناسبترین و بهترین راهی را که بتواند زمینه ی خوشبختی دنیا و آخرت انسان را فراهم کند به وی نشان داده است که در ذیل این مبحث آیات زیادی وجود دارد که بنده از آنها صرفنظر می کنم. به جهت اینکه برادران و خواهران آنها را می دانند. کلید مشکل گشای بهداشت روانی در اسلام، تخلیه و پیراستن خویش از اوصاف نکوهیده و ناستوده و آراستن خود به اوصاف و حالات پسندیده و ستوده است.

نتیجه چند تحقیق در جهان غرب

در ادامه ی بحث، بنده به نتایج دو سه تحقیق اشاره می کنم که در خارج از کشور

انجام شده است.

- استفاده از وسایل و دعاها ی زیر که به واسطه ی انجام آنها استرس و اضطراب فرد بر طرف می شود به این معنا که ثابت شده است که این مراسم مذهبی (نماز) که در روز چندین بار به طور منظم انجام می گیرد، به واسطه ی آزاد سازی آندروفین ها موجب کاهش استرس و فشار روانی می شود. این موضوع از دید پزشکی مطرح شده است. تلاوت قرآن کریم، برحسب تأکید آیه ی ۲۷ سوره ی رعد: «آگاه باشید که تنها یاد خدا آرامش بخش دلها است» و

همچنین تکرار برخی اسماء جلاله مشکلات خاصی را حل می کند در این راستا سنت تسبیح حضرت زهرا (س) برای تسریع در رفع مشکل توصیه شده است.

- تحقیق بعدی: همان طور که دوستان می دانند، پزشکی است به نام «الکسیس کارل» که ایشان در تحقیقاتش به مواردی اشاره کرده است، به مواردی از بیماری های جسمی اشاره کرده که با توسل و توجه و دعا و نیایش بهبودی یافته اند.

- تحقیق بعدی: حضور داوطلبان و سوگواران بعد از اتمام مراسم کلیسا در اتاقک های مخصوص را مورد بررسی قرار می دهد. به این شکل که وقتی مراسم مذهبی شان در کلیسا تمام می شود، به اتاقک های خاصی می روند و آن هایی، که مشکل دارند به مدت چند شبانه روز در آنجا عبادت می کنند، نماز می خوانند و راز و نیاز می کنند. بعد از اتمام مراسم مذهبی فوق حالات زیر را در افرادی که این مراسم مذهبی را رعایت کردند، گزارش نمودند: احساس توانایی در ایجاد رابطه با خداوند، احساس بهبودی خُلق، افزایش عزت نفس و قدرت تصمیم گیری، و درمان بیماری های جسمی.

[صفحه ۲۱۶]

- تحقیق بعدی: به تحقیقات کتوین، براون و مارگارید اشاره دارد که اینان نیایش و دعا را یک مکانیزم دفاعی مطرح کردند، به این شکل که در بخش جراحی قلب در یک بیمارستان، قلب افرادی را که می خواستند روز آینده یا روزهای آینده جراحی بشوند بررسی کردند و متوجه شدند آنهایی که قبل از عمل جراحی قلب، از دعا و نیایش استفاده کرده بودند و یک ارتباط معنوی داشتند، توانستند از استرس و اضطراب ناشی از عمل جراحی مصون بمانند. یعنی در مقایسه با کسانی که از دعا و نیایش استفاده نکرده بودند، استرس کمتری داشتند. دعا و نیایش را به عنوان مکانیزم دفاعی و مقابله ای هم مطرح کرده اند. تحقیقات بسیار مهم که نشان داده اند پاسخ های ایمنی بدن می توانند شرطی گردند. به این شکل که نماز و ذکر تأثیر مثبت و عمیقی بر سیستم عصبی مرکزی و سیستم ایمنی بدن دارد. خلاصه تحقیق: اکنون به تحقیق خودمان اشاره می کنیم: عنوان پایان نامه ی بنده این بوده است «بررسی وضعیت فرد نسبت به خواندن نماز و کاهش اضطراب»

از همان ابتدا که بنده قصد کردم دنبال این موضوع باشم، استادی که راهنمای بنده بود، خیلی مرا تشویق نکرد، به این جهت که می گفت شاید درباره ی این مطلب منابع خوبی پیدا نکنی و نتوانی کار را به طور مطلوب به سرانجام

برسانی. اما از آنجا که ما بالاخره تعهد دینی داشتیم، گفتیم باید یک کار مذهبی در دانشگاه انجام شود. من دنبال این موضوع را گرفتم و خیلی هم حول و حوش این موضوع تحقیق شد و خیلی جاها رفتیم و حتی به ستاد اقامه ی نماز، ستاد نماز جمعه و همینطور به دیگر مراکز فرهنگی که می توانستیم از آنها کمک بگیریم،

[صفحه ۲۱۷]

مراجعه کردیم. و نهایتاً الحمدلله خودمان مستقلاً توانستیم کار را انجام بدهیم. حالا برای بررسی وضعیت فرد نسبت به خواندن نماز، نیاز به یک ابزار کار داشتیم. مهم ترین ابزار کار یک پرسشنامه درباره ی نماز بود که ما اسمش را پرسشنامه ی نماز گذاشتیم. با توجه به اینکه ما به این پرسشنامه دسترسی نداشتیم و پس از جست و جو هم مورد مطلوبی عایدمان نشد، خودمان چند مورد و آیتم مشخصی را معلوم کردیم. بعد هم آنها را به اساتید محترم از جمله برادرم دکتر برجعلی، جناب دکتر گلزاری و اعضای هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی ارائه دادیم و نهایتاً یک پرسشنامه نماز با ۲۸ سؤال تهیه کردیم.

یکی از پایه های اصلی تحقیق ما این ابزار سنجش بود، این پرسشنامه و پرسشنامه «اضطراب سنج اس، تی، ال، ۹۰» که در روان شناسی معروف است - این دو پرسشنامه، یعنی پرسشنامه نماز و پرسشنامه اضطراب سنج - را به صورت الصاق شده در سطح نماز جمعه تهران به ۱۰۰ نفر از مؤمنین نمازگزار دادیم. تحقیقات ما بعد از محاسبات آماری نشان داد، که اینها ارتباط معکوس با هم دارند. به این شکل که در مجموع، بعد از محاسبات دقیق آماری و استخراج داده ها، نتیجه زیر معلوم گردید. با استفاده از فرمول ضریب همبستگی اسپریمنت، ضریب همبستگی بدست آمده ۱۳٪ می باشد که به منظور معنادار بودن ضریب همبستگی از فرمول تی استفاده شد، که تی محاسبه شده برابر با ۲۹۷ / ۱ -٪ می باشد. مقایسه ی آن با جدول در سطح ۹۰٪ با درجات حاضری ۹۸ نشان می دهد که دو متغیر مورد مطالعه یعنی نماز و اضطراب با هم ارتباط دارند و از هم مستقل نیستند. منتهی این رابطه معکوس می باشد، به این شکل که بین وضعیت فرد نسبت به خواندن نماز و کاهش اضطراب، رابطه معناداری وجود

[صفحه ۲۱۸]

دارد. رابطه معناداری که معکوس است با این توضیح که هر چقدر فرد معتقدتر و عامل به فرائض دینی، مخصوصاً نماز باشد، در مقایسه، اضطراب کمتری دارد
والسلام علیکم و رحمة الله...

راه های احیای مساجد و توسعه ی فرهنگ نماز

جناب آقای نوری

[صفحه ۲۲۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه ی مقاله ی خود را تحت عنوان «شناخت راه های احیای مساجد و توسعه ی فرهنگ نماز» خدمتتان ارائه می کنم:

امروزه جهان غرب از راه های گوناگون سعی در نابودی اسلام دارد. گاهی اوقات این تصور پیش می آید که آنان قدرت اسلام را بهتر از ما می شناسند، به همین لحاظ از راه های مستقیم و غیرمستقیم موانعی بر سر راه ترویج اسلام می نهند، لذا برای رهایی مسلمین از انحطاط و رسیدن به عزت و سعادت، لازم است که اسلام حقیقی شناخته شود و پندارهای بی اساس و اوهام باطلی که به نام افکار و عقاید دینی در بین توده ی عوام حتی در میان بعضی خواص و طبقه ی روشنفکر و درس خوانده نیز رواج دارد از میان برود و حقایق و دستورهای دین مبین اسلام بر همه معلوم گردد.

راه های تبلیغ در توسعه ی فرهنگ نماز:

من با الهام گرفتن از دو آیه ی شریفه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» چهارده بند در این مورد یادداشت کرده ام که به برخی از آنها اشاره

[صفحه ۲۲۲]

می کنم:

راه هایی که در قرآن برای تبلیغ و دعوت مردم به سوی دین و حقیقت نشان داده شده عبارتند از: راه های حکمت - راه موعظه و اندرز نیک - راه مناظره و گفت و گوی مسالمت آمیز و تبلیغ عملی و به کارگیری علم و نگارش - راه تدریس - استفاده از جوانان برای تبلیغ در مساجد.

مسجد اگر به عنوان یک منظومه با زندگی جوانان نسبت پیدا کند می تواند زمینه ی فرهنگی حضور جوانان را سامان دهد. در مکه و مدینه افرادی که فیض عظیم زیارت در ماه مبارک رمضان را پیدا کرده اند، دریافته اند که جوانان در مراسم برگزاری افطار در مساجد، نقش درجه ی اول را دارند. اولاً ایران خودمان که تقریباً اکثر مساجد در وقت اول نماز مغرب و عشا در ماه مبارک رمضان بسته است، در دیگر بلاد اسلامی این گونه نیست. ثانیاً کسانی که بخواهند افطاری بدهند، در مسجد افطاری می دهند. میهمان های خود را هم نمی شناسند که هزار و یک جور محاسبه ی تجاری و سیاسی در آمدن میهمان ها دخیل باشد و سفره ی افطاری در واقع نوعی آماده سازی کار تجاری یا سیاسی باشد و علاوه بر آن سفره ی افطاری گرفتار انواع و اقسام تکلفات باشد. سفره ی افطاری که در مسجدالنبی و مسجدالحرام چیده، از جای و قدری نان و ظرف کوچکی ماست تشکیل می شود. هر کس می تواند چنین سفره ای را برای چند نفر ببندازد و نوجوانان مترصدند که نمازگزاران را به افطار دعوت کنند. نوجوانی دست شما را می گیرد و می پرسد: آیا شما با ما افطار می کنید؟ و شما که غرق محبت و شور هستید مگر می توانید پاسخ منفی بدهید. او دست شما را می گیرد و تا کنار سفره ای که انداخته اند، می برد. خلاصه اینکه کانون ماه رمضان مسجد است.

[صفحه ۲۲۳]

مرکز رسیدگی به امور مساجد که بحمدالله فعال است و در انتخابات و جنگ تحمیلی نقش نمایانی داشت، به این امر هم رسیدگی کند که چرا در ماه رمضان مساجد در هنگام نماز مغرب بسته اند؟ و چرا سفره های ساده افطاری را به مساجد نمی بریم؟ اگر هم می خواهیم از کسانی برای افطاری دعوت کنیم، به مسجد دعوت کنیم.

۱- سامان دهی ارتباط مردم با مساجد:

در سه مرحله مهم مردم ما با مساجد کاری ندارند. تولد و تکلیف و ازدواج. این سه مرحله را می توان به گونه ای تدارک دید که مثلاً پس از تولد کودک، برای اینکه اذان و اقامه در گوشش گفته شود، او را به مسجد بیاورند. جشن تکلیف در مسجد گرفته شود و نیز زوج های جوان برای ادای شکر و نماز تحیت همراه دوستان و آشنایان به مسجد بیایند. اکنون تنها مجلس ختم در مسجد گرفته می شود که آن هم مدتی است مرسوم شده است. نباید در ذهن جوان، مسجد، مجلس ختم و عزاداری را تداعی کند. همه زندگی این نیست و روح جوان به تکاپو و شادمانی نیازمند است. اگر مسجد فضای گرم، پرشور و نشاط آوری نداشت، بطور طبیعی جوان از مسجد فاصله می گیرد.

۲- شیوه ی رفتار نمازگزاران:

رفتار نمازگزاران در تحقق فرهنگ حضور جوانان در مساجد مؤثر است، به ویژه نمازگزارانی که میانسال و کهنسال هستند و معمولاً در صف نخست نماز قرار می گیرند، به جوانان در مساجد احترام بگذارند. گاه از آنان دعوت کنیم در صف اول قرار بگیرند. آنان معمولاً مراعات می کنند و به صف اول نمی آیند. اگر جوانی ببیند نمازگزاری که همسن پدر یا پدر بزرگ او است، برای جوان حرمت و

[صفحه ۲۲۴]

اعتبار قائل است، دست او را می گیرد و به صف اول می برد و احوالپرسی می کند، احساس خواهد کرد که حضور او اهمیت دارد، و صد البته زبان خوب و خوش و پر مهر نمازگزاران نیز جوانان را جذب می کند. اگر امام جماعت جوانان را درک کند، فضای مسجد متناسب با اندیشه و نیاز جوان باشد و نمازگزاران به جوانان حرمت بنهند، فرهنگ حضور تحقق می یابد. فرهنگ مثل جوشش و رویش گل است، نمی توان با امر و نهی در شکل گل یا رنگ و بوی آن اثر گذارد، باید به درون جان و ساختار گل راه برد. اگر اعتماد جوانان را جلب کنیم و با آنان با مهر و صداقت و یکرنگی رفتار نماییم، تردید نداشته باشیم که جوانان با شور و حماسه در مساجد حضور گرمتری خواهند یافت.

۳- پاسخ به پرسش جوانان:

جوان سرشار از پرسش است. طوفانی از پرسش ها و پیچیدگی ها در ذهن او است. آرمان طلب و تعالی خواه است. روح متلاطم و پرکشش او قرار و آرام ندارد. اگر مأمنی باشد و امام مسجد امینی که جوانان در حضور او آرام و قرار یابند و با کمال آسودگی نظر و پرسش خود را مطرح کنند و پاسخ بشنوند و نگران نباشند که مبدا متهم شوند، مبدا تکفیرشان کنند و انگشت نما شوند، به مساجد جذب می شوند. اما اگر دریابند که زبان مسجد، زبان تحمیل است، در این صورت رابطه ی آنها با مسجد ضعیف می شود و پس از مدتی می گسلد. مثلاً اگر جوان پرسشی داشت و با کمال احترام پرسش خود را با امام جماعت مطرح کرد، اما امام جماعت او را قانع نکرد و در یک بحث باز و عمومی در مسجد با انتقاد از جوانان به نقد و بررسی همان پرسش پرداخت، جوان چه حالی پیدا می کند؟ پیامبر اسلام (ص) خود را پدر امت و مردم می دانست و می فرمود: من

همانند پدر شما هستیم و شما را آموزش می دهیم. امام مسجد که لباس پیامبر را می پوشد و بر منبر پیامبر می نشیند، لزوماً باید سخن و سلوک او همانند پیامبر باشد، اخلاق محمدی (ص) داشته باشد. خس و خار، فرهنگ ساز نیست، اما گل، یک عنصر مؤثر در فرهنگ معاشرت با مردم است.

جوانان مثل گل هستند، البته هر کدام از گل ها رنگ و بوی خاص خود را دارد. حتی جوانانی که ممکن است برخی از سر تحقیر به آنان بنگرند، آرمان نگر و خداجو هستند، اگر دچار سهو و خطا شده اند، اشتباه ما به عنوان امام مسجد، معلم، پدر و مادر از آنان کمتر نیست. گفت و گوی امام مسجد و یا روحانیانی که برای وعظ و خطابه به مسجد می روند، بسیار مهم است. اگر دیدیم در صف نماز، جوانان حضور ندارند، بپذیریم که ممکن است اشکال از ما باشد، اشکال از امام جماعت و فضا سازی مسجد و نیز دیگر نمازگزاران است که جوان خود را در مسجد مثل ماهی در آب راحتی احساس نمی کند. همان گونه که در روایت اشاره شده، مؤمن در مسجد مثل ماهی در آب است، در رودخانه ها هر جا بستر رودخانه تنگ می شود و فشار آب، زیاد، ماهی ها کناره می گیرند و به دیواره ی بستر می چسبند، ماهی از مقابل فشار و تنگنا می گریزد، روح جوان هم همین گونه است. اعتماد و محبت زمینه تحقق فرهنگ حضور جوانان در مساجد است.

رمز و راز پیروزی پیامبر در گسترش حیرت انگیز اسلام در اخلاق پیامبر قابل بررسی است. خداوند به پیامبر فرمان می دهد «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (بالهائیت را برای مؤمنین فرود آور) - یعنی تواضع کن - پیامبر (ص) در دعوت به اسلام و معنویت، به تعبیر قرآن، «مُذَكِّرٌ» است، نه مسیطر، لیکن ما در این راه با کمال تأسف، تعالیم عالیه ی اسلام را که سرشار از

منطق و علم است، توأم با خاطرات نامطلوبی ساخته ایم که نتیجه ی آن بی علاقه ی نسل حاضر نسبت به مساجد و منابر و مذهب است،
- برخی نقاط ضعف ها:

۱- در مساجد برنامه ی خاصی برای کودکان و جوانان نیست و ما انتظار داریم که آنها در برنامه ی بزرگسالان شرکت کنند. بسیاری فکر می کنند که تبلیغ برای کودکان و جوانان کار کوچکی است و از مقام و شخصیت آنان خواهد کاست.

۲- گاهی بچه ها به تقلید از پدر و مادر به مسجد می روند، ولی در آنجا نه تنها از کسی استقبال و روی خوشی نمی بینند، بلکه بعضاً با تندی و خشونت بر آنها نهیب می زنند و برای کودکان خاطره بدی ایجاد می نماید. در حالی که مثلاً مسیحیان به خوبی از این مسأله روانی استفاده می کنند؛ از همان ابتدا که انسان متولد می شود، برایش مراسم باشکوهی در کلیسا برگزار می کنند و تاریخ تولدش را در دفتر مخصوص کلیسا به ثبت می رسانند و هر سال برای سال روز تولدش کارت تبریک جالبی می فرستند، وقتی کودکان به سن ۵ و ۶ سالگی می رسند برنامه های خاصی برایشان برگزار می کنند و از آنها با احترام دعوت به عمل می آورند، همین طور مراسم ازدواج مسیحیان و اعیاد و جشن های سال نو، همه در کلیسا انجام می گیرد. خلاصه خاطره خوشی از کلیسا دارند و با خوبی و خوشی می پذیرند که به کلیسا بروند.

خدایا چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار

راهبردهای آموزش نماز در ساختار نظام تربیتی کشور

جناب آقای آهنجیان

[صفحه ۲۲۹]

بسم الله الرحمن الرحيم

مقاله ای که خدمتتان ارائه می شود در ارتباط با راهبردهای آموزش نماز در ساختار نظام تربیتی کشور است. این مقاله پیشنهاد می دهد که آموزش نماز نباید محدود و محصور به یک مقطع، یک رده ی سنی و یک جنسیت باشد. در طول این مقاله سعی می شود این مسأله به طور جدی مورد بحث قرار گیرد که آموزش نماز فرایندی مداوم است که از بدو تولد یا حتی به گفته برخی از صاحب نظران، به عنوان یک بعد از تربیت روحی قبل از تولد آغاز شده، باید تا آخر عمر به طور مداوم همراه با رشد انسان استمرار پیدا نماید. قبل از اینکه این مقاله را خدمت عزیزان تقدیم نمایم، چند نکته را به عنوان نتیجه مباحثی که در ارتباط با همین مقاله است خدمت شما عرض می کنم. یک نکته که بسیار جدی است و جناب حجة الاسلام آقای قرائتی هم اشاره فرمودند که راهبردها ارائه شود. به طور واضح دیده می شود که هنوز بین نظریات اندیشمندان در ارتباط با نماز، اختلاف وجود دارد، مثلاً یکی از مهم ترین اختلافاتی که در طی سخنرانی های اجلاس شاهد بودیم این بود که عده ای از این عزیزان معتقد بودند که نماز را می شود اجباری هم برگزار کرد، چنان که دیروز یکی از عزیزان سخنران، به این نکته تأکید کردند که همان گونه که مسلمان بودن برای یک مرد در زمان عقد با دختر

[صفحه ۲۳۰]

مسلمانی لازم است و اجباری، به همین نحو نماز را هم می شود اجباری کرد. از طرفی عده ای دیگر تأکید داشتند که نماز به عنوان یکی از انواع عبادات و در واقع یکی از زیباترین و اصلی ترین نوع اتصال بنده به خداوند باید بدون اجبار و اکراه بوده، مبتنی بر علائق و تمایلات فردی صورت بگیرد. در این راستا باید به اتکای تحقیقاتی که

هر کدام از آنها نتایج برخورد اختیاری یا اجباری با نماز را در اختیار ما قرار می دهد، بحث نماز را به صورت جدی تر در آموزش و پرورش خودمان ادامه بدهیم.

یک نکته ی بسیار جدی اینکه برخورد تصادفی یا مقطعی با نماز، نتایج بسیار روشنی نخواهد داشت و نتیجه ی خیلی قطعی و دقیق گرفته نخواهد شد. همان گونه که گفته شد اگر روح خلوص و عبادت در افراد گسترش پیدا نماید، آنها خودشان به دنبال ساختن مسجد، به دنبال عبادت خدا و به هر حال بقیه ی ابعادی که مربوط به پرورش دینی است، خواهند بود. به طور خلاصه نتیجه ی مقاله عبارت است از اینکه به طور کلی هر نظام آموزشی به این دلیل ایجاد می شود که انتظارات جامعه را برآورده کند. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، یکی از اولین اقداماتی که از نظام آموزشی انتظار می رود این است که بتواند در تربیت دینی نسل جوان بعد از انقلاب موفق باشد. برای برآورده شدن چنین انتظاری قبل از هر چیز اتکاء به تعالیم دین مبین اسلام به عنوان اصولی است که ما نسبت به آنها هیچ گونه تردیدی نداریم و وارد کردن آنها در نظام تربیتی می تواند مؤثر باشد. یکی از جدی ترین مسائلی که باید به آن توجه شود، استفاده از نتایج تحقیقاتی است که در روان شناسی تربیتی صورت گرفته است. اصول یادگیری، اصول واضح و روشنی است که برای نماز

[صفحه ۲۳۱]

خوان کردن بچه ها باید به آن اصول اعتنا کرد و با اتکای به آنها در این مسیر راحت تر، علمی تر و مطمئن تر گام برداشت. از جمله نکاتی که در این مقاله مورد تأکید قرار گرفته است این می باشد که وظیفه ی دشوار تربیت دینی با سه دلیل در واقع نسبت به دیگر انواع تربیت دشوارتر می گردد، و لذا باید جدی تر مورد توجه صاحب نظران و مربیان قرار گیرد.

آموزش دینی، ابعاد چند گانه شخصیت انسان را در بر می گیرد، یعنی ابعاد روحی و عاطفی و شناختی انسان را، نکته ی دوم اینکه این تربیت با ظرائف خاص خودش همراه است، بهر حال خیلی وقت ها تلاش های جدی برای نمازخوان کردن و یا برای تربیت دینی فرزندان صورت گرفته که منجر به نتیجه ی قطعی و روشنی نگردیده است.

نکته ی بعد حقی است که نسل جوان از مربیان تربیتی انتظار دارد، در گذشته این تنها والدین بودند که مسؤول تربیت کودکان و نوجوانان خود به حساب می آمدند، سپس این نقش به مدرسه واگذار شد، ولی امروز خیلی روشن است که این نقش تنها بر عهده ی مدرسه نیست، یعنی هم چنان که در بعضی از مباحث مطرح شد، ما می توانیم با

یک تلاش سیستماتیک و با تلاش اولیای تربیتی در خانه و مدرسه و جامعه در زمینه ی ارتباط با آموزش نماز تلاش منسجم تر و منظم تری بکنیم. از جمله نکات مهم تربیتی که توصیه می شود در راستای آموزش نماز مورد توجه قرار گیرد، با توجه به تجربیات تربیتی که منجر به یادگیری می شود، چگونگی انتظار ما از دانش آموزان - کودکان و نوجوانان - است به این معنا که ما در تربیت دینی چه سطحی از انتظار را برای آنها در نظر می گیریم در این رابطه توجه به اراده و اختیار مربی کاملاً مورد توجه است.

[صفحه ۲۳۲]

نکته سوم حرکت به سمت سطوح عالیتر شناختی در آموزش های مبتنی بر تربیت دینی است.

نکته چهارم برجسته ساختن حیطه عاطفی در آموزشگاه های دینی، به ویژه در آموزش نماز است.

نکته ی پنجم توجه به محیط و خاستگاه ارزش ها و گرایش های کودکان و نوجوانان است که راجع به این مورد اهمیت محیط و خاستگاه ارزش ها و گرایش ها بحث های مفصلی مطرح گردیده است.

نکته ی ششم هدف های نهایی برای تربیت دینی با توجه به شناخت خصوصیات روانی دانش آموزان - کودکان و نوجوانان - است که باز باید به طور جدی مورد نظر قرار گیرد. در این زمینه اعتنای به اصول یادگیری، از جمله، دارا بودن زمینه ی مناسب و مساعد برای پذیرش مفاهیم دینی و انگیزه ی دانش آموزان برای یادگیری و شرایطی که بر یادگیری دانش آموزان حاکم است، تکرار و تمرین در ارتباط با آموزش دینی و امثال این ها مهم است. ما آموزش و پرورش را در قالب مدرسه، بیشتر مشاهده می کنیم. در دوره ی پیش دبستانی که در نظام جدید آموزش و پرورش به عنوان دوره ی اساس خوانده می شود، با ظرافت ها و لطافت های خاصی و بیشتر با تأکید بر سرگرمی ها و بازی ها باید تأکید بر آموزش دینی داشته باشیم.

که البته برنامه آموزش نماز در این دوره باید با توجه به هدف آماده سازی انجام شود. و نیز حتی الامکان بر اثر گذاری از طریق برنامه پنهان توجه گردد. نمازخانه ی کوچک و جذاب در این دوره باید روح زیباشناسی آنها را تحریک کند، مربیان باید آثار ماندگاری از خضوع در میان بندگان نقش بزنند و ندهای

[صفحه ۲۳۳]

دلنشین و تصویرهای رنگین و زیبا و داستان های جذاب نماز همواره زینت بخش آن محیط باشد. در دوره ی ابتدایی با توجه به تفکیک جنسیت دانش آموزان، می توان برنامه ها را تقریباً از یکدیگر تفکیک کرد، لیکن امکان پیش بینی برنامه های کلی و جامع برای دختران و پسران وجود دارد. در این دوره، آماده سازی برای پذیرش مسئولیت به عنوان هدف اصلی در نظر گرفته می شود این مسئولیت ها در درجه ی اول در جامعه ی ما متوجه مسئولیت های دینی است که در اثر رسیدن سن تکلیف شرعی ایجاد می شود. چون در این دوره برنامه های درسی فشرده ترند، این امر می تواند به خصوص برای دانش آموزانی که با «معلمان درس نگر» درس می خوانند، خطرآفرین باشد، چرا که تاکید بر انتقال محتوای درسی می تواند موجب غفلت از فعالیت های موازی تربیتی شود، مگر اینکه معلم آنقدر هوشمند باشد که در قالب مواد درسی مفاهیم تربیتی و نکات اخلاقی را منتقل سازد.

ما معمولاً بحث تربیت دینی را به کلاس تعلیمات دینی اختصاص می دهیم، لیکن توصیه می شود که تربیت دینی به نحوی در قالب برنامه های درسی ما برنامه ریزی بشود که به همه محتوای دروس توسعه یابد.

در دوره بعد یعنی دوره نوجوانی و دوره ای که تقریباً جوان به قابلیت های شناختی بیشتری دست پیدا کرده، می توان با تأکید بر بعد شناختی شخصیت، او را به سمت باور تعالیم مذهبی هدایت کرد. در این دوره، نکته ی بسیار مهم، بحث بلوغ نوجوانان است که می تواند به عنوان یکی از عوامل توجه بیش از پیش ما به برنامه های تربیت دینی در این دوره باشد. دوره ی آخر، دوره ی متوسطه است یا دوره ای که جوانان آخرین سال های تحصیل خود در آموزش و پرورش را طی

[صفحه ۲۳۴]

می کنند. در این دوره می توان با تأکید بر آموزش هایی که کاملاً بعد شناختی پیدا کرده، پایه های تربیت دینی را تحکیم بخشید. یعنی در واقع می توانم بگویم که دوره ی متوسطه، دوره ی تقویت بیشتر پایه های تربیت دینی در نوجوانان است. برنامه ی آموزش در این دوره را می توان با آزادی و انعطاف بیشتری طراحی کرد، مطالعه ی کتاب ها و نشریات مفید، استماع سخنرانی های منطقی و پر جاذبه، تدارک میزگردهایی با مشارکت دانش آموزان و اولیای تربیتی، برگزاری سمینارهایی که مدرسه یا اداره ی آموزش و پرورش منطقه تدارک دیده اند و صاحبان مقاله از بین خود دانش آموزان انتخاب شده اند، انجام بازدیدها و شرکت در مراسم گوناگون مذهبی که در اجتماعات مختلف برگزار می گردد و ده ها فعالیت قابل استمرار دیگر در قالب برنامه های مقطع متوسطه.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

[صفحه ۲۳۵]

سخن آخر

حجة الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

[صفحه ۲۳۷]

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را شکر که ما را آفرید و ما را هدایت کرد «و الذی خلقنی و هو یهدینی» خدا را شکر که روی کره ی زمین تنها جایی که طاغوت حکومت نمی کند ایران است و ما در اینجا نفس می کشیم، خدا را شکر که برای ما امکاناتی برای ترویج اقامه نماز فراهم ساخت، «الحمد لله رب العالمین»

سلام و صلوات بر تمام انبیاء و اولیاء بخصوص پیغمبر اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) و حضرت مهدی (ع)، سلام و صلوات خدا بر علما و بزرگانی که هر چه داریم از آنها داریم، «ابوذر»ها کتک خوردند، «مفید»ها دود چراغ خوردند و «مجلسی»ها زجر کشیدند، «شهید اول» و «شهید دوم»ها کشته شدند افرادی سوختند و ساختند و زجر کشیدند تا این دین به ما رسید و این امکانات برای ما فراهم شد. خدا را شکر که ما در راستای خیرالعمل و نماز هستیم و تبلیغات نماز رو به گسترش است، که نمود آن در نمایشگاه ها و اشعار و سرودها است، همچنین توجه به مسجدسازی به قدری است که برای مثال در این روز شاید از حدود چهارصد نامه ای که به دستم رسید، فکر می کنم دویست تا از آنها مربوط

[صفحه ۲۳۸]

به ساختن مساجد در روستا و توجه به قرآن، توجه به مسجد، توجه به غبارروبی و توجه به اعتکاف است. یا مثلاً کلمه ای راجع به زکات مطرح نبود، پارسال یک دوره ایران را گشتیم و روضه زکات خواندیم. دیشب امام جمعه ایلام می گفت که حدود ۹۰ میلیون تومان پول زکات جمع کرده است. دیگر چه می خواهیم؟ یک ندا که می زنی همه مردم لبیک می گویند. معلوم می شود مقصر ما هستیم. من از جناب سرهنگی که آمد و مقاله خواند، الهام

گرفتم، چه اشکالی دارد که نوزاد را با سلام و صلوات ببریم مسجد، در گوش راستش اذان بگوییم یا مگر عقد حضرت فاطمه زهرا (س) در مسجد نبود؟

یا رئیس یک دانشگاه به من گفت: من چند شب پیش خواب دیدم که حضرت امام رضوان الله تعالی آمدند و گفتند شما که بیمارستان ساختید، چرا در گوشه ای از آن مسجد نساختید؟ همین جا را مسجد بساز، ما را برد در نزد امام جمعه، آقای حائری امام جمعه محترم شیراز برای کلنگ زدن. امام (ره) به خواب رئیس دانشگاه می آید، یعنی حالا که بیمارستان آذربایجان نمونه است، چرا در کنار این بیمارستان، مسجد نساختید.

شما ملاحظه کنید، ۵۰۰ عنوان کتاب نماز چاپ شده است، دو رساله دکترا، چند رساله فوق لیسانس، رساله های لیسانس که متعدد است، همه، به نماز پرداخته اند.

وزیر راه و ترابری فرمودند که ما برنامه ای داریم که در جاده ها یک مجموعه ای شامل پمپ بنزین، مغازه و... و مسجد هم محورش باشد یا مسجد هم داشته باشد، البته آن طرح دراز مدت است، ولی ما ایام عید را می توانیم

[صفحه ۲۳۹]

چادر بنزین، شهرهایی که شلوغ است مثل شیراز، اصفهان، قزوین، قم و... چند تا خیمه بنزین به نام خیمه ی نماز. البته آن طرح دراز مدت هم باشد.

شهرداری تهران ۶۴ مسجد در مدارس ساخته است که ۶ مسجد از مساجد مذکور را من افتتاح کردم، پیوسته مشغول ساختن هستند.

بازار تهران، وزارت راه و ترابری، وزارت جهادسازندگی، همه مشغول ساختن مسجد هستند. الان رفتم بیمارستان دیدم یک ورقه دادند به ما با این عبارت که «نماز، درمان فلج اطفال»! از این عبارت خوشم آمد. این، بیان می کند که وقتی فرهنگ نماز اوج گرفت هر کسی در طنز و شعر و پلاکارد و پوستر آن را مطرح می کند، مثل خود انقلاب، ما در انقلاب دیدیم هر کسی هر چیزی دارد، نثار می کند، زمان شاه یک هیپی بود در مشهد، پدرش گفت من از زلف هایت بدم می آید، برو و اصلاح کن، گفت نمی خواهم، گفت: اگر اصلاح کنی یک پیکان برایت می خرم، گفت: من زلف های بزرگم را از پیکان بیشتر دوست دارم، پدرش می گفت که آمدم خانه، دیدم زلف هایش را با ماشین چهار اصلاح کرده، گفتیم لابد دوستان گفته اند بابا اصلاح کن! یک پیکان بخر بعد دو مرتبه بلند می شود، غصه ی چه را می خوری؟ پدرش گفت: ماشین پیکان می خواهی، گفت: نه، ماشین پیکان نمی خواهم، امام از پاریس

دستور داده اند که سربازها از سربازخانه فرار کنند تا قدرت حکومت شاه بشکند و سربازهای لشکر ۷۷ مشهد فرار کرده اند و دژبان این ها را می گیرد، ما هیپی های مشهد تصمیم گرفتیم سرمان را ماشین کنیم و ول بگردیم که آنها با ما قاطی بشوند تا سربازهای فراری شناخته نشوند. یعنی جوان هیپی هم زلفش را برای اسلام داد! هر که هر چی داشته داده است. نماز هم مثل «یا حسین» روز عاشورا تبصره و آیین نامه و حزب و گروه ندارد.

[صفحه ۲۴۰]

کل ستاد مرکزی ۲۰ نفرند با این حال من فکر می کنم در جمهوری اسلامی اجلاسی مهمتر از اجلاس نماز نیست. کدام اجلاس است که هر سال مقام معظم رهبری پیام بدهد. آقا چیزی به من گفت، فرمود: قرائتی! راجع به نماز تا حالا چیزی از من خواستی که من به تو ندهم؟ من فکر کردم، چهارده تا چیز از ایشان خواستم، چهارده تا را داده اند. ما باید عذرخواهی کنیم که چرا این اجلاس ها حالا شروع شده، ما روز اول انقلاب باید مشکل نماز را حل می کردیم. نباید بعد از ۱۷، ۱۸ سال بگوییم موکت نداریم، مسجد نداریم و... ولی الحمدلله جنب و جوش شده، همه هم کمک کردند، هر کسی خالصتر است اجرش بیشتر می باشد.

من این را به طور مکرر گفته ام که شصت یا هفتاد تا حدیث داریم که می گوید موقع جان کندن، آدم پیغمبر (ص) را می بیند. ای کاش لحظه ای که می خواهیم نفس آخر را بکشیم پیغمبر (ص) یک نگاهی به ما بفرماید و بگویند «اشهدانک قد اقامت الصلوة» آرزوی ما این است که تا صدای اذان بلند شد، خیابان و بازار را ببندند، شهر اسلامی شهری است که با اذان، مردمش از خواب بیدار بشوند، شهر اسلامی شهری است که وقتی وارد شویم بزرگترین ساختمان هایش گنبد و مناره باشد. البته یک عده ای هستند که هر چه ما اجلاس برگزار کنیم، کتاب بنویسیم، شعر و سرود بسازیم، نماز نخوانند خوانند. چون مردم، سه دسته هستند: توتی، اناری، گردویی. توتی را تا تکان بدهی، می ریزد، «قد قامت الصلوة»، می آیند توی مسجد توتی ها ما چه اجلاس بگیریم، چه نگیریم، می آیند. یک دسته، اناری هستند مثل انار یک تابش بدهی می آید، یک مسابقه کتاب، یک فیلم و... یک دسته مردم مثل گردویند، گردو اگر توی سرش

[صفحه ۲۴۱]

هم بزنی نمی افتد.

ما حریف گردویی ها نمی شویم، توتی ها هم از قدیم نماز می خواندند، ما، با اناری ها کار داریم. طلبه رفته در دبیرستان، نماز خانه خلوت بوده. بعد یک آب گرمکن گذاشته اند، یک دفعه چهل نفر اضافه شده اند. یعنی افرادی هستند که اگر امکانات باشد، می آیند. در این میان، نماز خود ما هم باید با حال باشد.

خدایا ما را آفریدی، هدایت کردی، بهترین مکتب، بهترین کتاب، بهترین امت و بهترین شرایط، خدایا خیلی بلاها را از ما دور کردی، نعمت های ویژه به ما دادی، ما نمی توانیم نعمت هایت را شمارش کنیم و نمی توانیم تو را شکر کنیم، ولی برای هر نعمتی که به ما و غیر ما داده ای، برای هر بلا و خطر و غم و اندوه احتمالی که در آنی از ما و غیر ما دور کردی، به عدد آنچه بر او علم داری، «الحمد لله رب العالمین» «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

پروردگارا! همه ی آنهایی که در برپایی نماز در حد توان و وسعشان انجام وظیفه کرده و چشم از این دنیا بستند، به حرمت بی بی فاطمه زهرا (س) غریق رحمت بفرما.

پروردگارا! به سلامتی و طول عمر و تأییدات مقام معظم رهبری تا فرج آقا امام زمان (عج) بیفزا، به حرمت بی بی زهرا (س) و به حرمت خون پاک شهدا، دست تبهکاران را در هر لباس، در هر موقعیتی که هستند از سر این نظام و از سر این ملت شریف و امت اسلام ریشه کن بفرما.

(آمین یا رب العالمین)

میزگرد نماز و نسل نو

بسم الله الرحمن الرحيم

دکتر جاسبی:

در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد

حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

عنوان بحث ما «نماز و نسل نو» می باشد. ایران اسلامی در میان همه ی کشورهای جهان، شاید بیشترین جمعیت جوان و نوجوان را دارا باشد و قطعاً این بخش عظیم نیروی انسانی از جامعه ما، نقش بسیار مهم و سازنده ای در آینده ی این کشور و این انقلاب به عهده خواهد داشت. وزارت آموزش و پرورش هم با نوزده میلیون نفر دانش آموز، قطعاً مجموعه ی عظیمی از نیروی انسانی نسل نو را در آغوش گرفته و می شود گفت که آینده ی این کشور در دست این وزارتخانه می باشد. برادران عزیزی که در اینجا حضور دارند هر کدامشان مسئولیت های مهمی در آموزش و پرورش داشتند و دارند. از جناب آقای دکتر افروز آغاز می کنیم. آقای دکتر افروز شما بفرمایید راجع به «نماز و نسل نو» چه مسئولیت هایی ما به عهده داشته و داریم؟ یعنی به خصوص وزارت آموزش و پرورش و اصولاً جامعه چه کار باید بکند که ان شاءالله این

[صفحه ۲۴۶]

نسل نو، که آینده کشور در دست آنها است، نسلی باشند که مشمول آن آیه کریمه و شریفه قرآن باشند که: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ»
دکتر افروز: (پرورش شناخت و احساس مذهبی در تربیت نسل نو)

بسم الله الرحمن الرحيم

در پاسخ به فرمایش جناب آقای دکتر جاسبی، بنده لازم می دانم چند نکته رابه عنوان مقدمه و فهرست وار عرض کنم. این هفتمین اجلاس نماز است که بنده در آن شرکت دارم مقاله ای نیز تحت عنوان «روش های انتقال پیام و

تبلیغ» تهیه کرده ام که ان شاءالله درباره آن بحث خواهیم کرد. در اجلاس های قبلی مباحثی را مطرح کردم که یکی از بحث ها دقیقاً پاسخ به همین سؤال بود و اجمال آن این که:

انسان فطرتاً خداجو است و خداجویی و حقیقت طلبی از ویژگی های فطری انسان است و خمیر مایه این فطرت در آن احساس کنجکاوی است که به عنوان یک ودیعه گرانقدر در نهاد آدمی گذاشته شده است. همه انسان ها کنجکاوند و کنجکاوی بستر خداجویی و سکوی خلاقیت و نوآوری است. کار مربی این است که به این کنجکاوی انسان ها که در بچه ها، کودکان و نوجوانان بیشتر تبلور دارد، حرکتی بدهد و پرورشی ایجاد بکند که مایه ی خداجویی بیشتر بشود. بنابراین کنجکاوی خود یک عنصر شناختی و احساسی است؛ آمیزه ای از

[صفحه ۲۴۷]

شناخت و احساس کنجکاوی در وجود انسان یک باور، یک بینش و یک بازخوردی ایجاد می کند که این بازخوردها، باورها و یا بصیرت ها و ایمان ها زمینه رفتارها می شود. برای متبلور کردن رفتارهای مذهبی باید باورهای مذهبی را تقویت کرد و برای تقویت و تحکیم باورهای مذهبی که بالفطره در نهاد انسان ها وجود دارد، می بایستی به بعد شناختی، شناخت مذهبی و احساس مذهبی بهای بیشتری بدهیم.

بنابراین اساسی ترین وظیفه ی اولیاء و مربیان در قبال نسل نو، تقویت این شناخت مذهبی و احساس مذهبی است که در آنها باور زیبای مذهبی درست می کند. به صرف پرداختن به شناخت مذهبی، یعنی دادن جزوه و ایراد سخنرانی، ما به آن باور مذهبی به معنای دقیق کلمه نمی رسیم. همچنین اگر تنها به مساله احساس پردازیم، نمی توانیم رفتارهای مطلوبی را انتظار داشته باشیم. بنابراین باید همزمان به هر دو پردازیم و این از هنر مربیگری است. هر وقت بچه ها در برابر پدیده ای از قبیل پدیده ی مذهبی، نماز معلم، نماز پدر، یک پیام تصویری یا صوتی قرار می گیرند، باید در آنها احساس ایجاد بشود. اگر ما می خواهیم پیام های مستقیم و غیر مستقیم - به خصوص پیام های الگویی را که پایدارترین یادگیری ها را به دنبال دارد- ارائه بکنیم، ناگزیر هستیم که به بعد احساسی هم پردازیم (در آن جزوه ی روش های پرورش احساس مذهبی در نوجوان نیز نوشته ام که بعد از اولین اجلاس چاپ شد) و خلاصه عرض کنم هر وقت بچه ها، کوچکترها و بزرگترها با یک پدیده ی مذهبی یا رفتار مذهبی آشنا می شوند، اگر این شناختشان توأم با یک احساس خوشایند و مطلوب و دوست داشتنی باشد، به تدریج شاهد تقویت ایمان مذهبی می شویم، یعنی بازخورد مذهبی و این

بازخوردها در واقع زمینه ای می شود برای تبلور رفتارهای مذهبی و همین دلیلی است برای اینکه محبوبترین الگوهای رفتاری که بچه ها نسبت به آنها احساس مطلوب و خوشایند دارند، در برنامه های مدارس حضور داشته باشند، در برنامه هایی نظیر اردوها و... و چه نیکو این که الگوهای محبوب بچه ها عهده دار آموزش و تربیت دینی بشوند. و وقتی بچه ها با این الگوهای محبوب همراه شوند، همراهی، همانند سازی به صورت مضاعف پدیدار می شود و این نکته بسیار مهمی است که نباید فراموش کنیم.

محبوبترین الگوهای بچه ها چه کسانی هستند و چه صفاتی دارند؟ الگوهای محبوب بچه ها، در خانه و به خصوص در مدرسه آنهایی هستند که شخصیتشان آمیزه ای است از محبت و عطف و منطق. به بچه ها محبت پایدار دارند. منطق دارند، اعتماد به نفس بچه ها را تقویت می کنند و به عبارت ساده تر همزمان به دو نیاز فطری بچه ها پاسخ می دهند، نیاز به محبت که همه ی انسان ها تشویق پذیر و محبت پذیرند و این قانون حاکم بر نفسانیات انسان است و همه ی انسان ها مخصوصا کودکان تنبیه گریز و اخم ستیز هستند. همه دوست دارند وقتی که می خواهیم با آنها ارتباط برقرار کنیم، از نقطه ی مثبت وجودشان آغاز کنیم. همه ی کودکان از انتقاد می ترسند و فرار می کنند. بنابراین شخصیت های محبوب را بشناسانید و ما به معلمان و خودمان همیشه این توصیه را داریم که سعی کنیم اول محبوب بچه هایمان شویم. اگر محبوب بچه ها شدیم، بچه ها به ما دروغ نمی گویند و به ما بیشتر توجه می کنند. در درونشان با ما زندگی می کنند. می خواهند مثل ما بشوند و از درون تسلیم می شوند و بعد شناخت و احساس وجودشان با هم رشد می کند و این به نظر من مؤثرترین شیوه برای تربیت نسل

نو در امور مذهبی است.

دکتر جاسبی:

یکی از متخصصین می گفتند که ما به جای اینکه عالمترین و تحصیلکرده ترین افراد را در دانشگاه بگذاریم که تدریس بکنند، باید ایشان را بیاوریم به مدارس ابتدایی. یعنی بهترین و با سوادترین اساتیدمان را ببریم در مدارس

ابتدایی تا آنجا تدریس کنند. اجازه بفرمایید از جناب آقای زرهانی که عنوان معاونت مشارکت های مردمی را در وزارت آموزش و پرورش دارند و قبلاً هم معاون پرورشی بودند، سؤال کنیم و ببینیم ایشان در این زمینه چه نظری دارند و اصولاً برای اقامه نماز به صورت جامع تر در مدارس، چه جایگاهی را قائلند.

آقای زرهانی: (نیازهای ما در مدارس)

بسم الله الرحمن الرحيم

- چند سال پیش به همت یکی از اساتید علوم تربیتی دانشگاه تهران و به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش، تحقیقی در سطح تارک الصلوة های جوان انجام شد که: «شما چرا نماز نمی خوانید؟» عده ی کثیری از جامعه ی آماری پاسخ داده بودند ما فلسفه ی نماز را نمی دانیم. بالا بردن بینش، دانش و معرفت نسل جوان به اقامه ی نماز کمک می کند. در این زمینه و در سال های اخیر قدم های مهمی برداشته شده است، عده ای از اساتید که می توانستند در زمینه های دیگری تألیفاتی داشته باشند به ندای ولی امر مسلمین لبیک گفتند و قلم

[صفحه ۲۵۰]

برداشتند و به تألیف آثاری در زمینه ی نماز پرداختند، ولی باید گفت ما، هم در دانشگاه ها که طیفی از نسل جوان در آنجا هستند و هم در مدارس کشور نیاز به تولید اندیشه در قالب کتاب، رمان، شعر و مجموعه های فرهنگی و هنری غنی و دارای پیام داریم تا نسل جوان با تفکر دینی آشنا شود و اعتقاد به حقائق در او بوجود بیاید.

- یکی دیگر از نیازهایی که ما در مدارس داریم، حضور روحانیون و علما و فضلاء دانشمند و آشنا با موازین تعلیم و تربیت اسلامی است. خوشبختانه در این زمینه قدم بلندی در سال های اخیر برداشته شده است. لیکن بین نمازهایی که در مدارس اقامه می شود و شمار روحانیونی که در مدارس - در سال گذشته - حضور به هم رسانده اند، هنوز هم فاصله ی زیادی وجود دارد. ما باید این تفکر را دامن بزنیم که بهترین جا برای سازندگی فرهنگی، مدرسه است و هر نوع سرمایه گذاری در خارج از مدارس و انجام امور تبلیغی در بین بزرگسالان پاسخ محدودی می دهد، اگر چه ممکن است از نظر اجتماعی یک ویژگی خاصی را برای ما تأمین کند و بعضاً ما اشباع شویم، اما آنجایی که یک تخم، هفتاد تخم می شود، مزرعه ی بکر مدارس کشور است که به برکت انقلاب اسلامی، در آن به روی اهل علم باز است.

- کار دیگری که باید انجام شود، تأمین سخت افزار برای اقامه نماز است. با این که تعداد زیادی نمازخانه در مدارس ساخته شده و هر روز هم تعداد دیگری بر این نمازخانه ها اضافه می شود، هنوز عده ی زیادی از دانش آموزان را داریم که جایی به عنوان نمازخانه در مدارس ندارند و در برخی از مناطق دور دست زیرانداز و موکتی را که روی آن نماز بخوانند هم به سادگی نمی توانند تأمین کنند.

[صفحه ۲۵۱]

این مشکل را در مناطق مرزی، در مناطق محروم و در مناطق مهاجر پذیر، بیشتر شاهد هستیم.

- البته ما مشکلات دیگری هم داریم که با یکی، دو واسطه تأثیر خودشان را در تعلیم و تربیت مذهبی دانش آموزان می گذارند. مهم ترین آنها تنگناهای معیشتی معلمان است و نظام گزینش ما برای معلم و اینکه هنوز نتوانسته ایم به نحوی در جامعه سرمایه گذاری کنیم که مغزهای متفکر و استعدادهای برتر، از شغل شریف معلمی استقبال کنند. و بعضاً افراد از روی درماندگی و عدم جذب در جاهای دیگر، به این شغل رو نیاورند. این مشکل، مشکل درونی ما است که من صلاح نمی بینم این را باز کنم.

به هر حال اهل نظر هستند و می دانند که ما اگر خواستار فردایی روشن هستیم، اگر خواستار انتقال ارزش ها از طریق مدارس به نسل نو هستیم و اگر ما می خواهیم انقلاب اسلامی را در مقابل تهاجم فکری و عقیدتی بیمه کنیم، باید بیشترین سرمایه گذاری را در دستگاه تعلیم و تربیت بکنیم و درخشانترین چهره ها را به کارهای معلمی فرا بخوانیم.

دکتر جاسبی: در مورد مشکلات معلمان و فرهنگیان باید فکری اساسی بشود والا ما چگونه می توانیم بهترین نیروها را جذب کنیم؟ به اعتقاد من اگر بیشترین سرمایه گذاری ها را صرف آموزش و پرورش کنیم؟ به اعتقاد من اگر بیشترین سرمایه گذاری ها را صرف آموزش و پرورش کنیم، چیزی را از دست نداده ایم و قطعاً نتیجه ی بهتری خواهیم گرفت، چون اینجا است که نسل نو در حال شکل گرفتن هستند و پرورش پیدا می کنند.

[صفحه ۲۵۲]

جناب آقای نوچمنی ما می دانیم که زحمات زیادی کشیده شده و کارهای فراوانی به انجام رسیده است و من از نزدیک شاهدیم که جناب آقای قرائتی بیش از هر جایی، برای آموزش و پرورش کار می کند. اصلاً ایشان فعالیت اصلی در مورد نماز را در آموزش و پرورش می دانند و این اغراق نیست. حالا بفرمائید که در این چند سال چه تغییراتی انجام شده و شما چه پوششی به نماز جویی دانش آموزان داده اید و چه برنامه هایی برای آینده دارید؟
حجة الاسلام نوچمنی: (گزارشی از فعالیت های اقامه نماز در آموزش و پرورش)

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر به سابقه ی خود اجلاس برگردیم، می بینیم که فلسفه تأسیس ستاد اقامه نماز در قدم اول، آموزش و پرورش بود. به حق و به جا، همین گونه هم هست. با توجه به اینکه یک سوم جمعیت کشورمان را دانش آموزان تشکیل می دهند و آنها مستعدترین افراد هستند برای این که ایرانی اسلامی و آباد، به دستشان ایجاد شود. و می بایست برای آنها برنامه ریزی گردد. الحمدلله در این شش، هفت سال، که ستاد اقامه نماز تأسیس شده است، فعالیت های چشمگیری در آموزش و پرورش انجام گرفته که آمارش را جناب آقای قرائتی فرمودند:

- ۱- ما در سال تحصیلی ۷۶-۷۵ قریب به هفتاد هزار اقامه ی نماز جماعت در روز و در مدارس کشور داشتیم.
- ۲- اکثر مناطق آموزش و پرورش ما دارای پست اقامه ی نماز هستند و در سال ۷۳ که با تعدیل پست، درخواست ستاد اقامه نماز این بوده است که برای تصدی امور نماز در آموزش و پرورش پست سازمانی اختصاصی یابد، که الحمدلله در

[صفحه ۲۵۳]

- مناطق مختلف کشور بیش از ۴۵۰ پست سازمانی و برای استان های کشور کارشناس پست سازمانی داریم.
- ۳- در این مدت ۷-۶ ساله بیش از سه میلیون متر مربع موکت، برای مفروش کردن نمازخانه های مدارس توزیع کرده ایم.

- ۴- شکر خداوند که ما هر ساله شاهد حضور روحانیون عزیزی در سطح آموزش و پرورش هستیم که برای اقامه نماز انجام وظیفه می کنند. در سال گذشته یازده هزار و دویست و چهل و هفت روحانی معزز در مدارسمان اقامه نماز داشته اند و از آن هفتاد هزار نماز جماعتی که عنوان شد، به جز روحانیون محترم- که در دو شیفت، دو وعده و سه وعده اقامه نماز می کنند- برگزاری بقیه نماز جماعت ها را همکاران عزیز فرهنگی به عهده داشته اند.

۵- به منظور قداست بخشیدن به این فرمان الهی - که واقعاً در آموزش و پرورش به عینیت و ملموس دیده می شود- به اداره ی ارزشیابی وزارت متبوع، بخشنامه ای صادر شده که در انتخاب مدیران مسأله «نماز» نیز مورد توجه و ملاک قرار بگیرد. الحمدلله پاسخ مثبت داده شده است.

۶- هر ساله ما هفته بزرگداشت مقام معلم داریم، بخشنامه ای صادر شده که در انتخاب معلمان نمونه، آنهایی را که نسبت به برپایی نماز جدیت داشته و در این زمینه فعالیت داشته اند انتخاب کنند و الحمدلله این رویه اعمال می شود. در مورد ساخت و ساز نمازخانه ها- که سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور متولی آن است- کارهای مثبتی انجام شده است.

بحث از نماز در نسل نو است، اهمیت دادن به این قشر بر همه ما لازم است و ضروری است که فکری بکنیم تا جوانان و نوجوانان دانش آموز را- که فردای

[صفحه ۲۵۴]

جامعه ی آباد به دست آنها است- با دین آشنا کنیم. برای ایجاد هر چیزی باید فرهنگ آن را در جامعه ایجاد کنیم. فرهنگ نماز، به طور حتم هنوز در جامعه ایجاد نشده است. اقامه نماز، با قرائت نماز، خیلی فرق دارد. لذا در ارتباط با این نسل باید جدیت داشته باشیم. تعلیم و تربیت درست و اصولی، کار انبیا است. مریبان، رسولان بحق و صادقی هستند که بایستی نگرشی دینی را از مسیر این رسولان صادق به دانش آموزان القاء کنیم، اما خود آنها را ابتدا باید غنی کنیم. پس در ایجاد فرهنگ نماز، باید جدیت داشته باشیم، چرا که مواجه با شبیخون گسترده ی فرهنگی هستیم. این آیه ی نمازی را که کوچک و بزرگ، همه ی ما آن را حفظ هستیم که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» این بیان، بیان تکلیفی و تشریعی از جانب خداوند به پیامبر است، که مردم اقامه نماز داشته باشند، اما آن آثار تکوینی نماز- که تنهی عن الفحشاء و المنکر است- به عهده ی خداوند خواهد بود.

ما در تحقق این آرمان بایستی تلاش کنیم. امروز ۱۷۵ شبکه ی ماهواره ای بر کشور ما حاکم شده اند تا نگذارند این قداست ها تحقق پیدا کنند، اما با حکومت نماز در جامعه الحمدلله این توطئه ها بی رنگ خواهند شد. ان شاءالله برنامه ریزی های اصولی بشود. تقاضای ما از دولت محترم جمهوری اسلامی- که باید از فعالیت های ایشان تشکر نمود- این است که بودجه کلانی را که در ارتباط با مقابله با تهاجم فرهنگی تخصیص داده شده، رقم درشتی از آن

را در اختیار آموزش و پرورش که یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می دهد، قرار دهند تا ان شاءالله ما در برنامه ریزی های کلان این نوجوانان و دانش آموزان بتوانیم موفق باشیم.

[صفحه ۲۵۵]

دکتر جاسبی: (میزان اهتمام دانش آموزان به نماز)

ببینید، واقعیت این است که کسانی که وارد دانشگاه می شوند- و در حقیقت دست پرورده ی آموزش و پرورش هستند- بخش زیادی از آنها نماز نمی خوانند، بی نمازند و اینها از آموزش و پرورش می آیند. ما در حقیقت اگر بخواهیم دسته بندی بکنیم، این نوزده میلیونی که آموزش و پرورش زیر پوشش دارد، یا حداقل آن عده ای که نماز بر آنها واجب است یک بخشی از آنها اصلاً نماز نمی خوانند. یک بخش هم نماز می خوانند، حالا در حد نماز فردی، آن هم بیشتر به تبعیت از خانواده و پدر و مادر. یک بخش از آنها مستمراً نماز می خوانند در جماعت هم شرکت می کنند، فعالترند ولی شاید هنوز آن معرفتی که بایستی در ارتباط با نماز پیدا بکنند، پیدا نکرده اند و نمازشان عمق پیدا نکرده است و بخش چهارم هم آنهایی اند که واقعاً نماز را عمیق و با اخلاص می خوانند و مورد نظر هستند.

دکتر جاسبی:

جناب آقای فراهانیان بیشتر روی این مسأله برای ما صحبت کنند که ما چکار می توانیم انجام دهیم که به خصوص آن بخشی که نماز نمی خوانند و یا نمازشان روح ندارد و فقط یک تقلید کورکورانه از خانواده است، تحت تأثیر قرار بگیرند و گرایش به نماز پیدا بکنند؟

آقای فراهانیان: (تأثیر ذائقه و شناخت در گرایش نسل جوان)

بسم الله الرحمن الرحيم

توجه دارید که نوجوانان و جوانان ما خواسته هائی دارند و نیازهایی، فرق

[صفحه ۲۵۶]

است میان خواست هایی که آنها ابراز می کنند با نیازهایی که ایشان بطور طبیعی و فطری دارند. گاهی بین این خواست ها و نیازها تطبیق داده می شود و ممکن است نیاز امروز یک نوجوان چیزی باشد که می خواهد و می گوید و می طلبد و ابراز می کند. اما بسیاری از اوقات است که جوان چیزی را می خواهد و آن را ابراز می کند، در حالی که این خواست، یک خواست کاذب است و نیاز واقعی او را مطرح نمی کند.

مهمترین وظیفه ما در کار فرهنگی، به خصوص در استفاده از فریضه ی بسیار ارزشمند و مؤثر نماز این است که فاصله خواست های بچه ها را با نیازهایشان نزدیک کنیم و یک راه داریم که بچه ها در هر شرایطی باشند، اگر ما از آن راه برویم بی تأثیر نخواهد بود. پیمودن این راه برای این که خواست های بچه ها را منطبق با نیازهای طبیعی، واقعی و فطری آنها بکنیم که قاعدتاً خدا جویی یکی از مهم ترین خواست های فطری هر انسان است و آن وسیله که می تواند این خواست ها را به نیازهای بچه ها نزدیک کند دو خصوصیت چرا جویی و چگونه جویی بچه ها است.

اولاً بچه ها در این سنین به شدت دنبال این هستند که علت پدیده ها چیست به فلسفه و علت پدیده ها می اندیشند و آن را جست و جو می کنند. ما اسم این را کنجکاوی می گذاریم. قسمت دوم خصوصیت بچه ها این است که با یک عطش و گرایش درونی مایلند که راه رسیدن به آنچه که دنبالش هستند را پیدا کنند، یعنی راه جویی و اینکه چگونه به راه و به پاسخ برسند. یعنی هم به علت برسند و هم به راهی که بتواند آنان را به علت برساند. این مهم ترین خصوصیت طبیعی در این سنین است. ما باید از این خصوصیت خوب بهره مند بشویم. برای این که

[صفحه ۲۵۷]

علت یابی در بچه ها مورد استفاده قرار بگیرد، قاعدتاً همان طور که عزیزانمان اینجا مطرح کردند، روی مسأله دانش و علم و معرفت باید واقعاً تأکید بشود. اینکه جناب آقای زرهانی فرمودند که بسیاری می گویند ما نمی دانیم چرا باید نماز بخوانیم یا اصلاً دانش و معرفت این را نداریم که نماز چه خاصیتی دارد، این خیلی مهم است. بچه های ما هم این مشکل را دارند و این ابتدای مشکل ما در این مسیر است.

بعد دوم، مسأله ذائقه ها و پرورش ذائقه ها در این جهت است. مسأله ذائقه ها مسأله بسیار مهمی است. حالا بخشی از این پرورش ذائقه ها بر می گردد به اینکه در خانواده از سنین کودکی با بچه چه رفتاری بشود. یکی از دوستان ما عادت خیلی خوبی داشت. ایشان بچه اش را بغل می کرد و به مسجد می برد و توی جا مهری، قبل از

این که بچه متوجه بشود، یک شکلات می انداخت. بچه شیرینی شکلات را درک می کند و می فهمد، ولی شیرینی و اثر نماز را نمی تواند بفهمد.

این بچه که می خواهد مهر را به تقلید از پدرش بردارد، می بیند کنار مهر یک شکلات هم هست. اول شکلات را بر می دارد، بعد مهر را. این بچه رفته رفته، مزه ی مهر را یک مزه ی شیرین تصور می کند. حالا شما تصور کنید که همین بچه در سن ۵ سالگی در حال برداشتن مهر، مهر روی پای او بیفتد و یا ناراحتی دیگری برایش پیش بیاید، شاید این حس تلخ را تا آخر عمر به همراه داشته باشد.

ذائقه سازی و ذائقه پروری، مسأله بسیار مهمی است و امروز دنیای غرب در قالب تهاجم فرهنگی روی ذائقه ها کار می کند. هنر و دنیای هنر، کارش با ذائقه ها است، یعنی به ذائقه ها جهت می بخشد و آنها را تحریک می کند. شما در

[صفحه ۲۵۸]

ارتباط با اثر تلویزیون و سینما توجه بفرمایید، امروز، دنیای ارتباطات روی این مسأله بسیار تأکید دارد. اثر این رسانه ها بلافاصله جذب می شود، نیاز به هضم ندارد. شما می دانید چیزی که انسان مصرف می کند ممکن است یک وقت سریع جذب شود و یا ممکن است نیاز داشته باشد اول هضم شود، بعد جذب - می گویند شما وقتی بدنتان نیاز به قند دارد. اگر یک دانه خرما بخورید بخشی از قند خرما، سریعاً و از طریق بافت دهان جذب می شود یعنی بلافاصله قند خون شما را بالا می آورد. اما اگر کشمش بخورید، کشمش باید برود در معده و آنجا هضم شود، بعد قندش جذب گردد - بعضی چیزها هست که سریع جذب می شود و بعضی از چیزها وجود دارد که اول باید هضم شود، بعد جذب گردد.

بچه ها بیشتر از آن چیزهایی که دریافت می کنند و جذب می کنند متأثر می شوند تا چیزهایی که اول هضم می کنند و بعد جذب. به همین خاطر شما می بینید هنر اثر خودش را می گذارد، تلویزیون، سینما، ارتباط تصویری، نشریات، اینها اثر خودش را می گذارد، یک دانش آموز وقتی یک فیلم ویدئویی را نگاه می کند، او قبل از اینکه فکر بکند، اثر را گرفته است ولو یک آدم متفکری باشد، پس اثر هنر و اثر ذائقه و ذائقه سازی و ذائقه پروری امر بسیار مهمی در تعلیم و تربیت است.

پدیده ی نماز، به عنوان اصلی ترین وسیله ی ارتقای فرهنگی و فکری و معرفتی و ایمانی و عبادی، در این راستا باید تعریف شود. با نماز، هم باید معرفتی برخورد شود، هم هنری. متأسفانه در بسیاری موارد می بینیم که نه معرفتی برخورد می شود و نه هنری. ما نه عمق نماز را برای بچه ها گفته ایم و آن طور که باید توضیح داده ایم و نه ذائقه پروری کرده ایم.

[صفحه ۲۵۹]

در این جهت من تحقیقی کرده ام- چون کار ما نوعاً کار با انجمن های اسلامی مدارس است- به خصوص در مورد ارتباط آنها با نماز، چیزی حدود ۲۵ علت پیدا کردم که چرا بچه ها به مسجد نمی روند. چرا میل به مسجد ندارند. آیا مسجد ایراد دارد؟ نماز اشکال دارد؟ نه، این طور نیست. اتفاقاً عطش بچه ها نسبت به نماز خیلی بیشتر از بزرگترها است. ما این را امتحان کرده ایم. به خاطر اینکه نماز روی کسانی که بیشتر احساس ضعف و نقص می کنند، اثر می گذارد تا کسانی که احساس می کنند قوی هستند و توانمند، عالم هستند و دانشمند.

نقصها آئینه ی وصف کمال
و آن حقارت آئینه ی عز و جلال

هر که نقص خویش را دید و شناخت
و اندر استکمال خود چند اسبه تاخت

یک نوجوان احساس ضعف دارد، اما یک عالم بزرگ و یک متخصص، کمتر احساس ضعف می کند. فکر می کند دارایی هایش، بیشتر از نداری هایش می باشد. بر این اساس یک جوان به خدا نزدیکتر است. یک نوجوان به خدا و معبود نزدیکتر است. اما چرا بچه های ما گرایش ندارند؟ مسجدی در نزدیک محل ما وجود دارد که ما بعضی وقت ها در آن حاضر می شویم. اخیراً و با تبلیغات اجلاس نماز که چند شب است از تلویزیون پخش می شود، مسجد

شلوغتر شده است. اما بنده ندیدم که یک جوان اضافه بشود. همه آنهایی که اضافه شدند بالای ۵۰ سال سن دارند. چرا؟ روی ذائقه ها و معرفت باید کار کنیم.

[صفحه ۲۶۰]

دکتر افروز: (تأثیر مدرسه و به خصوص دوره ی ابتدائی در ایجاد گرایش به نماز)

بسم الله الرحمن الرحيم

در سال قبل بود که با حضرت آیت الله رسولی محلاتی در مشهد بودیم. برای بازدید از چند مدرسه رفتیم و در کلاس ها، سؤالات مختلفی از بچه ها پرسیدیم، در مورد وضعیت پیشرفت تحصیلی شان و غیره. به ذهنم رسید که این سؤال را هم از بچه ها بپرسم؛ بچه های دوره ی راهنمایی اول تا سوم، به هر کلاس که می رفتیم، سلام و علیک می کردیم. در محضر جناب آیت الله رسولی محلاتی سؤال کردم: بچه ها چند نفرتان تا حال مسجد رفته اید؟ در کلاس های مختلف این سؤال تکرار شد. در یک کلاس یک نفر دست بلند کرد که من مسجد را دیده ام. در کلاس بعدی دو نفر و... بیشترین عده ای که دست بلند کردند، ۳ نفر بودند که به مسجد رفته بودند. در این باره حضرت آیت الله فکر کردند که بچه ها سؤال مرا متوجه نشده اند. ایشان توضیح دادند. آیا اصلاً داخل مسجد رفته اید؟ بچه ها ۱۴-۱۳ سال سن داشتند، باز هم همین تعداد دست بلند کردند. چرا اینقدر کم؟ دلیلش چیست؟

آقای فراهانیان می فرمایند که بچه ها به مسجد نمی آیند. خوب هیچ عادتی ندارند، تجربه ای ندارند، شناختی ندارند و معرفتی ندارند. نمی دانند کجاست. کجا باید بروند؟ اصلاً چرا باید بروند؟ با چه کسی باید بروند؟ چه کسی باید آنها را ببرد؟ حالا بحث خود مسجد را نمی خواهم مطرح کنم، اما در ارتباط با این سؤال اساسی - که آقای دکتر جاسبی اشاره کردند - می توان گفت که از این ۱۹-۱۸ میلیون دانش آموز که ده درصدشان، ۱۲ درصدشان تا ۲۰ درصدشان

[صفحه ۲۶۱]

به دانشگاه وارد می شوند، درصد زیادی از آنها نماز نمی خوانند چه باید کرد؟ من دو تا مطلب نوشته ام که روزنامه اطلاعات و نشریه پیوند هم آنها را چاپ کرده اند و چکیده اش را عرض می کنم. به نظرم اگر بخواهیم برای تبیین

مسائل ارزشی، کاری اساسی انجام دهیم، جایگاه آن آموزش و پرورش و معلمین هستند و باید مورد توجه قرار بگیرند. می دانید که در همه جای دنیا، مدارس انتقال دهنده ارزش های حاکم بر جامعه به خانواده هستند. ما، خیلی به خانواده ها دسترسی نداریم. البته موضوع میزگرد، تعلیم و تربیت در مدارس است و در مورد خانواده نیست. تا وقتی که بچه به مدرسه نیامده است ما نمی دانیم درون خانواده چه می گذرد، چقدر از ویدئو و ماهواره استفاده می شود و چه صحبت هایی رد و بدل می گردد، به خصوص که بعضی مواقع برنامه های صدا و سیمای خودمان هم اثر مطلوبی روی بچه ها نمی گذارد، چه برسد به ویدئو و ماهواره.

می خواهیم ببینیم که در مدرسه چه باید بکنیم، نفس صدا و سیما، تلویزیون، رادیو فعلاً مورد بحث ما نیست و میزگرد، میزگرد دانش آموزی است. در اروپا و آمریکا می خواهند سیاست حاکم بر آمریکا را از طریق مدرسه به بچه ها القاء بکنند، این در واقع دکترین کاپیتالیسم و سرمایه داری است که از طریق بچه ها به درون خانواده ها می رود. کشور اسلامی ما، کشور مظلومی است. در زمان طاغوت می خواستند نظام شاهنشاهی را از طریق مدرسه وارد خانواده کنند. آنها هم خیلی موفق نبودند. ولی در هر حال، کار مدرسه همین است. بچه ای که در پایان ۶ سالگی می آید و در اختیار ما قرار می گیرد، باید چکار کنیم؟ آغاز ارتباط ما با خانواده ها، از آن بچه ای است که دانش آموز می شود، از دبستان

[صفحه ۲۶۲]

شروع می شود. یعنی در واقع سکوی نجات جامعه ی ما و تبلور رفتارهای مذهبی از دبستان باید آغاز شود. چرا؟ یک رسالت ما در دبستان تقویت بنیادهای علمی است که همان پرورش خلاقیت و نوآوری بچه ها است. باید در دبستان تقویت فرهنگ ملی و زبان ملی صورت گیرد و بالاخره باید در دبستان الگوی رسمی نظام به بچه ارائه شود. تا قبل از ورود به دبستان ما الگوی رسمی نداریم و نتوانسته ایم به او چنین الگویی بدهیم و بچه ها باید بدآموزی های خانواده را هم کنار بگذارند، آیا مادر نماز می خوانده یا نمی خوانده است؟ خانواده در تعارض با مدرسه است یا نه؟ نظام ارزشی خانواده چقدر با مدرسه همخوانی دارد؟ اینها مسائل مهمی است که وجود دارد. حالا اینجا است که برای پیشگیری از انحرافات دانش آموزان نوجوان در دبیرستان و راهنمایی باز دبستان مهم است، اصلاح رفتارها، اعتلای شخصیت، همانند سازی ها و سالم سازی شخصیت و تأثیرگذاری روی خانواده از دبستان شروع می شود. این را همه قبول دارید و اگر بخواهید بچه ها را مذهبی کنید و وجه مذهبی داشته باشیم،

باید از دبستان، به خصوص از کلاس اول دبستان شروع کنیم و برای این کار کتاب مهم است، مدرسه هم همین طور. وجود مسجد در مدرسه مهم است و مهم ترین عامل الگو است، معلم شاخصی است که باید به عنوان الگوی کمال به سر کلاس برود.

لذا پسندیده است که بزرگان قوم و جامعه ی ما آموزش ابتدایی را به عهده بگیرند. در جامعه ی غربی هم روان شناسانی مثل پیازه، گزل و الکسیرووات همه ی این ها افتخارشان این است که معلم دبستان بودند. ما باید همانگونه که اشاره شد، از بصیرترین، فهیم ترین و دلسوزترین افراد به عنوان معلم استفاده کنیم و این

[صفحه ۲۶۳]

دوگانگی در تفاوت بین دبیر و آموزگاران را از بین ببریم. معلم کلمه ی مقدسی است، آن را در امور استخدامی نگذاریم. اگر ما بتوانیم دبستان، به خصوص کلاس اول را درست بکنیم، بتوانیم مدرسه را با خانواده پیوند بزنیم و ارزش ها را از طریق الگوهای رفتاری انتقال دهیم، آن وقت دانش آموز پایه ی محکمی پیدا می کند. برادرها و خواهرها همه می دانند که دبستانی ها دو صفت ممتاز روان شناختی دارند، یکی از آنها این است که خیلی پرنرزی اند. سن خودشان را دوست دارند، نه دوست دارند کوچک باشند و نه دوست دارند زود بزرگ شوند. برای فارغ التحصیل شدن از دبستان عجله ندارند. بچه های کوچک دوست دارند بزرگ شوند، بزرگترها هم حسرت گذشته را می خورند. اما دبستانی ها در سنی که هستند، کیف می کنند و دوست دارند در این سن بمانند و صفت دوم و ممتازشان این است که برخلاف دبیرستانی ها، به جای همکلاسی، به معلم توجه دارند یعنی به الگو توجه دارند. به الگو توجه می کنند نه به همکلاسی. دبیرستانی ها بیشتر به همکلاسی ها توجه می کنند.

حالا که در دبستان الگو، اصل است، ما هم باید الگو سر کلاس بفرستیم، پس الگویی بفرستیم که در واقع انتقال دهنده ی همه ی ارزش ها و موازین و معیارهای الهی از طریق دانش آموزان به خانواده باشد. دکتر جاسبی:

جناب آقای زرهانی اگر توضیح تکمیلی دارید به خصوص در مورد دانشگاه بفرمائید؟

[صفحه ۲۶۴]

آقای زرهانی: (ابعاد تأثیرپذیری و کانون های تأثیرگذار در رفتار انسان)

ببینید ما الان سعی می کنیم که صورت مسأله را به نحوی بیان کنیم که برایش راه حلی پیدا کنیم. خوب در بیان نظر بلامانع است. اما این را هم باید دانست که از زمانی که مطرح شد دانشگاه ها باید اسلامی بشود و قدمی برداشتند و دیدند نمی شود، کشف بزرگی شد و آن اینکه همه ی مشکلات ناشی از آموزش و پرورش است. بنده به عنوان یکی از خادمان آموزش و پرورش این مسؤولیت را می پذیرم. ولی این اجازه را هم می خواهم که قدری صورت قضیه را بازتر کنیم. ببینیم آیا واقعاً همینطور است؟ یعنی در آموزش و پرورش - که آقای نوچمنی می گویند ۷۰٪ از بچه ها در نماز شرکت می کنند - یک کاری می کنند که بچه ها بدون توجه به نماز بار بیایند و یا گره هایی دیگر هم در کار است. به نظر بنده، انسان در سه بعد تأثیر پذیر است. بالاخص در دوره ی کودکی و نوجوانی.

یکی بعد عاطفی است، یکی بعد شناختی و یکی بعد رفتاری. همین نماز را اگر بخواهیم مثال بزنیم، بعد عاطفی اش را فرموده اند داشتن یک احساس خوشایند نسبت به نماز. بعد معرفتی اش - اشاره شد - دانستن فلسفه ی نماز و بعد رفتاری اش این که در مدرسه، در خانه و در مسجد نوجوان عملاً نماز بخواند.

خوب ما باید ببینیم کانون های تأثیرگذار بر این سه بستر رشد پذیری انسان، کدامند؟ به نظر می رسد که اول باید به خانواده برویم. امروز هم عده ای از روان شناسان معتقدند و اعلام می کنند که کودک تا ۴ سالگی اساس شخصیتش ریخته می شود و اگر در معرض شناخت ها، رفتارها، جاذبه ها و دافعه های ناگوار و منفی قرار بگیرد - این شخصیت از هم پاشیده - با یک زیربنای متزلزل، هر چه را در دوره ی مدرسه و دانشگاه روی آن سوار کنید، استوار نمی ماند. بنده

[صفحه ۲۶۵]

نمی خواهم بگویم این سخن بطور کامل درست است.

البته ما از این مهمترش را هم داریم که اُس و اساس سعادت و شقاوت در بطن اُم می باشد. اما خانواده های ما، امروز چگونه تغذیه می شوند؟ خانم صفاتی اشاره فرمودند ما از چه رهگذری داریم دانش عمومی خانواده ها را بالا می بریم. مسأله تنبیه بدنی در خانواده ها، ظلمی که به خانمها می شد، کاری که از بچه ها کشیده می شد، برخی از ترک تحصیل های تحمیلی، اینها مسائلی است که در درون خانواده های ما وجود دارد.

مسأله ی دیگر آموزش و پرورش است. برادرها بحق مسائلی را مطرح فرمودند. ما بطور قطع نمی توانیم با این پایه ی حقوق که زیر خط فقر است، مغزهای متفکر و انسان های صالح را بیاوریم و از آنها بخواهیم که تعلیم و تربیت مسأله ی اصلی ایشان باشد. شغل های دوم و سوم و موارد دیگری وجود دارد که بنده باز به همین اندازه بسنده می کنم.

در دانشگاه ما چه مشکلی داریم؟ مهم ترین مشکل ما در دانشگاه های کشور- آقایان اهل علم- لائیک بودن علوم انسانی است. ماهیت وابسته ای است که علوم انسانی از غرب دریافت کرده اند. آنچه در رنسانس اتفاق افتاد این بود که گفتند خدا در آسمان خدایی بکند، ما به کمک عقل، امور مردم را تمشیت می کنیم. این عقل می لنگد. همین علوم را دارند وارد می کنند و ما هنوز نتوانسته ایم اقدام اجتهادی و عالمانه ای برای اصلاح علوم بکنیم.

مسأله ی دیگری که ما با آن مواجه هستیم، کانون چهارمی که روی رفتارها تأثیرگذار است، رسانه ها هستند. در دانش امروز واژه ای وجود دارد به نام Communication یا ارتباط.

[صفحه ۲۶۶]

ادعای این واژه این است که شخصیت را من می سازم. ما با ۵ کانال تلویزیونی مثل ۵ پمپ که آب را در یک جایی پمپاژ می کنند، اندیشه و فرهنگ و روش را از مغرب زمین می گیریم و به مشرق زمین و جهان اسلام و کشورهای اسلامی منتقل می کنیم. البته تولید فرهنگی هم داریم، روز به روز هم تولید فرهنگی ما بهتر می شود، اما نرم افزاری که در غرب تولید می شود، هیچگاه متکی بر بصیرت و بینش توحیدی نیست. درون مایه ی آن، پیام های آن و نمادهای آن مسائل دیگری هستند.

دکتر جاسبی:

جناب آقای نوچمنی، شما در ارتباط با جذب این دانش آموزان به نماز، چه مقدار کار کرده اید؟ اگر ممکن است آماری ارائه دهید.

آقای حجة الاسلام نوچمنی: (آماري از وضعیت نماز در مدارس)

خوب این مشکل همه ی انبیاء و سفیران الهی بوده است. پیامبر بزرگ اسلام سیزده سال در مکه ی مکرمه تبلیغ می فرماید، وقتی که مهاجرت می فرمایند عده ای که با پیامبر می آیند از دویست نفر تجاوز نمی کند. این رشد هر سال ما نسبت به نماز الحمدلله خوب است و ما تقویت را در آن می بینیم. در سال اول تأسیس ستاد اقامه نماز ۷۰-۶۹،

ما پانزده هزار نماز در روز در مدارس کشور داشتیم، ولی به شکر خداوند امسال به ۷۰ هزار رسید و همین آمار در درصد، واقعاً آماری است که ما از خود استان ها با جدولی دریافت کرده ایم. هر چند

[صفحه ۲۶۷]

نخواستیم که نماز را هم در قالب آمار ببریم. فلسفه ی وجودی ستاد اقامه نماز در آموزش و پرورش این نیست که ما دانش آموزان را در مدارس ضبط بکنیم و در آنجا نماز اقامه بشود. این قدمی است برای حضور در مسجد. کار پیوند مسجد و مدرسه را داریم. این آماری است که من عرض می کنم و صحبتیم را تمام می کنم: «۱۶۸۲۴ نماز» در حیاط مدارس داریم. «۱۲۰۰۰ نماز» در کلاس، «۱۵۰۰۰ نماز» در نمازخانه ها و «۵۳۴۶ نماز» در مساجد اقامه می شود. یعنی دانش آموزها ظهرها به مسجد برده می شوند، مساجدی که تا محدوده ی دویست متر، سیصد متر نزدیک مدارس هستند، دانش آموزان برای اقامه ی نماز به آن مکان ها خصوصاً مسجد برده می شوند.

آقای فراهانیان: (تأثیر هنر به خصوص در صدا و سیما)

عرض کنم اینجا سؤالی آمده است. من دیدم جناب حجة الاسلام آقای قرائتی هم تشریف دارند، مناسب دیدم این نکته را عرض کنم. ببینید عزیزان من، بسیاری از کارها در نظام دارد انجام می گیرد که همه آنها برای نماز مؤثر و مفید است.

اما با اینکه تلویزیون ما نسبت به تلویزیون های دنیا بسیار سالم است ولی واقعاً بسیاری از این برنامه ها، اگر نگوئیم اثر همه ی کارها را خنثی می کند، لیکن اثر برخی کارهای مثبت را تضعیف می کند. حالا می گوئیم تلویزیون نسبت به

[صفحه ۲۶۸]

گذشته خیلی بهتر شده است و واقعاً روزه روز هم - ان شاء الله - بهتر می شود. اما برنامه های تلویزیونی مورد اعتراض تمام دخترها و پسرهای مذهبی و حزب اللهی است و خیلی به ما مراجعه می شود که آقا! فلان فیلم را شما ببینید. الان جو غالب فیلم هایی که تولید خارجه و حتی تولید داخل است به برخی مسائل دامن می زند، با توجه به

اینکه دخترها و پسرها به سینی رسیده اند که حالا وقت مثلاً انتخاب طرف مقابل است! و آن وقت جو خود فیلم فضایی نامناسب را بوجود می آورد.

جناب حجة الاسلام آقای قرائتی! بنده پیشنهادم این است که یک بخش هنری درست شود و خود بنده هم به سهم خودم برای همکاری آمادگی دارم. باتوجه به اینکه یک مقدار کارم این است. بیاییم برخورد هنری با نماز را جدی بگیریم و از رادیو و تلویزیون هم بخواهیم سرمایه گذاری کند. شما هم تلاش بفرمایید ان شاءالله این مسأله را از این زاویه بیشتر کار بکنیم. من به شما اطمینان می دهم که اثرش بسیار بیشتر از بسیاری از زحمت هایی است که دوستان ما دارند در این ستاد می کشند و تأثیر کارشان محدود است.

دکتر جاسبی: (جمع بندی مطالب و نتیجه گیری)

از همه عزیزانی که در این میزگرد شرکت کردند تشکر می کنیم. من چند تا نکته را جمع بندی کنم. نکته ای که همه روی آن اتفاق نظر داشتند این است که سرمایه گذاری در آموزش و پرورش بایستی واقعاً افزایش پیدا بکند. همان

[صفحه ۲۶۹]

طوری که آقای زرهانی اشاره کردند معلمین ما زیر خط فقر هستند، با توجه به حقوق معلمین آنها نمی توانند یک زندگی بی دغدغه را تأمین کنند و نهایتاً اینکه نمی توانند به دانش آموزان و نسل نوی ما برسند. دیگر این که من دیدم بعد از آن صحبتی که کردیم که مشکلات را از دانشگاه پاس دادیم به آموزش و پرورش، جملاتی گفته شد، در یادداشت هایی که آمد و بعد هم آقای زرهانی از آموزش و پرورش پاس داد به خانواده و یواش یواش رفت به بطن مادران! من فکر می کنم که همه این ها واقعاً قابل بررسی می باشند و بایستی مورد توجه قرار بگیرند. هم آموزش و پرورش، هم دانشگاه و هم خانواده. اما این میزگرد، چون میزگردی بود که بیشتر با نسل نو و نسلی که در آموزش و پرورش هستند، ارتباط داشت ما سخنان را در آن قسمت آوردیم که ان شاءالله مورد توجه قرار می گیرد. یادداشت های زیادی آمده است در ارتباط با صدا و سیما و تلویزیون و اینکه فیلم های خارجی، فرهنگ غرب و مادی گری را به جامعه ما پمپاژ می کنند که این نکته باید مورد توجه قرار بگیرد.

حالا ان شاءالله فردا جناب آقای دکتر لاریجانی می آیند و شما با ایشان این موضوع را هم در میان بگذارید. اجازه بدهید به یاد شهید مظلوم دکتر بهشتی جمله ای را عرض کنم و میزگرد را به پایان برسانم. من به خاطر دارم زمانی فردی را به شهید بهشتی معرفی می کردیم، که او آدم شجاعی است، آدم مبارزی است و آدم قهرمانی است، با سواد

است و... شهید بهشتی گفت: همه اینها که گفتید درست، ولی قبل از همه اینها ما می خواهیم که او بنده خدا باشد.
ایشان نماز

[صفحه ۲۷۰]

می خواند یا نه؟ نمازش را به موقع می خواند یا نه؟
امیدواریم که همه ما در جهت عبودیت و بندگی خدا گام برداریم و تلاش همه مسئولین و دست اندرکاران اقامه نماز
در این جهت قرین موفقیت باشد.
«ان شاءالله»

[صفحه ۲۷۳]

میزگرد احیاء مساجد

بسم الله الرحمن الرحيم

حجة الاسلام تقی قرائتی:

از میزگرد سال گذشته تاکنون، دنبال این مسأله بودیم که ببینیم مسجد چرا اینگونه است؟ یا باید رهایش کرد و درها را بست، یا باید به آن رسید. این مسأله که همه ی عزیزان، همه ی مؤمنین و همه ی دوستداران نماز می گویند باشد و به آن توجه هم نمی شود، مسئله ای است که عزیزان از آن رنج می برند. دید کلی بر این است که مسجد پرورشگاه است، همانند دامن مادر. آماری که گرفته شده است این است که ۴۵ درصد از اوقات شریف شهدای ما در مسجد گذشته است. اگر واقعاً مسجد پرورشگاه خوبی است، بهتر از این باید به آن رسید، چون این مسجد است که مثل مادر، شیر خود را که نماز است، با دست خودش به جوانان و نوجوانانی که تشنه هستند می رساند. اگر مقداری این را جا به جا کنیم نتیجه های معکوس خواهیم گرفت. با اوضاعی که دنیا و جامعه کنونی ایران ما دچار آن

[صفحه ۲۷۴]

می باشند، تکلیف ما را به کجاها می رساند. اگر این شیر مادر عوض شود و به شیر خشک تبدیل شود، یعنی فرهنگسراها، پارک ها، فیلم ها، سرگرمی ها و ورزش ها جای مسجد و نماز را بگیرند، نتیجه ای که ما و خون شهدا از آن می خواستیم بگیریم، بدست نخواهد آمد. اگر این شیر، از مادر گرفته شود و توسط شیشه تکیه و حسینیه، مصلی، پارک و غیره، به این بچه و به این نوزاد برسد، آن عاطفه مادری را به همراه نخواهد داشت. بی دلیل نیست که فقها فتوا داده اند نماز فرادی در مسجد، ارجح است از نماز جماعت در غیر مسجد. چه کلمه ای برای یک مؤمن زیباتر از مسجد است؟ مسجدی که رسول گرامی اسلام (ص) بیشترین وقتشان را در آنجا مصرف می فرمودند. مسجد نمی تواند همانند مادر حرف بزند، ولی روزی از من و شما شکایت خواهد کرد که من و شما قدرت جواب نخواهیم داشت. نماز در مسجد «تنهی عن الفحشاء و المنکر» است. اگر این نماز جمعه های ما که مظهر، «تُرْحُبُون» به عَدُوِّ اللَّهِ است، نباشد، دست ما دیگر به جایی بند نیست.

به هر حال ما که مفتخر هستیم به کسوت روحانیت و روحانیت سرپرست این خانواده است و سرپرست این مادر، تا به اولین محل پرورش خود و به آنجایی که ما را در آن به طی صراط مستقیم تشویق کردند، به مساجد، پردازیم و به بچه های خود سرزنش، جوانان خود را در نیاییم و این خانواده را در نیاییم و به جای آن به جاهای دیگر برویم و به آن بچه های ولگرد توی خیابان پردازیم، وضع نامطلوبی پیش خواهد آمد. الان وضعیت نه چندان مناسبی وجود دارد، به عنوان مثال:

آخرین شغل و کمترین شغل روحانیت پیشنمازی شده است و این مشکلی

[صفحه ۲۷۵]

است که ما باید به آن برسیم. این مادری است که در دامن او عزتمندانه زیستن و خندیدن به همه عاطفه ها و محبت های دروغین و خندیدن به تهاجم فرهنگی صورت می گیرد. دامن مادر، امنیت آفرین است. اگر مساجد ما تحرک پیدا کنند و جایگاه خودشان را پیدا نمایند، خواهیم دید که نماز ما بهتر از این خواهد شد. روزه ما، زکات ما، حج و جهاد ما همه در جای خود قرار خواهند گرفت. خداوند متعال این ظرف را برای این کار ساخته اند و دستورش را عنایت فرموده اند، نه آنچه ما الان داریم از آن استفاده می کنیم. مثلاً وقتی که کسی مرد، می گوییم او را به مسجد ببرید. خدا ان شاءالله توفیق عنایت کند که عاشقان نماز و مسجد، بتوانند حق مادر خودشان را ادا کنند و نسل نو بتوانند از این نعمت عظمی بهره ی بیشتری بگیرند، می بینید و خواهید دید که شخصیت های برجسته نظام حال و آینده ما، همه آنها کسانی هستند و خواهند بود که در مساجد پرورش یافته اند.

با این مقدمه برای شروع بحث، سؤالات میزگرد را مطرح می کنم:

سؤال اول را از جناب آقای مهندس بنیانیان داریم. ایشان در امور تربیتی کارشناس بوده اند و اکنون نیز معاون فرهنگی سازمان برنامه و بودجه می باشند و در این چند ساله الحمدلله سخنان ایشان در اجلاس نماز، راه گشا بوده است. از ایشان می خواهیم که بفرمایند ویژگی های یک مسجد نمونه چیست و مسجد نمونه چگونه می تواند باشد؟ آقای بنیانیان:

بسم الله الرحمن الرحيم

من خیلی فکر کردم که در این ۶-۵ دقیقه ی این میزگرد چه چیزی بگویم که روز قیامت بتوانم پاسخگو باشم. چون رؤسای دانشگاه ها و متدینین

دانشگاه ها و نخبگان حوزه ی علمیه اینجا هستند، ریشه ای ترین مسأله را عرض می کنم و به لحاظ مسئولیت (معاونت سازمان برنامه و بودجه) عرض می کنم که ما آمادگی تأمین اعتبار کافی برای تحقیق روی این مشکل ریشه ای را داریم. ببینید عزیزان! برای ایجاد جاذبه در مسجد، بایستی اقدامات تأثیرگذاری را انجام داد. کارهای بسیار ارزشمندی انجام شده است. یک مجموعه اقداماتی را باید انجام داد که انسان ها از درون خانه به سمت مسجد حرکت کنند، به خصوص نسل جوان ما. در این فاصله موانع بسیار جدی و ریشه ای داریم. مسئولیت اداری من حکم می کند که بخش های دیگر از آن را باز کنم. گرچه خواهش می کنم با دقت گوش کنید تا سوء تفاهمی ایجاد نکند. مقوله ی حضور در مسجد، مقوله ی تعادل بخشی، توجه به روح و معنویت در مقابل توجه به نیازهای جسمی و مادی است. حالا نگاه کنید به صحنه های اجتماعی که چه عواملی در حال حاضر، نیازهای جسمی و مادی ما را روز به روز پر از توسعه و رونق فزاینده می سازند و چه عواملی در جامعه، توجه به معنویت و مسائل روحی را به انزوا می برد. اگر بخواهیم مسجد احیا شود، این عدم توازن را باید به هم بزنیم. همین معنا است که منابع مختلف جامعه را جا به جا می کند یا به سمت احیای دین و یا به سمت مهجور شدن دین. با توجه به اینکه ما کشوری جهان سومی هستیم، روند عمومی و شکل توسعه از غرب وارد می شود. ماهیت توسعه اقتصادی و توسعه غربی، توسعه نیازهای مادی و جسمی است.

برای توسعه مادی و جسمی همه ساختارهای علمی، از جمله آموزش و پرورش، آموزش عالی، اقتصاد و سازماندهی های اجتماعی طراحی شده است و حتی نظام حکومتی بر اساس توسعه مادی است. ما در سازماندهی نظام کلی

حکومتی مان دچار یک اشکال ریشه ای هستیم، به این بحث عنایت کنید تا از آن سوء استفاده سیاسی نشود و آن اینکه ضرورت بعضی مراجعات به افکار مردم برای شکل دهی به ساختار کشور و تشکیل مجلس برای مدت چهار سال مطالبی را اقتضاء می کند. تهاجم فرهنگی غرب به افکار عمومی مردم در توسعه، نیاز شکم و شهوت و لباس را

سازماندهی می کند. مجریانی که رای مردم را می خواهند در پاسخ به این نیاز مردم، عکس العملشان در مدت چهار سال توجه به شکم است و لباس و مسکن.

در یک چنین جوی که گروهی از مؤمنین فکری چهار ساله دارند، در این میان، مسائل فرهنگی، قربانی می شود و یکی از مسائل فرهنگی مسجد است. نهاد برنامه ریزی کشور و زیر مجموعه دولت جمهوری اسلامی، باید حساسیت های دولت چهار ساله را پاسخ گو باشد. مردم از نمایندگان خود ساختمان، اتوبان، جاده، پل، فرودگاه می خواهند نه دینداری نسل جوان و در بعد آموزش و پرورش نیز، شما فقط وزن «آموزش» می طلبید، اما وزیر محترم و مسئولینش را محاکمه می کنید که چرا بچه های ما دین ندارند. شما در همه ی ساختارهای پیگیری و نظارت، فقط آموزش می خواهید. از دانشگاه هم فقط آموزش می خواهید و داریم همدیگر را محاکمه می کنیم. اگر فرزند شما سواد نداشت به آموزش و پرورش حق می دهید او را نگه دارد و اگر دین نداشت، حق نمی دهید که او را نگه دارد و دیندارش کند. توسعه غرب، بحث شکم است و لباس و توسعه شهوت. این توسعه به کمک اطلاعاتش، تکنولوژی اش و علومش این نوع تقاضاها را توسعه می دهد و نمایندگان برای گرفتن رأی مردمی که گرچه مؤمن اند و متدین، تمام حساسیت هایشان گرد محاکمه وزراء آموزش و

[صفحه ۲۷۸]

پرورش، دانشگاه، جهاد و وزرای مختلف در ارتباط با تأمین این نوع نیازها رقم زده می شود. برادران عزیز و خواهران محترم، مسائل دینی را با حساسیت های شخصی و فردی نمی توان پیگیری کرد. همان طور که نظام آماری به طور روزمره تغییرات قیمت کالا و مرغ را اندازه گیری می کند و جلوی رئیس جمهوری فرهنگی شما می گذارد و ایشان را مجبور می کنند که دغدغه شبش قیمت مرغ باشد، شما دانشگاهیان و حوزویان هم کمک کنید تا شاخص های فرهنگی- دینی نسل جوان را اندازه گیری کنیم و بگذاریم در مقابل مقام معظم رهبری، رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس و ساختارهای سازمانی را برای احیای دین نسل جوان به کار بگیریم، بنده به عنوان معاون فرهنگی سازمان برنامه و بودجه در خدمت آن دانشگاهیان و حوزویانی که پیام مرا گرفتند هستم تا ان شاءالله با تخصیص منابع مالی برای صرف تحقیق و مطالعه، نه ساختمان سازی، این معضلات ریشه ای ساختارهای اجتماعی را شناسایی و در اختیار مسئولان بزرگ نظام قرار دهیم.

حجة الاسلام تقی قرائتی:

جناب حجة الاسلام مداح، دبیر کانون های فرهنگی مساجد در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. با توجه به مسائلی که در زمینه ی ضعف فعلی مساجد در امور فرهنگی وجود دارد، راه کارهایی را ارائه بفرمایید.

[صفحه ۲۷۹]

حجة الاسلام مداح:

بسم الله الرحمن الرحيم

در ارتباط با کارهای فرهنگی مساجد، همان طوری که عزیزان، خواهران و برادران اطلاع دارند بعد از پیروزی انقلاب بحمدالله این سنت حسنه پای گرفته است که مسجد فقط محلی برای عبادت صرف، آن هم به معنای اقامه نماز نیست. بسیاری از مساجد در حال حاضر در کشور وجود دارند که نهادهای مختلف فرهنگی اعم از سازمان تبلیغات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خود برادران بسیج و دیگران کارهای فرهنگی در آنجا انجام می دهند. به دلیل مشکلاتی که ما در این ارتباط داریم، معمولاً موانعی در پیش پای عزیزانی که کار فرهنگی می کنند گذاشته می شود که باید این موانع برداشته شوند.

ما نمی توانیم بگوییم که همه کارها را باید به مسجد آورد. ما باید سفره مسجد را آنقدر پهن کنیم که بگوییم هر کس هر چه می خواهد، بیاید، سرسفره ی مسجد وجود دارد. بنده به عنوان مسئول یک کانون فرهنگی و هنری خدمت شما مسائلی را عرض می کنم و بی اطلاع نیستم. به هر حال ما در مساجد فعالیت های فرهنگی انجام می دهیم، اما آن طور نیست که ما تمام کارها را بتوانیم در مسجد انجام بدهیم. اگر واقعاً همان اقامه نمازی که خواسته شده است در مسجد انجام شود، همان تعلیم و تربیتی که وظیفه امام جماعت، واعظ، خطیب و سخنران است، در مسجد انجام بگیرد و در همان کلاس هایی که در مساجد بعضاً تشکیل می شود، معلم به درستی کار خود را انجام بدهد، بخش عظیمی از مشکلات حل خواهد شد. جمع، جمع خودی است، متأسفانه باید عرض کنم که

[صفحه ۲۸۰]

بسیاری از ائمه محترم جماعت ما هنوز اعتقاد به کار فرهنگی در مساجد ندارند و مانع جوانان می شوند. با این استدلال که شما اصلاً نمی توانید کار فرهنگی بکنید، بلد نیستید کار فرهنگی بکنید، کار فرهنگی را باید ما بکنیم.

خود او هم کار فرهنگی به آن معنا انجام نمی دهد، یا بدون مطالعه حاضر می شود یا از مباحث روز و مباحث جدید آگاهی و اطلاع ندارد. هنوز که هنوز است در مسجد فقط در همان هنگام نماز باز می شود. خیلی زود هم می خواهد بسته بشود. به قول حاج آقا قرائتی از آن طرف هم خادم عبوس و عصبانی است که با بچه ها برخورد می کند.

به هر حال بایست اول مقتضی را موجود کنیم، بایستی مساجد کاملاً و از هر جهت آماده باشند. از جهت بهداشت، نظافت و از جهت نظم در امور. هنوز مساجد ما مرتب و منظم نیستند. کارهایی که در آن انجام می شود به صورت منظم و با ترتیب نیست. حالا ما اگر مثال بزنی به سایر بلاد اسلامی، بلافاصله شاید به بعضی ها برخورد. آقای امام جمعه محترم شیراز آیت الله حائری شیرازی خوب فرمودند، به هر حال محاسن آنها را باید گرفت. هنوز مؤذن های ما قبل از اذان و بعد از اذان معلوم نیستند. دعا خوان بین دو نماز معمولاً هر دعایی که دلش می خواهد، می خواند. بعد از نماز نیز همین طور است، هیچ نظم و انضباطی نیست، البته این به آن معنا نیست که هیچ مسجدی این گونه نیست. نخیر! ما مسجدی داریم که به هر حال منظم و مرتب هستند و بازدهی خیلی خوبی هم دارند. بنابراین اگر می خواهید که واقعاً از مساجد استفاده بهینه شود، باید به مساجد رسیدگی گردد. یکی از شؤون حکومت این است که برنامه بدهد. وقتی که می گوئیم حکومت، منظور دولت نیست که خیلی ها اشکال کنند که ای

[صفحه ۲۸۱]

داد و بیداد مساجد ما دولتی شد.

حکومت - منظور تمام نهادهایی است که در این کشور دارند کار می کنند - بایستی به مساجد برنامه بدهند تا مساجد سلیقه ای عمل نکنند و هر کس هر چه دلش خواست انجام ندهد. باید مساجد محلی برای معنویت درخور باشد. بعضاً دیده می شود که در خود مساجد غیبت می شود، تهمت زده می شود و گناهانی صورت می گیرد و حال و هوای نفسانی بر خیلی از افراد حاکم است.

خوب اینها سبب جذب نمی شود، بلکه دافع است. اگر می خواهیم که مشکلات ما در ارتباط با نماز و مسجد و جذب جوانان به مسجد حل بشود، باید کار بکنیم. باز هم از کلمات آیت الله حائری شیرازی استفاده می کنم که در گذشته از ایشان شنیدم - باید اهل محل هر مسجد، نمک گیر مسجد بشوند نه اینکه فقط یک عده خاص با مسجد ارتباط داشته باشند و اگر اطعامی صورت گیرد، فقط همان افراد خاص، از آن بهره نگیرند. باید دانش آموز، یا

دانشجو را اگر موفق است در مسجد تشویق کنند. باید امام جماعت، هیأت امناء و مسئولین فرهنگی به خانه های کسانی که حتی اهل مسجد نیستند، اهل نماز نیستند، سرکشی بکنند. اگر کسی بیمار می شود به عیادتش بروند. اگر کسی از آنها فوت می شود، یک تاج گلی، یا یک شاخ گلی بگیرند و دسته جمعی به منزل او بروند. آیا ما این کارها را کرده ایم که بعد بگوییم آنها جذب مسجد نشدند؟ اگر این کارها را بکنیم فکر می کنم که ان شاء الله جذب مسجد خواهند شد.

حاج آقا تقی قرائتی:

ضمن تشکر از حاج آقای مداح، یک استفاده ی فقهی هم از صحبت های ایشان می شد که مسجد تولیت بردار نیست، مال همه است و کسی حقی بر آنجا ندارد،

[صفحه ۲۸۲]

حتی خود واقف نمی تواند اختیارات مسجد را محدود کند، چنانچه در خبرها بود که یک کسی یک مسجدی ساخته و گفته کسی حق ندارد اینجا نماز بخواند، چون من اینجا را برای مراسم هفت، چهلم و سال ساخته ام. وقتی این گونه شد، خوب این مسائل هم پیش می آید. ما در تاریخ داریم، حال صحت و سقمش با آقایان است. خود امیرالمؤمنین متعرض کسی نمی شد که تو آمدی اینجا چکار کنی؟ بلند شو برو! هیچ کس نمی تواند کسی را از مسجد بیرون کند. هیچ کس نمی تواند بگوید من متولی مسجدم. مسجد، «وضع للناس» است. مساجد الان در حال رسیدن به این وضعیت است، این است که همه به هم نگاه می کنیم. یکی می گوید معطل اوقافم، اوقاف هم مشکلاتی دارد. من این را به عنوان نمونه عرض می کنم، اخوی محترم هم هستند. مسأله اوقاف واقعاً وبالی شده برای مردم و الان قفل شده و باید روی آن کار کارشناسی بشود. الان آن مساجدی که موقوفه دارند، دارای مشکل هستند. مردم می گویند این مساجد موقوفه دارند، روحانی آن هم همین طور و... اما موقوفه مشکلی را حل نکرده است. اگر بخواهیم مشکل مساجد حل شود همه با هم باید کار بکنیم، چنانچه نسبت به «امام حسین (ع)» اینگونه است. شما ندیده اید یک جا مشکل حسینییه مطرح بشود. می آیند پول می دهند و خرج و آقا دعوت می کنند، یک جا گیر آب و برقش نیستند، اما هر مسجدی که سراغ دارید، اولین مشککش هزینه های خدماتی آن است، به خاطر اینکه گردن هم می گذارند، هیچ کس مسئولیت پذیر نیست. خلاصه فرمایش حجة الاسلام مداح این بود که ما باید همه با هم،

هر کسی گوشه ایی از کار را بپذیرد. ارشاد، اوقاف، مرکز رسیدگی به امور مساجد- که در تهران مستقر است- سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه ی روحانیت و

[صفحه ۲۸۳]

حوزه های علمیه، همه باید با هم این کار را انجام بدهند، کاری نیست که حتی دولت به تنهایی بتواند انجام بدهد. از جناب حاج آقا صادق زاده حفظه الله تقاضا داریم اطلاعاتی درباره ی وضعیت مساجد موجودی که ایشان در تهران تحت پوشش دارند، در اختیار عزیزان بگذارند.

حاج آقا صادق زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده فهرست وار مطالب خود را به عرض می رسانم. اصولاً باید به پنج رکن مسجد توجه شود. اگر به این ۵ رکن در مسجد توجه نشود، مسجد کارآیی خودش را نخواهد داشت و همین معضلات و مشکلاتی که امروز همه ی آقایان می بینند و اعتراضات و انتقادهایی که می کنند وارد خواهد بود. این ۵ رکن عبارتند از: ۱- ساختمان مسجد، قرآن هم به این مسأله اشاره دارد «انما يعمر مساجد الله من ءامن بالله» این آیه صراحت قرآن را در مسأله ساختمان بیان می دارد. پیامبر اکرم (ص) وقتی آیه را تفسیر می کند، می فرماید: فقط تعمیر بنا مورد نظر نیست، بلکه حضور مردم در مسجد نیز مورد توجه است. حدیث عجیب و تکان دهنده ای است. سند حدیث هم، سند خوبی است. براساس بررسی بنده این حدیث می فرماید: اگر می خواهی بگویی فلانی مؤمن است، ببین آیا معتاد به مسجد هست یا نه. معتاد به چه کسی می گویند؟ به کسی که تا صدای «الله اکبر» بلند شده می دود برای نماز! آنهایی که معتاد دود و دم هستند، حتی چند لحظه هم

[صفحه ۲۸۴]

نمی توانند دیر شدن آن را تحمل کنند.

این مطلب یک مفهوم مخالفی دارد، مفهوم مخالفش این است که آنهایی که معتاد مسجد نیستند، رفت و آمد با مساجد ندارند: «لیس بالمؤمن». به هر حال می خواهیم بگویم که از مصادیق آیه بنا است. نمی خواهیم بگویم همه

مصدق، تعمیر بنا است و لذا از وقتی که ما وارد این مسجد یا مصلاي جناب آقاي حسني شديم، هر کس را من ديدم، همه تعريف مي کردند و تصديق. همه بارک الله و آفرين مي گفتند. بنای مسجد اثر دارد. روی بنا بايد کار کرد. برادر بسيار عزيزمان حاج آقا تقی قرائتی هم سمیناری درباره بناهای آینده مساجد دارد. اين هم دو بخش است: ۱- مساجدی که بايد در آینده ساخته شوند که بايد در آنها سنت های اسلامی حفظ شوند. بنده در اين زمينه تخصص ندارم حرف هم نمی زنم. ۲- تعدادی از مساجد موجود کشور ما هم دارای بنا و ظاهري نازيبا هستند. اين هم یک بحثی است، بايد مساجدی که هست، سر و سامان بگیرند. مخصوصاً مسأله وضوخانه ها و بهداشت آنها. در ۵۵ مسجد در استان تهران با کمک مرکز رسيدگی به امور مساجد تغيير کلی داده ايم. مشارکت مردمی بايد در مساجد حفظ شود.

رکن بعدی امام جماعت است. ما تخمين زده ايم که نقش امام جماعت در جذب مردم به مساجد ۶۰٪ می باشد و لذا امام جماعت در جذب نمودن مردم نقش کارسازی دارد. من شب ها در تهران، هر شب به یک مسجد می روم. امام جماعتي است که ۷۰۰ نفر مأوم دارد. ۴۵۰ نفر از آنها جوانند. اين امام جماعت تمام منطقه را در

[صفحه ۲۸۵]

دست دارد. پزشکان منطقه را جمع کرده و با آنها جلسه گذاشته است. با کسبه هم همين طور. اصلاً منطقه را اداره می کند. اگر کاسبی گرانفروشی کرد از طريق کاسب و مسئول آن کسبه وارد عمل می شود و.... امام جماعت خیلی نقش مهمی دارد. ما یک بررسی در مورد سطح علمی ائمه جماعت انجام می دهيم. در خود استان تهران هزار و هشتصد امام جماعت وجود دارد، اينان را طبقه بندی می کنيم که در آینده برايشان در سطوح مختلف آموزش بگذاريم. نه تنها در فقه و اصول، در بيان و تفسير هم. روش بيان تفسير بايد تغيير پيدا کند. در تفسير نبايد اختلاف اقوال را گفت. می بایست برای آن زبانی جوان پسندانه و زبانی امروزی برگزید. رکن چهارم، مسأله ی خادم است و نیروی مقاومت بسیج پنجمین رکن است.

هر کدام از اين پنج رکن اگر در مسجد درست کار نکنند و آن طور که شايسته است کارشان را انجام ندهند، مشکل ايجاد می شود و مانعی است در مقابل جذب مردم. ما هم کار عملی کرديم. حالا بنده یک نمونه اش را اشاره می کنم، ما خدام پير و از کار افتاده را باز خريد می کنيم. يعنی ديديم در یک مسجد پيرمردی است که تا نماز تمام می

شود در مسجد را می بندد و می گوید مردم نیابند. وقتی در مسجد کلاس برگزار می شود، می آید داد می زند که بچه ها فرش ها را پاره کردند. تا دیروز که می آمدم سی و پنج نفر از خدام پیر را بازخرید کردیم، یعنی ما گفتیم آنها بیست سال در مسجد کار کرده اند و نمی شود همین جوری آنها را بیرون کرد. چهارصد هزار تومان مرکز امور مساجد داده است، به ائمه جماعت هم گفتیم چهارصد هزار تومان از مردم بگیرید، بدهیم آنها بروند. بعد هم مددجو پیگیر است تا حداقل یک خانه ای، یک اطاقی، خانه که نه یک اطاقی

[صفحه ۲۸۶]

بتواند اجاره کند. در مورد هیأت امناء هم مسائلی وجود دارد ما کارهایی را انجام داده ایم. آقای تقی قرائتی:

بنده دو نکته را عرض کنم. یکی این که وقت میزگرد خیلی کم است. مسأله بعدی این که برگزار کننده ی این سمینار بنده نیستم. سمینار «معماری مساجد» که ما برگزارکننده ی آن خواهیم بود، به این انگیزه شروع شده که متأسفانه ما برای سینما سازی در جمهوری اسلامی دوازده کتاب آیین نامه ای داریم که رنگش، سقفش، دیوارش، فرشش، صوتش، نورش، چگونه باید باشد ولی جزوه ای که اخیراً بنده با حاج آقا توسلی در هفت، هشت صفحه نوشته ایم، کاملاً غیر تخصصی است. ما یک جزوه برای مسجد سازی نداریم. خدمت رئیس جمهوری بودیم، جناب آقای خاتمی، ایشان فرمودند سینما صاحب دارد و بالاخره یک کسی هست که رسیدگی می کند، مسجد را چه کسی می خواهد رسیدگی کند؟ متأسفانه مساجدی که ما الان می سازیم، سیر قهقرایی دارد. از دوران قاجاریه به این طرف مسجد پویا ساخته نشده است. هر وقت بخواهیم مسجد خوب را مثال بزنیم، می گوییم مسجد امام اصفهان. بالاتر از آن نمی توانیم برویم. هیچ وقت به فکر این نمی افتیم که باید همراه و همپای پیشرفت ها، در مساجد تحول ایجاد کنیم.

به هر حال دوستانی در دانشگاه هنر، یعنی نهاد نمایندگی ولی فقیه و دانشگاه علم و صنعت، دانشکده های معماری و مسجد سازان در این راه قدم های خیری برداشته اند که الحمدلله الان در خدمت یک نفر از ایشان هستیم. یکی از این

[صفحه ۲۸۷]

مسجدسازان پیر مرد خیری است که تاجر بازار بوده، سه راه و پاساژ داشته، یکدفعه دیده که جوان ها دارند منحرف می شوند و نیاز به مأوا دارند و شخصاً، نه با پول خودش و با پول مردم متجاوز از صد مسجد ساخته است، خیلی هم عالی ساخته است. مساجدش هم الان در همه ی ایران پراکنده است، مخصوص یک جای خاص هم نیست. بسیار مرد شریف و با انگیزه ای است. واقعاً می ارزد که ببینیم این پیر مرد با دست خالی چطوری می تواند اینقدر فعال باشد. من از طرف خودم و مؤسسه عمران مساجد از ایشان بسیار تشکر می کنم و باید این گونه نیروها زنده بشوند. ایشان تا آخرین کاشی که کارکردند، با وضو بوده است. یعنی مردم با احترام و تقدس نگاه می کردند. زبانم الکن است از اینکه بگویم صد و پنجاه مهندس در این شش ماهه ی اخیر رفتند و وارد شهری شدند تا برای مسجد معماری کنند، فردی که به عنوان همراه با آنها فرستادیم می گفت از این صد و پنجاه نفر معمار، فقط یکی شان نماز خوانده و رفته برای مسجد معماری کند. مردم واقعاً باید در این زمینه احساس مسؤولیت کنند، چنانکه در تاریخ مسجد اعظم قم داریم، این را هم بگویم، می گویند: پیرزنی یک دانه آجر در میان دستمال گذاشت و آن را خدمت آیت الله العظمی بروجردی (ره) برد و گفت: این به قیمت یک تخم مرغی است که در آمد روزانه من است و دوست دارم که از این آجر در مسجد استفاده شود. الان می بینیم که اصلاً این فرهنگ نیست. اگر این فرهنگ در بین مردم و در بین جوانان حاکم شود، بسیار خوب است و مفید. در تاریخ چقدر مسجد داریم که زنها از مهریه و ارثیه شان شخصاً ساخته اند. ما مشکل تشخیص و مشکل فرهنگ داریم که اگر اینها باشد، نه نظافت مشکلی دارد و نه امام جماعت و نه غیر آنها.

[صفحه ۲۸۸]

از حاج آقا توسلی تقاضا می کنیم بفرمایید که چرا اسلام سفارش و تأکید کرده است که نماز باید در مسجد برگزار شود و نماز خارج از مسجد فرع است و چرا اصل با جماعت در مسجد است؟

حجة الاسلام توسلی:

بسم الله الرحمن الرحيم

مسجد پایگاه نماز است. اگر ما این شعار را سرمشق قرار بدهیم که مسجد پایگاه نماز است و نماز جماعت اولی است، اگر مردم به مسجد بروند، همه چیز حل می شود. نماز با آن کیفیتی که شارع مقدس تشریح فرموده است و

آثاری که در روایات برای آن ذکر شده است، چگونه است؟ اگر خداوند فرموده است «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر» این نماز، چگونه نمازی است؟ اگر ما پر و بال این نماز را بزنیم، آیا بازدارندگی آن از فحشا و منکرات، کم نمی شود؟ اگر می بینیم در جامعه نمازخوان هست، ولی «تنهى عن الفحشاء»ی آن نیست، یا کم رنگ است، به همان اندازه از نماز حقیقی و کامل فاصله دارد. کیفیت را شارع مقدس خیلی به آن اهمیت داده است. «خلق الموت و الحیات لیلوکم ایکم احسن عملاً» مرحوم علامه طباطبایی می گوید خداوند فرموده است که «ایکم اکثر عملاً» فرموده: آن قدرتی که خلق کرد مرگ و حیات را تا بیازماید شما را که کدام بیشتر کار انجام می دهید، فرموده است کدام بهتر انجام می دهید هر چه در نماز معرفت انسان زیادتیر باشد، کیفیت بالا می رود. هر چه اخلاص و

[صفحه ۲۸۹]

توجه و حضور انسان در آن زیادتیر باشد، ارزش عمل بالا می رود، هر چه زمانش ارزشمندتر باشد، یعنی اول وقت نیز همین طور.

در نمازهای مستحبی، شما می بینید که زمان نماز اول صبح یک ارزش ویژه ای دارد. نماز شب قدر و ارزش مضاعفی دارد. از نظر مکان، مسجد، محل نماز است، خوشا به حال آن انسان مؤمنی که در منزل طهارت کند و در مسجد با وضو باشد. این، تقدس مکان مسجد را می رساند که جامعه اسلامی همان طور که امام زاده را مقدس می داند، حرم اهل بیت (ع) را مقدس می داند، درب حرم را می بوسد، مسجد را نیز باید مقدس بشمارد. در حدیث قدسی آمده که: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي» خوشا به حال بنده ای که وضو در منزلش بگیرد و بعد به مسجد به دیدار من بیاید. حالا ما اگر بگوئیم خدایا ما حال زیارت نداریم، می خواهیم در خانه مان باشیم! چقدر این افت است.

اختلاف روایات در باب فضیلت هایی که درباره ی ارزش عمل وارد شده است چه محملی دارد؟ مثلاً درباره ی مسجد نبی (ص) یک روایت می گوید نماز در آن هزار برابر اجر دارد، روایت دیگری می گوید نماز در مسجد ده هزار برابر ارج دارد، یا در مسجدالحرام ده هزار و صد هزار. این یعنی چه؟ یا در اعمال دیگر محملش چیست؟ محمل این روایت این است؛ این روایات می خواهد توان عمل را به ما بفهماند. یعنی نماز در مسجد پیغمبر از هزار برابر تا ده هزار برابر قابل ارزش است. اینها یک قیمت نیست، عمل ما، اخلاق ما، در ارزش عمل اثر دارد و توازن عمل را بالا می برد، حالا ابعاد دیگری هم دارد مثلاً در مسجد محله

[صفحه ۲۹۰]

فرمودند ۲۵ برابر ارج دارد، در مسجد بازار، گفته اند ۱۲ برابر. اما در مسجد محله چون الفت اجتماعی را به همراه دارد و آثاری به آن مترتب می شود، شارع این زاویه را مدنظر داشته است. در انتهای میزگرد به دعوت حجة الاسلام قرائتی و حضار محترم پیر مرد خیری که بیش از صد مسجد ساخته بود در جایگاه حاضر شد و مورد تشویق حاضران قرار گرفت.

[صفحه ۲۹۳]

میزگرد فرهنگ و نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت سروران عزیز هستیم با بحثی در باب فرهنگ عمومی و نماز.

به نظر می رسد چنانچه از فعالیت های هنری و پژوهشی که در مورد همین بحث خاص در حوزه نماز در سال های اخیر انجام شده نمایشگاهی بر پا می کردیم، دوستان با جلوه های مختلف این حقیقت در آثار هنری بهتر و بیشتر آشنا می شدند و امیدواریم که در هشتمین گردهمایی، موفق شویم که چنین نمایشگاهی را هم داشته باشیم. در مقدمه لازم می دانم از سرور گرامی حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای قرائتی که بنیانگذار این اساس بوده اند، تشکر کنم و با توجه به این که سال های متوالی است که این نشست برگزار می شود، امیدواریم که در آینده شاهد برگزاری نشست های تخصصی در این حوزه باشیم. بحث هنر و نماز و بکار گرفتن ابزار هنری برای بیان مفاهیم متعالی نماز نیاز به نشست ویژه ای دارد.

تحقیقاتی که انجام شده مشخصاً حاکی از این است که نسبت مستقیمی میان

[صفحه ۲۹۴]

سواد و گرایش دینی و به ویژه گرایش به نماز وجود دارد. در بررسی های اجتماعی، دو متغیر اصلی و اساسی بیشترین تأثیر را دارد، این دو متغیر یکی مسأله ی ثروت است، یکی مسأله سواد. در تحقیقاتی که در حوزه ی تعلق به مسائل معنوی و تعلق به مسائل دینی انجام شده، ما شاهد دو تحقیق مستقل هستیم، یکی تحقیقی است که در سال ۵۳ توسط گروه تحقیقی با مسئولیت مرحوم دکتر اسدی انجام شد و این تحقیق مجدداً در دو سال پیش تکرار گردید. تفاوت بارزی در نتایج این دو تحقیق به چشم می خورد و این تفاوت بارز از جمله در مورد نماز به این صورت است که در سال ۵۳- سال های قبل از انقلاب- هر چه میزان سواد افزایش پیدا می کرد، تعلق به امور معنوی، به ویژه نماز کاهش پیدا می کرد و این نسبت در تحقیقی که در سال های اخیر انجام گردیده، عکس شده است، یعنی به نسبتی که افراد به میزان سواد و تحصیلاتشان اضافه می شود، تعلقشان به امور معنوی، به ویژه نماز افزایش پیدا می کند و البته در مورد ثروت این جور نیست، یعنی همان روندی که قبل از انقلاب بوده، بعد از انقلاب نیز بر طبق این گزارش، تغییری در آن ایجاد نشده.

در مورد خاص نماز باید عرض کنم که در یازده شهر کشور در سال ۷۶ تحقیقی در مورد افراد سنین بین ۲۰ تا ۵۵ سال انجام شد. اخیراً نتایج این تحقیق ارائه شده و این شاید جدیدترین تحقیق اجتماعی است که به حوزه ی دین پرداخته. نتایج تحقیق بسیار گویا است. نتیجه ی تحقیق نشان می دهد که صد در صد مردم مسلمان ایران (بین اقلیت های دینی این تحقیق انجام نشده) اسلام را به عنوان بهترین آئین زندگی می دانند. بنابراین گرایش و حرکت و سمت و سویی که در جامعه ما هست، چنین گرایشی است. من این تحقیق را در بعد نماز به طور

[صفحه ۲۹۵]

خاص عرض می کنم؛ ما تحقیقی در باب نماز داریم که می گوید ۸۶ درصد پدران و مادران نماز را توصیه می کنند که بالاتر از ۹۰ درصد مادران روی این قضیه تأکید و دقت دارند و در مورد پدران، ۸۳ درصد، آنان کسانی هستند که حساسیت دارند بر این که فرزندان شان نمازخوان شوند. البته میزان تأثیر گذاری آن متفاوت است، یعنی اگر مادران ۹۰ درصد تأکید دارند، در عین حال میزان تأثیر گذاری شان کمتر است، چون باید در جوانی از موضع عقلانیت با فرزند برخورد بشود تا تأثیر گذار باشد. به همین جهت تأثیر پدران در نماز خوان شدن فرزندان بیشتر از تأثیر مادران است، هر چند که متوسط حساسیت مادران بیشتر می باشد. این نکته را از این باب عرض کردم که آمار و ارقام و تحقیقاتی که به صورت گسترده در ۱۲ شهر کشور انجام شده یا در ۵ استان انجام گردیده جنبه ملی و فراگیر داشته است و با شیوه های نمونه گیری درست انجام شده است، و لذا حاکی از این می باشد که وضع تعلق دینی افراد به اسلام و به مقدسات، نه تنها کاهش پیدا ننموده، بلکه افزایش هم پیدا کرده است.

در حوزه ی فرهنگ عمومی، تعریفی را که برای فرهنگ و فرهنگ عمومی داریم، به فرمایش مقام معظم رهبری در این زمینه مستند می کنیم، ایشان بحثی که دارند این است که فرهنگ عمومی به وجوه رسمی فرهنگ خلاصه نمی شود (وجوه رسمی فرهنگ آن امکانات و وسایل و ابزارهایی است که در اختیار کارگزاران فرهنگی قرار دارد و در اختیار دولت است)، بلکه فرهنگ عمومی آن فرهنگی است که جریانش وسیعتر بوده، در تمامی زوایای زندگی حضور و نمود دارد. بر اساس نظر ایشان، آداب، اخلاق و روش های زندگی، بعد مادی فرهنگ عمومی هستند که تجلی اش در شکل لباس، در معماری شهرها و در معماری

[صفحه ۲۹۶]

خانه ها است، بعد ذهنی، بعد دیگری است که اخلاقیات را در بر می گیرد، مصادیقی که ایشان ذکر می کنند، از قبیل وجدان کاری و عدالت اجتماعی، آن بعد معنوی فرهنگ عمومی است. و باز بر اساس این نظریه جز به برکت یک فرهنگ عمومی صحیح ذهنی امکان ندارد ما در بعد مادی فرهنگ بتوانیم به توفیقی دسترسی پیدا بکنیم. بنابراین موقعی که ما می خواهیم ارتباط بین نماز و فرهنگ عمومی را بررسی کنیم بایستی یکی از باب بعد ذهنی به بحث و بررسی پردازیم و دیگری از بعد مادی و محیطی، مثال بارز و مشخص بعد مادی شهرسازی است، تحقیقاتی که در این حوزه در خصوص علل عدم گرایش جوانان و نوجوانان و دانش آموزان به نماز خواندن انجام شده است، بیان می دارد که یکی از مهم ترین مسائل، بعد محیطی است، یعنی مسائل فیزیکی، الان بنایی که ما در اینجا می بینیم، قطعاً در گرایش به نماز تأثیر مثبت دارد و اگر ما امکانات لازم را برای این امر فراهم نکنیم، قطعاً تأثیر منفی به جای می گذارد.

برای برآورد داده های آماری، محرز شده که اگر معماری و شهرسازی ما به نحوی باشد که مسجد محور شهر قرار گیرد و فضاهای دیگر حول محور مساجد طراحی بشوند، این امر در ایجاد فضای معنوی و روحانی و فضایی که به گسترش نماز منجر شود، تأثیر مثبت دارد، هم چنان که در معماری کهن ما، شما این را می بینید که مساجد در مرکز شهر قرار داشت و بازار، در کنار مساجد، بعد ارگ و دستگاه حکومتی در کنار آن، بعد منازل و معماری مسجد بر معماری شهر اشراق داشت. در شهرهای قدیمی شما این را می بینید، در یزد و در کرمان. از آنجا که نام خدا بلندترین نام ها است، هیچ بنایی به لحاظ فیزیکی مرتفع تر از

[صفحه ۲۹۷]

خانه خدا نیست، ایوان خانه ی اقلیت های دینی پایین تر از خانه ی مسلمین بوده است، شما در شهرهای کهن، در یزد هنوز هم این موارد را می بینید. بنابراین موقعی که محور، نماز می شود، در بعد مادی ما شاهد نحوه دیگری از شهرسازی هستیم، شاهد مسکن دیگری هستیم، شاهد حضور مساجد در جای جای شهر و در زندگی مردم هستیم، چرا که باید همه چیز یاد خدا را تداعی بکند، این وضعیت در نگرش مادی بوجود می آید، لکن این امر نیاز به بعد ذهنی دیگری دارد و آن آسیب شناسی در مواردی است که نسبت به نماز حساسیت ها را کاهش داده، موجب

کاهلی در نماز می شود و نماز را از اولویت در ذهن و عین خارج می نماید و نه تنها در عین بلکه از ذهن هم خارج می کند که بعداً به آن اشاره می شود.

آقای مسجد جامعی:

از جناب آقای دکتر محمدیان خواهش می کنم که در زمینه مفاهیم فرهنگ عمومی و چگونگی متجلی شدن مسائل ذهنی در عینیت جامعه ما در حوزه فرهنگی نماز مطالبی را بفرمایند.

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدیان:

بسم الله الرحمن الرحيم

از دوستان و برادران عزیزی که این امکان را فراهم کردند که صاحب نظران و اندیشمندان و منادیان اقامه ی نماز در اقصی نقاط کشور در این مجمع مبارک جمع شوند و تبادل نظر کنند، تشکر می کنم. بحثی که در این میزگرد عهده دار و متکفل گفت و گو از آن هستیم یکی از مباحث پیچیده است، در عین حال که

[صفحه ۲۹۸]

سهل به نظر می رسد، ولی دستیابی به وحدت نظر در موضوع فرهنگ مشکل است. حتی در تعریف فرهنگ هم در بین اندیشمندان و صاحب نظران وحدت نظری نیست، در این خصوص گفت و گوهای مختلفی انجام داده اند، لیکن آنچه تقریباً درباره ی آن متفق هستند این است که فرهنگ به مجموعه ی آداب و رسوم، عقاید، اخلاقیات، منش ها و روش های زندگی افراد یک اجتماع گفته می شود. یکی از صاحب نظران اسلامی در ذیل تفسیر آیه شریفه «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة» این چنین می فرماید که مجموعه ای از بینش ها و گرایش ها در یک جامعه، فرهنگ آن جامعه را ایجاد می کند، نوع نگرش افراد یک جامعه به جهان هستی و تفسیر آنها از جهان خلقت و باید و نباید و تکلیفی که از این جهان بینی برای خود فرض می کنند و براساس آن باید و نبایدها زندگی خود را سامان می دهند، اخلاق خودشان را تنظیم می کنند و روابط جمعی و خانوادگی خودشان را سامان می دهند، این، فرهنگ مردم است و بعد می فرماید که پیامبر ما ابتدا موظف شده که فرهنگ سازی کند، آن قسمت «یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم»، دوره فرهنگ سازی پیامبر است که نیروهای پیشتاز ایمانی در جامعه، فرهنگ دینی را اجرا می کنند و دوره ی «یعلمهم الکتاب و الحکمة» دوره ی مدنیت سازی یا تمدن دینی را بنا نهادن است.

اگر فرهنگ را این چنین دیدیم که مدنی را پایه ریزی می کند، نماز جزو فرهنگ ما است، نماز نماینده ی فرهنگ ما می باشد. البته این معنا را هم دوستان عنایت دارند که هر چیزی که چیز دیگر را بوجود آورد، یقیناً آن بوجود آمده در بقا و دوام و گسترش خود آن عامل مؤثر است. حال اگر خود این نماز که جزوی

[صفحه ۲۹۹]

از فرهنگ دینی است، گسترش پیدا کند، فرهنگ را گسترده می نماید و خود منجر به فرهنگ سازی جدید می شود. ما مظاهر فرهنگی را چنانچه جناب آقای مسجد جامعی هم اشاره داشتند در نمودهای مختلفی می بینیم، مثلاً ادبیات ما بخشی از فرهنگ ما است، ما می بینیم نماز در ادب ما تجلی پیدا کرده است، نقاشی ما، هنر معماری ما، همه ی اینها جزء فرهنگ ما هستند. ما می بینیم نماز خودش عامل مؤثری شده در ایجاد همین معماری ها و پیدایی همین هنرها. می بینیم که بهترین ساختمان ها را در طول تاریخ بشری، مساجد تشکیل داده اند. کسانی که مسجد ساخته اند با یک انگیزه ی دینی وارد شده اند، دقت و توجه خاصی داشته اند.

این یک نوع ایجاد فرهنگ است، به این معنا که قداستی خاص به این محیط داده می شود، حتی آجریهای هم با وضو روی هم چیده می شود. فرهنگ عمومی که در رفتار و آداب و معاشرت ها و مناسبت های اجتماعی و فردی و خانوادگی آحاد مردم تجلی پیدا می کند، یک جنبه عمومی دارد و یک جنبه حکومتی. نکته ای که من می خواهم در این جمع خدمت دوستان عرض نمایم این است که سیاستگذاری فرهنگی یک امر حکومتی است. امروز در این جلسه ی محترم بعضی از دوستان نکاتی را یادآور می شدند که طی آن نسبت به برخی فعالیت های فرهنگی کنایه هایی را داشتند. من عرض می کنم که این نوع فعالیت ها همه لازم است و در جای خود ضرورت دارد، آنچه امروز ما از آن ناراحتیم این است که سیاست فرهنگی مشخص و معینی را دنبال نمی کنیم، بیشتر، سلیقه ها، علائق خاص و نوعی گرایش های خاص حاکمیت پیدا کرده است. در حالی که یک فعالیت فرهنگی باید با سیاست گذاری فرهنگی اجرا شود و اجزای مختلف

[صفحه ۳۰۰]

فرهنگ، همسو و هم جهت، همدیگر را پشتیبانی و تکمیل کنند. یقیناً ما نیازمند فرهنگسرا هستیم، یقیناً نیازمند سینما هستیم، یقیناً نیازمند پارک هستیم، اما همه اینها را نیاز داریم در کنار مسجدی آباد. ما نمی توانیم بگوییم که همه فعالیت ها را در مسجد می توانیم سامان بدهیم، باید در جای دیگر زمینه را فراهم کنیم، همچنان که به بازار نیازمندیم، اما همه این ها باید یک فرهنگی را تعقیب کند و آن فرهنگ، فرهنگ دینی است.

آقای مسجد جامعی:

از جناب آقای فاضل می خواهیم که در زمینه پژوهش ها و تحقیقات فرهنگی که در باب فرهنگ دینی در جامعه اسلامی ما انجام شده و ویژگی های یک فرهنگ دینی و انعکاس آنها در مباحث آموزشی در این فرصت محدود مطالبی را بیان کنند.

آقای فاضل:

بسم الله الرحمن الرحيم

در حوزه ی تحقیقات فرهنگ دینی در کشورمان، متأسفانه با وجود آن که در سال های اخیر تلاش هایی انجام شده و بعضی از تحقیقات به انجام رسیده و بعضی از رساله های کارشناسی ارشد و دکترا به این موضوع اختصاص پیدا کرده، از دیدگاه روان شناسی، جامعه شناسی و سایر رشته های علوم انسانی هم به این موضوع توجه کرده اند، اما هنوز ما به آن میزان از تحقیق دست نیافته ایم که بتوانیم بر اساس آن تحقیقات در واقع نظریه یا فرضیه ای را در خصوص فرهنگ

[صفحه ۳۰۱]

دینی کشورمان با درجه ی احتمال بالایی ارائه بنماییم، به همین دلیل من تصور می کنم که اولین نکته این باشد که ان شاءالله تحقیقات فرهنگ دینی که از ضروریات جامعه ما است، توسعه و گسترش پیدا کند تا در واقع به حدی از پژوهش برسیم که بتوانیم به نتیجه ی دست آوردهایمان اعتماد کنیم و همچنین بتوانیم از زوایای مختلفی مقوله ی فرهنگ دینی را ببینیم.

نکته ی دوم این که از آنجا که معمولاً هر امری که به نوعی نابهنجاری تلقی شود، جلوه ی آن به مراتب بیش از آن امر مطلوب و آرمانی است، به همین دلیل به ذهن می رسد که وضعیت کنونی جامعه ی ما دچار نابهنجاری ها و

نابسامانی های فرهنگی گسترده ای است و بالاخص به واسطه ی برخی رفتارهای غیر دینی یا خلاف شرع یا برخی از ناپهنجاری های اخلاقی و فرهنگی که در میان نوجوانان و جوانان گروه های مختلف جامعه ممکن است مشاهده شود، این طور تصور گردد که وضعیت فرهنگ دینی کشور رو به سستی و تزلزل است و در میان قشرهای مختلف جوانان یا گروه های دیگر جامعه، فرهنگ دینی کاستی و نقصان پیدا کرده، لیکن براساس حداقل سه پروژه ی ملی که از سال ۷۲ تا پایان سال ۷۵ انجام شده و اطلاعات دقیقی که بدست آورده ایم، حداقل می توانیم این نکته را اظهار کنیم که واقعاً این جور نیست. در شاخص های مختلفی که اندازه گیری و بررسی شده، فعالیت های مذهبی، و ارزش ها و باورهای دینی به مراتب بیش از گذشته تقویت گردیده است.

همان طور که جناب آقای مسجد جامعی فرمودند حداقل بر اساس تحقیقی که در سال ۵۳ انجام شده و در سال های ۵۹ و ۷۴ هم مجدداً این تحقیق صورت گرفته، ما می بینیم که در طول زمان وضعیت باورها و ارزش ها و رفتارهای مذهبی

[صفحه ۳۰۲]

در جامعه تقویت شده و همواره بهبودی فرهنگ دینی در تحقیقات انعکاس پیدا کرده است. تحقیق بسیار گسترده ای که نسبت به چند شاخص مذهبی مثل انجام نذور، زیارت اماکن مقدسه و برخی شاخص های دیگر در ۱۵ شهر کشور انجام شده، نشان می دهد که تمامی شاخص ها نسبت به گذشته از کیفیت بالاتر و بهتری برخوردار است و در میان گروه های سنی نوجوانان و جوانان نیز شاخص های مذهبی آنان روز به روز بهتر شده و امیدواریم که در آینده بتوانیم به جامعه ی آرمانی اسلامی برسیم.

آقای مسجدجامعی:

از جناب آقای سپهری عضو محترم استان، که به نوعی میزبان این نشست هستند و در برگزاری این مراسم همکاری دارند، خواهش می کنیم که گزارشی درباره ی فعالیت هایی که انجام شده بفرمایند. جناب آقای قرائتی فرمودند در این دو روز سمینار همه آمدند و درباره ی فلسفه و ضرورت پرداختن به مسأله نماز و نمازخانه کمی صحبت کردند. خوب البته بسیار هم مفید است، لکن فعالیت ها، اقدامات، پیشنهادات و راهکارهای اجرایی را مشخص کنند، تا ما را در رسیدن به آن اهداف کمک کند. اینها هم یک بخشی از کارها است که باید بیان بشود. و طبعاً ان شاءالله اگر در

سال های بعد شاهد این باشیم که نشست ها به سمت موضوعات ویژه و تخصصی پیش برود، شاید این زمینه بیشتر شود. به هر حال در این فرصت محدود از جناب آقای سپهری خواهش می کنم که در این زمینه مطالبی را بفرمایند.

آقای سپهری

بسم الله الرحمن الرحيم

از اصول فرهنگی نظام مقدس جمهوری اسلامی - از نکاتی که مطرح شد -

[صفحه ۳۰۳]

تعالی فرهنگ اسلامی و انسانیت است. از اهداف و وظایفی که برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین شده، فراهم نمودن زمینه رشد و تعالی ارزش های الهی و انسانیت است. من از این دو جمله استفاده می کنم تا اختصاراً به مواردی اشاره داشته باشم، در فرصت محدودی که هست.

بحث نهادینه کردن ارزش ها و باورها و بحث فرهنگ سازی، قسمتی مربوط به خود انسان ها است و بخش دیگر مربوط به ابزارها، شرایط و امکاناتی است که انسان ها در تحقق ارزش ها به آنها نیازمندند. در بخش اول: یکی از قدم های ارزشمند در این زمینه بحث کانون های فرهنگی و هنری محله ها است که یکی از برنامه های مهم این کانون ها حضور فعال در نمازهای جمعه و جماعت و آموزش احکام و مسائل اخلاقی است.

بحث بعدی، بحث نمایشگاه های فرهنگی و هنری از آثار هنرمندان کشور و استان و منطقه است. در همین سال جاری در آذربایجان غربی، در جشنواره ی هنرهای تجسمی و در نمایشگاه قرآن و عترت، بحث نماز یکی از محورهای مهم بود. یا در متون نمایشی برای همه ی عزیزانی که در وزارت ارشاد در سراسر کشور هستند یکی از مسائل اولویت دار، توجه به نماز و پرداختن به ارزش های دینی در متون نمایشی است.

نکته ی دیگری که اضافه می کنم، بحث کتابخانه است؛ در همه ی کتابخانه ها بخشی برای ارائه ی کتب مربوط به نماز اختصاص داده می شود و خود کتابخانه یکی از زمینه های بالا بردن آگاهی مردم و جوانان است که قهراً نماز هم از همین مصداق است. در آذربایجان غربی حدود ۲۰۰ باب کتابخانه ی روستایی و مدارس در سال گذشته و امسال تأسیس گردید که وجود کتابخانه در مساجد

[صفحه ۳۰۴]

می تواند جوانان را جذب مساجد کند.

آخرین نکته این که از آنجا که اداره ی کل ارشاد عضو شهرسازی است، یکی از مسائلی که آنجا مطرح شده است بحث فضای مساجد و در نظر گرفتن فضاهای لازم برای آن می باشد.

آقای مسجد جامعی:

بنده از تحقیقی که در سال گذشته به عنوان پژوهش برگزیده ی سال انتخاب شد، آماری را نقل می کنم. عنوان تحقیق:

«علل عدم گرایش یا گرایش جوانان و نوجوانان به نماز»

نوشته آقای صالحی بود. یکی از مواردی که در این تحقیق وجود دارد این است که کلیه ی دانش آموزان نسبت به نماز نگرش مثبت دارند. اما من محورهایی را که در این بحث قرار بود مورد مذاکره قرار بگیرد، عرض می کنم؛ محور اول: نوع نگاه سیاستگذار و برنامه ریز فرهنگی به مسأله ی نماز که این نگاه را نگاه آسیب شناسی می گوئیم و صرفاً به شمردن فضایل و آثار نماز نمی پردازد.

محور بعد: اجزای عینی فرهنگ نماز که شامل وضوخانه و الزامات طهارت، محل نماز، اجتماعی برای نماز، یادآوری و تنظیم نماز، زمان نماز، نهادها و مقررات اجتماعی مربوط به فرهنگ نماز و امام جماعت.

محور بعدی: عوامل ذهنی مؤثر در فرهنگ نماز مثل برداشت غلط اعتقادی، اباحه گری اجباری و تکلیف دیدن مشارکت در فرهنگ نماز، سیاسی دیدن نماز، عدم استقرار آموزش و یادآوری ارزش و ضعف های اخلاقی. براساس تحقیق ما، فعالیت های تفریحی و فرهنگی در باب نماز، به خوبی انجام شده است. لکن نیاز به آسیب شناسی دارد و اینکه آیا تبلیغ بر اساس همین شیوه ها و در این

[صفحه ۳۰۵]

حد، همیشه می تواند مثبت باشد یا گاهی اثر معکوس دارد؟

در مقابل بهسازی عینی فرهنگ نماز، تعلیم و تربیت به موقع کودکان و نوجوانان، فعالیت توجیهی در مقابل سبک شمردن نماز، تلاش برای حل معضلات ذهنی کسانی که نماز را ترک گفته اند، مقدمات لازم برای تبلیغ صحیح،

پژوهش در آسیب شناسی، نگرش فرهنگی نسبت به نماز تدوین نظریات درباره ی نظام شهری و تدوین نظریات در مورد شیوه ی زندگی و مقررات اجتماعی.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته